

کیمهان ۵۵۶

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۱۴ تا پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۲۲

بقای جمهوری اسلامی به بهای ویرانی ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده



KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

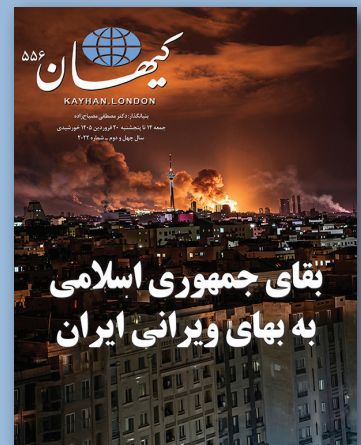


10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com



سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۲۲ (۵۵۶)

۱۴ تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۵
۳ تا ۹ آوریل ۲۰۲۶



بقای جمهوری اسلامی
به بهای ویرانی ایران

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرپیران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 240602273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب

سر مقاله- بمب تورم بر سر جامعه ایران / روشنگر آسترکی ۴
 تیر هفته - بقای جمهوری اسلامی به نفع ویرانی ایران... / ۴-۵

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در نشست «سی پک»: ضربه نهایی به رژیم مردم ایران... / ۶-۷
 متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در «دانشگاه لیبرتی»: صدای جوانان ایران در مبارزه... / ۸-۹
 فایننشال تایمز: «اقتصاد مقاومتی» الگوی بقای نظام جمهوری اسلامی در شرایط جنگ... / ۱۰-۱۱
 عروسی شرع پسند... / اخیر اندیش (احمد احرار) ۱۱
 پشت دیوارهای بلند / از کاخ تازندگان (۳) ... / آذر آریانپور ۱۲-۱۳
 آمریکادر حال تدارک عملیات زمینی در ایران است... / ۱۴
 ادعای ترامپ: «رئیس جمهور جدید ایران» درخواست آتش بس کرده است... / ۱۴
 ترامپ مهلت بازگردن تنگه هرگز را باز هم تمدید کرد: سپاه پاسداران: تنگه باز نخواهد شد... / ۱۵
 مارکوریو: فعلاً مشخص نیست چه کسی در تهران واقعاً تصمیم گیرنده است... / ۱۵
 وال استریت ژورنال: ترامپ در حال بررسی عملیات نظامی برای خارج کردن اورانوم ایران است... / ۱۶-۱۷
 گارد جاویدان و مسئولیت بزرگ آن... / نادر صدیقی ۱۸-۱۹
 دوران نبرد با تاریکی: پهلوی، وحشت جمهوری اجنبی (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۱۹
 دوران نبرد با تاریکی: باور به قدرت ملت (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۱۹
 نیویورک تایمز: شکاف در رأس قدرت ایران، هماهنگی نظامی رامختل کرده است... / ۲۰-۲۱
 دوران نبرد با تاریکی: ترسیم آینده‌ای روشن (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / فرید خلیفی ۲۱
 آمریکاهم‌زمان دو جبهه را پیش می‌برد: میدان نظامی و بازار انرژی... / ابهام محمدی ۲۱
 دونالد ترامپ: اگر جمهوری اسلامی توافق نکند به همه نیر و گاه‌های برق ضربه می‌زنیم... / ۲۲-۲۳
 اختلاف وزرای خارجه «گروه هفت» بر سر جنگ علیه جمهوری اسلامی... / ۲۳
 آمریکادر خلیج فارس: اهداف اعلامی و نتایج میدانی... / اکرووش زمانی ۲۴-۲۵
 حذف هدفمند فرماندهان لجستیکی نیروهای مسلح: بازداشت صراف‌های مرتبط با سپاه در امارات... / ۲۶
 گزیننه آمریکابرای امثال قالیباف: «تسلیم» یا «مرگ»... / ۲۶-۲۷
 دونالد ترامپ: یک هفته دیگر خواهیم فهمید قالیباف واقعا با آمریکا همکاری می‌کند یا نه... / ۲۷
 ماندن جمهوری اسلامی به سود کیست؟ از مسکو و پکن تا پایتخت‌های مرزدار و باو همسایگان... / اس. روزبه ۲۸-۲۹
 نیویورک تایمز: ربایش خبرنگار آمریکایی در بغداد و ظن دخالت شبه‌نظامیان نزدیک به جمهوری اسلامی... / ۳۰
 کلاس‌های دانشگاه‌های ایران تا پایان ترم آنلاین شد... / ۳۱
 جمهوری اسلامی ایران در درون دو نبرد مداوم: نبردهای داخلی و خارجی... / دکتر رضاعیدی فیروزآبادی ۳۱
 جمهوری اسلامی امیر حسین حاتمی، از بازداشت‌شدگان دی ۴، ۲۰۲۴ اعدام کرد... / ۳۲-۳۳
 دونالد ترامپ: آمریکایکا ۳۵۵۴ هدف دیگر در ایران دارد... / ۳۳
 مجلس شورای اسلامی روی هوا! هراس از حملات نظامی هدفمند اسرائیل و آمریکا... / ۳۴
 حملات سنگین به اصفهان با بمب‌های سنگر شکن... / ۳۵
 رابطه‌ی تضعیف و فروپاشی: دینامیک بقای حکومت هادشرایط بحران... / دکتر مهدی میرسعیدی ۳۶-۳۷
 تحویل سال ۱۴۰۵ شاهنشاهی در کنار دیوار جاوید نامان محله گلدرزگیرین لندن... / ۳۷
 ضرورت تأسیس انجمن دوستی ایران و اسرائیل... / اکبر معارفی ۳۸
 ایران نه ویتنام است، نه عراق و نه افغانستان... / افر دصباری ۳۹
 گزارش ویژه: ایرانیان ساکن امارات زیر فشار روانی و نگرانی از سرنوشت اقامت و اموالشان... / فیروزه نور دستروم ۴۰-۴۱
 «کودک سر بازی» حکومتی: برنامه‌ی سپاه پاسداران برای جذب کودکان بالای ۱۲ سال... / حنیف حیدر نژاد ۴۲-۴۳
 صالحه اکبری، تکنسین اتاق عمل و کوهنورد، با شلیک مأموران سرکوب در خانه‌اش جان باخت... / ۴۳
 عربستان موفق به انتقال نفت از مسیر جایگزین تنگه هرگز شد... / ۴۴-۴۵
 گزارش مراسم بزرگداشت نوروز در وین اتریش... / ۴۵
 چرا جمهوری اسلامی تسلیم نمی‌شود؟ تبیین نهادی امتناع ساختاری در... / آریا چمروش ۴۶-۴۷
 هدفگیری معنادر خانه کمال خرازی در آلودانیه تهران... / ۴۷
 یک ماه تاریکی دیجیتالی: در ایران؛ وعده اتصال تدریجی اینترنت کسب و کارها... / ۴۸
 بحران کم‌آبی: ذخائر آب چند سده مهم مشهد تمام شد... / ۴۹
 گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران از تشدید فشار بر فعالان صنفی آموزگاران... / ۵۰
 ادامه افزایش قیمت جهانی نفت: ابهام درباره سرنوشت حمل و نقل دریایی در تنگه هرگز... / ۵۰-۵۱
 تورم اقتصاد ایران در نخستین هفته‌های جنگ به مرز ۷۲ درصد رسید... / ۵۲
 جهش قیمت نفت به بیش از ۱۱۶ دلار در پنجمین هفته جنگ خاورمیانه... / ۵۳
 اعدام چهار زندانی سیاسی طی دوروز: خطر اجرای حکم اعدام پنج متهم بازداشت‌شده در... / ۵۴
 افزایش قیمت جهانی نفت پس از سخنرانی ترامپ... / ۵۵
 کانال فرضی اتصال خلیج فارس به دریای عرب... / اشهرام سبزواری ۵۶
 مشروطه، پادشاهی و مرزهای تحریف: تحلیلی بر کنگره‌ی اخیر و بحران هویت در... / بهزاد پرتیان ۵۷
 خبرهای کوتاه... / ۵۸-۵۹
 پشت جلد- عکس هفته / سال زایش دوباره تمدن ۲۵۰۰ ساله ایران ۶۰

بازنشر
بازنشر



بقای جمهوری اسلامی به بهای ویرانی ایران

مب تورم بر سر جامعه ایران

جدیدترین آمار تورم در اقتصاد ایران نشان می‌دهد این شاخص کلیدی از مرزهای بحران عبور کرده و جامعه را وارد وضعیت اضطراری معیشتی کرده است؛ وضعیتی که نه تنها از ورود اقتصاد کشور به مرحله‌ای از بی‌ثباتی عمیق حکایت دارد، بلکه زنگ خطر فروپاشی اجتماعی و گسست همبستگی ملی را نیز به صدا درآورده است.

مرکز آمار ایران در هفته گذشته گزارش تورم اسفندماه ۱۴۰۴ را منتشر کرد. بر اساس این گزارش، تورم نقطه‌به‌نقطه، یعنی تغییر شاخص قیمت‌ها در اسفند ۱۴۰۴ نسبت به اسفند ۱۴۰۳، به ۷۲ درصد رسیده است. در همین حال، تورم نقطه‌به‌نقطه گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به ۵/۱۱۲ درصد رسیده؛ رقمی تکان‌دهنده که عمق بحران معیشتی را آشکار می‌کند. این ارقام، رکورد تورم نقطه‌ای در اقتصاد ایران را در ۸۲ سال گذشته، یعنی از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، شکسته‌اند.

اگر چه اقتصاد ایران طی نیم قرن گذشته همواره با تورم در هم تنیده بوده است اما مهمترین خصوصیت پایدار شاخص‌های اخیر تورم، پیوند آن با رکودی عمیق است؛ خانوارهای کشور در حالی با افزایش پرسرعت قیمت‌ها در بازارهای مختلف روبرو هستند که باید با اثرات رکود عمیق اقتصادی از جمله بیکاری و ورشکستگی کسب و کارها نیز دست و پنجه نرم کنند.

در آنسو در هفته‌ها و ماه‌های آینده بودجه‌ای که در زمان تدوین و روی کاغذ هم با کسری عملیاتی روبرو بود، به علت اثرات اقتصادی جنگ، با کسری عمیق‌تری روبرو خواهد شد. درآمدهای کشور به علت رکود ناشی از شرایط جنگی کاهش خواهد یافت و کسب‌وکارهای بیشتری تعطیل خواهند شد و در یک کلام، اقتصاد ایران با رشد اقتصادی فاصله بیشتری پیدا خواهد کرد. همه اینها تورم را تحریک می‌کند و گرانی بیشتری را ثبت خواهد کرد.

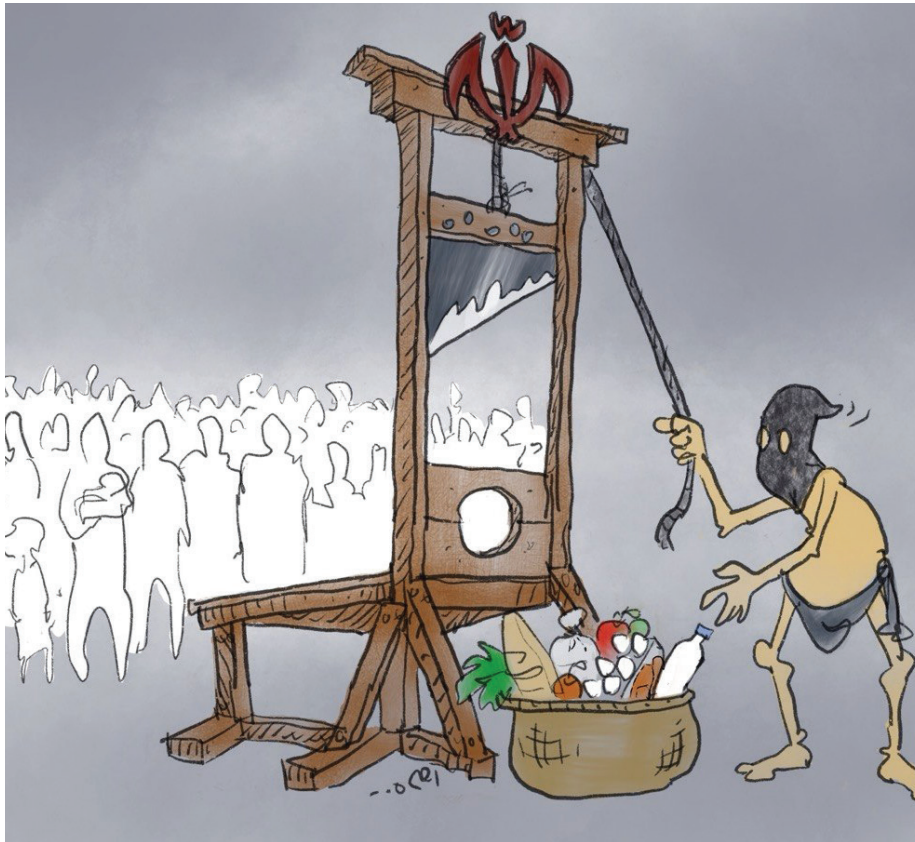
نتیجه مستقیم این روند، سقوط شمار بیشتری از خانوارها به زیر خط فقر و دشوارتر شدن تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی برای بخش بزرگی از جامعه است. در چنین شرایطی، فقر دیگر صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه به بحرانی اجتماعی بدل می‌شود؛ بحرانی که به گسترش محرومیت، تعمیق شکاف‌های اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی و در نهایت فروپاشی اجتماعی می‌انجامد.

فروپاشی اجتماعی ناشی از فقر، فرآیندی است که در آن تنگنای اقتصادی با کاهش اعتماد عمومی، افزایش ناهنجاری‌ها، رشد بزهکاری و تشدید آسیب‌های اجتماعی همراه می‌شود. پیامد چنین وضعی، گسترش ناامیدی، افول امید به آینده و انباشت ناراضی‌های ساختاری در جامعه است.

در این میان، آنچه بیش از همه در معرض آسیب قرار می‌گیرد، «جسب اجتماعی» است؛ همان نیروی پیونددهنده‌ای که جامعه را از رهگذر مؤلفه‌های هویتی، فرهنگی، اخلاقی و اعتماد متقابل، در کنار هم نگه می‌دارد. هرچه این پیوندها سست‌تر شود، توان ملی برای مقابله با بحران‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد.

مسئولیت اصلی این وضعیت بر عهده سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی است؛ تصمیم‌گیری که نه درکی از منافع ملی، رفاه عمومی و امنیت ملی ایران دارند و نه اعتنایی به سرنوشت مردم ایران. حاصل چنین سیاست‌گذاری‌ای، چیزی جز تشدید فقر، فرسایش بنیان‌های اجتماعی و قرار گرفتن کشور در معرض بحران‌های عمیق‌تر، جنگ و ویرانی نبوده است.

مب تورم آمیخته به رکود در شرایطی بر سر مردم ایران آوار شده که جامعه‌ای که با تهدیدهایی در رابطه با تمامیت ارضی ناشی از ناامنی شرایط جنگی روبروست، و سالیانه فرایند مبارزات آزادخواهانه برای تغییر ساختار سیاسی در ایران را پیش برده، این روزها، از هر نظر، بیش از گذشته نیازمند حفظ همبستگی ملی است تا از دالان تاریک گزندها و آسیب‌های ناشی از جنگ خارجی و سرکوب داخلی عبور کند و بتواند مسیر آزادخواهی خود و سرفرازی میهن را پیش برد.



● موضع‌گیری‌های مقامات اسرائیلی، سازگاری و همسویی زیادی با خواست مردم ایران بویژه در دستیابی به آزادی و صلح در فردای جنگ دارد. هرچند که جریان بزرگ ملی‌گرا باور دارد که بدون حمایت‌های آمریکا سرنگونی حکومت دشوار است اما واقعیت اینجاست که این مردم، بنیامین نتانیاهو و نهادهای اسرائیلی را شریک اصلی خود در مبارزه برای «سرنگونی ملاها» می‌دانند، تا دولت ترامپ.

نیروهای بسیج و سپاه و «یگان ویژه»، بعنوان سپر انسانی به‌کار گرفته می‌شوند.

آمریکادر چند مرحله از طریق واسطه‌های منطقه‌ای پیشنهاد مذاکره با جمهوری اسلامی را مطرح کرده است اما هر بار این پیشنهادات رد شده است. روایت اصلی جمهوری اسلامی این است که آمریکا و اسرائیل به دلیل آنکه در جنگ شکست خورده‌اند، پیشنهاد مذاکره و توافق می‌دهند. این روایت را بیشتر جریان اصلی قدرت در ایران یعنی سپاه پاسداران برجسته می‌کنند. آنها «هرگونه مذاکره» با آمریکا را قویا رد می‌کنند و تأکیدشان این است که «آتش‌بس» معنا ندارد. از سوی دولت، تمایل بیشتری به مذاکره نشان داده می‌شود اما مسعود پزشکیان و عباس عراقچی می‌گویند: «پیامی از آمریکا دریافت نکرده‌اند.» ادعایی که احتمالاً درست می‌باشد، زیرا آمریکا عملاً دولت جمهوری اسلامی را فاقد اختیار و اعتبار می‌داند و پیام‌ها برای افرادی مثل محمدباقر قالیباف ارسال می‌شود.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا تهدید کرده است که اگر جمهوری اسلامی تسلیم نشود، به «عصر حجر بازمی‌گردد.» در پاسخ مجید موسوی فرماندهی نیروی هوافضای سپاه پاسداران گفته است: «این شماست که سربازان را به زیر سنگ گور می‌برید نه ایران که بخواهید آن را به عصر سنگ برگردانید.» او تهدیدات ترامپ و سایر مقامات آمریکایی را

بیش از چهار هفته از آغاز عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. علی‌رغم اینکه بخش عمده‌ی زیرساخت‌های نظامی و امنیتی حکومت در بمباران از بین رفته است، اما مقامات تهران از یک مسئله ابراز رضایت می‌کنند: اینکه با وجود سنگین‌ترین حملات، هنوز نظام سرنگون نشده و «مقاومت» ادامه دارد.

بعد از کشته شدن علی خامنه‌ای، هنوز تکلیف «رهبری» جمهوری اسلامی مشخص نیست. هواداران نظام، راضی‌اند زیرا معتقدند خامنه‌ای پدر رفت و پسر که جوان‌تر است جای او نشست.

در شرایطی که اینترنت قطع است، دستگاه تبلیغاتی نظام با سانسور گزارش‌ها و خبرها درباره تلفات و خسارات سنگین جنگ، در میان هواداران خود القا می‌کند که پیروز میدان نبرد بوده است.

احتمالاً آسان‌ترین کار برای جمهوری اسلامی راضی نگه داشتن هوادارانش باشد. آنها از ابتدای جنگ تاکنون در اغلب شهرها در محلات تجمع می‌کنند، مداحان و سلب‌ریتی‌های حکومتی برایشان نوحه‌سرایبی و سخنرانی می‌کنند، تابوت فرماندهان و نیروهای نظامی کشته شده در جنگ تشییع می‌شود، در همان محل میان آنان غذا توزیع می‌شود و می‌خورند، جشن عروسی و عقد می‌گیرند و آنجا هم که لازم باشد کنار ایست‌های بازرسی و مراکز تجمع

شناسایی و حذف شدند.

در این جنگ به جز علی خامنه‌ای، مقامات سیاسی رژیم کمتر مورد هدف قرار گرفته‌اند اما خانه‌ی کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و وزیر خارجه پیشین جمهوری

آنچه جمهوری اسلامی روی آن حساب باز کرده، مقاومت در خیابان به‌زور اسلحه و ارباب مخالفان است تا با فرسایشی شدن جنگ و افزایش فشارهای بین‌المللی روی ترامپ از جمله با مختل شدن کشتی‌رانی در تنگه‌ی هرمز،



او وادار به عقب‌نشینی شود.

تهدیدات ترامپ

ترامپ برای افزایش فشار به حکومت، تهدید به هدفگیری زیرساخت‌های انرژی از جمله نیروگاه‌ها کرده است. مشخص نیست آیا این مواضع در حد تهدید باقی خواهد ماند یا خیر. توجیه مقامات آمریکایی این است که به تلافی اختلال سپاه در جریان حمل و نقل انرژی، آسیب به زیرساخت‌ها، اقدامی مشروع است. این روند در میدان نبرد تعریف شده است اما اینکه لزوماً نابودی زیرساخت‌ها به معنای نابودی جمهوری اسلامی باشد، تضمین شده نیست، زیرا هنوز سرکوبگران در خیابان‌های تهران قدرت دارند.

خواست مردم

مردم که اغلب آنها مخالف حکومت‌اند، امیدوارند که پس از تحمل جنگ و خسارات سنگین ناشی از آن، سرکوبگران آنقدر ضعیف شده باشند که در خیابان موج دوم انقلاب را از سر بگیرند و کار جمهوری اسلامی را تمام کنند. آنچه پیداست، در این مسیر مقامات اسرائیلی مواضع شفاف‌تری در حمایت از مردم ایران اتخاذ کرده‌اند. موضع‌گیری‌های آنها سازگاری و همسویی زیادی با خواست مردم ایران بویژه در دستیابی به آزادی و صلح در فرای جنگ دارد. هرچند که جریان بزرگ ملی‌گرا باور دارد که بدون حمایت‌های آمریکا سرنگونی حکومت دشوار است اما واقعیت اینجاست که این مردم، بنیامین نتانیاهو و نهادهای اسرائیلی را شریک اصلی خود در مبارزه برای «سرنگونی ملامها» می‌دانند، تا دولت ترامپ.

اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵، در یک حمله‌ی هوایی بمباران شد. خانه‌ی خرازی در شمال تهران، محله‌ی آجودانیه واقع است. روزنامه‌ی «نیویورک‌تایمز» به نقل از مقامات جمهوری اسلامی، درباره‌ی حمله به خانه‌ی خرازی نوشت که او در حال کمک به تسهیل یک دیدار احتمالی میان مقامات جمهوری اسلامی و جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا بود، که توسط اسرائیل هدف قرار گرفت.

اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی به یک رسانه در آفریقای جنوبی گفت: «این یک جنگ عادی نیست. آنها رهبران و فرماندهان ما را، حتی خارج از محل خدمتشان هدف قرار دادند. این یک جنگ ناعادلانه است.»

توصیه‌ی شاهزاده رضا پهلوی به ترامپ: رژیم باید کاملاً

پایان یابد

طی همین مدت، شاهزاده رضا پهلوی بعنوان رهبر اصلی انقلاب شیروخورشید، در دو رویداد سیاسی مهم حضور داشت و سخزانی کرد: کنفرانس سالانه «سی‌پک» و دانشگاه لیبرتی؛ در هر دو جا به رهبران غرب بویژه آمریکا، توصیه کرد که هدف باید «پایان رژیم» باشد. او با اشاره به سیگنال‌های مذاکره با جمهوری اسلامی به ترامپ هشدار داد که حتی «گر بخشی از رژیم در قدرت باقی بماند، به همان شیوه‌های قدیمی و جهادی برای آمریکا، امنیت آن و منافعتش تهدید خواهد بود؛ همان باج‌گیری هسته‌ای و همان فریادهای «مرگ بر آمریکا» تکرار خواهد شد؛ زیرا «حقیقت ساده است: جمهوری اسلامی نمی‌تواند خود را اصلاح کند. شما نمی‌توانید یک مار را اصلاح کنید. زهر در دی‌ان‌ای آن است.»

گزارش‌های میدانی نیروهای مسلح (سپاه، ارتش، نیروی انتظامی، بسیج و امنیتی‌ها) در پنجمین هفته‌ی جنگ زیر آتش شدید بمب و موشک با تلفات سنگین (حدود ۵ هزار نفر کشته) روبرو هستند. شاهدان می‌گویند نیروهای امنیتی در خیابان با کلاشنیکف و دوشکا پرسه می‌زنند، ایست‌های بازرسی پراکنده‌تر شده‌اند و ماموران از ترس اصابت، مدام جابجا و یا زیر پل‌ها و تونل‌ها مستقر می‌شوند. گزارش‌ها حاکی از آن است که رفتار آن‌ها توهین‌آمیز و برخوردها عصبی و پرخاشگرانه است.

طی هفته‌های اخیر صدها نفر از شهروندان در شهرهای مختلف به اتهام جاسوسی، ارسال عکس و فیلم برای شبکه‌های ماهواره‌ای، ارسال موقعیت جغرافیایی ماموران و خرید و فروش استارلینک بازداشت شدند.

هدفگیری‌های معنادار

در چهارمین هفته از عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی، یکی از برجسته‌ترین رویدادهای میدانی، هدفگیری منازل، ویلاها، خانه‌باغ‌ها و مخفیگاه‌های عوامل نظامی و امنیتی حکومت بود. علیرضا تنگسیری فرماندهی نیروی دریایی سپاه پاسداران در یک آپارتمان در بندرعباس کشته شد. سردار جمشید اسحاقی، مشاور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و از دلال‌های نفتی سپاه نیز به همراه خانواده‌اش در تهران هدف قرار گرفت. تعداد دیگری از فرماندهان در رده‌های میانی نیز هدف قرار گرفتند. مهدی وفایی رئیس شاخه‌ی مهندسی واحد لبنان نیروی قدس سپاه پاسداران نیز در شهر محلات کشته شد. همچنین شمار قابل‌توجهی از فرماندهان میدانی تیم‌های سرکوب در نقاط مختلف کشور

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در نشست «سی‌پک»: ضربه نهایی به رژیم را مردم ایران خواهند زد



● شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه اقدام سیاسی محافظه‌کاران آمریکا موسوم به «CPAC»، بر ضرورت کنار زدن کامل رژیم جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت: «جمهوری اسلامی در تمامیت خود باید برود» و «ضربه نهایی به حکومت را مردم ایران می‌زنند».

● «تنها راه صلح و ثبات پایدار از جدایی کامل از این رژیم می‌گذرد. این رژیم، در تمامیت خود، باید برود. اگر کار را تمام نکنیم و بقایای رژیم را باقی بگذاریم تهدید در جهان ادامه خواهد یافت.»

● «ایران، عراق نیست. ما اشتباه فاجعه‌بار بعضی‌زدایی را تکرار نخواهیم کرد. هیچ انحلالی در نهادهای بروکراتیک رخ نخواهد داد، هیچ خلاء قدرتی ایجاد نخواهد شد و هیچ هرج‌ومرجی به‌وجود نخواهد آمد.»

● شاهزاده رضا پهلوی از آمریکا خواست «بر همین مسیر باقی ماند» و به جمهوری اسلامی «طناب نجات» ندهد تا به گفته او مردم ایران بتوانند «کار را تمام کنند».

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه اقدام سیاسی محافظه‌کاران آمریکا موسوم به «CPAC»، بر ضرورت سرنگونی کامل رژیم جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت: «جمهوری اسلامی در تمامیت خود باید برود» و «ضربه نهایی به حکومت را مردم ایران می‌زنند».

او همچنین گفت میلیون‌ها ایرانی در داخل و خارج کشور از او خواسته‌اند رهبری دوره گذار به دموکراسی را بپذیرد و او نیز این درخواست را قبول کرده است.

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در نشست «سی‌پک» را در ادامه می‌خوانید:

«امروز را با یاد هم‌میهنان جانباخته‌ام آغاز می‌کنم. قهرمانان کشورم که جنگیده‌اند، خون داده‌اند و جان باخته‌اند؛ نه فقط برای آزادی خود و رهایی ایران از چنگال رژیم شرور و منحط که ۴۷ سال است همه ما را به گروگان گرفته، بلکه برای آزادی، صلح و امنیت جهان.»

هرگاه با این قهرمانان سخن می‌گویم، چه زمانی که از خیابان‌های اعتراض بازمی‌گردند و چه آن هنگام که خود را برای نبرد نهایی آماده می‌کنند، غالباً از من می‌خواهند: «به جهان بگو ما فقط برای خودمان نمی‌جنگیم؛ برای آنها نیز می‌جنگیم.» از همین رو، در همین فضا و به افتخار آنان، از شما می‌خواهم برای لحظه‌ای چشمان خود را ببندید و ایرانی آزاد را تصور کنید: دیگر نه تهدید هسته‌ای؛ نه تروریسم؛ نه گروگانگیری؛ نه بستن تنگه هرمز؛ و نه باج‌خواهی از اقتصاد جهانی. ایرانی را تصور کنید که بجای صدور تروریسم، مروج آزادی است: آزادی برای مردم خود؛ ثبات برای همسایگان؛ و امنیت ملی و فرصت اقتصادی برای ایالات متحده و جهان آزاد. آیا می‌توانید ایرانی را تصور کنید که از «مرگ بر آمریکا» به «خدا آمریکا را حفظ کند» برسد؟ من می‌توانم. زیرا روح واقعی مردم را دیده‌ام. در ۱۱ سپتامبر، یکی از تاریک‌ترین روزهای آمریکا، زمانی که دشمنان شما و حتی برخی که خود را دوست شما می‌نامیدند آن حملات هولناک را جشن گرفتند، مردم ایران دست به کاری زدند که قرار نبود جهان آن را ببیند. آنها جان خود را به خطر انداختند تا در قلب تهران برای قربانیان شمع بیاورند.

آنها این کار را برای نمایش جلوی دوربین انجام ندادند

رژیم و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کلیسای خانگی زیرزمینی یورش می‌برند و آنها را غارت و کشیش‌ها را بازداشت و شکنجه می‌کنند و مبلغان و نوکیشان مسیحی را تحت آزار قرار می‌دهند و اعدام می‌کنند. اینست جمهوری اسلامی؛ نه ایران واقعی، و نه آن چشم‌اندازی که ما برای آینده در نظر داریم.

در چارچوب این چشم‌انداز، ایران، ایالات متحده، اسرائیل و همسایگان عرب ما، بجای درگیری و ترور، با صلح و رفاه به یکدیگر پیوند می‌خورند.

خاورمیانه‌ای که در آن بتوانیم امور خود را خودمان اداره کنیم و حوزه پیرامونی خود را خودمان مدیریت کنیم؛ جایی که بتوانیم به جنگ‌های بی‌پایان پایان دهیم و به دوستان آمریکایی‌مان امکان دهیم فرزندان یونیفورم‌پوش خود را به خانه بازگردانند و بر همانجایی تمرکز کنند که خودشان می‌خواهند: خانه.

ایران آزاد یک خیال نیست.

ایران آزاد، همین اکنون، در دسترس است.

اما همانگونه که همه ما می‌دانیم، آزادی هرگز بی‌هزینه به دست نمی‌آید. هم‌میهنان من این را ثابت کرده‌اند. آنها درخواست صدقه ندارند و انتظار ندارند آزادی‌شان در سینی نقره‌ای تقدیم آنان شود. مردم ایران بهایی باورنکردنی برای آزادی خود پرداخته‌اند.

در ژانویه امسال، از هم‌میهن‌انم خواستم علیه رژیم که ۴۷ سال است آنان را سرکوب کرده به خیابان بیایند و اعتراض کنند. میلیون‌ها نفر پاسخ دادند و بزرگترین موج اعتراضات در تاریخ معاصر ایران را رقم زدند؛ موجی که هر ۳۱ استان کشور را در بر گرفت.

در هشتم ژانویه، ساعت هشت، آنان جان خود را کف دست گرفتند و برای مقابله با رژیم اشغالگر به خیابان آمدند. درست در همان لحظه، خامنه‌ای، لاریجانی، قالیباف و دیگر اعضای مافیای آنان اینترنت را قطع کردند. در تاریکی و با قساوتی که جهان را شوکه کرد، بیش از

بلکه برای دوستی انجام دادند که رنج می‌کشید. این، چهره واقعی ایران است. برخلاف رژیم‌های مرگ و ویرانی را می‌پرستد، مردم ایران زندگی و آزادی را پاس می‌دارند. از همین روست که می‌توانم ایرانی را تصور کنم که بجای افراط‌گرایان، مهندس به جهان عرضه می‌کند. بجای مپ‌گذاران انتحاری، استارت‌اپ صادر می‌کند. بجای نفرت، نیرو عرضه می‌کند...

می‌توانم خاورمیانه‌ای را تصور کنم که ایران دیگر منشأ آشوب در آن نیست، بلکه تکیه‌گاه ثبات است. ایرانی که از مردم خود هراس ندارد، همسایگانش را تهدید نمی‌کند و خود را از جهان منزوی نمی‌سازد.

تصور چنین ایرانی دشوار نیست، زیرا این دقیقاً همان چیزی است که ایران روزگاری بود؛ و می‌تواند دوباره باشد. وقتی ایران آزاد شود، خاورمیانه تغییر خواهد کرد.

وقتی ایران آزاد شود، آمریکا بار دیگر دوستی بزرگ به دست خواهد آورد.

ایران آزاد، بزرگترین فرصت اقتصادی بکر قرن بیست و یکم را نمایندگی می‌کند.

کشوری با ۹۳ میلیون نفر جمعیت؛ بسیار تحصیل‌کرده، کارآفرین و متمایل به غرب؛ که سرانجام ظرفیت‌های آن آزاد خواهد شد.

تنها در یک دهه آینده، یک شراکت استراتژیک میان آمریکا و ایران می‌تواند بیش از یک تریلیون دلار برای اقتصاد آمریکا تولید کند.

خاورمیانه‌ای نوین را تصور کنید که در آن ایران دوست اسرائیل است؛ جایی که پیمان ابراهیم به پیمان کوروش گسترش می‌یابد؛ به نام کوروش بزرگ، پادشاه ایران که نخستین منشور حقوق بشر را صادر کرد و نگاه او به تساهل دینی الهام‌بخش توماس جفرسون بود.

امروز جمهوری اسلامی میراث چندهزار ساله ایران را در مدارا با اقلیت‌های دینی پامال می‌کند و علیه آنان می‌جنگد. در کشوری که بالاترین نرخ رشد مسیحیت در جهان را دارد،

➔ ۴۰ هزار ایرانی را قتل‌عام کردند و بیش از ۳۰۰ هزار نفر را زخمی ساختند. ترور آنان به خیابان‌ها محدود نماند. معترضان زخمی را بر تخت‌های بیمارستان شناسایی کردند و با خون‌سردی به گلوله بستند. مردان و زنان در زندان‌های مخفی مورد تجاوز قرار گرفتند. حتی پرستاران، امدادگران آمبولانس و پزشکانی که جرئت کردند به معترضان کمک کنند، شکنجه شدند، مورد تجاوز قرار گرفتند و کشته شدند. خانواده‌ها ناچار شدند در میان هزاران کیسه پیکر بی‌نام و نشان جستجو کنند و رژیم حتی هزینه گلوله‌هایی را که با آنها فرزندانشان را کشته بود، از والدین دادگار مطالبه کرد. تا امروز، مادران همچنان در جستجوی پسران خود هستند و دختران هنوز می‌پرسند پدرانشان چه زمانی به خانه بازخواهند گشت.

تا امروز، دقیقاً ۲۹ روز است که ایرانیان تقریباً بدون دسترسی به اینترنت از جهان جدا افتاده‌اند. خامنه‌ای پسر و حلقه جنایتکارانش که از هم‌میهنان شجاع من هراس دارند، ایران را از قرن بیست و یکم به قرون تاریک رانده‌اند. آنان می‌ترسند که اگر چنین نکنند، جهان بار دیگر اراده سرکش ملتی متحد و مصمم به سرنگونی آنان را ببیند.

زندگی دیگر هرگز نمی‌تواند به وضعیت عادی بازگردد. میان مردم و رژیم، دریایی از خون فاصله افتاده است. پس از همه این کشتارها و پس از همه آنچه فدا کرده‌اند، هرگز تن نخواهند داد که یک مستبد با مستبدي دیگر جایگزین شود. و یک مستبد ضدآمریکایی دیگر نیز در خدمت منافع آمریکا نخواهد بود.

تنها کاری که می‌توان از بازمانده‌های این رژیم انتظار داشت، وقت‌کشی، فریب و دزدی است. آنان هرگز شرکایی صادق و واقعی برای صلح نخواهند بود. رئیس‌جمهور ترامپ درست می‌گفت وقتی گفت: «ما نمی‌خواهیم هر دو سال یکبار برگردیم».

اما اگر بخشی از رژیم در قدرت باقی بماند، دقیقاً همین اتفاق خواهد افتاد. زمان خواهد خرید. وانمود خواهد کرد که مذاکره می‌کند. و سپس، به همان شیوه‌های قدیمی و جهادی خود برای تهدید آمریکا، امنیت آن و منافعش بازخواهد گشت.

شاید وعده یک دوره کوتاه آرامش مصنوعی بدهند. اما این آرامش ناگزیر با همان تروریسم، همان باج‌گیری هسته‌ای و همان فریادهای «مرگ بر آمریکا» دنبال خواهد شد. زیرا حقیقت ساده است: جمهوری اسلامی نمی‌تواند خود را اصلاح کند. شما نمی‌توانید یک مار را اصلاح کنید. زهر در دی‌ان‌ای آن است.

این امر درباره اوباش فاسد و بی‌رحم سپاه پاسداران نیز صدق می‌کند. زیرا سپاه پاسداران، ارتش ملی ایران نیست. حتی واژه «ایران» نیز در نام آن وجود ندارد. نام آن «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» است. این نهاد در خدمت ایدئولوژی مسموم خود، یعنی ترور، است؛ نه در خدمت منافع ملی ایران. از این رو، هرگز نمی‌تواند شریکی برای تأمین منافع آمریکا باشد.

تنها مسیر دستیابی به صلح و ثبات پایدار، گسست کامل از این رژیم است.

برای نخستین بار در ۴۷ سال گذشته، استراتژی پرزیدنت ترامپ به ما فرصتی واقعی داده است تا به چنین موقعیتی برسیم. در دهه‌های گذشته، هر رئیس‌جمهور آمریکا از زمان کارتر ترجیح داد این تهدید فزاینده را مدیریت کند، نه آنکه آن را حل کند. همه آنان شکست خوردند. آنها فقط مسئله را بدتر کردند. حاصل این روند، کشته‌شدن ایرانیان بیشتر و آمریکاییان بیشتر بود.

به همین دلیل، ملاحظا بر این فرض عمل می‌کردند که

آمریکا اراده رویارویی قاطع با آنان را ندارد. این فرض از زمانی شروع به فروپاشی کرد که رئیس‌جمهور ترامپ دستور حمله به قاسم سلیمانی را صادر کرد. و هنگامی که افسانه شکست‌ناپذیری رژیم فرو ریخت، امکانات در مسیری متفاوت به حرکت درآمدند.

عملیات «چکش نیمه‌شب» و «خشم حماسی» کاری خارق‌العاده انجام داده‌اند. کشته شدن خامنه‌ای و بسیاری از دستیارانش، نابودی بیش از ۸۰ درصد زرادخانه موشک‌های بالستیک رژیم، و محو شدن تأسیسات هسته‌ای، زمین بازی را هموار کرده است.

این اتفاق تصادفی نبود. این نتیجه عزم رئیس‌جمهور ترامپ و شجاعت نیروهای آمریکایی بود. از طرف میلیون‌ها ایرانی، از آنان سیاست‌گزاریم.

فداکاری آنان بیهوده نبود. برای نخستین بار در نزدیک به نیم‌قرن، مردم ایران فرصتی واقعی برای پایان دادن به ترور و آشوب این رژیم دارند. ماشین سرکوب رژیم تضعیف شده، شبکه ترور آن قطع شده و رهبری آن ضربه‌ای ویرانگر خورده است.

اما برای آنکه همه اینها ارزشمند باشد... فداکاری‌های آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها... و برای آنکه حسن‌نیت میان دو ملت ما، که امروز در اینجا آشکارا دیده می‌شود، ادامه پیدا کند، باید کار را تمام کنیم. این رژیم، در کلیت خود، باید برود.

اگر کار را تمام نکنیم و بخشی از این رژیم را سر پا نگه داریم، تهدیدی که جمهوری اسلامی ایجاد کرده حل نخواهد شد؛ بلکه فقط بدتر خواهد شد. کسانی که ۴۷ سال بذر آشوب کاشته‌اند، نمی‌توانند برای آوردن ثبات قابل اعتماد باشند. نمی‌توان به تروریست‌ها برای برقراری صلح اعتماد کرد. اگر در قدرت باقی بمانند، فقط همان بی‌ثباتی، همان آشوب و همان ویرانی ۴۷ سال گذشته را بازتولید خواهند کرد.

آنان عملگرا نیستند؛ اوباش‌اند. اهل معامله نیستند؛ عاملان آشوب‌اند.

اما مسیر دیگر، مسیری که این کار را یکبار برای همیشه تمام می‌کند، میراثی از صلح و رفاه برجای خواهد گذاشت که مورخان و فیلم‌نامه‌نویسان فقط می‌توانند رؤیایش را در سر بپروراند.

این میراث به مردم قهرمان ایران تعلق خواهد داشت و به تنها رئیس‌جمهور ایالات متحده که شجاعت و منش لازم را داشت تا این مأموریت را تا پایان دنبال کند. امروز ما بر لبه چنین پرتگاهی ایستاده‌ایم؛ پرتگاه عظمت حقیقی. ایرانیان آماده‌اند نقش خود را ایفا کنند.

ضربه نهایی را خود مردم ایران وارد خواهند کرد. آنان همین حالا در میدان‌اند و شجاعت خارق‌العاده خود را از پیش نشان داده‌اند. آماده‌اند بار دیگر بجنگند، اما باید فرصت این کار به آنان داده شود.

همانگونه که پرزیدنت ترامپ، نخست‌وزیر نتانیاهو و من تأکید کرده‌ایم، آنها هنگام فرود آمدن مپ‌ها پناه گرفته‌اند. اما وقتی لحظه مناسب فرا برسد... همانطور که در ژانویه رخ داد... من از آنها خواهم خواست که بار دیگر قیام کنند. و هنگامی که چنین کنند، هیچ تردیدی ندارم که برای همیشه به فصل تاریک جمهوری اسلامی پایان خواهند داد و میهن، کرامت و آینده خود را بازپس خواهند گرفت.

اما سرنگونی یک رژیم، فقط آغاز کار است. آنچه پس از آن اهمیت دارد، این است که آیا کشور می‌تواند پیرامون یک رهبری با مشروعیت گسترده متحد شود یا نه.

در سراسر ایران و در میان ایرانیان خارج کشور، میلیون‌ها ایرانی از من خواسته‌اند گذار به دموکراسی را رهبری کنم. من این فراخوان را پذیرفته‌ام، نه برای خدمت به خودم، بلکه برای خدمت به کشورم و مردمم.

در سال‌های اخیر، ائتلافی گسترده از مخالفان را متحد کرده‌ام؛ جمهوریخواه و مشروطه‌خواه، چپ و راست، زن و مرد، از همه سنین، ادیان و اقوام. حتی کسانی که پیشتر رقیب سیاسی بودند، به جنبش آزادی ایران تحت رهبری من پیوسته‌اند.

به همان اندازه مهم است که نیروهای مسلح و دیوان‌سالاری ایران نیز از من پیروی کنند. هزاران مقام نظامی رژیم - برخی در سطوح بسیار بالا- از طریق یک پلتفرم دیجیتال برای اعلام جدایی که تیم من چند ماه پیش راه‌اندازی کرد، آمادگی خود را برای پیوستن به من اعلام کرده‌اند.

بسیاری از این مقامات در جریان خیزش ژانویه از اجرای دستور کشتی غیرنظامیان سر باز زدند. به همین دلیل سپاه ناچار شد برای انجام کارهای کثیف خود، اوباشی را از افغانستان، عراق و لبنان وارد کند. تحت رهبری من، آنان و دیگر کسانی که دستشان به خون آلوده نیست، در دوران گذار در تثبیت کشور نقش خواهند داشت.

ایران، عراق نیست. ما اشتباه فاجعه‌بار «بعث‌زدایی» را تکرار نخواهیم کرد. نه انحلال نهادهای اداری در کار خواهد بود، نه خلأ قدرت، نه آشوب.

گذار، منظم خواهد بود. تیم کارشناسان من برنامه‌ای مفصل با عنوان «پروژه شکوفایی ایران» یا IPP تهیه کرده است. این برنامه نقشه راهی برای بازسازی ملی است؛ از جمله صد روز نخست پس از فروپاشی رژیم و نیز بازسازی و تثبیت بلندمدت کشورمان.

آنچه اکنون از آمریکا می‌خواهیم، ساده است: در این مسیر بمانید. برای این رژیم در حال فروپاشی طناب نجات نیندازید. راه را برای مردم ایران هموار کنید تا کار را تمام کنند. زیرا آزادی فقط یک روایت آمریکایی نیست. آزادی، داستان همه مردمانی است که حاضر نیستند زانوده زندگی کنند. این همان داستانی است که آمریکا در ۱۷۷۶ نوشت. و امروز، این داستانی است که مردم ایران با شجاعت و فداکاری خود می‌نویسند. ما ترجیح می‌دهیم ایستاده بمیریم تا زانوده زندگی کنیم.

سال ۲۰۲۶ دیوست و پنجاهمین سالگرد تولد ایالات متحده است. امید و باور من اینست که تاریخ، ۲۰۲۶ را همچنین به عنوان سال زایش دوباره ایران به یاد خواهد آورد. آنچه مردم من برایش می‌جنگند، زایش دوباره تمدن ۲۵۰۰ ساله ماست. هنگامی که صفحه سیاه رژیم نامشروع اسلامی ورق بخورد، ایران به همان سنت و میراثی بازخواهد گشت که به آن تعلق دارد.

پس در سال ۲۰۲۶، دو ملت ما در پی گشودن فصلی تازه‌اند؛ هر دو مصمم به عظمت.

رئیس‌جمهور ترامپ به درستی گفت که مردم ایران، طولانی‌ترین قربانیان رنج‌کشیده رژیم ایران بوده‌اند. او به آنها گفت: «ساعت آزادی شما فرارسیده است»؛ و آنان آماده‌اند که این لحظه را دریابند.

داستان ایران هنوز به پایان نرسیده است. تمدن‌های بزرگ، حتی از خشن‌ترین اشغالگران خود نیز عمر بیشتری دارند. با کمک شما و با شجاعت، فداکاری و قهرمانی بهترین جوانان ایران، بهترین و تازه‌ترین فصل ما همین حالا در حال نوشته شدن است. وقتی این فصل کامل شود، ایران آزاد و دموکراتیک در کنار ایالات متحده خواهد ایستاد؛ به عنوان شریک، متحد و دوست.

پرزیدنت ترامپ در حال بازگرداندن شکوه دوباره به آمریکاست. من نیز قصد دارم شکوه ایران را دوباره بازگردانم و همراه با هم‌میهنان شجاعم، دقیقاً همین کار را خواهیم کرد.

متشکرم. خدا آمریکا را حفظ کند. پاینده ایران.»

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در «دانشگاه لیبرتی»: صدای جوانان ایران در مبارزه برای آزادی باشید!



شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه لیبرتی

جهان نشان دهند چه بر سرشان می‌آید. نه راهی برای آنکه به خانواده‌هایشان خبر دهند که زنده‌اند.

لحظه‌ای به این فکر کنید. نه ۳۳ دقیقه، نه حتی ۳۳ ساعت. بلکه ۳۳ روز. چند نفر از شما می‌توانید فقط ۳۳ دقیقه بدون تلفن همراه‌تان سر کنید؟

بی‌آنکه پیامی، اعلانی یا تیترا خبری را چک کنید؟ اکنون ۳۳ روز را تصور کنید؛ نه از سر انتخاب، بلکه همچون زندانی تحمیلی، ملتی با بیش از ۹۰ میلیون جمعیت، به سکوت کشانده شده است. اما حقیقتی هست که بزرگتر از آن است که بتوان پنهانش کرد.

این سکوت، تصادفی نیست. این صدای رژیم است که می‌کوشد انقلابی را در تاریکی خفه کند.

ما در این جهان بسیار از بی‌عدالتی سخن می‌گوییم. عالمان و پیام‌آوران شما نیز شما را فرامی‌خوانند که در برابر آن بایستید.

اما آنچه در ایران می‌گذرد، واژه‌ای فراتر می‌طلبد: شر! وگرنه چه نام دیگری می‌توان بر نظامی گذاشت که فرزندان خود را می‌کشد؟

چه نام دیگری می‌توان بر رژیمی گذاشت که هم در بیرون از مرزها می‌جنگد و هم علیه مردم خودش؟ در سال‌های گذشته، ده‌ها هزار ایرانی در موج‌های

او خطاب به دانشجویان آن دانشگاه گفت: «در حالی که شما در کلاس‌های درس می‌نشینید، آن‌ها در سلول‌های زندان نشسته‌اند. در حالی که شما برای آینده شغلی خود برنامه‌ریزی می‌کنید، آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند که چگونه یک روز دیگر زنده بمانند.»

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی به این شرح است:

رئیس کاستین، صدراعظم فالول، اعضای محترم هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه لیبرتی،

صبح بخیر و از دعوت شما به این مراسم سپاسگزارم. در آغاز عید پسخ و در آستانه عید پاک، امروز نه فقط به عنوان یک ایرانی، بلکه به عنوان شاهدهی در برابر شما ایستاده‌ام؛ از جانب میلیون‌ها تن از هم‌میهن‌انم که صدایشان خاموش شده، نام‌هایشان شاید هرگز به گوش شما نرسد، اما شجاعت‌شان آینده کشور را از نو رقم می‌زند.

من امروز صدای ملتی هستم که به سکوت واداشته شده است.

ملتی که مردمش خود نمی‌توانند اینجا بایستند. ملتی که ۳۳ روز است از جهان جدا افتاده؛ بی‌اینترنت، بی‌ارتباط، و بی‌صدا.

اجازه دهید از همینجا آغاز کنم. ایرانیان ۳۳ روز است در تاریکی دیجیتال بسر می‌برند. نه پیامی، نه شبکه‌های اجتماعی، نه راهی برای آنکه به

● شاهزاده رضا پهلوی روز چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ در دانشگاه «لیبرتی» در ایالت ویرجینیا آمریکا سخنرانی کرد. شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود در دانشگاه لیبرتی ویرجینیا، از دانشجویان ایرانی به عنوان پیشگامان نبرد برای آزادی یاد کرد و گفت دانشگاه‌های ایران امروز به «میدان‌های نبرد برای آزادی» تبدیل شده‌اند؛ جایی که جوانان معترض، با وجود یورش نیروهای امنیتی، بازداشت، شکنجه و خطر کشته‌شدن، همچنان از پای نمی‌نشینند.

● او خطاب به دانشجویان آن دانشگاه گفت: «در حالی که شما در کلاس‌های درس می‌نشینید، آن‌ها در سلول‌های زندان نشسته‌اند. در حالی که شما برای آینده شغلی خود برنامه‌ریزی می‌کنید، آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند که چگونه یک روز دیگر زنده بمانند.»

شاهزاده رضا پهلوی روز چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ در دانشگاه «لیبرتی» در ایالت ویرجینیا آمریکا سخنرانی کرد. شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود در دانشگاه لیبرتی ویرجینیا، از دانشجویان ایرانی به عنوان پیشگامان نبرد برای آزادی یاد کرد و گفت دانشگاه‌های ایران امروز به «میدان‌های نبرد برای آزادی» تبدیل شده‌اند؛ جایی که جوانان معترض، با وجود یورش نیروهای امنیتی، بازداشت، شکنجه و خطر کشته‌شدن، همچنان از پای نمی‌نشینند.

پای پی سرکوب جان باخته‌اند.

فقط در همین سال، کمتر از دو ماه پیش، در روزهای ۸ و ۹ ژانویه، بیش از ۳۰ هزار معترض کشته شدند. ۳۰ هزار نفر...

بگذارید نام چند تن از آنان را برایتان بگویم.

سینا؛ ۱۷ ساله؛ که همراه خانواده‌اش برای حق آزادی به خیابان رفت و در همانجا هدف گلوله قرار گرفت و هرگز به خانه بازنگشت.

روبینا؛ دانش‌آموزی جوان که رؤیای تحصیل در رشته مد در میلان را در سر داشت؛ و خانواده‌اش ناچار شدند در میان انبوه پیکرها دنبالش بگردند تا او را پیدا کنند.

برنا؛ که گفته بود: «اگر من نروم، هیچ چیز تغییر نمی‌کند.» او رفت، و به همین دلیل کشته شد.

کیمیا؛ ۱۷ ساله؛ که از ناحیه سینه به دست همان نیروهای هدف گلوله قرار گرفت که قرار بود از او محافظت کنند.

دو برادر؛ رسول و رضا؛ که شانه به شانه به اعتراض ایستادند و هر دو در خیابان با گلوله کشته شدند. و بهار؛ سه ساله.

سه ساله؛ نه در جنگ، نه در میدان نبرد، بلکه در کشور خودش و بر اثر گاز اشک‌آور جان باخت.

اینها آمار نیستند. اینها زندگی‌اند.

اما شرّ به اینجا ختم نمی‌شود.

زنان جوانی که در خیابان تا سرحد مرگ کتک خوردند؛ دانشجویانی که از کلاس‌های درس بیرون کشیده شدند و اعدام شدند؛ پزشکانی که در بیمارستان‌ها به جرم درمان زخمی‌ها مورد حمله قرار گرفتند؛

زن و مردانی که در بازداشتگاه‌ها هدف آزار جنسی قرار گرفتند؛

پرستاران و امدادگرانی که به خاطر کمک به قربانیان تیراندازی مورد تجاوز قرار گرفتند؛

نوجوانانی که زیر شکنجه به اعترافات دروغین وادار شدند؛ خانواده‌هایی که مجبور شدند بهای گلوله‌هایی را بپردازند که جان فرزندان‌شان را گرفت!

این سیاست نیست.

این حکمرانی نیست.

این حتی صرفاً سرکوب هم نیست.

این شرّ است! سازمانیافته، مستمر و بی‌هیچ شرمی.

اما در برابر این نیروی شیطانی، چیزی شگفت‌انگیز و پاک ایستاده است:

یک نسل؛ جوانان دانشجویان؛ همسالان شما.

در سراسر ایران، دانشگاه‌ها به میدان‌های نبرد برای آزادی بدل شده‌اند.

دانشجویان شعار می‌دهند: «مرگ بر آخوند.»

شعار می‌دهند: «مرگ بر دیکتاتور.»

شعار می‌دهند: «امسال، سال خون است؛ استبداد سرنگون است.» و این کلمات را در حالی فریاد می‌زنند که می‌دانند شاید تا پایان همان روز زنده نمانند.

خوابگاه‌ها شبانه هدف یورش قرار می‌گیرند.

کلاس‌های درس به دام تبدیل می‌شوند. محوطه‌های دانشگاهی از نیروهای امنیتی پر می‌شود. دانشجویان کتک می‌خورند، بازداشت می‌شوند، ناپدید می‌شوند، کشته می‌شوند.

و با اینهمه، باز می‌گردند.

باز هم، و باز هم، و باز هم. زیرا آنان چیزی را دریافته‌اند که هیچ مستبیدی قادر به پاک کردنش نیست: آزادی ارزش همه چیز را دارد. آزادی ارزش جان دادن دارد.

شما دانشجویان دانشگاه لیبرتی هستید.

در آزادی زندگی می‌کنید. آزادانه عبادت می‌کنید. آزادانه

سخن می‌گویید.

آزادانه اعتراض می‌کنید. و این نعمتی بزرگ است.

اما بگذارید بگویم اعتراض دانشجویی در ایران چه معنایی دارد.

هیچ منطقه امنی وجود ندارد.

هیچ مسئولی نیست که بتوان با او گفتگو کرد. هیچ فرصت دومی در کار نیست. باتوم هست. گلوله هست. ون‌های زندان هست که بیرون کلاس در انتظار شما ایستاده‌اند.

در آمریکا، دانشجویان درباره ایده‌ها بحث می‌کنند. در ایران اما دانشجویان برای آن خون می‌دهند.

در آمریکا، شما صدای خود را بلند می‌کنید. در ایران اما آنان برای آنکه در گوشی حرفی بزنند، و سپس شجاعانه فریادش کنند، جان‌شان را به خطر می‌اندازند. و با این حال، پیام‌شان روشن است:

آنها اصلاح نمی‌خواهند.

مصالحه نمی‌خواهند.

آزادی می‌خواهند.

جوانان ایران با شما تفاوتی ندارند. مثل شما می‌خندند.

مثل شما رؤیا می‌پروانند. عاشق می‌شوند، برای آینده‌شان برنامه می‌ریزند و امید دارند. اما زندگی‌شان زیر سایه چیزی قرار گرفته که شما هرگز نباید تجربه‌اش کنید: رژیم‌هایی که از آنان می‌ترسد! چون می‌داند همانها سرنگونش خواهند کرد.

در حالی که شما در کلاس‌های درس نشسته‌اید، آنها در سول‌های زندان‌اند. در حالی که شما برای مسیر شغلی‌تان برنامه می‌ریزید، آنها برای زنده ماندن تا روز بعد نقشه می‌کشند.

در حالی که شما در تلفن‌های همراه‌تان می‌پرخید، آنها در سکوتی تحمیلی زندگی می‌کنند؛ ۳۳ روز بدون اینترنت، بدون ارتباط، بی‌آنکه جهان فریادشان را بشنود. و با این همه، دست از مبارزه نمی‌کشند.

پس از شما می‌پرسم: با آزادی خود چه خواهید کرد، وقتی دیگرانی هم‌سن شما برای آزادی‌شان جان می‌دهند؟ برای آنانکه بر ایمان تکیه دارند، حقیقت دیگری نیز وجود دارد.

امروز در ایران، مسیحیت رو به افول نیست؛ در حال رشد است. آرام، نیرومند و زیرزمینی. در خانه‌ها، در نجواها و در گردهمایی‌های پنهانی، ایرانیان با پرداخت بهایی سنگین در حال یافتن ایمان‌اند.

کشیشان زندانی می‌شوند.

کتاب‌های مقدس ضبط می‌شوند. باورمندان تعقیب می‌شوند.

نواندیشان مسیحی با خطر اعدام روبرویند.

خانواده‌ها از هم می‌پاشند. و باز هم گرد هم می‌آیند. باز هم دعا می‌کنند. باز هم ایمان دارند. زیرا ایمانی که از دل آزار و تعقیب جان سالم به در می‌برد، شکست‌ناپذیر است. زیرا نور در تاریک‌ترین جاها درخشان‌تر می‌تابد.

شما در تاریخ، روایت‌های آزار و پیگرد را خوانده‌اید.

مسیحیان بارها با چنین وضعی روبرو شده‌اند.

در ایران، این رخدادها هر روز در حال تکرار است.

روزی روزگاری، ایران نماینده چیزی کاملاً متفاوت بود.

بیش از ۲۵۰۰ سال پیش، کوروش بزرگ، پادشاه پارس، قوم یهود را از اسارت رهایی بخشید.

او حقوق آنان را بازگرداند.

به ایمان‌شان احترام گذاشت. در کتاب مقدس از او نه به عنوان یک مستبد، بلکه به عنوان یک رهایی‌بخش یاد شده است.

این، میراث واقعی ایران است. ملتی اهل مدارا؛

ملتی برخوردار از کرامت؛

ملتی که روزگاری در کنار آزادی ایستاده بود.

رژیمی که امروز بر ایران حکومت می‌کند، به آن میراث خیانت کرده است.

این رژیم نماینده مردم ایران نیست؛ از آنان می‌ترسد. و به دست همان مردم سقوط خواهد کرد.

مردم ایران سهم خود را ادا می‌کنند. همه‌چیز را به خطر انداخته‌اند و این مبارزه را پیش می‌برند.

اما نمی‌توانند، و نباید، تنها بمانند.

آمریکا باید موضعی روشن داشته باشد.

با شرّ نمی‌توان مذاکره کرد. نظامی را که بر بنیاد خشونت بنا شده، نمی‌توان اصلاح کرد.

تنها یک راه پیش روست: پایان دادن به این رژیم!

به مردم و رهبران این کشور می‌گویم: تردید نکنید. عقب‌نشینی نکنید. به کسانی که مردم خود را می‌کشند مشروعیت نبخشید. بر مسیر خود بمانید. کار را به پایان برسانید.

قاطعانه در کنار مردم ایران بایستید، نه در کنار سرکوبگران‌شان. زیرا هرگاه آمریکا با صراحت اخلاقی می‌ایستد، به کسانی که در سایه‌ها می‌جنگند نیرو می‌بخشد. اما خطاب من به شما، دانشجویان، این است: امروز باید چیزی را احساس کنید؛ نه بی‌تفاوتی؛ نه فاصله؛

بلکه خمشی عادلانه نسبت به آنچه در حال وقوع است. و در همان حال، عشقی عادلانه نسبت به کسانی که رنج می‌کشند.

نفرت از شرّ؛ عشق به ستم‌دیدگان. این دو با یکدیگر در تضاد نیستند.

این، پایه شجاعت اخلاقی و ایمان نیرومندی است که هر یک از شما دارید.

بگذارید خشم‌تان شما را به حرکت درآورد. بگذارید ایمان‌تان شما را هدایت کند. بگذارید صداقتان شنیده شود. برای آنانکه نمی‌توانند سخن بگویند، سخن بگویید. در کنار آنانکه تنها مانده‌اند بایستید. از روی برگرداندن سر باز زنید. من امیدم را از دست نداده‌ام.

زیرا شجاعت مردمم را دیده‌ام. دیده‌ام زنان جوان، بی‌سلاح، در برابر اسلحه‌ها ایستاده‌اند. دیده‌ام دانشجویان از زانو زدن سر باز زده‌اند. دیده‌ام ملتی بارها و بارها پیا خاسته است.

پایان این رژیم یک رؤیا نیست؛ نزدیک است.

و آن روز که فرا برسد، ایران تهدیدی برای جهان نخواهد بود. بلکه شریکی خواهد بود؛ دوستی خواهد بود؛ ملتی که در آزادی دوباره زاده شده است.

بگذارید سخنم را با این جمله به پایان ببرم:

همین حالا، در ایران، جوانانی هم‌سن شما هستند که نمی‌توانند سخن بگویند. نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند. و حتی نمی‌توانند به جهان بگویند که زنده‌اند.

۳۳ روز است که آنان را خاموش کرده‌اند. پس امروز، شما صدای آنان باشید. حامل پیام آنها باشید. بجای آنان بایستید. برایشان دعا کنید. و آنگاه که تاریخ ببرد شما در این لحظه چه کردید.

بگذارید گفته شود که خاموش نماندید؛ که ایستادید؛ که سخن گفتید؛

که کمک کردید آزادی به ملتی برسد که بیش از اندازه منتظر مانده است.

سپاسگزارم.

خداوند شما را حفظ کند.

و خداوند حافظ ایران آزاد باد!

فایننشال تایمز: «اقتصاد مقاومتی» الگوی بقای نظام جمهوری اسلامی در شرایط جنگ



مباران نیروگاه آب سنگین خندان اراک

برق ایران را عملی کند تهدیدی که فعلاً متوقف شده وضعیت اقتصادی به سرعت وخیم‌تر خواهد شد.

ایران پیش از آغاز جنگ نیز به دلیل ترکیبی از تحریم‌ها، سوءمدیریت، کاهش درآمدهای نفتی و فساد گسترده در حال افول اقتصادی شدید بود. این شرایط به اعتراضات گسترده ضدحکومتی دامن زد که در ژانویه با سرکوبی شدید و کشته شدن هزاران نفر همراه شد. جنگ ۱۲ روزه نیز به تشدید احساس رکود کمک کرد. با این حال، یک مقام سابق اقتصادی ایران گفت که با وجود فشارها، اقتصاد کشور توان بقا حتی در صورت ادامه جنگ تا یک سال را دارد.

تحلیلگران می‌گویند ایران یکی از متنوع‌ترین و صنعتی‌ترین اقتصادهای منطقه را دارد - با وجود ناکارآمدی‌ها - که ریشه آن به برنامه‌های نوسازی شاه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، حکومت و بخش خصوصی بر این پایه ساخته شدند و در واکنش به دهه‌ها تحریم آمریکا و غرب توسعه یافتند. آن‌ها در دور زدن تحریم‌ها ماهرتر شدند، مسیرهای تجاری جایگزین ایجاد کردند و در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ زمانی که تحریم‌ها تشدید شد جایگزینی واردات را سرعت بخشیدند.

جواد صالحی‌اصفهانی، اقتصاددان ایرانی‌تبار در دانشگاه ویرجینیا تک، گفت: «صنعت ایران می‌تواند به‌طور انعطاف‌پذیر از کالاهای وارداتی به تولید داخلی تغییر کند. این چیزی است که ایران را از همسایگان خلیج فارس متمایز می‌کند.» او افزود: «آن‌ها می‌توانند در سطحی پایه‌ای دوام بیاورند، اما زندگی بسیار سخت خواهد شد.»

باتمانقلیچ گفت که اقتصاد کشور فقط به نفت وابسته نیست و می‌تواند ماهانه حدود ۲ میلیارد دلار از صادرات محصولات مانند فلزات، مواد شیمیایی و مواد غذایی درآمد داشته باشد. او گفت: «شریان حیاتی اقتصاد ایران صادرات نفت نیست. حتی اگر صادرات نفت کاملاً متوقف شود، ایران می‌تواند به‌طور محافظه‌کارانه صادرات خود را از طریق سایر مسیرهای گمرکی حفظ کند، به شرطی که موجودی‌ها برای ادامه تولید وجود داشته باشد.»

افزایش ناراضیاتی داخلی

با تورمی بیش از ۴۰ درصد، سطح زندگی به شدت کاهش یافته و ناراضیاتی از وضعیت اقتصادی عامل اصلی اعتراضات ضدحکومتی بوده است. با این حال، تحلیلگران می‌گویند نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد «اقتصاد مقاومتی» تا حدی در حال انجام کارکرد مورد انتظار خود است. هزینه جنگ برای ایران بسیار سنگین خواهد بود و فشارهای اقتصادی ناشی از آن احتمالاً ناراضیاتی داخلی را افزایش می‌دهد.

اما در حال حاضر، موضوع اصلی بقای نظام است. باتمانقلیچ گفت: «شکی نیست که اقتصاد ایران به دلیل این جنگ با شوک مواجه خواهد شد. اما فکر نمی‌کنم بحران اقتصادی عاملی باشد که در این درگیری کمر حکومت ایران را بشکند.» او افزود: «از دید مقامات ایرانی، چالش این نیست که اقتصاد را به‌طور عادی اداره کنند. فضای زیادی برای استفاده از منابع اقتصاد غیرنظامی جهت تأمین نیازهای اقتصاد جنگی وجود دارد.»

فایننشال تایمز می‌نویسد، با وجود مباران‌های مداوم، مقامات ایرانی تلاش کرده‌اند ثبات را نشان دهند و تأکید کرده‌اند که کالاهای اساسی کمبود ندارند.

در آستانه جنگ، مسعود پزشکیان اختیارات استانداران را افزایش داد تا واردات را تسریع کنند. موانع بوروکراتیک کاهش یافته و مجوزها سریع‌تر صادر می‌شوند. تجارت از طریق مرزهای زمینی ادامه داشته، در حالی که عبور کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز - دروازه اصلی صادرات و واردات ایران - به شدت کاهش یافته است، تنگه‌ای که عملاً توسط حکومت محدود شده است.

با وجود مباران‌های مداوم، مقامات تلاش کرده‌اند ثبات را القا کنند و اصرار دارند که کمبودی در کالاهای ضروری وجود ندارد. قفسه‌های سوپرمارکت‌ها همچنان پر است و محصولات تازه به وفور یافت می‌شود. سهمیه‌بندی بنزین نیز پس از حملات اسرائیل به تأسیسات ذخیره‌سازی تهران، به تثبیت عرضه سوخت کمک کرد. اما اگر رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ، تهدید خود برای هدف قرار دادن نیروگاه‌های

یک ماه پس از آغاز عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی، روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داده که است که حکومت با «اقتصاد مقاومتی» قصد تاب‌آوری در دوران جنگ را دارد.

اقتصاد مقاومتی اگرچه باعث رکورد شدید شده اما به «بقای نظام» کمک کرده است. در این مقطع اما این الگو در معرض آزمون نهایی قرار گرفته است.

اسفندیار باتمانقلیچ، مدیرعامل اندیشکده «بوسر و بازار» مستقر در بریتانیا، برآورد کرده که ایران در سال گذشته خورشیدی در مسیر صادرات حدود ۷ میلیارد دلار محصولات فولادی بوده است. این موضوع فشار شدیدی را بر کشوری که پیش از آغاز جنگ نیز در بحران عمیق اقتصادی قرار داشت، افزوده است. باتمانقلیچ هشدار داد که تاب‌آوری اقتصادی ایران محدود است.

جواد صالحی‌اصفهانی، اقتصاددان ایرانی‌تبار در دانشگاه ویرجینیا تک، گفت: «صنعت ایران می‌تواند به‌طور انعطاف‌پذیر از کالاهای وارداتی به تولید داخلی تغییر کند. این چیزی است که ایران را از همسایگان خلیج فارس متمایز می‌کند.» او افزود: «آن‌ها می‌توانند در سطحی پایه‌ای دوام بیاورند، اما زندگی بسیار سخت خواهد شد.»

یک ماه پس از آغاز عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی، روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داده که است که حکومت با «اقتصاد مقاومتی» قصد تاب‌آوری در دوران جنگ را دارد. در این گزارش که دوشنبه ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) منتشر شد آمده، بر اساس الگوی اقتصاد مقاومتی، جمهوری اسلامی محصولات را که در واردات آن‌ها با مشکل مواجه است، در داخل تولید می‌کند؛ از جمله داروها، قطعات خودرو و لوازم خانگی. صدها نیروگاه برق این کشور در سراسر ایران پراکنده شده‌اند؛ درسی که تا حدی پس از جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ آموخته شد تا نابودی این شبکه دشوارتر شود. همچنین جمهوری اسلامی از مبادله پایاپای (تهاتر) برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کند و در ازای صادرات نفت، غذا و ماشین‌آلات دریافت می‌کند.

اقتصاد مقاومتی اگرچه باعث رکورد شدید شده اما به «بقای نظام» کمک کرده است. در این مقطع اما این الگو در معرض آزمون نهایی قرار گرفته است. از زمان آغاز جنگ، آمریکا و اسرائیل هزاران نقطه مورد حمله قرار گرفته‌اند، رهبران آن را کشتند و زیرساخت‌های نظامی‌اش را هدف گرفته‌اند. زیرساخت‌های حیاتی نیز مورد حمله قرار گرفته‌اند، از جمله مخازن ذخیره سوخت، بزرگ‌ترین مجتمع گازی ایران و حتی یک بانک، همه با هدف تضعیف کنترل حکومت. به گفته رسانه‌های ایرانی، برخی کارخانه‌های صنعتی نیز در مباران‌ها آسیب دیده‌اند، از جمله دو کارخانه بزرگ فولاد. فولاد یکی از صادرات مهم غیرنفتی ایران است.

اسفندیار باتمانقلیچ، مدیرعامل اندیشکده «بوسر و بازار» مستقر در بریتانیا، برآورد کرده که ایران در سال گذشته خورشیدی در مسیر صادرات حدود ۷ میلیارد دلار محصولات فولادی بوده است. این موضوع فشار شدیدی را بر کشوری که پیش از آغاز جنگ نیز در بحران عمیق اقتصادی قرار داشت، افزوده است.

بازنشتر

عروسی شرع پسند

خبراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۲۰۴ (اردیبهشت ۱۳۸۷)



هم بر سر یک میز بنشینند و با قاشق و چنگال غذا بخورند.

و خدا، محمود احمدی نژاد را آفرید تا بیاید و ضمن آماده کردن جهان برای ظهور مهدی موعود، دست به نقد آثار آن آموزه‌های شیطانی را از مُلک ایران بردارد و مردم را به زندگی شایسته انسانی عادت دهد: روی زمین نشست، با دست غذا خوردن، از حکیم و دوا بی‌نیاز بودن و شفا از امامزاده خواستن، برای حل مشکلات لاینحل عریضه نوشتن و در چاه جمکران انداختن، به جای ساز و دهل در مجلس جشن و عروسی دعا خواندن و نماز گزاردن...

عروسی آقا زاده رئیس جمهور محبوبان با صبیّه معاون رئیس جمهوری که تفصیلش را در شماره گذشته خواندید بدعتی بود در راه بازگشت به سنت. رقم بطلان بر تجمل‌گرایی و عشرت‌طلبی و ریخت و پاش و ساز و ضرب و قر و اطوار و یک گله مهمان دعوت کردن و زن و مرد را کنار هم نشاندن و از خدا غافل شدن.

علاوه بر جنبه‌های معنوی، یک حکمت دنیوی هم در این تدبیر حکیمانه وجود داشت. می‌دانیم که بخشی از این فرهنگ دنیابپرستی معلول رفاه حاصله از درآمدهای نفتی است. اگر طلای سیاه از زمین نمی‌جوشید و طلای زرد از آسمان نمی‌بارید ایرانی مسلمان و مسلمان زاده به این راهها کشیده نمی‌شد که آداب زندگی را از مرفهین بی‌درد غربی تقلید کند. خوشبختانه ذخایر نفت و گاز تمام‌شدنی است و وقتی عواید نفتی به خزانه دولت وارد نشد، ایران هم کشوری خواهد بود مانند بنگلادش و سومالی و زئیر و سودان. خوب، در آن کشورها مردم چه می‌خورند و چه می‌آشامند و چگونه زندگی می‌کنند؟ چه بهتر که مردم ایران هم از حالا به آن نوع زندگی خو بگیرند و برگردند به عادات و رسوم عهد قدیم تا وقتی ورق برگشت و چاههای نفت خشکید، دچار عسرت و حسرت نشوند.

عمرت دراز و راحت پر رهرو باد، احمدی نژاد!

این سخن نغز هاشمی رفسنجانی را لایذ به یاد دارید که گفت «شاه می‌خواست قم را مثل تهران کند، خدا نخواست و موفق نشد. ما موفق شدیم به‌خواست خداوند تهران را مثل قم کنیم».

تنها، شبیه کردن قم به تهران نبود. پیش از انقلاب شکوهمند خیالات دیگری هم در سر داشتند. می‌گفتند ایران باید به پای پنج قدرت بزرگ اقتصادی جهان برسد. از آن حرفهای خنده‌دار. خنده‌دارتر این که می‌خواستند تهران را شبیه پاریس و لندن کنند. یعنی تبدیل امّ‌القرء اسلام به کفرآباد.

البته خدا نخواست و چنین فاجعه‌ای اتفاق نیفتاد. اما تا حدودی موجبات و مقدماتش فراهم شده بود. در کوچه و خیابان، قدم به‌قدم، عرق‌فروشی دایر بود. در رستورانها شراب و عرق زهر مار می‌شد. تلویزیون را که باز می‌کردی رقص بود و آواز. از رادیو، دم به ساعت صدای بز و بکوب و ساز و نقاره به گوش می‌رسید. مردها کراوات (علامت صلیب) می‌زدند. زنها با چادر و چاقچور به کلی بیگانه شده بودند. مردم را عادت داده بودند پشت میز بنشینند و مثل فرنگی‌نامسلمان با قاشق و چنگال غذا بخورند در حالی که خداوند با آفریدن پنج انگشت دست راست، چنگال طبیعی برای غذا خوردن در اختیار انسان قرار داده است همانطور که انگشتان دست چپ برای استنجا آفریده شده است. آن زمان که هنوز آفت بیدینی به جان میهن اسلامی ما نیفتاده بود، وقتی بچه به مکتب می‌رفت جزو اولین آموزشها این بود که معلم می‌رسید: «استنجا را با لب می‌گیرند یا با دندان؟» و شاگرد باید بلافاصله جواب بدهد: «با دست چپ و آب روان!»

از مطلب دور نیفتیم. خدا نخواست ایران عزیزمان به کفرستان تبدیل شود. مثل نامسلمانان بیوشیم. مثل نامسلمانان بنوشیم. مثل نامسلمانان نشست و برخاست کنیم. زن و مرد با هم دست بدهند. با هم برقصند. با

اما اختلال در تنگه هرمز از جنبه‌های دیگر ایران را آسیب‌پذیر می‌کند. اگرچه مقامات می‌گویند حدود ۸۰ درصد غذای کشور در داخل تولید می‌شود، اما ایران همچنان بخشی از نیاز خود به گندم، دانه‌های روغنی و برنج را وارد می‌کند. همچنین برای تأمین خوراک دام به سویا، ذرت و سایر غلات وابسته است. این اقلام معمولاً به زنجیره‌های لجستیکی پیچیده وابسته‌اند و اغلب از طریق امارات متحده عربی که هدف حملات جمهوری اسلامی ایران علیه متحدان آمریکا در خلیج فارس قرار گرفته و از بندر «جبل‌علی» دبی منتقل می‌شوند.

امارات لحن خود را علیه جمهوری اسلامی ایران تندتر کرده، زیرا جنگ روابط تجاری ایران با یکی از مهم‌ترین مراکز واردات و صادراتش را تهدید می‌کند. با اختلال شدید در ترده دریایی در خلیج فارس، مسیرهای جایگزین مانند خطوط ریلی بین چین و شمال ایران و بندر کوچک‌تر مانند چابهار امکان دور زدن محدود را فراهم می‌کنند، هرچند ظرفیت آن‌ها بسیار کمتر است. ایران همچنین اجازه داده تعداد محدودی کشتی حامل غلات و محصولات کشاورزی از تنگه عبور کنند. یک واردکننده ایرانی گفت: «درست است که گزینه‌های دیگری وجود دارد، اما این گزینه‌ها ظرفیت قابل مقایسه‌ای با بندر امام خمینی ندارند. ممکن است در کوتاه‌مدت کار کند، اما در بلندمدت چالش بزرگی خواهد بود.»

تا کنون، دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما پرداخت حقوق کارمندان و پاداش پایان سال را ادامه داده، با وجود اختلالاتی که حملات سایبری به سیستم بانکی ایجاد کرده است. قیمت مواد غذایی به اندازه ماه‌های اخیر نوسان نداشته، تا حدی به این دلیل که بازار ارز عملاً غیرفعال شده است. کسانی که به دستمزد روزانه وابسته‌اند مانند رانندگان و رفتگران شهرداری سعی کرده‌اند به کار ادامه دهند، هرچند کاهش تقاضا در دوران جنگ معیشت آن‌ها را تحت فشار قرار داده است. ایران همچنین تا حدی به دلیل پراکندگی نیروگاه‌ها توانسته تأمین برق را حفظ کند.

افزایش قیمت نفت

حملات آمریکا و اسرائیل یک اثر متناقض نیز بر اقتصاد ایران داشته است: افزایش قیمت نفت. با افزایش قیمت نفت برنت به بالای ۱۰۰ دلار در بیشتر روزهای ماه گذشته، تحلیلگران خارجی برآورد کرده‌اند که ایران روزانه بیش از ۱۴۰ میلیون دلار درآمد داشته، زیرا همچنان میلیون‌ها بشکه نفت صادر می‌کند و آمریکا اعلام کرده برای تقویت عرضه جهانی، این فروش‌ها را تحمل خواهد کرد.

یک تاجر ارشد محصولات انرژی در ایران گفت: «افزایش قیمت نفت به اقتصاد ایران کمک کرده و بخشی از هزینه‌های جنگ را جبران کرده است. این فروش‌ها چند میلیارد دلار درآمد اضافی ایجاد می‌کند.» اما با تأملیچ هشدار داد که تاب‌آوری اقتصادی ایران محدود است.

اگر آمریکا و اسرائیل حملات خود را به زیرساخت‌های غیرنظامی گسترش دهند، کشور ممکن است وارد بحرانی بسیار عمیق‌تر شود. او گفت: «اگر نیروگاه‌های برق هدف قرار بگیرند، تأثیر آن بسیار سریع و شدید خواهد بود.» با این حال، او افزود که چنین اقدامی می‌تواند واکنش متقابل ایران علیه زیرساخت‌های مشابه در کشورهای خلیج فارس را به دنبال داشته باشد و حتی اگر مدت جنگ کوتاه‌تر شود، هزینه کلی برای همه طرف‌ها بالا خواهد بود.

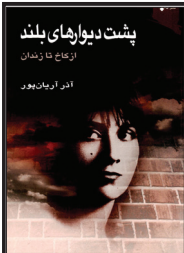
صالحی‌اصفهان‌ی گفت حتی اگر حکومت از جنگ جان سالم به در ببرد، مسیر بازسازی ایران طولانی خواهد بود: «می‌توان چنین سطحی از تخریب و بمباران را تجربه کرد و حداقل ۱۰ سال یا بیشتر به عقب بازنگشت.»



اینجا تهران است... شب گذشته ۲۲ تن در دادگاه انقلاب محکوم به اعدام شدند

با خواندن اسامی اعدام شدگان در رادیو، هر لحظه منتظر بودم نام همسر را بشنوم ...

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مهر تا آذر ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۴ تا ۹۳۳)



پشت دیوارهای بلند از کاخ تا زندان (۳) آذر آریانپور

سعی کردم با دوستی که در رژیم جدید دارم تماس بگیرم میسر نشد. حالا باید به امید یک معجزه بنشینم من امشب نزد تو می مانم معمولا اگر خبری بشود. در اخبار ساعت شش بامداد پخش می‌کنند!

بدین ترتیب طولانی‌ترین شب زندگی ما آغاز شد. عقربه ساعت دیواری نه شب را نشان می‌داد. قدیم‌ترها سر هر ساعت یک پرند چوبی از دریچه بالای آن بیرون می آمد و «کوکو» می‌کرد و ناپدید می‌شد. به تدریج که ساعت فرسوده شد پرند هم از آواز خوانی افتاد.

امیر هوشنگ با حالتی عصبی در اتاق قدم می‌زد. نگاهش در فضا خیره بود و غیر از بستگی خانوادگی برادرم و شجاع

تا زندان» حکایت کرده است. حکایتی به گفته فردوسی «پر آب چشم».

آذر آریانپور که با فرزندانش (روشنک و رامین و بابک) در آمریکا بسر می‌برد از خاندان معروف آریانپور کاشانی و خواهر شادروان دکتر امیرحسین آریانپور استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. او پس از پایان تحصیلات دبیرستانی با شجاع الدین شیخ الاسلام زاده - پزشکی جوان - ازدواج کرد و به همراه وی برای ادامه تحصیلات روانه آمریکا شد.

در آمریکا، شیخ الاسلام زاده دوره تخصصی را در رشته جراحی استخوان گذراند و همسرش در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش و پرورش لیسانس گرفت.

زندگی مشترک این دو، پس از آزادی شیخ الاسلام زاده از زندان، پایان گرفت، زیرا «شیخ» می‌خواست در ایران بماند و «آذر» در آمریکا ماندنی شده بود.

بخشی از کتاب «پشت دیوارهای بلند» را که به اوایل انقلاب - ششماهه اول سال ۱۳۵۸ - مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ایم.

دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام زاده، وزیر بهداشتی و بهزیستی در کابینه هویدا، از جمله دولتمردان رژیم گذشته بود که در سال ۱۳۵۷ هنگامی که اغتشاشات اوج می‌گرفت، به امید آرام کردن اوضاع، از طرف دولت وقت و به موجب مقررات حکومت نظامی بازداشت شدند.

در غوغای ۲۲ بهمن، تعدادی از آنان موفق به فرار شدند و جان خود را از خطر رهنمیدند. دکتر شیخ الاسلام زاده به طوری که شاهدان عینی گواهی می‌دهند، شانس فرار را به دلیل پرداختن به یک سرباز زخمی از دست داد و سپس خود را به انقلابیون تسلیم کرد.

او خطر اعدام را بدین سبب که در زندان به خدمات پزشکی پرداخته و وجودش مورد نیاز بود، از سر گذرانید و در دادگاه انقلاب به حبس ابد محکوم شد. حکم صادره ابتدا به پانزده سال و سپس به پنج سال تخفیف یافت و وزیر پیشین، پس از ۵ سال از زندان آزاد شد.

همسر دکتر شیخ الاسلام زاده، آذر آریانپور، این سالهای رنج را در کتابی با عنوان «پشت دیوارهای بلند... از کاخ

مادرم و بابک با دلواپسی در انتظارم به سر می بردند. -تا حالا کجا بودی؟ ما از نگرانی مردیم!»

-خواهش میکنم مزاحم نشوید. اگر خبری شد خودتان می فهمید

بابک اصرار کرد:

-«مادر اگر از پدرم...»

-گفتم که راحتم بگذار فعلا که پدرت زنده است. بقیه اش با خداست. خودم از لحن خشن و بی نزاکتم تعجب کردم وقتی که در اتاق تنها ماندم به امیرهوشنگ تلفن زدم و تقاضا کردم فوراً خودش را برساند. با نگرانی پرسید: -چی شده؟

-«می توانم در تلفن حرفی بزنم مربوط به شجاع است!» -«همین الان حرکت میکنم در را باز بگذار.»

تا هوشنگ برسد. صدار به ساعت دیواری نگاه کردم. آخرین بار ساعت هشت را نشان می داد. از اتاق بابک صدایی نمی آمد. فقط گاهی سرفه مادرم سکوت را می شکست. یکی دیوار با دقت به تصویر شجاع روی میز کوچک اتاق نشیمن خیره شدم از دایهام شنیده بودم که از نگاه آدمها می‌شود به سرنوشتشان پی برد. از عکس شجاع چیزی دستگیرم نشد. نیم ساعت بعد هوشنگ سراسیمه وارد شد. جلو دویدم و بغلش کردم.

آهسته مرا عقب زد و پرسید:

-«بگو چی شده؟»

با عجله ماجرا را برایش شرح دادم. فکری کرد و گفت: «بعید به نظر می رسد که دکتر شاهین از مخفیگاه با فردی از داخل دستگاه تماس داشته باشد.»

-من هم اول همین فکر را کردم ولی پسرش مرا مطمئن کرد که راوی موثق است.

-«به هر حال باورم نمی شود که اسماعیل یزدی حاضر به



دکتر شجاع‌الدین شیخ الاسلام زاده و همسرش آذر آریانپور (سال ۱۳۵۵)

کمک نشد. او سالها شجاع را از نزدیکی می شناخت و به شرافتش واقف بود. شاید از این ترسید که به او و برادرش تهمت همکاری با رژیم سابق را بزنند. چرا با دکتر بومند و دکتر مولایی تماس نگرفتی؟»

-«تماس گرفتم ولی هیچ کدام را پیدا نکردم معلوم نیست این روزها مردم چه میکنند. حالا چکار کنیم؟» دوباره اشکم سرازیر شد. هوشنگ دست خود را روی شانهام گذاشت:

-«گریه نکن! چاره ای نداریم جز اینکه تا صبح صبر کنیم و ببینیم چه پیش می آید. متأسفانه در این چند روز هر چه

پرسیدم: -«اگر من مردم تو دوباره ازدواج می کنی؟» با صمیمیت جواب داد:

«نه! هیچ زنی جای تو را نمی‌گیرد!» بعد مرا بوسید و افزود: -چرا به مردن فکر میکنی؟ من و تو به پای هم پیر ←

→ می‌شویم! بیچاره شوهر بی گناه من!
با خودم فکر کردم:

آیا چشمهای شجاع را هنگام تیرباران می‌بندند؟ آیا به او اجازه وصیت می‌دهند؟ کاش می‌گذاشتند با پدر خود وداع بکند. بیچاره پیرمرد حتماً از غصه دق می‌کند. هنوز بریده روزنامه‌های مربوط به تصادف مرگبار پسرش ضیاء و زن و فرزند خردسالشان را از دیوار اتاق خود آویخته است. به زودی عکس جسد شجاع را هم به آنها اضافه می‌کند. خوشا به حال مادر شوهرم که به سبب اختلال فکری با واقعیت بیگانه شده است.

با مرگ شجاع تکلیف من و بچه‌ها چه می‌شود؟ فردا و فرداهای بعد را چگونه بدون او طی بکنیم؟ شوهرم اغلب کارش را در درجه اول اهمیت قرار می‌داد و من و بچه‌ها و گاهی آسایش خودش را فدا می‌کرد. در سالهای نخست زندگی‌مان حرفه پزشکی اش رقیب سرسخت من شد. همیشه تصور می‌کردم که او از شدت خستگی در حین رانندگی در راه بیمارستان تصادف می‌کند و مثل برادرش از میان می‌رود. هرگز گمان نمی‌کردم که اعدامش بکنند. بعدها شغل وزارتش رقیب من شد. بالاخره هم خودش را فدای کار و شاید جاه‌طلبی زیادش کرد.

بیرون هوا کاملاً تاریک بود و باران با زمزمه یک نواخت و غمگینی روی شهر می‌بارید. امیر هوشنگ قدم زدن خود را از سرگرفت. ساعت با سرعت دقایق پر ارزش را می‌ربود و زمان را به جلو می‌برد تا اعدام شوهرم چیزی نماند بود. آیا جسدش را به ما تحویل می‌دادند؟ رفیقی دور و برما نمانده بود که در مراسم تدفینش شرکت بکند.

کاملاً تنها بودیم یک نفر دوست برایمان نمانده بود. باز هم شروع به گریستن کردم هوشنگ سکوت را به هم زد و گفت: -خواهر چرا گریه می‌کنی؟ هنوز که خبری نشده است؟ گفتم «به بیوگی خودم گریه می‌کنم.»

ساعت دوازده ضربه زد با هر ضربه‌اش قلب من فرو می‌ریخت. زنگ آخر را که زد به نظرم رسید که رگبار گلوله را می‌شنوم بی اختیار گوشه‌هایم را با دو دست گرفتم و با خودم گفتم شجاع دیگر زنده نیست. آیا درد کشید؟ در آخرین لحظه به چه چیزها فکر می‌کرد؟ تسلیم سرنوشت خود شده بود؟

رویم را به سمت دیوار برگرداندم تا ساعت دیواری را ببینم دیگر زمان برایم اهمیت نداشت.

بچه که بودم به هنگام گرفتاریها با تخیل نیرومندم از اشیاء پیرامون خود موجودات خیالی را می‌ساختم و خودم را سرگرم می‌کردم حتی در مجلس ختم مادر بزرگم در گچ بریهای سقف مسجد برای خودم آدمک‌هایی مجسم می‌کردم که دست همدیگر را گرفته بودند و می‌رقصیدند. اما حالا به طور مطلق از تخیل بازمانده بودم شجاع مرده بود!

صدها خاطره بی‌بند و بار بدون اراده من در مغزم روشن می‌شدند؛ با تأنی جلوه‌گری می‌کردند؛ و سپس جای خود را به خاطره دیگری می‌سپردند. تا یادم می‌آمد، زندگی به شجاع مربوط می‌شد. بدون او چگونه می‌توانستم دوام بیاورم؟

سپاهی شب جای خود را به رنگ بنفش مایل به خاکستری بخشید تا سپیده صبح چیزی نمانده بود. از فرط خستگی سرم را به دیوار تکیه دادم و به روز مهیبی که در پیش داشتم اندیشیدم ...

امیر هوشنگ به ساعت مچی خود نگاهی انداخت و بعد با عجله رادیو را روشن کرد. تلاوت قرآن پخش می‌شد.

برادرم با حالت عصبی گفت:

«ساعت پنج و پنجاه و شش دقیقه است. الان اخبار شروع می‌شود!»

سرم را بلند کردم. بابک و مادرم روی رادیو خم شده بودند. موهای کوتاه و صاف بابک در هوا جسته و چشمهایش دچار تیک شده بود. مادرم قرآن را به سینه خود می‌فشرده. تلاوت قرآن قطع شد. با خودم گفتم الان خبر اعدام شوهرم را می‌شنوم!

صدای گوینده رادیو در گوشم طنین افکن شد:

«اینجا تهران است! شتونندگان گرامی! شب گذشته دادگاه حقه انقلاب اسلامی پس از رسیدگی به جنایات بیست و دو تن از عمال فاسد رژیم سابق. آنان را محارب با خدا و مفسد فی الارض شناخت و به مرگ محکوم کرد. حکم اعدام متهمان در بامداد امروز به مورد اجرا گذاشته شد. جنایتکاران معدوم به ترتیب عبارتند از دکتر ... وزیر سابق اطلاعات، مهندس ... وزیر سابق کشاورزی، دکتر ... وزیر سابق خارجه، دکتر ... شهردار سابق تهران تیمسار ... فرمانده ... تیمسار معاون ...»

او زنده است

صدای مرگبار گوینده به نام خوانی ادامه داد. با شنیدن هر اسم قلب آشفته من زیرو روتر شد. چهار کلمه «بیست و دونفر» در مغزم تیر می‌کشید. نفر بیست و سوم کی بود؟ شجاع چه شماره‌ای داشت؟ شجاع نفر چندم بود؟

مادرم در حالی که اشک از گونه‌اش روان بود، آهسته جلو آمد و مرا بغل کرد:

«آذرجان شوهرت زنده است! او را اعدام نکرده‌اند.»

کلماتش را می‌شنیدم ولی نمی‌فهمیدم هوشنگ موهای بابک را نوازش کرد و با هیجان گفت:

«پدرت زنده است! پدرت زنده است!»

بابک تکان نخورد و حتی مژه برهم نزد. همان‌طور به زمین می‌خکوب شده بود. یک دفعه هوای اتاق غیر قابل تحمل شد. چرا پنجره‌ها بسته بود؟ نفسم بالا نمی‌آمد. اکسیژن

«بابک کجاست؟»

«به مدرسه رفته طفلک دیشب خیلی زجر کشید. بلند شو کمی غذا بخور.»

«گرسته نیستم. بگذارید بخوابم.»

دو ساعت بعد آهسته بلند شدم و کرکره‌ها را باز کردم بیرون آفتاب با شدت می‌تابید. پاهایم به طرز عجیبی زیرتنه‌ام سنگینی می‌کرد و معده‌ام می‌سوخت. داخل حمام شدم تا دوش بگیرم صدای خواهرم و برادرانم از اتاق نشیمن شنیده می‌شد. دلم نمی‌خواست که با آنها روبه‌رو شوم حس می‌کردم که بعد از این میان من و آنها فاصله به وجود آمده است. هیچ کدام عمق رنج و محنت مرا درک نمی‌کردند.

از حمام به اتاق خواب بازگشتم تا با خویشانم روبه‌رو نشوم بابک با رنگ و روی زرد از مدرسه برگشته بود. یک نفر او را پای تلفن فرا خواند. وقتی که بازگشت رنگ پریده‌تر به‌نظر می‌رسید. آمد و لب تخته‌خواب من نشست دستش را گرفتم و پرسیدم:

«عزیزم چی شده؟»

از نگاه من حذر کرد. چشمهایش دوباره مبتلا به تیک شده بود.

نادر تلفن زد... می‌گفت که امشب باز هشت نفر را... می‌گفت که پدرم جزو این گروه است!»

از بغض نتوانست در جای خود بماند. و به سمت پنجره رفت تا اشکش را نبینم پیش خودم گفتم اعدامش را به عقب انداختند تا بیشتر زجر بکشد با خشم غیر قابل توصیف به اتاق نشیمن دویدم و به خویشانم که آهسته بیچ پیچ می‌کردند. بانگ زدم ممکن است دوباره امشب شجاع را ... نتوانستم جمله‌ام را تمام کنم:

«خواهش می‌کنم ما را تنها بگذارید. من و بابک دیگر



جلسه محاکمه برخی از مسئولان رژیم گذشته

تحمل تکرار شب قبل را نداریم. به قول معروف مرگ یک بار شیون یک بار!»

همه با ترحم نگاهم کردند. لابد خیال می‌کردند که عقلم را از دست داده‌ام!

اما عمر شجاع هنوز به دنیا باقی بود و نیمه‌شب، درست چند لحظه قبل از آن که او را به دست جوخه اعدام بسپارند. آیت الله خمینی فرمان عفو صادر کرد!

مادرم سر به آسمان کرد و با لحن خاصی گفت:

«شجاع نظرکرده خداست ...»

دنباله دارد

نبود. داشتم خفه می‌شدم پنجره‌ها را باز کنید به من هوا برسانید در بستم چشم باز کردم. ظاهراً عیبی نداشتم ولی قدرت حرکت در خود نمی‌دیدم انگار کوههای البرز روی سینه‌ام فشار می‌آوردند. کرکره‌ها بسته بود.

چه ساعتی از روز بود؟

مادر مهربانم سرش را به درون آورد و پرسید: «بیدار شدی؟» با صدایی که در اثر قرص اعصاب رخوت آلود بود، پرسیدم:

«چه ساعتی است؟»

«تقریباً یک بعد از ظهر است.»

ادعای ترامپ: «رئیس جمهور جدید ایران» درخواست آتش‌بس کرده است



ترامپ و ونس در کاخ سفید / عکس: رویترز

● رئیس‌جمهوری آمریکا، مدعی شده است «رئیس‌جمهور جدید ایران» که به گفته او «بسیار کمتر رادیکال و بسیار باهوش‌تر از پیشینیان خود» است، درخواست آتش‌بس ارائه کرده است.

● ترامپ چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ با انتشار پیامی در «تروث سوشال» نوشت این درخواست اندکی پیش ارائه شده است. او اضافه کرد واشنگتن این موضوع را فقط در صورتی بررسی خواهد کرد که تنگه هرمز «باز، آزاد و ایمن» شود.

● ترامپ همچنین با اشاره به ادامه حملات علیه ایران گفت تا زمان تحقق این شرط، آمریکا به حملات خود تا «ناپودی کامل» ادامه خواهد داد و خاطرنشان کرد این عملیات می‌تواند ایران را «به عصر حجر بازگرداند».

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، مدعی شده است «رئیس‌جمهور جدید ایران» که به گفته او «بسیار کمتر رادیکال و بسیار باهوش‌تر از پیشینیان خود» است، درخواست آتش‌بس ارائه کرده است.

ترامپ چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ با انتشار پیامی در «تروث سوشال» نوشت این درخواست اندکی پیش ارائه شده است. او اضافه کرد واشنگتن این موضوع را فقط در صورتی بررسی خواهد کرد که تنگه هرمز «باز، آزاد و ایمن» شود.

ترامپ همچنین با اشاره به ادامه حملات علیه ایران گفت تا زمان تحقق این شرط، آمریکا به حملات خود تا «ناپودی کامل» ادامه خواهد داد و خاطرنشان کرد این عملیات می‌تواند ایران را «به عصر حجر بازگرداند».

مشخص نیست منظور ترامپ از «رئیس‌جمهور جدید ایران» کیست اما دستکم یک هفته است دولت آمریکا روی محمداقرب قالیباف تمرکز کرده است. هرچند خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه هشدار داده است این فضا سازی زمینه‌چینی برای ترور قالیباف است.

برخی مقام‌های جمهوری اسلامی می‌گویند «آتش‌بس» را نمی‌پذیرند زیرا اگر تکلیف جنگ مشخص نشود آمریکا و اسرائیل ممکن است چند ماه دیگر دوباره حمله کنند.

آمریکا در حال تدارک عملیات زمینی در ایران است



نیروهای لشکر ۸۲ هوایر آمریکا

هستند و ترامپ باید هر چه زودتر درباره این موضوع تصمیم نهایی را بگیرد.

پنتاگون اعلام کرده است که بخش‌هایی از «لشکر ۸۲ هوایر» ارتش آمریکا را به خاورمیانه اعزام خواهد کرد. این اعزام شامل ستاد فرماندهی لشکر، تیپ رزمی اول و برخی واحدهای پشتیبانی خواهد بود.

یکی از وظایف اصلی لشکر ۸۲ هوایر این است که نیروها را در حالت آمادگی برای اعزام سریع نگه دارد؛ این نیروها به‌عنوان «نیروی واکنش فوری» شناخته می‌شوند. این نیروهای بسیار آموزش‌دیده می‌توانند در کمتر از ۱۸ ساعت به هر نقطه‌ای از جهان اعزام شوند و قادرند عملیات تهاجمی هوایر انجام داده و اهداف کلیدی را تا رسیدن نیروهای بیشتر حفظ کنند.

لشکر ۸۲ هوایر یکی از مشهورترین یگان‌های نظامی آمریکا است. اعضای این لشکر از جمله نیروهایی بودند که پیش از «عملیات دی-دی» در نمانندی به فرانسه اعزام شدند. از آن زمان تاکنون، این لشکر در جنگ خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰، درگیری‌های مرتبط با جنگ علیه تروریسم و همچنین در استقرارهای اخیر در خاورمیانه پس از خروج آمریکا از افغانستان مشارکت داشته است.

این جابه‌جایی نیروهای چترباز تنها چند روز پس از آن صورت می‌گیرد که پنتاگون دو گروه آماده رزمی آبی-خاکی را نیز به خاورمیانه اعزام کرد. هر یک از این گروه‌ها می‌تواند تا ۵۰۰۰ ملوان و تفنگدار دریایی آمریکا را شامل شود، از جمله نیروهای تهاجم آبی-خاکی، جنگنده‌ها و بالگردهای حمل‌ونقل و تهاجمی.

این افزایش استقرار نیروها در حالی صورت می‌گیرد که ارتش آمریکا حملات هوایی علیه جزیره خارگ انجام می‌دهد. این جزیره هشت مایل مربعی که در فاصله ۱۶ مایلی از سواحل ایران در خلیج فارس قرار دارد، منبع ۹۰ درصد صادرات نفت ایران است.

در این حملات هوایی، ایالات متحده تنها تأسیسات نظامی ایران را هدف قرار داده و به میادین نفتی و زیرساخت‌ها آسیبی وارد نکرده است.

● یک ماه پس از آغاز عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی، منابع رسانه‌ای گزارش دادند که وزارت دفاع ایالات متحده (پنتاگون) برنامه‌های پیشرفته‌ای برای یک عملیات زمینی چند هفته‌ای در ایران تهیه کرده است.

● روزنامه «واشنگتن پست» شنبه ۲۸ مارس (هشتم فروردین ۱۴۰۵) به نقل از مقام‌های آمریکایی که نامشان فاش نشده، گزارش داد که این طرح‌ها شامل عملیات زمینی نیروهای ویژه و همچنین نیروهای متعارف در جزیره خارک می‌شود.

● ترامپ روز شنبه در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» از شهروندان آمریکایی خواسته بود که برنامه مارک لوین، تحلیلگر آمریکایی را از شبکه «فاکس نیوز» هاشا کنند. ترامپ تأکید کرده بود که این برنامه «دوباره اهمیت ضربه زدن سخت به ایران» است.

یک ماه پس از آغاز عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی، منابع رسانه‌ای گزارش دادند که وزارت دفاع ایالات متحده (پنتاگون) برنامه‌های پیشرفته‌ای برای یک عملیات زمینی چند هفته‌ای در ایران تهیه کرده است.

روزنامه «واشنگتن پست» شنبه ۲۸ مارس (هشتم فروردین ۱۴۰۵) به نقل از مقام‌های آمریکایی که نامشان فاش نشده، گزارش داد که این طرح‌ها شامل عملیات زمینی نیروهای ویژه و همچنین نیروهای متعارف در جزیره خارک می‌شود. ترامپ روز شنبه در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» از شهروندان آمریکایی خواسته بود که برنامه مارک لوین، تحلیلگر آمریکایی را از شبکه «فاکس نیوز» هاشا کنند. ترامپ تأکید کرده بود که این برنامه «دوباره اهمیت ضربه زدن سخت به ایران» است.

ساعاتی پس از این پیام ترامپ، مارک لوین در همین برنامه تأکید کرد که یکی از اهداف اعزام نیروهای ویژه آمریکایی به منطقه خاورمیانه پیدا کردن اورانیوم غنی‌شده (۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی) در ایران است.

به گفته لوین، مقام‌های آمریکا در حال بررسی اطلاعات متفاوت درباره محل نگهداری اورانیوم غنی‌شده در ایران

ترامپ مهلت بازکردن تنگه هرمز را باز هم تهدید کرد؛ سپاه پاسداران: تنگه باز نخواهد شد



دونالد ترامپ

● رئیس‌جمهور آمریکا روز پنجشنبه در «تروث سوشیال» نوشت: ششم فروردین در پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد: «بنا به درخواست ایران، من دوره تخریب تأسیسات انرژی را به مدت ۱۰ روز، تا روز دوشنبه ۶ آوریل ۲۰۲۶ ساعت ۸ شب به وقت شرق آمریکا متوقف می‌کنم».

● دونالد ترامپ «مذاکرات ادامه دارد و برخلاف ادعاهای نادرست رسانه‌های جعلی و دیگران، بسیار خوب پیش می‌رود.» ترامپ بعداً به فاکس‌نیوز گفت: «من به آن‌ها ۱۰ روز فرصت دادم، آن‌ها هفت روز خواسته بودند.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، برای دومین بار مهلت خود به جمهوری اسلامی برای بازکردن تنگه هرمز را تهدید کرد و آن را تا ششم آوریل (۱۲ فروردین) افزایش داد؛ این اقدام پس از آن صورت گرفت که او مدعی شد مذاکرات «بسیار خوب پیش می‌رود».

رئیس‌جمهور آمریکا روز پنجشنبه در «تروث سوشیال» نوشت: ششم فروردین در پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد: «بنا به درخواست ایران، من دوره تخریب تأسیسات انرژی را به مدت ۱۰ روز، تا روز دوشنبه ۶ آوریل ۲۰۲۶ ساعت ۸ شب به وقت شرق آمریکا متوقف می‌کنم»، او افزود: «مذاکرات ادامه دارد و برخلاف ادعاهای نادرست رسانه‌های جعلی و دیگران، بسیار خوب پیش می‌رود.»

ترامپ بعداً به فاکس‌نیوز گفت: «من به آن‌ها ۱۰ روز فرصت دادم، آن‌ها هفت روز خواسته بودند.» او همچنین همچنان مدعی پیروزی در جنگ شد و گفت: «به نوعی، ما همین حالا هم پیروز شده‌ایم.»

پیش‌تر، ترامپ از مقامات جمهوری اسلامی خواسته بود توافق را بپذیرند، اما مقامات تهران از جمله محمدباقر قالیباف به هرگونه مذاکره پاسخ منفی دادند. او در «ایکس» نوشت، «مردم ما خواهان تنبیه کامل و پشیمان‌کننده متجاوزان هستند» و مدعی شد «هیچ مذاکره‌ای با آمریکا انجام نشده است.»

در واکنش به پاسخ‌ها ترامپ گفت، رژیم ایران به‌شدت

مارکو روبیو: فعلاً مشخص نیست چه کسی در تهران واقعاً تصمیم‌گیرنده است

● روبیو به همتایان خود در «گروه هفت» گفت که آمریکا همچنان از طریق میانجی‌ها با حکومت ایران در ارتباط است، نه به‌صورت مستقیم. او افزود، در حال حاضر مشخص نیست چه کسی در تهران واقعاً تصمیم‌گیرنده است.

● به گفته وزیر خارجه آمریکا که دو مقام ایرانی تمایل به مذاکره با آمریکا دارند، اما نیازمند تأیید رهبر رژیم هستند. روبیو همچنین گفت که میانجی‌ها در برقراری ارتباط

سه منبع به آکسیوس گفته‌اند که مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا به وزرای خارجه «گروه هفت» (G7) گفته جنگ با جمهوری اسلامی ایران احتمالاً بین دو تا چهار هفته دیگر ادامه خواهد داشت؛ این نخستین بار است که یک مقام ارشد آمریکایی اشاره می‌کند این جنگ ممکن است فراتر از بازه چهار تا شش هفته‌ای که دونالد ترامپ از زمان آغاز جنگ مطرح کرده بود، ادامه یابد.

روبیو همچنین در نشست روز جمعه در فرانسه مدعی شد که آمریکا به آغاز مذاکرات جدی با جمهوری اسلامی نزدیک شده است. در عین حال، هزاران نیروی نظامی دیگر در حال اعزام به منطقه هستند و دولت آمریکا در حال بررسی گزینه‌های تشدید تنش است که می‌تواند شامل

برای توافق «التماس» می‌کند اما در فضای عمومی توافق راد می‌کنند.

ترامپ در یک اظهار نظر دیگر تهدید می‌کند، «آنها [مقامات تهران] خیلی محترمانه، از طریق افرادم، گفتند آیا می‌توانیم زمان بیشتری داشته باشیم؟» او افزود: «آنها هفت روز خواستند و من گفتم ۱۰ روز می‌هم، چون به من کشتی دادند.» رئیس‌جمهوری آمریکا همچنین گفت مقام‌های ایرانی بابت این تصمیم «بسیار سپاسگزار» بودند.

اما سپاه پاسداران تهدید کرده است که تنگه هرمز باز نخواهد شد. روابط عمومی سپاه پاسداران با انتشار بیانیه‌ای از مردم منطقه خواست که هر چه زودتر محل استقرار نیروهای آمریکایی را تنگ کنند. سپاه پاسداران همچنین در بیانیه دیگری بر بسته ماندن تنگه هرمز تأکید و اعلام کرد هر گونه تردد در این تنگه با «برخورد سخت» مواجه خواهد شد.

در بیانیه روابط عمومی سپاه خطاب به مردم منطقه آمده است: «نیروهای بزدل آمریکایی صهیونیستی که جرات و توانایی دفاع از پایگاه‌های نظامی خودشان را ندارند، از ترس آتش رزمندگان اسلام با استفاده از اماکن غیرنظامی تلاش دارند از مردم بی‌گناه به عنوان سپر انسانی استفاده نمایند.»

در این بیانیه گفته شده است: «از آنجا که ما تکلیف داریم نیروهای تروریست آمریکا و رژیم غاصب را که بی‌محابا به کشتار غیرنظامیان ایرانی و ترور شخصیت‌ها دست می‌زنند را هر جا یافتیم از بین ببریم، توصیه می‌کنیم با فوریت اماکن محل استقرار نیروهای آمریکایی را ترک کنید تا آسیبی به شما نرسد.»

استفاده از نیروهای زمینی نیز باشد. روبیو تأکید کرد که ایالات متحده مصمم است به تمامی اهداف خود در این جنگ دست یابد.

به گفته این سه منبع، روبیو به همتایان خود در «گروه هفت» گفت که آمریکا همچنان از طریق میانجی‌ها با حکومت ایران در ارتباط است، نه به‌صورت مستقیم.

او افزود، در حال حاضر مشخص نیست چه کسی در تهران واقعاً تصمیم‌گیرنده است.

به گفته وزیر خارجه آمریکا که دو مقام ایرانی تمایل به مذاکره با آمریکا دارند، اما نیازمند تأیید رهبر رژیم هستند. روبیو همچنین گفت که میانجی‌ها در برقراری ارتباط



مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا

با مقامات ایرانی با دشواری مواجه‌اند، زیرا این مقامات به دلیل ترس از شناسایی و ترور، از استفاده از تلفن‌های خود خودداری می‌کنند. به گفته منابع، این مسئله روند ارتباطات را کند کرده است. یکی از منابع گفت روبیو تأکید کرده که آمریکا برای بازگشایی تنگه هرمز به کمک کشورهای گروه هفت نیاز ندارد، اما از متحدانش می‌خواهد پس از پایان جنگ به یک نیروی دریایی مشترک برای نظارت بر این تنگه بپیوندند.

این منبع افزود: «روبیو گفت که آمریکا در مرحله بعد به ما نیاز خواهد داشت تا کشتی‌ها را اسکورت کنیم یا صرفاً حضور بین‌المللی در تنگه هرمز داشته باشیم تا به ایرانی‌ها نشان دهیم که کنترل تنگه را در دست ندارند. همه با این موضوع موافقت کردند.»

وزیر خارجه آمریکا پس از نشست «گروه هفت» در گفتگویی کوتاه با خبرنگاران عنوان کرد که آمریکا انتظار دارد جنگ با جمهوری اسلامی طی «چند هفته، نه چند ماه» پایان یابد.

مارکو روبیو ۲۷ مارس (هفتم فروردین) همچنین گفت که آمریکا منتظر روشن شدن این موضوع است که چه کسی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران را در مذاکرات احتمالی صلح بر عهده خواهد داشت.

از سوی آمریکا احتمالاً جی‌دی ونس معاون ترامپ ریاست هیئت آمریکایی را بر عهده خواهد داشت؛ هرچند دونالد ترامپ گفته است که روبیو، استیو ویتکاف و جرد کوشنر همگی در تلاش‌های دیپلماتیک نقش دارند. روبیو همچنین گفت یکی از دلایلی که متحدان باید پس از جنگ برای تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه اقدام کنند این است که ایران قصد دارد از هر کشتی عبوری عوارض دریافت کند.

وزیران خارجه کشورهای آلمان، کانادا، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن و بریتانیا و کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، جمعه هفتم فروردین در منطقه وود-سرنه در نزدیکی پاریس جلسه داشتند. شرکت‌کنندگان در بیانیه مشترک خود بر لزوم «تضمین دائمی آزادی نوابری به‌صورت رایگان و ایمن در تنگه هرمز» تأکید کردند و این موضوع را «یک ضرورت مطلق» خواندند.

والاستریت ژورنال: ترامپ در حال بررسی عملیات نظامی برای خارج کردن اورانیوم ایران است



● والاستریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده است که دونالد ترامپ در حال بررسی یک عملیات نظامی پیچیده و پرخطر برای خارج کردن نزدیک به هزار پوند اورانیوم از ایران است؛ مأموریتی که به گفته‌ی این مقام‌ها، احتمالاً مستلزم حضور نیروهای آمریکایی در داخل خاک ایران برای چند روز یا حتی بیشتر خواهد بود.

● فردی آگاه از دیدگاه‌های ترامپ به والاستریت ژورنال گفته است که او مشاوران خود را تشویق کرده‌است جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند تا واگذاری این مواد را بعنوان یکی از شروط پایان جنگ بپذیرد. به گفته‌ی این منبع، ترامپ در گفتگو با متحدان سیاسی خود صراحتاً تأکید کرده است که ایران نمی‌تواند این مواد را حفظ کند و اگر تهران در میز مذاکره با تحویل آن موافقت نکند، گزینه‌ی تصرف آن با زور نیز مطرح خواهد بود.

● والاستریت ژورنال می‌نویسد پیش از آن‌که اسرائیل و آمریکا در ژوئن سال گذشته مجموعه‌ای از حملات هوایی علیه جمهوری اسلامی انجام دهند، برآورد می‌شد رژیم حاکم بر ایران بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد و نزدیک به ۲۰۰ کیلوگرم مواد شکافت‌پذیر با غنای ۲۰ درصد در اختیار داشته باشد؛ موادی که می‌توان آن‌ها را نسبتاً آسان به اورانیوم ۹۰ درصدی با درجه تسلیحاتی تبدیل کرد.

● ترامپ به نزدیکان خود گفته است که تمایلی به ورود به یک جنگ فرسایشی ندارد. برخی از دستیاران ارشد او نیز ترجیح می‌دهند رئیس‌جمهور بر موضوعات دیگر، از جمله انتخابات میان‌دوره‌ای پیش رو، متمرکز شود؛ انتخاباتی که نظرسنجی‌ها از احتمال زیان‌های قابل توجه جمهوری خواهان در آن حکایت دارد.

● در مقابل، اگر جمهوری اسلامی در چارچوب یک توافق صلح با تحویل اورانیوم خود موافقت کند، آمریکا می‌تواند از چنین مأموریت پرخطری اجتناب کند. والاستریت ژورنال یادآوری می‌کند که ایالات متحده پیش‌تر نیز در قالب انتقالی مسالمت‌آمیز، اورانیوم غنی‌شده را از کشورهای دیگر خارج کرده است.

● رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گفته است که به گمان او بخش عمده‌ی این اورانیوم در دو مورد از سه سایتی قرار دارد که آمریکا و اسرائیل در ماه ژوئن هدف قرار دادند: یک تونل زیرزمینی در مجتمع هسته‌ای اصفهان و یک محل نگهداری در نطنز. کارشناسان نیز گفته‌اند جمهوری اسلامی همچنان هم سانتریفیوژهای لازم برای غنی‌سازی اورانیوم و هم توانایی ایجاد یک سایت جدید غنی‌سازی زیرزمینی را در اختیار دارد.

● به نوشته‌ی والاستریت ژورنال، جمهوری اسلامی همچنین در حال حاضر موشک بالستیک قاره‌پیمایی که بتواند خاک اصلی آمریکا را هدف قرار دهد در اختیار ندارد، هرچند بر اساس برآورد سال گذشته‌ی آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، اگر جمهوری اسلامی تصمیم بگیرد پرتابگر فضایی خود را برای این منظور تطبیق دهد، ممکن است تا سال ۲۰۳۵ به ده‌ها فروند از این موشک‌ها دست یابد.

در حالی که جنگ و دیپلماسی همزمان پیش می‌روند، دونالد ترامپ در حال بررسی یکی از جسورانه‌ترین و

پرخطرترین گزینه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی است: اعزام نیروهای آمریکایی به داخل ایران برای تصرف و خارج کردن اورانیوم غنی‌شده. به گزارش والاستریت ژورنال، این سناریو که می‌تواند پای نیروهای آمریکا را برای چند روز به قلب تأسیسات هسته‌ای ایران باز کند، نه تنها ریسک درگیری مستقیم را افزایش می‌دهد، بلکه ممکن است مسیر جنگ را به‌طور بنیادین تغییر دهد.

والاستریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده است که دونالد ترامپ در حال بررسی یک عملیات نظامی پیچیده و پرخطر برای خارج کردن نزدیک به هزار پوند اورانیوم از ایران است؛ مأموریتی که به گفته‌ی این مقام‌ها، احتمالاً مستلزم حضور نیروهای آمریکایی در داخل خاک ایران برای چند روز یا حتی بیشتر خواهد بود.

بر اساس این گزارش، ترامپ هنوز درباره‌ی صدور دستور اجرای این عملیات تصمیم نهایی نگرفته و همچنان در حال ارزیابی خطرات آن برای نیروهای آمریکایی است. با این حال، مقام‌های آمریکایی به والاستریت ژورنال گفته‌اند رئیس‌جمهور آمریکا در مجموع نسبت به این گزینه نظر مساعدی دارد، زیرا آن را در راستای هدف اصلی خود، یعنی جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، می‌بیند.

هم‌زمان، فردی آگاه از دیدگاه‌های ترامپ به والاستریت ژورنال گفته است که او مشاوران خود را تشویق کرده‌است جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند تا واگذاری این مواد را بعنوان یکی از شروط پایان جنگ بپذیرد. به گفته‌ی این منبع، ترامپ در گفتگو با متحدان سیاسی خود صراحتاً تأکید کرده است که ایران نمی‌تواند این مواد را حفظ کند و اگر تهران در میز مذاکره با تحویل آن موافقت نکند، گزینه‌ی تصرف آن با زور نیز مطرح خواهد بود.

به نوشته‌ی والاستریت ژورنال، پاکستان، ترکیه و مصر در این میان نقش واسطه میان آمریکا و ایران را بر عهده داشته‌اند، اما واشینگتن و تهران هنوز وارد مذاکرات مستقیم

برای پایان دادن به جنگ نشده‌اند.

کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید، در بیانیه‌ای گفت: «وظیفه‌ی پنتاگون این است که برای فراهم کردن حداکثر گزینه‌های ممکن برای فرمانده کل قوا، مقدمات لازم را آماده کند. این به آن معنا نیست که رئیس‌جمهور تصمیمی گرفته است.»

پنتاگون از اظهارنظر خودداری کرده و سخنگوی فرماندهی مرکزی آمریکا نیز حاضر به اظهارنظر نشده است.

ترامپ شامگاه یکشنبه به خبرنگاران گفت جمهوری اسلامی باید خواسته‌های آمریکا را بپذیرد، وگرنه «دیگر کشوری نخواهد داشت». او در اشاره به اورانیوم جمهوری اسلامی نیز گفت: «آن‌ها گرد و غبار هسته‌ای را به ما خواهند داد.»

والاستریت ژورنال می‌نویسد پیش از آن‌که اسرائیل و آمریکا در ژوئن سال گذشته مجموعه‌ای از حملات هوایی علیه جمهوری اسلامی انجام دهند، برآورد می‌شد رژیم حاکم بر ایران بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد و نزدیک به ۲۰۰ کیلوگرم مواد شکافت‌پذیر با غنای ۲۰ درصد در اختیار داشته باشد؛ موادی که می‌توان آن‌ها را نسبتاً آسان به اورانیوم ۹۰ درصدی با درجه تسلیحاتی تبدیل کرد.

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گفته است که به گمان او بخش عمده‌ی این اورانیوم در دو مورد از سه سایتی قرار دارد که آمریکا و اسرائیل در ماه ژوئن هدف قرار دادند: یک تونل زیرزمینی در مجتمع هسته‌ای اصفهان و یک محل نگهداری در نطنز. کارشناسان نیز گفته‌اند جمهوری اسلامی همچنان هم سانتریفیوژهای لازم برای غنی‌سازی اورانیوم و هم توانایی ایجاد یک سایت جدید غنی‌سازی زیرزمینی را در اختیار دارد.

به گفته‌ی همان منبع آگاه، ترامپ و دست‌کم شماری از متحدانش در محافل خصوصی گفته‌اند که می‌توان این مواد را در قالب یک عملیات هدفمند توقیف کرد؛ ←

جمله استقرار واحدهای واکنش سریع تفنگداران دریایی و نیروهای چترباز لشکر ۸۲ هوای ارتش در منطقه؛ نیروهایی که می‌توانند نقاط راهبردی، از جمله جزیره‌ای در سواحل جنوبی ایران، را تصرف کنند.

والاستریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده است که پنتاگون هم‌اکنون بسیاری از تجهیزات و امکانات لازم برای اجرای عملیات استخراج اورانیوم را در منطقه در اختیار دارد و در عین حال در حال بررسی اعزام ۱۰ هزار نیروی زمینی دیگر است تا گزینه‌های بیشتری در اختیار رئیس‌جمهور قرار گیرد.

اوایل همین ماه نیز، زمانی که در یک نشست خبری پنتاگون از پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، پرسیده شد ایالات متحده چه برنامه‌ای برای اورانیوم غنی‌شده ایران دارد، او گفت امیدوار است تهران با واگذاری آن موافقت کند، اما هم‌زمان تلویحا اشاره کرد که ارتش آمریکا در صورت مخالفت جمهوری اسلامی، گزینه‌هایی برای تصرف آن در اختیار دارد.

هگست در ۱۳ مارس گفت: «رئیس‌جمهور تمرکز خود را بر توانمندی‌های هسته‌ای حفظ کرده است. ما طیفی از گزینه‌ها را در اختیار داریم، از جمله این‌که جمهوری اسلامی تصمیم بگیرد از آن‌ها دست بکشد؛ چیزی که البته از آن استقبال می‌کنیم.»

او افزود: «من هرگز، هرگز به این جمع یا به جهان نخواهم گفت که حاضر به انجام چه کاری هستیم یا تا کجا پیش خواهیم رفت، اما بدون تردید گزینه‌هایی در اختیار داریم.»

*منبع: وال‌استریت ژورنال
*ترجمه: کیهان لندن

شنبه در شبکه‌های اجتماعی از هواداران خواست برنامه مارک لوین در فاکس‌نیوز را تماشا کنند؛ برنامه‌ای که این مفسر محافظه‌کار در آن از ترامپ خواست «اورانیوم را به دست بیاورد».

در طول هفته گذشته، ترامپ در پی دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ بوده و از جمهوری اسلامی خواسته است در قالب یک توافق مذاکره‌شده، فعالیت‌های هسته‌ای خود را برچیند. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، نیز هفته گذشته گفته بود ایالات متحده می‌تواند بدون توسل به نیروهای زمینی به اهداف اصلی خود دست یابد.

مقام‌های آمریکایی همچنین گفته‌اند جمهوری اسلامی در حال حاضر اورانیوم را غنی‌سازی نمی‌کند و اگر بخواهد به کشوری دارای سلاح هسته‌ای تبدیل شود، باید آن را تا سطح تسلیحاتی غنی‌سازی کرده و سپس کلاهک یا مپ تولید کند. به نوشته وال‌استریت ژورنال، جمهوری اسلامی همچنین در حال حاضر موشک بالستیک قاره‌پیمایی که بتواند خاک اصلی آمریکا را هدف قرار دهد در اختیار ندارد، هرچند بر اساس برآورد سال گذشته‌ی آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، اگر جمهوری اسلامی تصمیم بگیرد پرتابگر فضایی خود را برای این منظور تطبیق دهد، ممکن است تا سال ۲۰۳۵ به ده‌ها فروند از این موشک‌ها دست یابد.

به گفته مقام‌های آمریکایی، هم‌زمان با ادامه حملات نظامی به اهدافی در جمهوری اسلامی، ترامپ در حال دریافت گزارش‌هایی درباره‌ی دشواری‌ها و چالش‌های عملیات مربوط به اورانیوم است. همچنین ارتش آمریکا در حال آماده‌سازی گزینه‌های دیگری نیز هست تا در صورت صدور دستور رئیس‌جمهور، بتواند آن‌ها را اجرا کند؛ از

عملیاتی که بدون طولانی کردن چشمگیر جنگ، همچنان این امکان را برای آمریکا فراهم کند که تا اواسط آوریل از درگیری خارج شود.

ترامپ به نزدیکان خود گفته است که تمایلی به ورود به یک جنگ فرسایشی ندارد. برخی از دستیاران ارشد او نیز ترجیح می‌دهند رئیس‌جمهور بر موضوعات دیگر، از جمله انتخابات میان‌دوره‌ای پیش رو، متمرکز شود؛ انتخاباتی که نظرسنجی‌ها از احتمال زیان‌های قابل توجه جمهوری‌خواهان در آن حکایت دارد.

با این حال، افسران پیشین ارتش آمریکا و کارشناسان به وال‌استریت ژورنال گفته‌اند هرگونه تلاش برای تصرف این اورانیوم با توسل به زور، عملیاتی بسیار پیچیده و خطرناک خواهد بود؛ مأموریتی که می‌تواند در شمار دشوارترین عملیات‌هایی قرار گیرد که ترامپ تاکنون دستور آن را داده است. به گفته‌ی آنان، چنین اقدامی احتمالا واکنش تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی را در پی خواهد داشت و می‌تواند جنگ را بسیار فراتر از بازه‌ی زمانی چهار تا شش هفته‌ای که تیم ترامپ بصورت علنی ترسیم کرده‌اند، ادامه دهد.

در چنین سناریویی، گروه‌هایی از نیروهای آمریکایی باید به این سایت‌ها اعزام شوند؛ آن هم احتمالا در شرایطی که زیر آتش موشک‌های زمین‌به‌هوای جمهوری اسلامی و پهپادها قرار دارند. پس از ورود به محل نیز نیروهای رزمی باید محیط را ایمن کنند تا مهندسان مجهز به تجهیزات حفاری بتوانند در میان آوار جست‌وجو کرده و احتمال وجود مین و تله‌های انفجاری را بررسی کنند.

کارشناسان می‌گویند خارج کردن این مواد احتمالا نیازمند دخالت یک تیم نخه‌ی عملیات ویژه خواهد بود؛ تیمی که آموزش تخصصی برای انتقال مواد رادیواکتیو از مناطق جنگی دیده باشد. به گفته‌ی ریچارد نفیو، پژوهشگر ارشد دانشگاه کلمبیا و مذاکره‌کننده‌ی پیشین هسته‌ای با جمهوری اسلامی، این اورانیوم با غنای بالا به احتمال زیاد در ۴۰ تا ۵۰ استوانه‌ی ویژه نگهداری می‌شود که ظاهری شبیه کپسول‌های غواصی دارند. او می‌گوید این استوانه‌ها باید برای جلوگیری از بروز حادثه، در محفظه‌های ویژه حمل‌ونقل قرار گیرند؛ اقدامی که می‌تواند به چندین کامیون نیاز داشته باشد.

کارشناسان همچنین گفته‌اند مگر آن‌که یک فرودگاه در دسترس باشد؛ باید یک باند موقت برای ورود تجهیزات و خروج مواد هسته‌ای ایجاد شود. به گفته‌ی آنان، کل این عملیات ممکن است چند روز یا حتی یک هفته به طول بینجامد.

ژنرال بازنشسته جوزف وتل، فرماندهی پیشین فرماندهی مرکزی آمریکا و فرماندهی عملیات ویژه آمریکا، در این‌باره گفته است: «این از آن نوع عملیات‌هایی نیست که سریع وارد شوید و سریع خارج شوید.»

در مقابل، اگر جمهوری اسلامی در چارچوب یک توافق صلح با تحویل اورانیوم خود موافقت کند، آمریکا می‌تواند از چنین مأموریت پرخطری اجتناب کند. وال‌استریت ژورنال یادآوری می‌کند که ایالات متحده پیش‌تر نیز در قالب انتقالی مسالمت‌آمیز، اورانیوم غنی‌شده را از کشورهای دیگر خارج کرده است؛ از جمله در سال ۱۹۹۴ در عملیاتی موسوم به «پروژه سفایر» از قزاقستان و در سال ۱۹۹۸ نیز در همکاری با بریتانیا برای انتقال اورانیوم با غنای بالا از یک راکتور نزدیک تفلیس، پایتخت گرجستان، به یک مجتمع هسته‌ای در اسکاتلند.

ترامپ تاکنون بصورت علنی نگفته است که آیا دستور مأموریت بازیابی اورانیوم را صادر خواهد کرد یا نه. او روز



سیزده
به‌در

گارد جاویدان و مسئولیت بزرگ آن

توسط ایرانیان از بین بروند، این امر بار دیگر ثابت خواهد کرد که برچیدن این ساختار یک پیروزی داخلی است، نه یک عملیات خارجی؛ اگرچه عملیات خارجی موجبات تضعیف «عناصر سرکوب» را فراهم آورد.

طولانی شدن جنگ به رغم افزایش ویرانی‌ها که هزینه‌های آن برعهده‌ی ایرانیان بوده و خواهد بود، فرصتی است که باید آن را مغتنم شمرد. اگر نیروهای ملی بخواهند به «بازپس‌گیری کشور» گذار کنند، باید کارشناسان نظامی را که قادر به برنامه‌ریزی عملیات پیچیده و کوچک هستند، دعوت به همکاری کنند.

تکیه بر این فرضیه که فشار خارجی در نهایت رژیم را منحل خواهد کرد، یک خطای تاکتیکی است. ستون‌های جمهوری اسلامی از افراد ساخته شده‌اند، نه از آهن و بتون. تا زمانی که آن افراد بعنوان معماران ارشد فاجعه فعلی از طریق درگیری دقیق و تاکتیکی خنثی نشوند، نابودی ایران ادامه خواهد یافت.

عصر «گارد جاویدان» بار دیگر فرا رسیده است، نه بعنوان یک نگهبان کاخ، بلکه بعنوان ابزار جراحی آزادی ملی؛ و این همان تشخیص درست و هوشمندانه‌ی شاهزاده رضا پهلوی است که در بزنگاه تاریخی و مبارزاتی کنونی، نسبت به تشکیل آن اقدام کرده است.

شنیده‌ام و دیده و خوانده‌ام که برخی از دیدگاه‌های استهزآمیز، وجود «گارد جاویدان» را صرفاً یک تاکتیک تبلیغاتی قلمداد کرده‌اند و مدام این عبارات کوتاه را تکرار کرده‌اند که پس کو؟ کجاست؟!

من هم از وجود فیزیکی این گارد بی‌اطلاع هستم ولی شنیده‌ام که در طرح اولیه، موارد اساسی در چگونگی برپایی و عملکرد آن در نظر گرفته شده است که حرفه‌ای می‌نماید. بعنوان نمونه چندین هزار واحدهای کوچک با مدل فرماندهی سولوی دکترین ساختاری آنرا تشکیل می‌دهند.

برخلاف سلسله مراتب نظامی سنتی، گارد جاویدان مدرن بر اساس یک مدل سولوی غیرمتمرکز عمل می‌کند. این امر مانع از به‌خطر افتادن کل سازمان در صورت دستگیری یک واحد می‌شود که احتمالاً دارای تیم ضربتی ۶ تا ۱۲ نفره است که هدف‌های اصلی‌اش قاعدتاً فرماندهان منطقه‌ای سپاه، رؤسای فرارگاه‌های سپاه و بازجویان و افراد کلیدی اطلاعاتی و کسانی است که هنوز به ملت نپیوسته‌اند.

تردید نیست که عملیات واحدهای گارد جاویدان به هر شیوه و روشی که طراحی شده باشد، باخشی‌سازی سرکوبگری مزدوران بسیجی در محیط‌های متراکم شهری خواهد بود تا انبوه نیروهای «انقلاب شیروخورشید» بتوانند به مراکز مورد نظر دست یابند.

سال‌ها پیش در جزوه‌ای که زنده یاد تیمسار سرلشگر مهدی روحانی از فرماندهان نیروی هوایی شاهنشاهی در اختیارم قرار داده بود و من از آن یادداشت‌هایی را برداشتم، نکات ساده ولی مهمی مورد تأکید قرار گرفته بود که چندی از آنها در شرایط کنونی بسیار الزام‌آور بنظر می‌رسند؛ از جمله: پروتکل عملیات شبانه که باید با حداکثر سروصدا و هیاهوی اجتماعی انجام شود تا حرکت مورد نظر پنهان بماند؛ و یا استفاده از عنصر غافلگیری تا حد امکان و درک و بخاطر سپردن این نکته که هدف، فقط حذف هدف نیست، بلکه در هم شکستن سماجت حریف مبنی بر شکست ناپذیری اوست.

نکته‌ی ظریف دیگری که نظرم را جلب کرد و در



ناپذیری وارد کرده است ولی ستون‌هایی از این فرماندهی هنوز فعالند.

با گذشت بیش از یک‌ماه از حمله‌های هوایی بی‌وقفه، بطور فزاینده‌ای آشکار می‌شود که وظیفه‌ی نهایی حذف جراحی‌وار کادرهای ارشد رژیم را می‌شود به نیروهای هوایی خارجی واگذار کرد. این امر مستلزم راهبردی است که فکر می‌کنم تیم‌های برنامه‌ریزی فعلی، از آن غافل نبوده‌اند!

پتانسیل گارد جاویدان

در فرهنگ لغات تاریخ نظامی ایران، گارد جاویدان چیزی بیش از یک واحد نظامی است؛ این نیرو نمادی از نظم و انضباط نخبگان نظامی و وفاداری ملی تزلزل‌ناپذیر است. از نظر تاریخی، از امپراتوری هخامنشی تا قرن بیستم، این نیرو «ده هزار نفر» بودند که صفوف آنها هرگز کاهش نمی‌کردند. و بعنوان سپر نهایی دولت عمل می‌کردند. (آخرین فرمانده گارد شاهنشاهی در ایران زنده یاد تیمسار سپهبد عبدالعلی بدره ای بود که در عین حال فرماندهی نیروی زمینی ارتش را هم برعهده داشت و زنده یاد تیمسار سپهبد مهدی رحیمی، معاونت او را عهده‌دار بود).

متأسفانه از نگر بسیاری از ایرانیان، امروزه، پتانسیل «گارد جاویدان» که یک واحد رزمی زیرزمینی در چارچوب ساختار انقلاب «شیروخورشید» است، نادیده گرفته شده است.

برای از بین بردن بقایای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهای ملی باید به دنبال دکترینی به سبک و شیوه‌ی کماندویی باشند. هدف، کنترل گسترده سرزمینی نیست که می‌تواند هرج و مرج به دنبال آورد، بلکه حمله‌ها علیه افراد خاصی است که ماشین سرکوب را مدیریت می‌کنند. در این زمینه لازم نیست که یک فرد کنجکاو و علاقمند، یک نظامی حرفه‌ای باشد؛ با اندک ژرف‌نگری و پژوهش می‌توان فرمول‌های اولیه چنین دکترینی را بدست آورد.

با چنین پژوهشی در می‌یابیم که دگرگونی تاکتیکی به‌سمت عملیات کماندویی سه مزیت استراتژیک دارد:

۱- واحدهای تخصصی می‌توانند فرماندهان ارشد سپاه را در محیط‌های ناامن هدف قرار دهند.

۲- حذف ناگهانی و موضعی چهره‌های «غیرقابل لمس» در دستگاه امنیتی، خلائی از ترس و بی‌اعتمادی در میان بازماندگان ایجاد می‌کند و تجزیه‌ی صفوف را شتاب می‌دهد.

۳- در میان افراد سرکوب و طرفداران سنتی رژیم، فلج روانی ایجاد می‌کند.

وقتی «عناصر سرکوب» با استفاده از تاکتیک‌های تخصصی

● در حالی که ایالات متحده و اسرائیل بطور سیستماتیک سایت‌های موشک‌های بالستیک، تأسیسات هسته‌ای و مراکز فرماندهی را هدف قرار داده‌اند، یک واقعیت تکان‌دهنده آشکار شده است مبنی بر اینکه مباران هوایی به تنهایی نتوانسته ستون‌های سپاه تمامیت‌خواه را فرو بریزد. ● با گذشت بیش از یک‌ماه از حمله‌های هوایی بی‌وقفه، بطور فزاینده‌ای آشکار می‌شود که وظیفه‌ی نهایی حذف جراحی‌وار کادرهای ارشد رژیم را نمی‌شود به نیروهای هوایی خارجی واگذار کرد. این امر مستلزم راهبردی است که فکر می‌کنم تیم‌های برنامه‌ریزی فعلی، از آن غافل نبوده‌اند!

● در فرهنگ لغات تاریخ نظامی ایران، گارد جاویدان چیزی بیش از یک واحد نظامی است؛ این نیرو نمادی از نظم و انضباط نخبگان نظامی و وفاداری ملی تزلزل‌ناپذیر است. از نظر تاریخی، از امپراتوری هخامنشی تا قرن بیستم، این نیرو «ده هزار نفر» بودند که صفوف آنها هرگز کاهش نمی‌یافت و بعنوان سپر نهایی دولت عمل می‌کردند. ● آخرین فرمانده گارد شاهنشاهی در ایران زنده یاد تیمسار سپهبد عبدالعلی بدره ای بود که در عین حال فرماندهی نیروی زمینی ارتش را هم برعهده داشت و زنده یاد تیمسار سپهبد مهدی رحیمی، معاونت او را عهده‌دار بود.

● برای از بین بردن بقایای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهای ملی باید به دنبال دکترینی به سبک و شیوه‌ی کماندویی باشند. هدف، کنترل گسترده سرزمینی نیست که می‌تواند هرج و مرج به دنبال آورد، بلکه حمله‌ها علیه افراد خاصی است که ماشین سرکوب را مدیریت می‌کنند.

● وقتی «عناصر سرکوب» با استفاده از تاکتیک‌های تخصصی توسط ایرانیان از بین بروند، این امر بار دیگر ثابت خواهد کرد که برچیدن این ساختار یک پیروزی داخلی است، نه یک عملیات خارجی؛ اگرچه عملیات خارجی موجبات تضعیف «عناصر سرکوب» را فراهم آورد. ● تکیه بر این فرضیه که فشار خارجی در نهایت رژیم را منحل خواهد کرد، یک خطای تاکتیکی است. ستون‌های جمهوری اسلامی از افراد ساخته شده‌اند، نه از آهن و بتون. تا زمانی که آن افراد بعنوان معماران ارشد فاجعه فعلی از طریق درگیری دقیق و تاکتیکی خنثی نشوند، نابودی ایران ادامه خواهد یافت.

نادر صدیقی - چشم‌انداز کنونی در ایران با تغییر قابل توجهی در ماهیت درگیری مشخص شده است. در حالی که عملیات هوایی آمریکا و اسرائیل زیرساخت‌های فیزیکی رژیم را تخریب کرده، هسته‌ی اصلی دستگاه سرکوب آن، کادرهای ارشد سپاه پاسداران و شبکه‌های امنیتی داخلی به رغم آسیب‌های سخت، تا حد قابل توجهی به عملیات ادامه می‌دهد.

در این مقاله بر ضرورت استراتژیک عملیات تاکتیکی تخصصی و احیای نمادین و عملی مفهوم «گارد جاویدان» تمرکز شده است.

در حالی که ایالات متحده و اسرائیل بطور سیستماتیک سایت‌های موشک‌های بالستیک، تأسیسات هسته‌ای و مراکز فرماندهی را هدف قرار داده‌اند، یک واقعیت تکان‌دهنده آشکار شده است مبنی بر اینکه مباران هوایی به تنهایی نتوانسته ستون‌های سپاه تمامیت‌خواه را فرو بریزد؛ اگرچه حذف فرماندهان ارشد آن ضربه‌های سنگین و جبران

دوران نبرد با تاریکی؛ پهلوی، وحشت جمهوری اجنبی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

رژیم عمدتاً حول پهلوی و پادشاهی شکل می‌گرفت. نخستین اعتراضات علیه رژیم اسلامی نیز از سوی این گروه و در دفاع از دستاوردهای آن دوران مانند حقوق زنان صورت گرفت و نخستین قربانیان نیز از حامیان پادشاهی و پهلوی بودند که به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

با آنکه در حقیقت یک گروه تروریستی اسلامی با کشتار و خرابکاری ایران را اشغال کرده و به قدرتی دولتی نیز دست یافته و «رژیم سابق» را منتفی اعلام کرده بود، اما زمامداران جمهوری اسلامی همچنان از تاریخ پادشاهی ایران و ایرانسازی پهلوی وحشت داشتند. به ویژه آنکه مخالفت‌ها با

دوران نبرد با تاریکی؛ باور به قدرت ملت

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

جنگ و آینده سیاسی کشور بیان کند و تأکید می‌کرد جمهوری اسلامی نماینده واقعی ملت ایران نیست، مردم ایران خواهان آزادی و رفاه هستند، آینده ایران باید بر اساس رأی مردم تعیین شود و نظام مشروطه می‌تواند چارچوبی برای ثبات و دموکراسی و تحقق حقوق بشر باشد.

در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ میلادی برابر با ۶۵ و ۶۶ خورشیدی فعالیت‌های رسانه‌ای شاهزاده رضا پهلوی در سطح بین‌المللی بیشتر و گفتمان او نسبت به سال‌های نخست تعدید پخته‌تر و تأثیرگذارتر شده بود. او در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی و اروپایی تلاش می‌کرد دیدگاه خود را درباره وضعیت ایران،

بسیاری از فیلم‌های سینمایی نیز نمونه‌هایی از آن را دیده‌ایم گذاشتن یک نشانگر ویژه «گارد جاویدان» در محل عملیات است برای نشان دادن اینکه شکارچیان گارد، وظیفه خود را با موفقیت به‌انجام رسانده‌اند.

انتشار سریع موفقیت این عملیات از طریق کانال‌های امن، از دو جهت حایز اهمیت است یکی تأثیر فوری روانی بر روی نیروهای دو طرف خودی و رقیب که در این موارد دشمن تلقی می‌شوند و دیگری تشویق به جدایی بیشتر اعضای واحدهای سرکوب رژیم.

از دیگر آموزه‌های جزوه مورد اشاره، آمادگی گارد برای پیش‌بینی «حمله‌ی کورکورانه» رژیم علیه مردمان بی‌دفاع غیرنظامی است که طی آن بتواند نیروهای سرکوب را از مراکز غیرنظامی دور کند.

یاد تیمسار سرلشگر روحانی گرامی که هر وقت مرا می‌دید با یک عبارت کوتاه «مرد خاکستری» به استقبال می‌آمد. اشاره او به مفهوم سنگ بنای بقای شهری و عملیات کماندویی بود که امروزه کاربرد عملی بسیار مهمی دارد.

در محیطی مانند ایران که سپاه پاسداران طی سالها، یک شبکه‌ی نظارتی فراگیر از دوربین‌های مداربسته با تشخیص چهره گرفته تا خبرچین‌های محله (بسیج) را در اختیار دارد، توانایی «پنهان شدن در دیدرس» از هر سلاحی بُرنده‌تر است. در چنین شرایطی:

– اشخاص خاکستری باید «نامری» باشند! هدف آنها عبور از یک محیط پرخطر است بدون بجا گذاشتن حتی یک «ردپای خاطره» در ذهن ناظران و یا گزارشگران دیجیتالی رژیم. – اشخاص خاکستری باید تمام ژست‌های نظامی و تجهیزات تاکتیکی خود را کنار بگذارند چرا که هدف، مطابقت با خط پایه‌ی محله خاصی است.

– اشخاص خاکستری باید نماییه کارگری داشته باشند و از یونیرم‌های معمول خدمتکاران امور عمومی مانند کارگران شهرداری و یا حلیقه‌های ویژه‌ی تعمیرکاران استفاده کنند چرا که این نقش‌ها از نگر اجتماعی «نامرئی» هستند و مردم یونیرم را می‌بینند و نه صورت را.

– اشخاص خاکستری باید به عدم شاخص‌بندی فیزیکی پایبند باشند. از خالکوبی و استفاده از جواهرات و یا مدل موهای غیرمتعارف بپرهیزند. پوشیدن لباس‌های دو روپه یا قابل پاره شدن، تغییر دادن رنگ ژاکت یا برداشتن کلاه بین دو دوربین مداربسته می‌تواند «زنجیره بصری» یک تعقیب و گریز را بشکند.

موارد دیگری مانند سکوت دیجیتالی و الکترونیکی، استفاده از دستگاه‌های غیرهوشمند و محافظت در برابر امواج رادیویی و استفاده از عینک‌هایی با شیشه‌های بازتابنده مادون قرمز برای کور کردن دوربین‌ها از دیگر توصیه‌های ایمنی برای اشخاص خاکستری و همه‌ی کسانی است که ضرورت ایمنی خود در برابر سرکوبگران رژیم را تشخیص می‌دهند. ولی خطرناک‌ترین بخش یک مأموریت، «ایست بازرسی» در نقاط مختلف شهر است که باید خود را برای حفظ ضربان طبیعی قلب و صدای ثابت در هنگام پاسخ به پرسش یک نوجوان بسیجی یا یک افسر سپاه پاسداران آموزش داد.

به هر روی، گذار از «مباران نیروهای خارجی» به شکست عوامل سرکوب رژیم مستلزم آن است که «گارد جاویدان» مانند یک چاقوی جراحی عمل کند. عملیات تاکتیکی آن با تمرکز بر کادرهای ارشد سپاه و نیروهای یگان ویژه و سایر عناصر سرکوب تضمین می‌کند که وقتی رژیم سرانجام سرنگون می‌شود، این اتفاق روی می‌دهد زیرا پایه‌های آن و عبارتی افرادی که آن را با سماجت سرپا نگاه داشته‌اند، به گونه‌ی سیستماتیک از بین رفته‌اند.

نیویورک تایمز: شکاف در رأس قدرت ایران، هماهنگی نظامی را مختل کرده است



● نیویورک تایمز به نقل از مقام‌های آگاه از ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و غرب گزارش داده است که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، ساختار تصمیم‌گیری در ایران را دچار گسست جدی کرده است؛ به گونه‌ای که حذف و جایگزینی پیاپی فرماندهان و مقام‌های ارشد، توان تهران برای هماهنگی حملات تلافی‌جویانه، تدوین راهبردهای جدید و حتی مشارکت مؤثر در مذاکرات احتمالی را به شدت تضعیف کرده است.

● بر اساس این گزارش، از زمان آغاز جنگ در چهار هفته‌ی گذشته، ده‌ها نفر از رهبران و معاونان آن‌ها در ایران کشته شده‌اند. مقام‌هایی که زنده مانده‌اند نیز، به دلیل نگرانی از رهگیری و شنود ارتباطات از سوی آمریکا یا اسرائیل و نیز خطر هدف قرار گرفتن در حملات هوایی، در برقراری ارتباط با یکدیگر با مشکل مواجه‌اند و امکان دیدار حضوری نیز ندارند.

● با تغییر ترکیب رهبران، مذاکره‌کنندگان ایرانی ممکن است اطلاع‌چندانی از این نداشته باشند که حکومت تا کجا حاضر به عقب‌نشینی است یا حتی دقیقاً باید از چه کسی کسب تکلیف کنند.

● دولت دونالد ترامپ اعلام کرده است که اکنون دولتی جدید در ایران زمام امور را در دست دارد و بر دستیابی سریع به توافق فشار می‌آورد.

● برخی مقام‌های پیشین آمریکایی معتقدند جمهوری اسلامی زمانی به توافق تن خواهد داد که فشار اقتصادی ناشی از جنگ به سطحی برسد که برایش غیرقابل تحمل باشد. هرچند خسارت‌ها سنگین بوده، اما به گفته‌ی مقام‌های کنونی و سابق، ممکن است جمهوری اسلامی هنوز خود را در موقعیت شکست نبیند.

● برخی مقام‌های اطلاعاتی معتقدند که ممکن است مجتبی خامنه‌ای بیشتر نقشی نهادین داشته باشد و تصمیم‌های اصلی را فرماندهان باقی‌مانده سپاه پاسداران اتخاذ کنند.

● ترامپ نیز از آنچه «پیام‌های متناقض» از سوی رهبران جمهوری اسلامی خوانده، ابراز نارضایتی کرده است. او روز پنج‌شنبه در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «مذاکره‌کنندگان ایرانی بسیار متفاوت و عجیب هستند. آن‌ها دارند به ما التماس می‌کنند که توافق کنیم؛ کاری که باید انجام دهند، چون از نظر نظامی کاملاً نابود شده‌اند و هیچ شانس برای بازگشت ندارند، اما در عین حال علناً می‌گویند فقط در حال بررسی پیشنهاد ما هستند.»

● افراد مطلع از ارزیابی‌های اطلاعاتی گفته‌اند نارضایتی ترامپ، بازتاب ناتوانی دولت کنونی ایران در هماهنگ‌سازی پاسخ‌ها و اتخاذ تصمیم نهایی درباره‌ی پیشنهادهای صلح آمریکا است.

نیویورک تایمز به نقل از مقام‌های آگاه از ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و غرب گزارش داده است که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، ساختار تصمیم‌گیری در ایران را دچار گسست جدی کرده است؛ به گونه‌ای که حذف و جایگزینی پیاپی فرماندهان و مقام‌های ارشد، توان تهران برای هماهنگی حملات تلافی‌جویانه، تدوین راهبردهای جدید و حتی مشارکت مؤثر در مذاکرات احتمالی را

به شدت تضعیف کرده است. به گزارش این روزنامه، این شکاف در ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی، ظرفیت حکومت برای تصمیم‌گیری مؤثر و اجرای حملات تلافی‌جویانه گسترده‌تر را نیز با چالش‌های فزاینده مواجه کرده است.

بر اساس این گزارش، از زمان آغاز جنگ در چهار هفته‌ی گذشته، ده‌ها نفر از رهبران و معاونان آن‌ها در ایران کشته شده‌اند. مقام‌هایی که زنده مانده‌اند نیز، به دلیل نگرانی از رهگیری و شنود ارتباطات از سوی آمریکا یا اسرائیل و نیز خطر هدف قرار گرفتن در حملات هوایی، در برقراری ارتباط با یکدیگر با مشکل مواجه‌اند و امکان دیدار حضوری نیز ندارند.

در این گزارش آمده است که اگرچه نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند، اما توان دولت برای طراحی راهبردها و سیاست‌های جدید بطور قابل‌توجهی تضعیف شده است. دولت دونالد ترامپ اعلام کرده است که اکنون دولتی جدید در ایران زمام امور را در دست دارد و بر دستیابی سریع به توافق فشار می‌آورد. با این حال، هرچه سازوکار تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی فرسوده‌تر و مختل‌تر شود، گفت‌وگو با فرستادگان آمریکایی و اتخاذ تصمیم برای اعطای امتیازهای مهم نیز دشوارتر خواهد شد.

با تغییر ترکیب رهبران، مذاکره‌کنندگان ایرانی ممکن است اطلاع‌چندانی از این نداشته باشند که حکومت تا کجا حاضر به عقب‌نشینی است یا حتی دقیقاً باید از چه کسی کسب تکلیف کنند. افزون بر این، مقام‌های آمریکایی می‌گویند تندرورها در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اکنون نفوذ بیشتری در جمهوری اسلامی یافته‌اند و عملاً بیش از رهبری مذهبی که بصورت اسمی در رأس حاکمیت قرار دارد، اعمال قدرت می‌کنند.

با این همه، هنوز روشن نیست آیا فردی برای توافق ظهور خواهد کرد یا نه! و اگر چنین فردی پیدا شود، آیا خواهد توانست دیگر مقام‌ها را نیز به پذیرش آن متقاعد کند؟ برخی مقام‌های پیشین آمریکایی معتقدند جمهوری اسلامی زمانی به توافق تن خواهد داد که فشار اقتصادی ناشی از جنگ به سطحی برسد که برایش غیرقابل تحمل باشد. هرچند خسارت‌ها سنگین بوده، اما به گفته‌ی مقام‌های کنونی و سابق، ممکن است جمهوری اسلامی هنوز خود را در موقعیت شکست نبیند.

ترامپ روز دوشنبه تهدید کرد که اگر توافقی با سرعت حاصل نشود، جنگ را گسترش خواهد داد؛ از جمله با این اشاره که نیروهای آمریکایی ممکن است جزیره‌ی خارگ، مرکز اصلی صادرات نفت ایران را هدف قرار دهند.

این گزارش همچنین می‌افزاید که اختلال در سامانه‌های ارتباطی ایران، در میان رهبران باقی‌مانده حکومت نوعی سردرگمی و فضای بی‌اعتمادی و هراس ایجاد کرده است. به گفته‌ی مقام‌ها، آنان بیم دارند تماس‌ها و پیام‌هایشان از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل شنود شود و به همین دلیل از برقراری تماس پرهیز می‌کنند.

اسرائیل جنگ را با حمله به مجموعه‌ی محل استقرار رهبری آغاز کرد؛ حمله‌ای که به کشته‌شدن علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، و بخش عمده‌ای از فرماندهان امنیتی و رهبران امنیت ملی انجامید. مقام‌های آمریکایی همچنین گفته‌اند شماری از مقام‌های رده‌پایین‌تر که از نگاه واشنگتن عملگراتر بودند نیز در همان حمله کشته شدند. ترامپ نیز در مصاحبه‌هایی به این موضوع اشاره کرده بود که برخی چهره‌های بالقوه برای رهبری ایران از میان رفته‌اند. به گفته‌ی مقام‌های غربی و افراد مطلع از ارزیابی‌های دولتی، این حمله بسیاری از پیوندهای میان تصمیم‌گیران امنیتی، نظامی و غیرنظامی را قطع کرده است. در

دوران نبرد با تاریکی؛ ترسیم آینده‌ای روشن

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



شاهزاده رضا پهلوی از همان ابتدا ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را در عرصه بین‌المللی آشکارا فاش و اعلام می‌کرد رژیم نه یک حکومت بلکه گروهی تروریستی است که ایران را اشغال کرده. در آن سالهای ابتدایی روی کار آمدن جمهوری اسلامی، جامعه ایرانیان مهاجر در آمریکا و اروپا هنوز پراکنده و فاقد سازماندهی سیاسی منسجم بودند. شاهزاده تلاش می‌کرد نقش حلقه‌ی اتصال و اتحاد بین حقوق بشر

نیروهای مخالف و مدافع دموکراسی را ایفا کند و از تبدیل اختلافات سیاسی به شکاف‌های غیرقابل جبران جلوگیری نماید. پیام‌های او همواره بر سه محور استوار بود:

- حفظ تمامیت ارضی ایران
- پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی
- برقراری یک نظام مشروطه متکی بر دموکراسی و حقوق بشر

آمریکا هم‌زمان دو جبهه را پیش می‌برد: میدان نظامی و بازار انرژی



عین حال، هنوز میزان نفوذ و کنترل مجتبی خامنه‌ای، رهبر جدید جمهوری اسلامی، بر ساختار حکومت روشن نیست. او تاکنون در انظار عمومی دیده نشده و نهادهای اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل بر این باورند که وی در جریان جنگ زخمی شده است.

برخی مقام‌های اطلاعاتی معتقدند که ممکن است مجتبی خامنه‌ای بیشتر نقشی فنادین داشته باشد و تصمیم‌های اصلی را فرماندهان باقی‌مانده سپاه پاسداران اتخاذ کنند. یک مقام ارشد نظامی آمریکا نیز گفته است که حملات آمریکا و اسرائیل، سامانه‌ی فرماندهی و کنترل ایران را بشدت تضعیف کرده است. با این حال، همان مقام و یک مقام ارشد اطلاعاتی گفته‌اند که ایران پیش از آغاز جنگ، یک ساختار فرماندهی غیرمتمرکز ایجاد کرده بود که به فرماندهان محلی در مناطق مختلف کشور امکان می‌دهد حتی بدون دریافت دستورهای روزمره مستقیم از تهران، درباری حملات تصمیم‌گیری کنند.

به گفته‌ی این مقام نظامی، آمریکا اکنون همین فرماندهان محلی را هدف قرار داده است. با وجود این، جمهوری اسلامی نشان داده است که هنوز قادر به انجام حملات تهاجمی قابل‌توجهی است؛ از جمله حمله‌ی موشکی و پهپادی هفته‌ی گذشته به پایگاه هوایی پرنس سلطان در عربستان سعودی.

با این حال، حملات تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی به دلیل مشکلات موجود در ساختار حکومتی، نه به اندازه‌ای که می‌توانستند گسترده بوده و نه به همان میزان اثربخش بوده‌اند. به گفته‌ی مقام‌های پیشین آمریکایی، به سبب از بین رفتن بخش بزرگی از رهبران، جمهوری اسلامی نتوانسته است رگبارهای بزرگ‌تر موشکی را سازمان‌دهی کند؛ حملاتی که می‌توانستند آسان‌تر از سامانه‌های دفاعی عبور کنند. در عوض، فرماندهی‌های منطقه‌ای ناچار شده‌اند بدون هماهنگی با یکدیگر، ضدحملات خود را ترتیب دهند.

ترامپ نیز از آنچه «پیام‌های متناقض» از سوی رهبران جمهوری اسلامی خوانده، ابراز نارضایتی کرده است. او روز پنج‌شنبه در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «مذاکره‌کنندگان ایرانی بسیار متفاوت و عجیب هستند. آن‌ها دارند به ما التماس می‌کنند که توافق کنیم؛ کاری که باید انجام دهند، چون از نظر نظامی کاملا نابود شده‌اند و هیچ شانس برای بازگشت ندارند، اما در عین حال علنا می‌گویند فقط در حال بررسی پیشنهاد ما هستند.»

او همچنین روز یکشنبه گفت حملات هوایی به شکل‌گیری رهبری جدید در ایران منجر شده است و بار دیگر از پیشرفت در گفتگوها سخن گفت. ترامپ اظهار داشت: «این‌ها یک گروه کاملا متفاوت از آدم‌ها هستند. بنابراین من این را تغییر رژیم تلقی می‌کنم و صادقانه بگویم، آن‌ها بسیار معقول بوده‌اند.»

ترامپ روز دوشنبه نیز در پیامی در شبکه‌های اجتماعی، در کنار ارایه ارزیابی‌هایی خوش‌بینانه از دولت فعلی ایران، تهدید کرد که در صورت عدم دستیابی سریع به توافق و تداوم بسته بودن تنگه‌ی هرمز، تأسیسات تولید برق، چاه‌های نفت و واحدهای آب‌شیرین‌کن ایران را هدف قرار خواهد داد.

افراد مطلع از ارزیابی‌های اطلاعاتی گفته‌اند نارضایتی ترامپ، بازتاب ناتوانی دولت کنونی ایران در هماهنگ‌سازی پاسخ‌ها و اتخاذ تصمیم نهایی درباری پیشنهادهای صلح آمریکا است.

دونالد ترامپ: اگر جمهوری اسلامی توافق نکند به همه نیروگاه‌های برق ضربه می‌زنیم



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

به آن تعلق دارند. در همین حال، مذاکرات در جریان است. تغییر رژیم هدف ما نبود؛ ما هرگز از تغییر رژیم سخن نگفتیم، اما به دلیل کشته شدن رهبران اصلی آن‌ها، عملاً تغییر رژیم رخ داده است. همه آن‌ها کشته شده‌اند. گروه جدید کمتر افراطی و بسیار معقول‌تر است.»

او افزود: «اگر در این بازه زمانی توافقی حاصل نشود، اهداف کلیدی را زیر نظر داریم. اگر توافقی در کار نباشد، به همه نیروگاه‌های تولید برق آن‌ها ضربات بسیار شدیدی وارد خواهیم کرد، احتمالاً به صورت هم‌زمان.»

ترامپ تأکید کرد، «ما به تأسیسات نفتی آن‌ها حمله نکرده‌ایم، با اینکه این آسان‌ترین هدف است، زیرا این کار حتی کوچک‌ترین شانس برای بقا یا بازسازی برایشان باقی نمی‌گذاشت. اما می‌توانیم آن را هدف قرار دهیم و کاملاً از بین بروند، و آن‌ها هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید. آن‌ها هیچ تجهیزات ضد هوایی ندارند. رادارشان صد درصد نابود شده است. ما به عنوان یک نیروی نظامی توقف‌ناپذیر هستیم.»

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه همین صحبت‌ها گفت: «تأسیسات هسته‌ای که با بمب‌افکن‌های بی-۲ نابود کردیم، آنقدر شدید هدف قرار گرفته‌اند که ماه‌ها طول می‌کشد حتی به بقایای هسته‌ای نزدیک شد. و ما آن‌ها را تحت نظارت و کنترل شدید ماهواره‌ای داریم. اگر ببینیم حرکتی انجام می‌دهند - حتی تلاشی در آن جهت - بار دیگر با موشک‌ها به شدت به آن‌ها ضربه خواهیم زد. همه برکه‌های برنده در دست ماست. آن‌ها هیچ چیز در اختیار ندارند.»

ساعاتی پس از سخنرانی ترامپ، بهای نفت افزایش یافت و شاخص ارزش بازارهای سهام کاهش یافت.

قیمت نفت برنت بیش از ۴ درصد افزایش یافت و از مرز ۱۰۵ دلار در هر بشکه عبور کرد؛ در حالی که پیش از آن تا ۹۹ دلار و ۸ سنت کاهش یافته بود.

به سلاح هسته‌ای دست یابد، می‌تواند از پشت یک سپر هسته‌ای، ترور، ارباب و کشتار جمعی را پیش ببرد.» همچنین با اشاره به سوابقی از حمله حمله به نیروهای آمریکایی در لبنان و عراق، و نیز حملات اخیر در اسرائیل، گفت این اقدامات نشان می‌دهد که [حکومت] ایران «هرگز نباید به چنین سلاحی دست یابد.»

او تأکید کرد که جمهوری اسلامی «۴۵ هزار نفر از مردم خود را که در ایران اعتراض می‌کردند، کشته است.»

ترامپ در بخش دیگری از سخنانش مثل همیشه به اقدامات خود در دوره‌های قبلی ریاست جمهوری اشاره کرد. او گفت خروج از توافق هسته‌ای [برجام] دولت باراک اوباما «ضروری» بوده و این توافق را «فاجعه‌بار» توصیف کرد. به گفته او، این توافق می‌توانست جمهوری اسلامی را به زرادخانه‌ای از سلاح‌های هسته‌ای مجهز کند.

ترامپ همچنین به کشته شدن قاسم سلیمانی اشاره کرد و او را «نابغه‌ای شرور» خواند که به گفته او نقش مهمی در عملیات علیه نیروهای آمریکایی داشت.

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه مدعی شد: «ما [حکومت] ایران را شکست داده‌ایم و کاملاً در هم کوبیده‌ایم؛ از نظر نظامی، اقتصادی و از هر جهت دیگر.»

او گفت کشورهایی که به نفت عبوری از تنگه هرمز وابسته هستند، باید خودشان مسئولیت حفاظت از این مسیر را بر عهده بگیرند: «آن‌ها باید این گذرگاه را حفظ کنند و از آن محافظت کنند. ما کمک خواهیم کرد، اما آن‌ها باید پیشگام باشند.»

عملاً تغییر رژیم رخ داده

دونالد ترامپ تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی توافق نکند، «آن‌ها را به عصر حجر بازخواهیم گرداند، جایی که

● دونالد ترامپ، جمهوری اسلامی را «خشن‌ترین و اوباش‌ترین رژیم جهان» نامید و گفت: «اگر چنین رژیمی به سلاح هسته‌ای دست یابد، می‌تواند از پشت یک سپر هسته‌ای، ترور، ارباب و کشتار جمعی را پیش ببرد.»

● رئیس جمهوری آمریکا با اشاره به سوابقی از حمله حمله به نیروهای آمریکایی در لبنان و عراق، و نیز حملات اخیر در اسرائیل، گفت این اقدامات نشان می‌دهد که [حکومت] ایران «هرگز نباید به چنین سلاحی دست یابد.»

● او تأکید کرد که جمهوری اسلامی «۴۵ هزار نفر از مردم خود را که در ایران اعتراض می‌کردند، کشته است.»

● دونالد ترامپ تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی توافق نکند، «آن‌ها را به عصر حجر بازخواهیم گرداند، جایی که به آن تعلق دارند. در همین حال، مذاکرات در جریان است. تغییر رژیم هدف ما نبود؛ ما هرگز از تغییر رژیم سخن نگفتیم، اما به دلیل کشته شدن رهبران اصلی آن‌ها، عملاً تغییر رژیم رخ داده است. همه آن‌ها کشته شده‌اند. گروه جدید کمتر افراطی و بسیار معقول‌تر است.»

● او افزود: «اگر در این بازه زمانی توافقی حاصل نشود، اهداف کلیدی را زیر نظر داریم. اگر توافقی در کار نباشد، به همه نیروگاه‌های تولید برق آن‌ها ضربات بسیار شدیدی وارد خواهیم کرد، احتمالاً به صورت هم‌زمان.»

رئیس جمهوری آمریکا چهارشنبه شب ۱۲ فروردین ۱۴۰۴ در نطقی خطاب به مردم آمریکا گفت ایالات متحده در دو تا سه هفته آینده ضربات بسیار سختی به جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد. او بار دیگر تکرار کرد «۴۵ هزار نفر از مردم خود را که در ایران اعتراض می‌کردند، کشته است.»

دونالد ترامپ، جمهوری اسلامی را «خشن‌ترین و اوباش‌ترین رژیم جهان» نامید و گفت: «اگر چنین رژیمی

اختلاف وزرای خارجه «گروه هفت» بر سر جنگ علیه جمهوری اسلامی



نشست وزرای خارجه گروه هفت

که نتوانسته حمایت‌ها را پشت جنگ موردنظر خود در ایران جمع کند و ناتو و اکثر متحدان دیگر درخواست او برای کمک به تأمین تنگه هرمز را رد کرده‌اند، جایی که کنترل ایران باعث اختلال در حمل و نقل نفت و افزایش قیمت انرژی شده است. قبل از اظهارات ترامپ، مارک روت افزایش بودجه دفاعی توسط اعضای اتحاد را یادآور شد و گفت اروپا و کانادا «بیش از حد به قدرت نظامی آمریکا متکی بوده‌اند»، اما «تغییر ذهنیتی» رخ داده است.

فرانسه، میزبان گروه هفت، نسبت به جنگ ایران بسیار بدبین است و علاوه بر اظهارات ووترین، ژنرال فایبان ماندون رئیس ستاد مشترک ارتش فرانسه نیز این هفته انتقاد کرد که متحدان آمریکا از آغاز خصومت‌ها مطلع نشده‌اند. او گفت: «آن‌ها تصمیم گرفتند بدون اطلاع ما در خاور نزدیک و خاورمیانه دخالت کنند. آمریکا کمتر و کمتر قابل پیش‌بینی است و حتی زحمت اطلاع دادن ما را هم به خود نمی‌دهد.»

با این حال، ۳۵ کشور در مذاکرات نظامی میزبانی شده توسط ماندون برای بازگشایی تنگه هرمز «پس از کاهش شدت خصومت‌ها» شرکت کردند، به گفته وزارت دفاع فرانسه. رویو گفت که با تهدید ایران به حمل و نقل جهانی، کشورهای بی‌طرفی که به قوانین بین‌المللی اهمیت می‌دهند «باید وارد عمل شوند و با آن مقابله کنند.»

وزرای خارجه دیگر متحدان نیز ابراز نگرانی مشابهی داشته‌اند و نگران تعهد آمریکا به اوکراین هستند، زیرا جنگ ایران وارد هفته چهارم می‌شود.

یوهان واده‌فول گفت: «باید از بی‌ثباتی بیشتر جلوگیری کنیم، آزادی اقتصادی خود را تأمین کنیم و چشم‌اندازهایی برای پایان و پس از خصومت‌ها توسعه دهیم. حمایت مشترک ما از اوکراین نباید اکنون تضعیف شود، زیرا این یک اشتباه راهبردی در امنیت یورو-آتلانتیک خواهد بود.»

کرده‌ایم، اما در مورد اقدامات تهاجمی که در چارچوب این بحران انجام شده است، رویکرد متفاوتی داشته‌ایم.» رویو پیش از این نیز در تلاش برای ارائه استراتژی آمریکا درباره بحران ایران با دشواری روبه‌رو بود، اما اظهارات تند ترامپ درباره عدم حمایت کشورهای ناتو و متحدان در جلسه هیئت دولت روز پنجشنبه، کار او را دشوارتر خواهد کرد. از میان کشورهای «گروه هفت»، علاوه بر آمریکا، بریتانیا، کانادا، فرانسه، آلمان و ایتالیا عضو ائتلاف نظامی ترانس‌آتلانتیک هستند و ژاپن تنها کشور غیرعضو است.

ترامپ گفت: «ما اینجا هستیم تا ناتو را از روسیه محافظت کنیم، اما آن‌ها اینجا نیستند تا از ما محافظت کنند.»

رویو در جمع‌بندی خود درباره دیدار با آندری سبیهیا وزیر خارجه اوکراین گفت که هنوز باید روابط با متحدان اروپایی که مورد انتقاد یا تهدید ترامپ و دیگران در دولت جمهوری خواه او قرار گرفته‌اند، بهبود یابد. اروپایی‌ها هنوز از درخواست‌های قبلی ترامپ برای تصاحب گرینلند از متحد ناتو، دانمارک، ناراضی هستند و نگران حمایت آمریکا از اوکراین در جنگ با روسیه‌اند. بحران خاورمیانه نیز نقطه تنش دیگری اضافه کرده است. رویو در «ایکس» نوشت: «امروز در گروه هفت تأکید کردم که رئیس‌جمهور ترامپ متعهد به دستیابی به آتش‌بس و حل و فصل مذاکره‌شده جنگ روسیه و اوکراین در اسرع وقت است.»

رویو پیش از ترک واشنگتن به خبرنگاران گفت درباره ناراضیاتی «گروه هفت» نسبت به جنگ ایران گفت: «من اینجا نیستم که آن‌ها را خوشحال کنم. من با همه آن‌ها از نظر شخصی روابط خوبی دارم و با این دولت‌ها به‌طور دقیق همکاری می‌کنیم، اما کسانی که می‌خواهم خوشحال شوند مردم ایالات متحده هستند. من برای آن‌ها کار می‌کنم، نه برای فرانسه، آلمان یا ژاپن.»

ترامپ از عدم حمایت متحدان شکایت کرده است و گفته

● وزرای خارجه «گروه هفت» روز جمعه ۲۷ مارس (هفتم فروردین) در فرانسه گرد هم آمدند تا درباره بحران روسیه و اوکراین بحث کنند. آسوشیتدپرس گزارش داد میان وزرای خارجه «گروه هفت» اختلافات عمیقی در مورد جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران وجود داشت.

● این نشست پس از انتقادات مکرر دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، صورت گرفت که مدعی بود متحدان آمریکا درخواست‌های واشنگتن برای کمک در عملیات نظامی و مقابله با حملات تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی ایران، از جمله بستن تنگه هرمز به روی بیشتر کشتی‌های بین‌المللی، را نادیده گرفته یا رد کرده‌اند.

● رویو پیش از ترک واشنگتن به خبرنگاران گفت درباره ناراضیاتی «گروه هفت» نسبت به جنگ ایران گفت: «من اینجا نیستم که آن‌ها را خوشحال کنم. من با همه آن‌ها از نظر شخصی روابط خوبی دارم و با این دولت‌ها به‌طور دقیق همکاری می‌کنیم، اما کسانی که می‌خواهم خوشحال شوند مردم ایالات متحده هستند. من برای آن‌ها کار می‌کنم، نه برای فرانسه، آلمان یا ژاپن.»

وزرای خارجه «گروه هفت» روز جمعه ۲۷ مارس (هفتم فروردین) در فرانسه گرد هم آمدند تا درباره بحران روسیه و اوکراین بحث کنند. آسوشیتدپرس گزارش داد میان وزرای خارجه «گروه هفت» اختلافات عمیقی در مورد جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران وجود داشت.

این نشست پس از انتقادات مکرر دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، صورت گرفت که مدعی بود متحدان آمریکا درخواست‌های واشنگتن برای کمک در عملیات نظامی و مقابله با حملات تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی ایران، از جمله بستن تنگه هرمز به روی بیشتر کشتی‌های بین‌المللی، را نادیده گرفته یا رد کرده‌اند.

مارکو رویو، تنها ۲۴ ساعت پس از آخرین دور از انتقادات ترامپ به ناتو و در حالیکه بی‌ثباتی در بازارهای نفتی ادامه داشت و جنگ ایران وارد هفته چهارم خود شده بود، به هم‌تایان گروه هفت پیوست و نگرانی‌ها درباره مذاکرات احتمالی برای پایان بحران نیز وجود داشت.

اکثر نزدیک‌ترین متحدان آمریکا با جنگ ایران با تردید عمیق برخورد کرده‌اند، دیدگاهی که هنگام ملاقات وزرای خارجه گروه هفت در صومعه‌ای تاریخی متعلق به قرن دوازدهم در واکس-دو-سرنی، خارج از پاریس، نمایان بود، هرچند آن‌ها بر لزوم یافتن راه‌حل دیپلماتیک برای حل بحران تأکید داشتند.

کاترین ووترن وزیر نیروهای مسلح فرانسه به خبرنگاران گفته جنگ در خاورمیانه «جنگ ما نیست» و افزود که موضع فرانسه صرفاً دفاعی است. او در مصاحبه با شبکه‌های Europe 1 و CNews گفت: «هدف واقعاً این رویکرد دیپلماتیک است، که تنها روشی است که می‌تواند بازگشت به صلح را تضمین کند. بسیاری از کشورها نگران هستند و پیدا کردن راه‌حل کاملاً ضروری است.»

در همین حال، ایوت کوپر نیز گفت که بریتانیا مسیر دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد و تفاوت‌هایی با آمریکا در رویکرد دارد. او افزود: «ما از اقدامات دفاعی حمایت

آمریکا در خلیج فارس؛ اهداف اعلامی و نتایج میدانی



عرشه ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن

چابهار، مکران، جاسک، بندرعباس، بندر لنگه و بوشهر. لازم به یادآوری است که اکثر پایگاه‌های موشکی سپاه در نوار ساحلی جنوب با نام «شهرهای موشکی» شناخته می‌شوند که به دلیل ملاحظات امنیتی، هرگز با نام دقیق شهر یا منطقه معرفی نمی‌شوند اما معمولاً با نام‌های کلی یا مناطق عملیاتی، مورد اشاره قرار می‌گیرند. با این حال، بر اساس گزارش‌ها و رونمایی‌های رسمی، مناطقی وجود دارند که بعنوان محل استقرار یا تمرکز این پایگاه‌ها شناخته می‌شوند که در طول سالیان گذشته در نقاط استراتژیک خلیج فارس و دریای عمان ایجاد شده‌اند.

بندرعباس و جزایر اطراف آن بعنوان مرکز فرماندهی منطقه اول دریایی سپاه، بیشترین تراکم پایگاه‌های موشکی را در خود جای داده‌اند. عسلویه و سواحل بوشهر نیز به دلیل اهمیت استراتژیک تاسیسات انرژی، دارای پایگاه‌های متعددی در ارتفاعات ساحلی هستند. چابهار و سواحل مکران نیز جزو مناطقی است که در سال‌های اخیر مورد توجه ویژه نیروی زمینی و دریایی سپاه بوده و انتقال بخشی از توان موشکی به سمت دریای عمان و شرق تنگه‌ی هرمز در سواحل مکران صورت گرفته است و در نهایت گلوگاه تنگه‌ی هرمز است که دارای پایگاه‌های متعدد زیرزمینی برای کنترل کامل بر این آبراه بین‌المللی است.

از طرفی سپاه اخیراً نسل جدیدی از پایگاه‌های خود که مستقیماً به دریا راه دارند را رونمایی کرده است؛ محل نامعلوم در سواحل خلیج فارس. سپاه پاسداران در بهمن ۱۴۰۳ از یک «شهر موشکی زیرزمینی» جدید رونمایی کرد که شامل سیلوه‌های زیرزمینی برای شلیک موشک‌های بالستیک از اعماق زمین بود.

پایگاه‌های شنواری زیرزمینی نیز از دیگر نقاطی بود که در فروردین ۱۴۰۴ رونمایی شد. تصاویری از شهرهای زیرزمینی منتشر شد که علاوه بر موشک، محل نگهداری و خروج سریع شناورهای تندرو موشک‌انداز بودند. همچنین بر اساس برخی گزارش‌ها در خبرگزاری‌های فارسی زبان، در سال جاری (فروردین ۱۴۰۵)، پایگاه‌های عظیمی در مناطق کوهستانی نزدیک به یزد (منطقه مرکزی مرتبط با ←

حوزه‌ی انرژی تأثیر بگذارد. با این حال، در سطح تحلیل سناریویی، می‌توان احتمال یک الگوی نیمه محدود از حضور زمینی ارتش ایالات متحده آمریکا در قالب عملیات‌های میان‌مدت و شاید بلندمدت و هدفمند را مدنظر قرار داد. در چنین سناریویی، ایالات متحده ممکن است در صورت تشدید تنش‌ها و بروز اختلال جدی در کشتیرانی، به استقرار نیرو در برخی نقاط کلیدی روی آورد. این نقاط می‌تواند شامل جزایری با اهمیت عملیاتی در دهانه‌ی تنگه‌ی هرمز و پیرامون آن باشد؛ از جمله خارگ، لارک، قشم، کیش، ابوموسی و حتی تنب بزرگ. هدف از چنین حضوری، شاید نه اشغال به معنی کلاسیک آن، بلکه حضور برای ایجاد برتری نظارتی، استقرار سامانه‌های پدافندی و تضمین باز بودن مسیر عبور کشتی‌ها برای دراز مدت عنوان شود؛ بویژه که بیشتر این جزایر دارای باند پرواز هستند که کار تدارکات را برای ارتش آمریکا آسان می‌کند. هر چند نباید این موضوع را نیز نادیده گرفت که دونالد ترامپ پیشتر نیز برای تصاحب و کنترل بر چند منطقه‌ی استراتژیک خارج از قلمروی کشورش از جمله کانال پاناما و جزیره‌ی گرینلند ابراز علاقه‌ی جدی کرده و خیز برداشته است.

از این رو، حالا که آمریکا با صرف هزینه‌های هنگفت چه از لحاظ نظامی و چه دیپلماتیک و سیاسی، وارد یک مسیر یک‌طرفه در تقابل نظامی با رژیم جمهوری اسلامی ایران شده است، دور از انتظار نیست که در روزها یا هفته‌های آینده، اظهار نظرهای معناداری را در رابطه با علاقه‌ی دونالد ترامپ به تسلط یا حضور در اداره‌ی تنگه‌ی هرمز، تاسیس پایگاه نظامی دائمی در یک یا چند جزیره مورد اشاره در جنوب ایران و حتی ابراز تمایل برای در اختیار گرفتن جزیره خارگ بعنوان ترمینال نفتی ایران را شاهد باشیم.

در این چارچوب، سناریوی محتمل‌تر برای آغاز عملیات آن است که هرگونه نفوذ زمینی، در صورت وقوع، با استقرار نیروهای آمریکایی ابتدا در جزایر و سپس در نوار ساحلی جنوبی ایران و با تمرکز بر نقاطی آغاز شود که امکان پشتیبانی لجستیکی و دریایی را فراهم می‌کنند از جمله:

کورش زمانی - تحولات اخیر در خلیج فارس، بیش از آنکه نشانه‌ی یک جنگ کلاسیک و تمام‌عیار باشد، بیانگر ورود به مرحله‌ی پیچیده از رقابت راهبردی است؛ مرحله‌ای که می‌توان آن را «فشار حداکثری ترکیبی» نامید. در این چارچوب، ایالات متحده و اسرائیل با ترکیبی از ابزارهای نظامی، عملیات‌های هدفمند، حملات سایبری محدود و نمایش مدیریت‌شده‌ی قدرت، در پی آن هستند که بدون ورود به جنگی پرهزینه، فرسایشی و غیرقابل پیش‌بینی، رژیم جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار دهند که به عقب‌نشینی راهبردی یا همان تسلیم تن دهد.

این وضعیت، خلیج فارس را به صحنه‌ی نوعی شرایط ناپایدار تبدیل کرده است؛ فضای میان جنگ و صلح که در آن هر کنش می‌تواند پیامدهایی فراتر از محاسبات اولیه داشته باشد. افزایش حضور نظامی آمریکا، اقدامات هدفمند اسرائیل و واکنش‌های غیر متعارف رژیم جمهوری اسلامی، همگی نشان‌دهنده‌ی شکل‌گیری یک بازی چندبُعدی هستند که در آن بازدارندگی، سیگنال‌دهی و مدیریت ریسک بطور همزمان دنبال می‌شود.

استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه، از یگان‌های رزمی دریایی تا یگان‌های واکنش سریع، بیش از آنکه نشانه‌ی آمادگی برای تهاجم زمینی گسترده باشد، در راستای کنترل محیط عملیاتی و کاهش میزان ریسک و اختلال در تنگه‌ی هرمز ارزیابی می‌شود. این گذرگاه، بعنوان یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انتقال انرژی در جهان، جایگاهی دارد که هرگونه بی‌ثباتی در آن می‌تواند پیامدهای اقتصادی و امنیتی فراتر از منطقه ایجاد کند. در نتیجه، حفظ باز بودن مسیرهای کشتیرانی به یکی از اهداف کلیدی بازیگران خارجی تبدیل شده است.

در سطحی دیگر، اسرائیل به نظر می‌رسد راهبردی مبتنی بر ایجاد اختلال در تمرکز و رهبری باقی‌مانده‌ی رژیم را دنبال می‌کند؛ رویکردی که هدف آن تضعیف ظرفیت‌های عملیاتی با حذف مقامات و فرماندهان ارشد نظامی است پیش از آن که به تهدیدی بالفعل تبدیل شوند. این اقدامات، علاوه بر اثرات عملیاتی، دارای کارکرد بازدارنده نیز هستند؛ هرچند موفقیت آنها بشدت وابسته به دقت اطلاعاتی است، کاری که اسرائیل نشان داده در آن استاد است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که ارتش و سیستم اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل همچنان به هدف قرار دادن راهبردی مراکز و شخصیت‌های نظامی و امنیتی با قدرت و دقت ادامه دهد.

در سوی مقابل، رفتار تهران ترکیبی از تلاش برای ایجاد بحران خارجی و حفظ انسجام داخلی است. موشک‌پرانی به کشورهای همسایه، هدف گرفتن منابع انرژی و ایجاد ناامنی در ترافیک دریایی در تنگه‌ی هرمز، در کنار حفظ گفت‌وگو و مقاومت در داخل، نشان‌دهنده‌ی تلاش برای جلوگیری از فرسایش انسجام درون کشور و در عین حال، بالابردن هزینه‌ی جنگ برای آمریکا و متحدانش است. این رویکرد، فضای مانور محدودی ایجاد می‌کند که در آن زمان به یک متغیر کلیدی تبدیل می‌شود.

در این میان، جغرافیای راهبردی خلیج فارس نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سناریوهای آینده دارد. خط ساحلی و جزایر جنوبی ایران علاوه بر کارکرد اقتصادی، بعنوان سکوی نظارتی و عملیات نظامی در تنگه‌ی هرمز عمل می‌کنند. وجود کنترل یا بروز اختلال در این نقاط می‌تواند بطور مستقیم بر جریان تجارت جهانی بویژه در

اسرائیل نابود شده‌اند با این حال استقرار نیروی نظامی نخبه‌ی آمریکایی در جنوب، احتمالاً ارتباط مستقیم در غیرفعال کردن پایگاه‌های متعدد تهاجمی سپاه در نوار ساحلی خواهد داشت. چنین رویکردی می‌تواند به نیروهای آمریکایی اجازه دهد بدون ورود به عمق سرزمین ایران، کنترل کاملی بر محیط دریایی و خطوط کشتیرانی اعمال کنند. با این حال، باید تأکید کرد که این سناریو با ریسک‌های قابل توجهی همراه است، از جمله احتمال واکنش نامتعارف از سوی رژیم جمهوری اسلامی و افزایش هزینه‌های نظامی و سیاسی برای آمریکا. از این روست که دونالد ترامپ در تلاش برای همراه کردن حداکثری کشورهای منطقه و ناتو برای عملیات بازگشایی تنگه‌ی هرمز است. تلاشی که به نظر می‌رسد چندان بی‌ثمر نبوده و احتمال مداخله‌ی نظامی برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس از جمله عربستان و امارات متحده عربی با رژیم جمهوری اسلامی را در پی خواهد داشت.

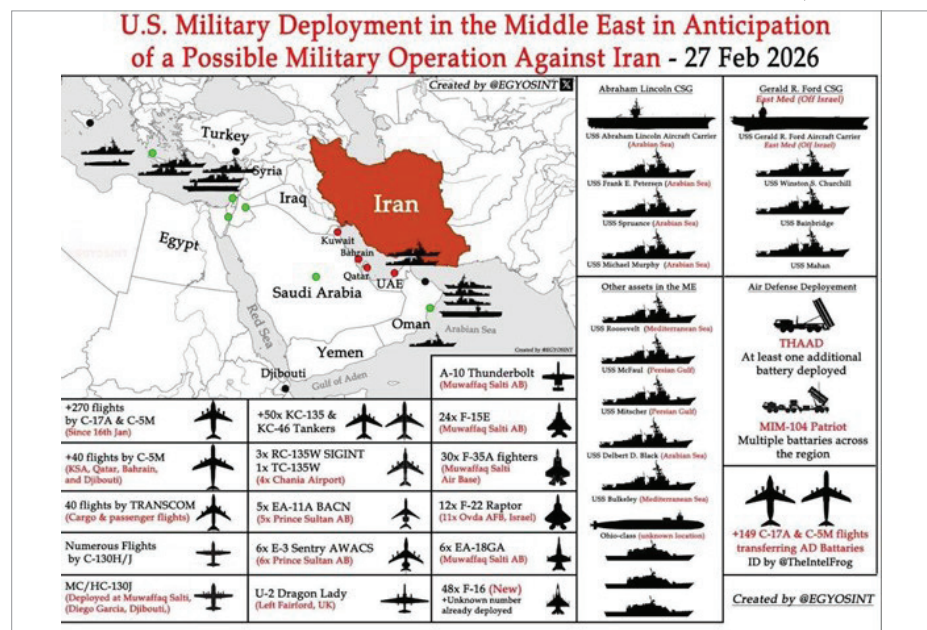
در کنار این تحولات، جنگ سایبری و الکترونیک نیز به یکی از مؤلفه‌های کلیدی این مرحله تبدیل شده که هنوز به شکل گسترده بکار گرفته نشده است. حملات به زیرساخت‌های انرژی، ارتباطات و لجستیک می‌تواند بدون درگیری مستقیم، توان مدیریتی و عملیاتی را تحت فشار قرار دهد. این ابزارها، در شرایطی که بازیگران تمایل به اجتناب از جنگ کلاسیک دارند، به اهرم‌های مؤثر و بالقوه‌ای تبدیل شده‌اند.

اما یکی از مؤلفه‌های اساسی در ارزیابی هرگونه موفقیت راهبردی در این تقابل، توجه به اهداف اعلامی طرف مقابل است. ایالات متحده طی سال‌های گذشته، همواره جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای را بعنوان یکی از محورهای اصلی سیاست خود مطرح کرده است. در این چارچوب، هرگونه اقدام نظامی یا فشار ترکیبی، در نهایت باید بر اساس میزان تحقق این هدف سنجیده شود. از این منظر، حتی در صورت موفقیت در نابودی توان نظامی یا تسلط بر تنگه‌ی هرمز و جزایر استراتژیک جنوبی، تا زمانی که زیرساخت‌های کلیدی برنامه‌ی هسته‌ای بطور مؤثر و پایدار از کار نیافتند و ذخایر قابل توجه اورانیوم غنی‌شده که برآوردها آن را در سطح چندصد کیلوگرم با غنای بالا قرار می‌دهند نابود، منتقل یا به‌شکل قابل راستی‌آزمایی خنثی نشوند، اعلام یک «پیروزی راهبردی» از سوی آمریکا محل تردید خواهد بود. به بیان دیگر، بدون حل‌وفصل مؤلفه‌ی هسته‌ای، سایر دستاوردهای احتمالی اعم از نظامی یا ژئوپلیتیک، ممکن است از سوی جامعه‌ی بین‌الملل و حتی افکار عمومی درون آمریکا و البته دموکرات‌ها در فضای سیاسی ایالات متحده، موقتی یا ناپایدار تلقی شوند. این موضوع، اهمیت پیوند میان اهداف اعلامی و نتایج میدانی را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که ارزیابی نهایی از این تقابل، بیش از هر چیز، به سرنوشت برنامه‌ی هسته‌ای ایران وابسته خواهد بود.

در مجموع، آنچه در ایران به ویژه در خلیج فارس در حال شکل‌گیری است، نه یک مسیر قطعی بسوی جنگی طولانی، و نه روندی روشن بسوی ثبات است، بلکه نوعی از استراتژی فشار و فرسایش کنترل‌شده از سوی آمریکا است که در آن تلاش می‌کند بدون عبور از آستانه‌ی جنگی تمام‌عیار، موقعیت خود را بهبود بخشد. در چنین شرایطی، اشتباه محاسباتی از هر سمت می‌تواند به سرعت وضعیت موجود را تغییر دهد. آینده‌ی این وضعیت، بیش از هر چیز، به نحوه‌ی مدیریت این پیچیدگی، سطح کنترل بر اتخاذ تصمیم‌ها و توانایی بازیگران در عملیاتی‌کردن برنامه‌ها بستگی دارد. خلیج فارس در این مقطع، نه صرفاً یک میدان تقابل نظامی، بلکه یک محیط چندلایه از رقابت‌های راهبردی است که پیامدهای آن فراتر از منطقه قابل مشاهده است.

در محدوده‌ی عملیاتی این منطقه دریایی رخ داد. در حال حاضر فرماندهی منطقه‌ی دوم دریایی سپاه برعهده‌ی دریادار دوم پاسدار رمضان زیراهی می‌باشد. منطقه‌ی سوم دریایی سپاه موسوم به منطقه‌ی امام

جنوب) (جنوب) پراکنده شده که بعنوان پشتوانه‌ی لجستیکی و عملیاتی برای جبهه‌ی جنوب عمل می‌کنند. به گفته‌ی مقامات نظامی جمهوری اسلامی، این پایگاه‌ها بصورت زنجیره‌ای در تمام طول نوار ساحلی جنوب (بیش از ۲۲۰۰



حسین، در بندر ماهشهر در شمال خلیج فارس قرار دارد و محدوده‌ی عملیاتی آن از ماهشهر تا اروند، یعنی آب‌های ساحلی خوزستان است. پایگاه اروندکنار از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های تابع این منطقه می‌باشد. هم‌اکنون دریادار دوم پاسدار امرالله نوذری فرماندهی منطقه‌ی سوم نیروی دریایی سپاه را برعهده دارد.

منطقه‌ی چهارم نیروی دریایی سپاه موسوم به ثارالله، در عسلویه قرار دارد و منطقه‌ی حد فاصل منطقه‌ی اول (بندرعباس) و منطقه‌ی دوم (بوشهر) از جزیره‌ی کیش، تا منطقه رأس مظاف را پوشش می‌دهد. این منطقه تا سال ۱۳۸۹ یک پایگاه دریایی بود، اما در این سال به لحاظ سازمانی، به سطح منطقه‌ی دریایی ارتقا پیدا کرد. با ایجاد منطقه‌ی چهارم ثارالله نیروی دریایی سپاه در عسلویه، حفاظت از ۳۵۰ کیلومتر مرز آبی از جزیره‌ی کیش در استان هرمزگان تا رأس مظاف در بوشهر، به این منطقه اختصاص داده شده است. استراتژیک بودن منطقه‌ی گازی پارس جنوبی و حساسیت مسئولان ایران روی این منطقه اقتصادی، یکی از دلایل ارتقای پایگاه دریایی ثارالله عسلویه به منطقه‌ی چهارم سپاه اعلام شده است. هم‌اکنون فرماندهی منطقه‌ی چهارم نیروی دریایی سپاه برعهده‌ی دریادار دوم پاسدار حسین بارگاهی می‌باشد.

منطقه‌ی پنجم که آخرین منطقه‌ی دریایی تشکیل شده از سوی سپاه است، از تقسیم محدوده‌ی عملیاتی منطقه‌ی یک ایجاد شده است. به دلیل اهمیت تنگه‌ی هرمز، این تنگه بطور خاص بعنوان تنها محدوده‌ی مأموریت منطقه‌ی یکم تعریف شده و جزایر چهارگانه تنب کوچک، تنب بزرگ، ابوموسی و سیری از محدوده‌ی منطقه‌ی یکم خارج و با تشکیل منطقه‌ی پنجم، به آن منطقه سپرده شده است. منطقه‌ی پنجم در سال ۱۳۹۱ تأسیس شد و به منطقه‌ی نازعات معروف است. این منطقه در بندر لنگه قرار دارد و حوزه‌ی عملیاتی آن از نقطه‌ی انتهایی جزیره‌ی قشم به اضافه‌ی منطقه‌ی جزایر چهارگانه تا غرب جزیره‌ی کیش است.

هر چند مشخص نیست که تا این لحظه، چه میزان از این پایگاه‌ها و مناطق نظامی در جریان حملات آمریکا و

کیلومتر) پراکنده شده‌اند تا امکان ردیابی و انهدام همزمان آن‌ها غیرممکن باشد.

بر پایه مأموریتی که برای نیروی دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس تعیین شده است، این نیرو خلیج فارس را به ۵ منطقه‌ی جداگانه تقسیم کرده است و در هر یک از این مناطق نیز یک منطقه‌ی دریایی ایجاد نموده و در هر یک از این مناطق نیز پایگاه‌های دریایی کوچکتری تأسیس شده‌اند. در هر یک از این مناطق پنجگانه علاوه بر شناورهای تندرو، یگان موشکی ساحل به دریا، گروه‌های پدافند ضدهوایی مستقل، یگان ویژه، یگان‌های تکاور و تفنگدار دریایی مستقر بودند. تمامی این مناطق پنجگانه زیر نظر فرماندهی نیروی دریایی سپاه و «قرارگاه خاتم‌الانبیاء ۲» قرار دارد که «خاتم‌الانبیاء ۲» سپاه به همراه «قرارگاه دریایی خاتم‌الانبیاء ۱»، نیروی دریایی ارتش، دو قرارگاه اصلی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان هستند که هر دو زیر نظر قرارگاه جنگی خاتم‌الانبیاء در تهران عمل می‌کنند، که فرماندهی آن با سرلشکر پاسدار غلامعلی رشید بود که در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۴۰۴ توسط ارتش اسرائیل به هلاکت رسید.

منطقه‌ی اول دریایی سپاه موسوم به منطقه‌ی صاحب‌الزمان در بندرعباس مستقر است. این منطقه دریایی، نزدیکترین یگان دریایی سپاه به تنگه‌ی هرمز به‌شمار می‌رود و مسئولیت اصلی آن، عملیات دفاعی و آفندی در محدوده‌ی تنگه‌ی هرمز است. علیرضا تنگسیری فرماندهی حذف شده‌ی نیروی دریایی سپاه، پیش از آنکه در سال ۱۳۸۹ به جانشینی فرماندهی نیرو منصوب شود، فرماندهی منطقه‌ی یکم دریایی سپاه بود. هم‌اکنون دریادار دوم پاسدار عباس غلامشاهی فرماندهی منطقه یکم دریایی صاحب‌الزمان را برعهده دارد.

منطقه‌ی دوم دریایی سپاه در بندر بوشهر مستقر و معروف به منطقه‌ی دوم نوح نبی است. مأموریت اصلی منطقه‌ی دوم دریایی سپاه، حفاظت از جزیره‌ی خارگ و استمرار صادرات نفت ایران است. توقیف قایق حامل ده تفنگدار دریایی در سال ۱۳۹۴ در نزدیکی جزیره‌ی فارسی،

حذف هدفمند فرماندهان لجستیکی نیروهای مسلح؛ بازداشت صراف‌های مرتبط با سپاه در امارات



تشییع جنازه عوامل امنیتی جمهوری اسلامی / فروردین ۱۴۰۵

● همزمان با حذف گسترده فرماندهان لجستیکی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، امارات متحده عربی که بهشت پولشویی سپاه پاسداران بود، تعدادی از صراف‌ها و دلال‌های مالی مرتبط به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بازداشت کرده است.

● در تازه‌ترین رویداد مرتبط با این موضوع، سردار پاسدار جمشید اسحاقی از مهره‌های اقتصادی ستاد کل نیروهای مسلح به همراه خانواده‌اش کشته شد. زمان دقیق کشته شدن آنها مشخص نیست اما مراسم تشییع جنازه‌شان ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ انجام شد.

● برخی منابع غیررسمی گزارش دادند منزل اسحاقی در محله آرگل بود. او نقش اساسی در قاچاق نفت ایران و دور زدن تحریم‌ها داشت و به تأمین مالی برنامه‌های موشکی و پشتیبانی از نیابتی‌ها کمک می‌کرد. یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید مدتی قبل از حذف این افراد با آنها تماس گرفته شده بود با این مضمون که «تا دیر نشده کنار مردم بایستند».

● منابع غیررسمی گزارش دادند تعدادی صراف ایرانی مرتبط با سپاه پاسداران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در امارات متحده عربی بازداشت شدند. آنها با شرکت‌های پوششی تحریم‌ها را دور می‌زدند و ماموریتشان تأمین مالی سپاه پاسداران و «سپاه قدس» بود.

همزمان با حذف گسترده فرماندهان لجستیکی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، امارات متحده عربی که بهشت پولشویی سپاه پاسداران بود، تعدادی از صراف‌ها و دلال‌های مالی مرتبط به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بازداشت کرده است.

در تازه‌ترین رویداد مرتبط با این موضوع، سردار پاسدار جمشید اسحاقی از مهره‌های اقتصادی ستاد کل نیروهای مسلح به همراه خانواده‌اش کشته شد. زمان دقیق کشته شدن

گزینه آمریکا برای امثال قالیباف:

«تسلیم» یا «مرگ»؛

مارکو رویو: جمهوری اسلامی

می‌تواند ترامپ را سر بردواند

● یک ماه پس از آغاز جنگ علیه جمهوری اسلامی، مقام‌های آمریکا همچنان به باقیمانده‌ی رژیم ایران از جمله محمدباقر قالیباف که از نفوذ بالایی در سیستم برخوردارند پیشنهاد مذاکره می‌دهند. در واکنش به پیشنهاد آمریکا، نظامی‌ها و به طور مشخص سپاه پاسداران با شروط دولت دونالد ترامپ مخالفت می‌کنند.

● ترامپ عمدی یا سهوی، موضعی دارد که حکومت ایران را سردرگم کرده است اما به طور مشخص این فرصت به قالیباف داده شده است تا اگر تمایل داشته باشد بتواند تسلیم خواسته‌های آمریکا شود. با این همه او در پیامی به نقل از حسین‌ابن ابی‌طالب امام سوم شیعیان گفت «کسی مانند من با کسی مانند یزید بیعت نمی‌کند» است.

● مارکو رویو در مصاحبه با «فاکس نیوز» می‌گوید: پرزیدنت ترامپ همیشه مذاکره را به جنگ ترجیح می‌دهد، ما اوایل سال گذشته ۶۰ روز به آنها وقت دادیم، بعد از عملت «چکس نیمه شب» هم دوباره وقت دادیم اما هر بار بی‌فایده بود با این حال به تلاش ادامه دادیم. پیام‌هایی در حال تبادل است و احتمال ملاقات مستقیم وجود دارد. اما چیزی که پرزیدنت ترامپ اجازه نخواهد داد، استفاده از مذاکرات ساختگی به عنوان یک تاکتیک برای تأخیر و خریدن زمان است.

● وزیر خارجه آمریکا در ادامه عنوان کرد: «دولت بایدن چهارسال وقت صرف کرد تا توافق هسته‌ای اواما را زنده کند و ایرانی‌ها آنها را چهار سال سردوانند. آنها فکر کردند می‌توانند این دولت را سر بردوانند اما پرزیدنت ترامپ فریب بازی‌های آنها را نمی‌خورد».

یک ماه پس از آغاز جنگ علیه جمهوری اسلامی، مقام‌های آمریکا همچنان به باقیمانده‌ی رژیم ایران از جمله محمدباقر قالیباف که از نفوذ بالایی در سیستم برخوردارند پیشنهاد مذاکره می‌دهند. در واکنش به پیشنهاد آمریکا، نظامی‌ها و به طور مشخص سپاه پاسداران با شروط دولت دونالد ترامپ مخالفت می‌کنند.

در همین ارتباط ابراهیم ذوالفقاری سخنگوی قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیا» گفت، «دونالد ترامپ، موضعی را یک روز صبح به طبل تهدید می‌کوبد و عصر همان روز از آن عقب‌نشینی می‌کند. زمانی از مذاکره دم می‌زند و ساعاتی پس از آن، تصمیم به ادامه جنگ می‌گیرد».

ترامپ عمدی یا سهوی، موضعی دارد که حکومت ایران را سردرگم کرده است اما به طور مشخص این فرصت به قالیباف داده شده است تا اگر تمایل داشته باشد بتواند تسلیم خواسته‌های آمریکا شود. با این همه او در پیامی به نقل از حسین‌ابن ابی‌طالب امام سوم شیعیان گفت «کسی مانند من با کسی مانند یزید بیعت نمی‌کند» است. هرچند

آنها مشخص نیست اما مراسم تشییع جنازه‌شان ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ انجام شد. برخی منابع غیررسمی گزارش دادند منزل اسحاقی در محله آرگل بود. او نقش اساسی در قاچاق نفت ایران و دور زدن تحریم‌ها داشت و به تأمین مالی برنامه‌های موشکی و پشتیبانی از نیابتی‌ها کمک می‌کرد.

اسحاقی پیشتر مدیر شرکت «سپهر انرژی» بود شرکتی پوششی که مأموریت اصلی آن فروش نفت ایران و پولشویی برای تأمین مالی سپاه قدس است. این شرکت در فهرست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دارد.

کاملاً پیداست یک ماه پس از آغاز جنگ علیه جمهوری اسلامی، کارزاری جدی برای حذف هدفمند فرماندهان میدانی و لجستیکی نیروهای مسلح و بویژه سپاهی‌ها به راه افتاده است. یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید مدتی قبل از حذف این افراد با آنها تماس گرفته شده بود با این مضمون که «تا دیر نشده کنار مردم بایستند».

طی چهار هفته گذشته تعداد زیادی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح کشته شدند اما کارزار حذف فرماندهان میدانی کمی سخت‌تر به نظر می‌رسد زیرا آنها کمتر شناخته شده هستند و آسان‌تر می‌توانند در میان مردم عادی خود را مخفی نگه دارند. اخیراً در محله «پردیسان» قم، سرهنگ پاسدار حسن مهدی به همراه کل خانواده‌اش هدف قرار گرفت. او سابقه جنگ در سوریه را داشت و اغلب اعضای خانواده‌اش مشاغل نظامی و امنیتی داشتند. او در ساختمانی سکونت داشت که اقوام دیگر خانواده نیز آنجا بودند. بیش از ۲۵ نفر در حمله به این ساختمان کشته و زخمی شدند.

منابع غیررسمی گزارش دادند تعدادی صراف ایرانی مرتبط با سپاه پاسداران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در امارات متحده عربی بازداشت شدند. آنها با شرکت‌های پوششی تحریم‌ها را دور می‌زدند و ماموریتشان تأمین مالی سپاه پاسداران و «سپاه قدس» بود.

دونالد ترامپ: یک هفته دیگر خواهیم فهمید قالیباف واقعاً با آمریکا همکاری می‌کند یا نه



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

مقامات آمریکایی از تأیید رسمی او خودداری کرده‌اند. ترامپ همچنین به شوخی گفته است که هر کسی را که به‌طور علنی نام ببرد، در نهایت کشته خواهد شد. پیش‌تر قالیباف ضمن مخالفت با طرح «۱۵ ماده‌ای» دونالد ترامپ گفته بود تا زمانی که او به دنبال تسلیم ایران باشد، پاسخ «هیئات منالذله» خواهد شنید. ترامپ قبلاً در مصاحبه با «فایننشال تایمز» گفته بود، قالیباف عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز را برای من تأیید کرد. چند روز قبل رئیس‌جمهوری آمریکا گفت رژیم ایران موافقت کرده است طی چند روز آینده اجازه عبور ۲۰ کشتی حامل نفت از تنگه هرمز را بدهد «به‌عنوان نشانه‌ای از احترام». او گفت: «آن‌ها ابتدا ۱۰ کشتی دادند. حالا ۲۰ کشتی می‌فرستند، و این ۲۰ کشتی هم‌اکنون حرکت خود را آغاز کرده‌اند و درست از وسط تنگه عبور می‌کنند.» ترامپ تأکید، محمدباقر قالیباف مجوز این ارسال‌های بیشتر را صادر کرده است.

با این همه برخی تحلیلگران معتقدند ترامپ، عامدانه روی قالیباف تمرکز کرده است تا درون حکومت شکاف بیاندازد. خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران هشدار داده بود این رویه زمینه‌سازی برای «ترور» قالیباف است با این همه اما برخی هواداران نظام نگران شدند که قالیباف تسلیم آمریکا شود. این نگرانی آنقدر زیاد شد که در یکی از تجمعات شبانه محمود کریمی مداح هفت‌تیرکش خطاب به مردم گفت نگران نباشید و نظر نهایی با مجتبی خامنه‌ای است.

او در ادامه می‌گوید: «دولت بایدن چهارسال وقت صرف کرد تا توافق هسته‌ای اوپاما را زنده کند و ایرانی‌ها آنها را چهار سال سردواندند. آنها فکر کردند می‌توانند این دولت را سر بدوانند اما پرزیدنت ترامپ فریب بازی‌های آنها را نمی‌خورد.»

● رئیس‌جمهوری آمریکا، تأیید کرده است که محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی، همان مقام حکومتی است که واشنگتن در هفته‌های اخیر با او در ارتباط بوده است. ● ترامپ روز دوشنبه ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) به «نیویورک پست» گفت که «حدود یک هفته دیگر» خواهد فهمید که آیا قالیباف فردی خواهد بود که آمریکا واقعاً می‌تواند با او همکاری کند یا نه. ● در حالیکه در چند هفته گذشته تصور می‌شد قالیباف با وجود سوابق و ارتباطش با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزینه ترجیحی واشنگتن برای ارتباط باشد، مقامات آمریکایی از تأیید رسمی او خودداری کرده‌اند. ● ترامپ همچنین به شوخی گفته است که هر کسی را که به‌طور علنی نام ببرد، در نهایت کشته خواهد شد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، تأیید کرده است که محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی، همان مقام حکومتی است که واشنگتن در هفته‌های اخیر با او در ارتباط بوده است.

ترامپ روز دوشنبه ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) به «نیویورک پست» گفت که «حدود یک هفته دیگر» خواهد فهمید که آیا قالیباف فردی خواهد بود که آمریکا واقعاً می‌تواند با او همکاری کند یا نه. در حالیکه در چند هفته گذشته تصور می‌شد قالیباف با وجود سوابق و ارتباطش با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزینه ترجیحی واشنگتن برای ارتباط باشد،

نیمه شب» هم دوباره وقت دادیم اما هر بار بی‌ثمر بود با این حال به تلاش ادامه دادیم. پیام‌هایی در حال تبادل است و احتمال ملاقات مستقیم وجود دارد. اما چیزی که پرزیدنت ترامپ اجازه نخواهد داد، استفاده از مذاکرات ساختگی به عنوان یک تاکتیک برای تأخیر و خریدن زمان است.

→ قالیباف مدام پایبندی خودش به انقلاب و مجتبی خامنه‌ای را تکرار می‌کند اما خیال هواداران حکومت راحت نیست، تا جایی که مداحان حکومتی مجبورند در تجمعات شبانه در خیابان‌ها درباره ارادت قالیباف به نظام و انقلاب تبلیغات کنند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید «هیچ



محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی

پیام مشخصی» در مورد مذاکره میان جمهوری اسلامی و دولت ایالات متحده ارسال یا دریافت نشده است. او با اشاره به خروج دولت قبلی ترامپ از برجام گفت: «الآن مینا بر بی‌اعتمادی است. هرچند عراقچی می‌گوید مستقیم از استیو ویتکاف پیام دریافت می‌کند اما به معنای مذاکره نیست. مسعود پزشکیان نیز در حاشیه نشست روز چهارشنبه هیئت دولت که در جایی شبیه استخر برگزار شد اعلام کرد: «فعلاً پیامی دریافت نکرده‌ایم.»

روزنامه کیهان چاپ تهران یک روز پیش از آن نوشته بود بعضی از چهره‌های سیاسی از یک‌سو مطالبات آمریکا از ایران را نادرست می‌دانند و آمریکا را غیرقابل اعتماد می‌خوانند و از سوی دیگر توصیه می‌کنند، با آمریکا برای توافق جامع «در همه موضوعات» مذاکره شود.

این روزنامه روز سه‌شنبه نهم بهمن با بیان این‌که اختلافات جمهوری اسلامی و آمریکا موارد زیادی را در بر می‌گیرد، گفت: «باید قبل از ورود به مذاکره جدید، در داخل تکلیف این موارد را روشن کنیم.»

هشدار رویبو

آمریکا به مذاکره برای تسلیم جمهوری اسلامی باور دارد. مارکو رویبو وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه با «فاکس نیوز» تلویحاً روشن کرد که چرا آمریکا اصرار به مذاکره دارد. مجری برنامه از او پرسید: «آقای وزیر حدس می‌زنم، موقعیت ایده‌آل یک توافق باشد. رئیس‌جمهور بارها پیش از علیات‌ها گفته بود که ترجیح می‌دهد به توافق برسد. اکنون پیامی به سطوح پایین‌تر رهبری ایران فرستاده که آیا آنها باهوش‌تر از سطوح بالاتر خواهند بود؟ آیا معامله می‌کنند یا با مرگ روبرو می‌شوند؟» رویبو پاسخ داد: پرزیدنت ترامپ همیشه مذاکره را به جنگ ترجیح می‌دهد، ما اوایل سال گذشته ۶۰ روز به آنها وقت دادیم، بعد از عملت «چکس

ماندن جمهوری اسلامی به سود کیست؟ از مسکو و پکن تا پایتخت‌های مردد اروپا و همسایگان



روی موضوع صادرات اقلام دوگانه کاربرد به ایران انگشت گذاشتند. گزارش‌های عمومی درباره‌ی آمارهای بازرگانی اسپانیا می‌گویند در ۲۰۲۴ و نیمه‌ی نخست ۲۰۲۵ بیش از ۱.۳ میلیون یورو اقلام دوگانه کاربرد به ایران صادر شده که در میان آنها اقلام مرتبط با انفجار هم بوده است. اینجا باید دقیق ماند: آنچه بطور مستند مطرح شده، صادرات اقلام دوگانه کاربرد است، نه اثبات فروش مستقیم سلاح جنگی برای همین جنگ. اما همین نیز کافی است تا نشان دهد وقتی پای منفعت و تجارت در میان باشد، شعارهای اخلاقی در اروپا چه آسان نرم می‌شوند.

در این میان، روسیه و چین مهم‌ترین برندگان مستقیم بقای جمهوری اسلامی بودند و هستند. مسکو، تهران را یک شریک ضدغرب، یک اهرم منطقه‌ای و یک دارایی ژئوپلیتیکی می‌بیند. پکن نیز به ایران به چشم منبع انرژی، شریک تحریمی و یک مزاحم مفید برای نظم آمریکامحور نگاه می‌کند. اما حتی این دو نیز جنگ بی‌پایان می‌خواهند. آنها ایران فروپاشیده و آشوب‌زده را هم دوست ندارند، چون بی‌ثباتی کامل می‌تواند مسیرهای انرژی و تجارت را برای خودشان هم پرهزینه کند. فرمول روسیه و چین ساده است: ایران بماند، اما فرو نریزد؛ ضعیف باشد، اما نسوزد؛ برای غرب دردرس بسازد، اما به انفجار کنترل‌ناپذیر نرسد. این نوع حمایت، حمایت سیاسی از یک متحد نیست؛ حفاظت از یک ابزار ژئوپلیتیکی است.

ترکیه در دسته دیگری قرار می‌گیرد. آنکارا بیش از آنکه از بقای جمهوری اسلامی سود برد، از فروپاشی پرهزینه آن می‌ترسد. رویترز گزارش داده که ترکیه در ۵ فروردین ۱۴۰۵ / ۲۵ مارس ۲۰۲۴ میان تهران و واشنگتن پیام رد و بدل می‌کرد و پیش از جنگ هم برای میانجیگری کوشیده بود. همان گزارش می‌گوید سه موشک ایرانی نیز از آغاز جنگ بر فراز خاک ترکیه با پدافند ناتو رهگیری شده‌اند. ترکیه عضو ناتوست، در همسایگی ایران قرار دارد،

دفاع جمعی از اعضای خود ساخته شده است، نه برای ورود خودکار به هر جنگ منطقه‌ای. مارک روت، دبیرکل ناتو، در ۶ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۲۶ مارس ۲۰۲۴ گفت موشک‌هایی که از ایران به سمت ترکیه رفتند رهگیری شدند و تأکید کرد که ناتو از «هر اینچ قلمرو متحدان» دفاع خواهد کرد. همین موضع، به روشنی نشان می‌دهد که ناتو از زاویه امنیت اعضای خود به بحران نگاه می‌کند، نه از زاویه‌ی آزادی مردم ایران. پس ناتو کنار نماند چون دلش برای ایرانیان سوخته بود؛ کنار ماند چون مأموریت، حدود اختیارات و منافعش جای دیگری تعریف شده است. بریتانیا هم در ماهیت، تفاوتی با بقیه اروپا ندارد. لندن در بیانیه‌ی مشترک گروه هفت بر حفاظت از غیرنظامیان و بازگشایی تنگه‌ی هرمز مهر تأیید گذاشت، اما همان موضع مشترک نشان می‌دهد که نگرانی اصلی، اختلال در انرژی و اقتصاد جهانی است. برای بریتانیا نیز، مانند بسیاری از دولت‌های اروپایی، پرسش محوری این نیست که مردم ایران چقدر رنج کشیده‌اند و یا می‌کشند. پرسش اصلی این است که این جنگ چه بر سر قیمت انرژی، رشد اقتصادی و ثبات داخلی خواهد آورد. این همان سیاست بندبازانه‌ای است که می‌خواهد هم کنار متحدان بایستد، هم هزینه‌ی جنگ را تا جای ممکن از خانه خود دور نگه دارد. در این الگو، حقوق بشر هست، اما تا جایی که به قبض برق، بنادر و آرامش بازارها لطمه نزند.

اسپانیا اما نمونه‌ای گویاست، چون شکاف میان گفتار اخلاقی و منافع عملی را برهنه‌تر نشان می‌دهد. پدرو سانچز در ۵ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۲۵ مارس ۲۰۲۴ در مجلس نمایندگان، با یادآوری تجربه عراق، از فاجعه جنگ، بی‌ثباتی منطقه، رشد تروریسم، بحران مهاجرت و افزایش بهای سوخت سخن گفت و آشکارا از ورود به جنگ تازه فاصله گرفت. اما همزمان، در سیاست داخلی اسپانیا، مخالفان راست‌گرا او را به دورویی متهم کردند و

س.روزبه - جنگی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ برابر با ۲۸ فوریه ۲۰۲۴ آغاز شد، فقط صحنه رویارویی تهران با واشنگتن و تل‌آویو نبود. این جنگ خیلی زود به آزمونی برای اروپا، بریتانیا، ناتو و همسایگان ایران بدل شد. در ظاهر، همه از «کاهش تنش»، «حفاظت از غیرنظامیان» و «بازگشت به دیپلماسی» سخن گفتند. اما پشت این واژه‌های آراسته، یک حقیقت سرد خوابیده بود: برای بیشتر دولت‌ها، آنچه پیش از هر چیز اهمیت دارد نه رنج مردم ایران، بلکه امنیت انرژی، آزادی کشتیرانی، مهار تورم، ثبات بازارها و جلوگیری از گسترش جنگ است. شورای اروپا نیز در جمع‌بندی ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ برابر با ۱۹ مارس ۲۰۲۴ همزمان از «حق مردم ایران برای تعیین آینده خود» گفت، اما همان مت بر امنیت انرژی، زنجیره‌های تأمین، مهاجرت و امنیت داخلی اروپا نیز تکیه کرد. همین دوگانگی، کلید فهم رفتار امروز اروپا و متحدانش در قبال ایران است.

پس سه پرسش اصلی پیش روی ما قرار می‌گیرد: چرا اروپا و ناتو با وجود همه ادعاهای حقوق بشری، در برابر جمهوری اسلامی با احتیاط رفتار می‌کنند؟ چه کشورهایی از ماندن این رژیم سود مستقیم یا غیرمستقیم می‌برند؟ و چرا هنگامی که جان هزاران ایرانی گرفته می‌شد، جهان اقدام قاطعی نکرد و اکنون بیش از هر چیز در پی مهار آتشی است که ممکن است به خانه‌ی خودش برسد؟ این پرسش‌ها فقط سیاسی نیستند. اینها پرسش‌هایی درباره‌ی نسبت اخلاق و منفعت در سیاست جهانی‌اند؛ و پاسخ آنها، تصویری تلخ اما واقعی از جهان امروز به دست می‌دهد. پاسخ نخست این است که اروپا لزوماً از جمهوری اسلامی دفاع نمی‌کند، بلکه از فروپاشی بی‌مهاری آن می‌ترسد. این ترس را باید جدی گرفت، چون در اسناد رسمی نیز رد آن دیده می‌شود. شورای اروپا در ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ / ۱۹ مارس ۲۰۲۴ افزون بر درخواست برای کاهش تنش، بطور مشخص از اثر جنگ بر ثبات اقتصادی، بهای انرژی، زنجیره‌ی تأمین، مهاجرت و امنیت داخلی سخن گفت.

گروه هفت نیز در ۷ فروردین ۱۴۰۵ / ۲۷ مارس ۲۰۲۴ خواستار توقف حمله به غیرنظامیان شد، اما در همان بیانیه بر بازگشت نوابری امن در تنگه‌ی هرمز و مهار اختلال در انرژی و زنجیره‌های بازرگانی جهانی تأکید کرد. این یعنی زبان رسمی غرب در این بحران، بیش از آنکه زبان وجدان باشد، زبان محاسبه است.

این محاسبه‌گری، یک تناقض آشکار هم با خود دارد. از یک سو، سرکوب و کشتار در ایران محکوم می‌شود. شورای اتحادیه اروپا در ۲۶ اسفند ۱۴۰۴ برابر با ۱۶ مارس ۲۰۲۴، ۱۶ فرد و ۳ نهاد دیگر را به دلیل نقش در سرکوب اعتراضات ژانویه تحریم کرد و گفت این سرکوب به «هزاران قربانی غیرنظامی» انجامیده است. از سوی دیگر، در لحظه‌ی بحران منطقه‌ای، همان اروپا وزن اصلی محاسباتش را بر امنیت انرژی، آرامش بازارها، مهاجرت و ثبات داخلی خود گذاشت. یعنی رنج مردم ایران دیده می‌شود، اما فقط تا آنجا که با منافع مستقیم اروپا اصطکاک پیدا نکنند. این همان جایی است که باید بی‌پرده نوشت: جهان آزاد در لحظه‌های سرنوشت‌ساز، معمولاً نخست به آینه منافع خود نگاه می‌کند.

ناتو نیز از همین منطق جدا نیست. این ائتلاف اساساً برای

شکلی تعیین کننده بالا برد. حالا که جنگ به امنیت انرژی و اقتصاد جهانی گره خورده، ناگهان همه فعال شده‌اند. این همان تصویر تلخ و واقعی جهان امروز است: خون ایرانیان به تنهایی برای تکان دادن بسیاری از پایتخت‌ها کافی نبود، اما تنگه هرمز و قیمت نفت چرا. این واقعیت را نمی‌شود با تعارف پوشاند. اگر همان زمان که جوانان ایرانی گلوله می‌خوردند، همان اراده‌ای که امروز برای حفظ کشتیرانی و مهار قیمت انرژی دیده می‌شود به کار می‌افتاد، شاید منطقه و جهان ناچار نبودند امروز صورت حسابی چنین سنگین بپردازند.

در همین چارچوب است که پیام تازه شاهزاده رضا پهلوی نیز معنای خاصی پیدا می‌کند. او در سخنرانی ۸ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ مارس ۲۰۲۶ در سی‌پک گفت «جمهوری اسلامی در تمامیت خود باید برود» و «ضربه نهایی به حکومت را مردم ایران می‌زنند». رویترز نیز همان روز گزارش داد که او هشدار داد معامله با رهبران کنونی جمهوری اسلامی فقط تهدید را به آینده موقوف می‌کند و خواستار آن شد که به این رژیم «طناب نجات» داده نشود. این موضع، فارغ از آنکه چه کسی با آن موافق باشد یا مخالف، یک نکته را برجسته می‌کند: حتی در نگاه بخشی از اپوزیسیون نیز آزادی ایران قرار نیست در سینی هیچ قدرت خارجی گذاشته شود. دولت‌ها حساب خود را می‌کنند، و اگر مردم ایران خودشان گره کار را باز نکنند، دیگران با معامله می‌کنند یا بحران را معلق نگه می‌دارند.

این بخش ماجرا وقتی تیزتر می‌شود که به شبکه‌های مالی و عملیاتی جمهوری اسلامی نگاه کنیم. وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۶ اسفند ۱۴۰۴ برابر با ۲۵ فوریه ۲۰۲۶ شبکه‌هایی را تحریم کرد که به گفته واشنگتن، به فروش غیرقانونی نفت، ناوگان سایه، پولشویی درآمدهای نفتی و تأمین مواد و تجهیزات برای برنامه‌های تسلیحاتی و موشکی ایران کمک می‌کردند. این یعنی جمهوری اسلامی سال‌ها نه فقط از شکاف‌های سیاست جهانی، بلکه از رخنه‌های مالی، شرکت‌های پوششی و مسیرهای پنهان برای خرید بقا و صدور بی‌ثباتی استفاده کرده است. بنابراین فاجعه فقط این نبود که جهان دنبال منفعت خودش رفت؛ فاجعه این هم بود که رژیم با پول مردم ایران، همین بازی منفعت را در مقیاسی ویرانگرتر پیش برد. در این میان، بخشی از منطقه هم یا با تساهل، یا با میانجیگری‌های بی‌پایان، یا با اولویت دادن به آرامش کوتاه‌مدت، عملاً به ادامه این چرخه زمان داد.

از همین جاست که می‌توان صریح‌تر حرف زد. جهان، وقتی جان ایرانیان در خیابان‌ها و زندان‌ها گرفته می‌شد، به اندازه‌ی کافی برای متوقف کردن ماشین کشتار عمل نکرد. تحریم‌ها دیرنگام و محدود بودند، فشارها پراکنده بود، و بسیاری از دولت‌ها امید داشتند با نوعی سازش، بحران را مدیریت کنند. اکنون همان‌ها با جنگی پرهزینه‌تر، بازاری آشفته‌تر و منطقه‌ای ناامن‌تر روبرو شده‌اند. این بهایی است که از نادیده گرفتن واقعیت جمهوری اسلامی پرداخت می‌شود. اما در دل این همه تلخی، یک نکته باید روشن‌تر از همیشه نوشته شود: همانطور که شاهزاده رضا پهلوی گفت، آزادی ایران در نهایت توسط مردم ایران و با شجاعت آنها به انجام خواهد رسید. نه بروکسل، نه ناتو، نه لندن، نه اسلام‌آباد، نه آنکارا و نه هیچ پایتخت دیگری، ایران را از سر مهر و محبت آزاد نخواهد کرد. آنها منافع خود را دنبال می‌کنند. این مردم ایران‌اند که اگر قرار باشد این فصل تاریک را ببندند، با ایستادگی، سازمان‌یافتگی و تحت محور رهبری شاهزاده رضا پهلوی و شجاعت خود خواهند بست.

دلاری، عملاً جایگاه تجاری و هوانوردی ایران در منطقه را تصاحب کرده است.

- قطر: با برداشت بی‌رقیب از گاز مشترک و سرمایه‌گذاری در بهترین ابرلاین جهان، ثروت عظیمی را که متعلق به جغرافیای مشترک بود، به نام خود ثبت کرد.

واشکافی ذینفعان وضعیت فعلی اگر صادقانه به نقشه



نگاه کنیم، انزوای فعلی ایران برای بسیاری از بازیگران جهانی یک «فرصت طلایی» است:

۱- همسایگان (رقیب): در نبود ایران آزاد، تمام سرمایه‌ها، توریست‌ها و مسیرهای ترانزیتی به سمت دبی، دوحه و استانبول سرازیر شده است.

بنابر اصل موازنه قدرت (Balance of Power)

کشورهای منطقه ترجیح می‌دهند ایران درگیر بحران‌های داخلی و انزوای بین‌المللی باشد تا نتواند به قدرت برتر (Hegemon) تبدیل شود. ایران منزوی یعنی:

- بازار نفت و گاز در دست رقبا.
- جذب توریست و سرمایه توسط همسایگان.
- تضعیف یک رقیب تاریخی و تمدنی.
- ۲- قدرت‌های جهانی: از فروش کلان تسلیحات به منطقه (به بهانه تهدیدات) و کنترل قیمت انرژی به دلیل غیبت کامل ایران در بازار مدرن، سود می‌برند.

۳- نتیجه: در این موازنه، تقریباً همه ذینفعان بین‌المللی از پتانسیل‌های ایران سود می‌برند؛ تنها بازنده‌ی بزرگ این انزوا، مردم ایران هستند که از سفره‌ی ثروت ملی و جایگاه جهانی خود محروم مانده‌اند و درآمد آنها صرف نیروهای نیابتی و... شده است. امروز همان کشورها بهای سنگین سال‌ها تعویق، مسامحه و امید به مهار جمهوری اسلامی را با ناامنی بیشتر می‌پردازند. اشتباه محاسباتی آنها این بود که خطر را عقب انداختند، نه اینکه آن را از ریشه حل کنند.

در کنار این همه محاسبه، مردم ایران تقریباً نامرئی می‌شوند. هنگامی که در خیابان‌ها، زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها جان می‌رفت، واکنش جهان محدود، کند و پر از ملاحظه بود. اتحادیه اروپا چند بسته تحریمی تصویب کرد، اما این فشارها نه به اندازه‌ای بود که ماشین سرکوب را از کار ببندازد و نه آنقدر زود و پیگیر که هزینه رژیم را به

از بحران انرژی ضربه می‌خورد و هر بی‌ثباتی بزرگ منطقه‌ای می‌تواند هم اقتصاد و هم امنیت مرزی آن را زخمی کند. پس آنکارا حامی جمهوری اسلامی نیست؛ حامی ثبات قابل مدیریت است. این فرق بسیار مهم است، چون در تحلیل‌های شتابزده، این دو مدام با هم خلط می‌شوند. ترکیه بیشتر از آنکه طرفدار بقا باشد، دشمن

بی‌نقشگی است. در ضمن ترکیه:

۱. ترکیه در سال ۲۰۲۵ با جذب حدود ۶۴ میلیون گردشگر، در رتبه ۴ جهان (پس از فرانسه، اسپانیا و آمریکا) ایستاد.
 ۲. درآمد سالانه این کشور از صنعت توریسم به رکورد ۶۵ میلیارد دلار رسیده که ستون اصلی ثبات اقتصادی آن است.
 ۳. ایرانی‌ها با حدود ۲.۵ میلیون سفر در سال، همواره جزو ۵ ملیت اول بازدیدکننده و منابع درآمدی ترکیه هستند.
 ۴. تحلیل‌ها تأیید می‌کند ایران آزاد با پتانسیل تاریخی خود، توانایی جذب نیمی از این درآمد (۳۰ میلیارد دلار) را دارد.
- پاکستان نیز تقریباً با همین منطق وارد میدان شده است. آسوشیتدپرس در گزارش‌های ۸ و ۹ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۲۸ و ۲۹ مارس ۲۰۲۶ نوشت که اسلام‌آباد به یک میانجی غیرمنتظره میان تهران و واشنگتن بدل شده و دلیل این نقش‌آفرینی فقط جاه‌طلبی دیپلماتیک نیست، بلکه چالش‌های اقتصادی، امنیت انرژی و ترس از گسترش جنگ نیز آن را به سمت مهار بحران رانده است. نشست‌های تازه در اسلام‌آباد با حضور وزیران خارجه ترکیه، مصر و عربستان هم همین را نشان می‌دهد: پاکستان از گسترش جنگ، اختلال در هرمز، هزینه انرژی و سرایت آشوب به پیرامون خود می‌ترسد. بنابراین تلاش اسلام‌آباد برای توافق، بیش از آنکه عشق به تهران باشد، واکنش به ترس از آتش منطقه‌ای است. کشورهای این منطقه، تا وقتی هزینه را از دور می‌دیدند، تماشاگر بودند؛ اکنون که حرقه به انبار خودشان نزدیک شده، ناگهان زبان دیپلماسی‌شان تندتر شده است.

در مورد کشورهای عربی همسایه، اما در سطحی وسیع‌تر، دولت‌های عربی خلیج فارس سال‌ها کوشیده‌اند آتش را از خانه خود دور نگه دارند، چون هر جهش در جنگ برای آنها منفعت نداشت. آنها علاقمند به بودن حکومت بودند و هستند به دلایل ذیل:

-امارات: با جذب ۱۷ میلیون توریست و درآمد ۵۰ میلیارد

نیویورک تایمز: ربایش خبرنگار آمریکایی در بغداد و ظن دخالت شبه نظامیان نزدیک به جمهوری اسلامی



شلی کیتلسون

خارج از شهر ردیابی و تعقیب کردند. به گفته‌ی این مقام‌ها، خودروی حامل کیتلسون در جریان تعقیب واژگون شد، اما ربابندگان سرعت او را از خودروی آسیب‌دیده خارج کرده و به خودروی دوم منتقل کردند و سپس از دست نیروهای امنیتی گریختند.

بر پایه‌ی این گزارش، کیتلسون سال‌هاست تحولات خاورمیانه را پوشش می‌دهد و تمرکز اصلی‌اش بر درگیری‌های منطقه بوده است. به نوشته‌ی «المانیتور»، او به دلیل «گزارشگری شجاعانه از مناطق جنگی افغانستان، عراق و سوریه» شناخته می‌شود.

نیویورک تایمز همچنین از افزایش نگرانی در آمریکا نسبت به گروه‌های مسلح همسو با جمهوری اسلامی در عراق خبر داده است. در ماه مارس، سفارت آمریکا در بغداد از همه شهروندان آمریکایی خواسته بود فوراً عراق را ترک کنند؛ هشدار که با استناد به حملات علیه تأسیسات غیرنظامی و ساختمان‌های دولتی متعلق به آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن صادر شد.

در ادامه این گزارش آمده است که کتابت حزب‌الله در ماه‌های اخیر بیش از پیش در تنش‌های مرتبط با ایران درگیر شده است. به گفته مقام‌ها، ۲۸ فوریه، یک مجتمع متعلق به این گروه در بغداد هدف حملات هوایی آمریکا و اسرائیل قرار گرفت و سه نفر کشته شدند. حدود دو هفته بعد نیز این گروه مسئولیت حمله به سفارت آمریکا در بغداد را بر عهده گرفت.

کتابت حزب‌الله از زمان تأسیس، پیوندی نزدیک با نیروی قدس، شاخه‌ی برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، داشته است. حملات مکرر این گروه به مواضع ارتش آمریکا در عراق و سوریه نیز از جمله عواملی بود که واشینگتن را در سال ۲۰۰۹ به قرار دادن نام این گروه در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی واداشت.

جریان تعقیب ربابندگان، موفق شدند یک مظنون را بازداشت و خودرویی را که در عملیات ربایش استفاده شده بود توقیف کنند. به گفته‌ی دو مقام ارشد امنیتی عراق که با نیویورک تایمز گفتگو کرده‌اند، فرد بازداشت‌شده از اعضای کتابت حزب‌الله، گروه هم‌پیمان ایران، است.

الکس پلینتاس، پژوهشگر ارشد اندیشکده‌ی شورای آتلانتیک در واشینگتن که خود را دوست خانم کیتلسون معرفی کرده، به نیویورک تایمز گفته است اف‌بی‌آی به او هشدار داده بود نامش در طرح‌های کتابت حزب‌الله برای «ربودن یا کشتن» او آمده است. به گفته‌ی پلینتاس، کیتلسون پس از دریافت این هشدار، او را بعنوان رابط خود با مقام‌های آمریکایی در شرایط اضطراری معرفی کرده بود، اما با این حال تصمیم داشت به کار خبری‌اش ادامه دهد و در بغداد بماند.

باربارا کیتلسون، مادر این روزنامه‌نگار، نیز در گفتگوی تلفنی با نیویورک تایمز سن دخترش را ۴۹ سال اعلام کرد و گفت آخرین بار هفته‌ی گذشته از او خبر داشته است.

نیویورک تایمز در ادامه گزارش خود نوشته است کتابت حزب‌الله یکی از قدرتمندترین گروه‌های شبه‌نظامی عراق به شمار می‌رود؛ همان گروهی که «الیزابت تسورکوف»، پژوهشگر دکتری دانشگاه پرینستون با تابعیت اسرائیلی-روسی، را بیش از دو سال در اسارت نگه داشت و در دوران حبس او را شکنجه کرد. به گفته‌ی یکی از مقام‌های امنیتی، مقام‌های عراقی اکنون بر این فرض کار می‌کنند که همین گروه پشت ربایش روز سه‌شنبه نیز قرار دارد.

دو مقام ارشد امنیتی عراق همچنین گفته‌اند خانم کیتلسون در یکی از خیابان‌های شلوغ مرکز بغداد ربوده شد و ربابندگان او را با کاروانی متشکل از دو خودرو از محل خارج کردند. به گفته‌ی این مقام‌ها، نیروهای امنیتی پس از اطلاع از ماجرا توسط شاهدان، خودروها را تا بزرگراهی در

به گزارش نیویورک تایمز، ربوده شدن یک روزنامه‌نگار مستقل آمریکایی در مرکز بغداد، نگرانی‌ها درباره نقش گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به جمهوری اسلامی را افزایش داده است؛ مقام‌های امنیتی عراق و آمریکا می‌گویند یک مظنون مرتبط با «کتابت حزب‌الله» بازداشت شده، اما هنوز از سرنوشت و محل نگهداری این خبرنگار اطلاعی در دست نیست. - هویت این روزنامه‌نگار «شلی کیتلسون» اعلام شده است؛ خبرنگاری مستقل که پیش‌تر با بی‌بی‌سی، پولیتیکو و شماری دیگر از رسانه‌های بین‌المللی همکاری داشته است.

نیویورک تایمز در ادامه گزارش خود نوشته است کتابت حزب‌الله یکی از قدرتمندترین گروه‌های شبه‌نظامی عراق به شمار می‌رود؛ همان گروهی که «الیزابت تسورکوف»، پژوهشگر دکتری دانشگاه پرینستون با تابعیت اسرائیلی-روسی، را بیش از دو سال در اسارت نگه داشت و در دوران حبس او را شکنجه کرد.

کتابت حزب‌الله از زمان تأسیس، پیوندی نزدیک با نیروی قدس، شاخه‌ی برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، داشته است. حملات مکرر این گروه به مواضع ارتش آمریکا در عراق و سوریه نیز از جمله عواملی بود که واشینگتن را در سال ۲۰۰۹ به قرار دادن نام این گروه در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی واداشت.

به گزارش نیویورک تایمز، ربوده شدن یک روزنامه‌نگار مستقل آمریکایی در مرکز بغداد، نگرانی‌ها درباره نقش گروه‌های شبه‌نظامی نزدیک به جمهوری اسلامی را افزایش داده است؛ مقام‌های امنیتی عراق و آمریکا می‌گویند یک مظنون مرتبط با «کتابت حزب‌الله» بازداشت شده، اما هنوز از سرنوشت و محل نگهداری این خبرنگار اطلاعی در دست نیست؛ هم‌زمان وزارت خارجه آمریکا از همکاری با اف‌بی‌آی برای آزادی او خبر داده است.

هویت این روزنامه‌نگار «شلی کیتلسون» اعلام شده است؛ خبرنگاری مستقل که پیش‌تر با بی‌بی‌سی، پولیتیکو و شماری دیگر از رسانه‌های بین‌المللی همکاری داشته است. بر اساس این گزارش، مقام‌های امنیتی عراقی و آمریکایی اعلام کردند وی شامگاه سه‌شنبه ۳۱ مارس ۲۰۲۶ در مرکز بغداد ربوده شده و تاکنون محل نگهداری او مشخص نیست. با این حال، یک مقام وزارت خارجه آمریکا تأیید کرده فردی که در بازداشت است، با گروه بانفوذ عراقی «کتابت حزب‌الله» ارتباط دارد.

تصاویر پخش شده از شبکه‌های تلویزیونی محلی، ظاهراً لحظه‌ای را نشان می‌دهد که مردان مسلح در روشانی روز و در یکی از خیابان‌های پرتردد بغداد، خانم کیتلسون را به زور سوار یک خودرو می‌کنند.

«دیلن جانسون»، مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا، در پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد این وزارتخانه از «گزارش‌های مربوط به ربوده شدن یک روزنامه‌نگار آمریکایی در بغداد» آگاه است، هرچند نامی از کیتلسون نبرد. او گفت وزارت خارجه پیش‌تر این فرد را از «تهدیدهای متوجه او» آگاه کرده بود و اکنون با اف‌بی‌آی برای آزادی او همکاری می‌کند.

وزارت کشور عراق نیز اعلام کرد نیروهای امنیتی در

کلاس‌های دانشگاه‌های ایران تا پایان ترم آنلاین شد؛ شرایط جنگی یا هراس از اعتراضات گسترده دانشجویی؟



برافراشتن پرچم شیروخورشید شاهنشاهی در جریان اعتراضات دانشجویان؛ تهران، اسفند ۱۴۰۴

کرد تا فضای دانشگاه‌ها را کنترل و از برگزاری تجمعات در دانشگاه‌ها جلوگیری کند. همچنین خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه‌هایی که به اعتراضات پیوسته بودند تعطیل شد و امتحانات ترم نخست دانشجویان از دی‌ماه به بهمن‌ماه موکول شد.

با اینهمه بلافاصله پس از بازگشایی دانشگاه‌ها از اوایل اسفندماه گذشته دانشجویان دانشگاه‌های مختلف بار دیگر اقدام به برگزاری تجمعات دانشجویی علیه جمهوری اسلامی کردند و در چند دانشگاه ایران پرچم شیروخورشید ایران برافراشته شد.

همزمان موجی از سرکوب دانشجویان شکل گرفت و شماری از دانشجویان بازداشت شدند. چند روز بعد با آغاز جنگ کلاس‌های درس دانشگاه‌ها بار دیگر آنلاین شد و به این ترتیب نهادهای امنیتی و واحدهای حراست در دانشگاه‌ها از برگزاری هر تجمعی جلوگیری کردند.

اکنون در حالی وزارت علوم علت صدور اطلاعیه برای آنلاین شدن کلاس درس دانشگاه‌ها را شرایط جنگی اعلام کرده که فعالان دانشجویی معتقدند هراس از آغاز دوباره اعتراضات دانشجویی سبب تعطیلی کلاس‌های حضوری در دانشگاه‌ها شده است.

در همین رابطه «خبرگزاری امیرکبیر» که اخبار جنبش دانشجویی را منتشر می‌کند نوشته «دلیل اصلی مجازی شدن کلاس‌ها در این مقطع، ترس حکومت از شعله‌ور شدن انقلاب شیر و خورشید و به ویژه فرا رسیدن فراخوان نهایی شاهزاده رضا پهلوی ارزیابی می‌شود. فراخوانی که با توجه به تشکیل ده‌ها انجمن شیر و خورشید و همچنین گارد جاویدان در دانشگاه‌ها، به کابوسی برای رژیم در حال سقوط جمهوری اسلامی بدل شده است.»

به صورت آنلاین برگزار خواهد شد. در شرایطی که دولت شرایط جنگی را علت این تصمیم عنوان کرده برخی فعالان دانشجویی معتقدند هراس حکومت به اعتراضات دانشجویان سبب تعطیلی کلاس‌های درس شده است.

بر اساس اطلاعیه وزارت علوم، تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی موظف شده‌اند از ۱۵ فروردین‌ماه، روند آموزش را در نیمسال جاری از سر بگیرند. با این حال، تمامی کلاس‌های درس به صورت آنلاین برگزار خواهد شد.

همچنین درباره دروس عملی که امکان ارائه مجازی ندارند، اعلام شده است که برنامه‌ریزی جداگانه انجام و متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه، برگزاری جلسات دفاع پایان‌نامه، رساله و پروپوزال به صورت مجازی مجاز اعلام شده و مهلت دفاع برای برخی دانشجویان تحصیلات تکمیلی که پیش‌تر تا پایان اسفند ۱۴۰۴ تعیین شده بود، تا پایان تیرماه ۱۴۰۵ تمدید شده است.

همچنین دانشگاه‌ها مجاز هستند آزمون جامع دکتری را به صورت مجازی برگزار کنند و در مواردی خاص، این آزمون را برای دانشجویان دارای معدل ۱۷ و بالاتر، مطابق آیین‌نامه آموزشی، جایگزین کنند.

این اطلاعیه در حالی صادر شده که جنبش دانشجویی در اعتراضات دی ۴۰۴ نقش فعالی در مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران داشت. این اعتراضات هفتم دی با اعتصاب در بازار موبایل علاءالدین در تهران آغاز شد اما طی دو روز چند دانشگاه بزرگ کشور به اعتراضات پیوست.

وزارت علوم پس از چند روز کلاس‌های درس را آنلاین

● بر اساس اطلاعیه وزارت علوم، تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی موظف شده‌اند از ۱۵ فروردین‌ماه، روند آموزش را در نیمسال جاری از سر بگیرند. با این حال، تمامی کلاس‌های درس به صورت آنلاین برگزار خواهد شد.

● در شرایطی که دولت شرایط جنگی را علت آنلاین شدن کلاس دانشگاه‌ها عنوان کرده برخی فعالان دانشجویی معتقدند هراس حکومت به اعتراضات دانشجویان سبب تعطیلی کلاس‌های درس شده است.

● این اطلاعیه در حالی صادر شده که جنبش دانشجویی در اعتراضات دی ۴۰۴ نقش فعالی در مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران داشت. این اعتراضات هفتم دی با اعتصاب در بازار موبایل علاءالدین در تهران آغاز شد اما طی دو روز چند دانشگاه بزرگ کشور به اعتراضات پیوست.

● وزارت علوم با گذشت چند روز از اعتراضات دی‌ماه کلاس‌های درس را آنلاین کرد تا فضای دانشگاه‌ها را کنترل و از برگزاری تجمعات در دانشگاه‌ها جلوگیری کند. همچنین خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه‌هایی که به اعتراضات پیوسته بودند تعطیل شد و امتحانات ترم نخست دانشجویان از دی‌ماه به بهمن‌ماه موکول شد.

● بلافاصله پس از بازگشایی دانشگاه‌ها از اوایل اسفندماه گذشته دانشجویان دانشگاه‌های مختلف بار دیگر اقدام به برگزاری تجمعات دانشجویی علیه جمهوری اسلامی کردند و در چند دانشگاه ایران پرچم شیروخورشید ایران برافراشته شد.

وزارت علوم در اطلاعیه‌ای اعلام کرده که کلاس‌های درس دانشجویان در کلیه دانشگاه‌های کشور

جمهوری اسلامی ایران در دو نبرد مداوم: نبردهای داخلی و خارجی



دونالد ترامپ

جمهوری اسلامی امیرحسین حاتمی، از بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴، را اعدام کرد



● خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام امیرحسین حاتمی ۱۸ ساله در سحرگاه پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ خبر داده است.

● امیرحسین در پرونده‌ای به همراه شش شهروند دیگر به آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران متهم شده بود.

● خبرگزاری قوه قضاییه ادعا کرده امیرحسین حاتمی اعتراف کرده با هدف «براندازی نظام» در ناآرامی‌ها حضور یافته است و برای «دستیابی به سلاح گرم و مهمات» به این محل حمله کرده و وارد آن شده است.

● محمدمامین بیگلری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیواشانی، علی فهیم، شهاب زهدی و یاسر رجایی‌فر شش متهم دیگر این پرونده هستند. یکی از متهمان شهروند افغانستان است و دو نفر نیز از افراد «کارتن خواب» بوده‌اند.

امیرحسین حاتمی از شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ توسط جمهوری اسلامی اعدام شد. نهادهای امنیتی در یک پرونده‌سازی این نوجوان ۱۸ ساله را متهم به آتش‌سوزی پایگاه بسیج ۱۸۵ کاوه در شرق تهران کرده بودند. خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام امیرحسین حاتمی در سحرگاه پنجشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ خبر داده است. امیرحسین حاتمی ۱۸ ساله در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ در تهران بازداشت و با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی روبرو شد.

خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی شده امیرحسین در پرونده آتش‌سوزی پایگاه بسیج کاوه در خیابان دماوند تهران متهم شده بود.

خبرگزاری «میزان» همچنین ادعا کرده امیرحسین حاتمی اعتراف کرده با هدف «براندازی نظام» در ناآرامی‌ها حضور یافته است و برای «دستیابی به سلاح گرم و مهمات» به این محل حمله کرده و وارد آن شده است.

در پرونده‌ای که از سوی نهادهای جمهوری اسلامی برای آتش زدن پایگاه بسیج کاوه تشکیل شد هفت

ایدئولوژی ضدغربی و ضدصهیونیستی، سیاست خارجی خود را در تقابل با آمریکا و اسرائیل طراحی کرده است.

(الف) سیاست ضدآمریکایی:

از ابتدای انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، ایالات متحده را نماد استکبار و دشمن اصلی خود معرفی کرده و سیاست‌های خصمانه، از جمله حمایت از گروه‌های نیابتی در خاورمیانه و تلاش برای کاهش نفوذ آمریکا در منطقه، را دنبال کرده است. تحریم‌های اقتصادی، تهدیدهای نظامی و دیپلماسی محدود، پیامدهای متقابل این رویکرد بوده است.

(ب) سیاست ضداسرائیلی:

ایران از سال‌ها پیش اسرائیل را دشمن خود می‌داند و سیاست‌های منطقه‌ای خود، از جمله حمایت از گروه‌هایی همچون حزب‌الله و حماس، را با هدف مقابله با اسرائیل دنبال کرده است. این استراتژی باعث افزایش تنش‌های منطقه‌ای و خطرات امنیتی برای ایران و همسایگان شده است.

(ج) پیامدهای خارجی:

تمرکز بر روی دشمنان خارجی و حضور در منازعات منطقه‌ای، علاوه بر تحمیل هزینه‌های اقتصادی و سیاسی، ایران را به کشوری منزوی در عرصه بین‌المللی تبدیل کرده است. این سیاست‌ها همچنین فرصت‌های توسعه‌ی اقتصادی و روابط تجاری جهانی را محدود کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون در دو جبهه‌ی اصلی درگیر نبرد بوده است:

داخل کشور: سرکوب مردم، محدود کردن آزادی‌ها و تمرکز قدرت بر نهادهای مرکزی.

عرصه بین‌المللی: مقابله با قدرت‌های خارجی، بویژه ایالات متحده و اسرائیل، از طریق سیاست‌های خصمانه و حضور در منازعات منطقه‌ای.

نتیجه‌ی این دو رویکرد، ایجاد جامعه‌ای ناراضی، اقتصاد تحت فشار و کشوری نسبتاً منزوی در جهان بوده است. بررسی این دو نبرد نشان می‌دهد که ایدئولوژی و حفظ قدرت برای جمهوری اسلامی همواره مقدم بر منافع مردم و توسعه ملی بوده است.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس خود در سال ۱۳۵۷، نظامی مبتنی بر ایدئولوژی ویژه‌ی خود بنیان نهاده شده است که هدف آن حفظ قدرت، تثبیت اصول انقلاب و گسترش نفوذ ایدئولوژیک است. این نظام هم در داخل و هم در عرصه بین‌المللی، با چالش‌ها و نبردهای جدی مواجه بوده است. این مقاله به بررسی دو عرصه‌ی اصلی فعالیت جمهوری اسلامی می‌پردازد: نبرد داخلی با مردم ایران و نبرد خارجی با قدرت‌های جهانی، بویژه ایالات متحده و اسرائیل.

نبرد داخلی: سرکوب مردم و کنترل جامعه

جمهوری اسلامی ایران بر اساس ایدئولوژی ولایت فقیه، قدرت را در دست نهادهای دینی مرکزی متمرکز کرده و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان را محدود کرده است. در طول بیش از چهار دهه، حکومت با ابزارهای متنوع تلاش کرده است تا هرگونه مقاومت یا مخالفت مردمی را کنترل کند.

(الف) سرکوب اعتراضات مدنی:

تظاهرات متعدد، از جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ تا اعتراضات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر، همواره با سرکوب شدید مواجه شده‌اند. استفاده از نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، زندان‌های سیاسی و محدودیت دسترسی به رسانه‌ها و اینترنت، ابزارهای اصلی حکومت برای مهار صدای مردم بوده است.

(ب) محدودیت آزادی‌های فردی و اجتماعی:

اعمال محدودیت‌های مذهبی، سیاسی و فرهنگی، از جمله اجبار به رعایت حجاب اجباری، محدودیت فعالیت احزاب و انجمن‌های مستقل، و کنترل آموزش و رسانه‌ها، نشان می‌دهد که این نظام بیش از آنکه به منافع ملی و رفاه مردم بیندیشد، به حفظ ایدئولوژی خود و قدرت مرکزی اهمیت می‌دهد.

(ج) پیامدهای داخلی:

این سیاست‌های سرکوبگرانه منجر به کاهش اعتماد مردم به حکومت، افزایش مهاجرت نخبگان، رکود اقتصادی و فاصله‌ی روزافزون میان مردم و حاکمیت شده است.

نبرد خارجی: مقابله با ایالات متحده و اسرائیل

در عرصه بین‌المللی، جمهوری اسلامی با تمرکز بر

دونالد ترامپ:

آمریکا ۳۵۵۴ هدف دیگر در ایران دارد



دونالد ترامپ

حساس از تصمیم‌گیری‌های تاریخی قرار دارد و این اقدامات را در راستای افزایش امنیت، قدرت و رفاه آمریکا و متحدانش دانست. او افزود که شرایط کنونی منطقه بیش از هر زمان دیگری به شکل‌گیری خاورمیانه‌ای «آزاد از تهدیدهای رژیم ایران» نزدیک شده است.

رئیس‌جمهور آمریکا همچنین گفت جمهوری اسلامی در حال مذاکره و تلاش برای دستیابی به توافق است. وی بار دیگر تأکید کرد رهبران جمهوری اسلامی ایران کشته شده‌اند و وضعیت رهبری آنها نامشخص است.

ترامپ با اشاره به ادامه اهداف نظامی آمریکا در ایران، اعلام کرد که هزاران هدف دیگر باقی مانده و عملیات به سرعت ادامه خواهد یافت. او در عین حال از به کار بردن واژه «جنگ» خودداری کرده و این اقدام را «عملیات نظامی» خواند و دلیل آن را ملاحظات حقوقی و عدم نیاز به اخذ مجوز عنوان کرد.

در بخش دیگری از سخنان خود، ترامپ از ایران خواست تنگه هرمز را باز نگه دارد. او همچنین به صورت طنز پیشنهاد تغییر نام این تنگه به «تنگه ترامپ» را مطرح کرد. وی در ادامه از ناتو نیز انتقاد کرد و عدم مشارکت این ائتلاف در درگیری با ایران را «اشتباه بزرگ» دانست. ترامپ تأکید کرد که این موضوع می‌تواند پیامدهای پرهزینه‌ای برای متحدان داشته باشد.

ترامپ همچنین از برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، ترکیه و اندونزی به دلیل حمایت‌هایشان قدردانی کرد. او عملکرد ترکیه را «فوق‌العاده» توصیف کرده و رجب طیب اردوغان را «رهبر بزرگی» خواند.

در پایان، رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد که خاورمیانه در آستانه تحولی بزرگ قرار دارد و آینده این منطقه روشن‌تر از همیشه است. وی همچنین ابراز امیدواری کرد که کشورهای بیشتری به توافق‌نامه‌های ابراهیم بیوندند؛ توافقی که با حمایت آمریکا برای عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و کشورهای مسلمان طراحی شده‌اند.

● در بیست و نهمین روز جنگ علیه جمهوری اسلامی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده، روز جمعه ۲۸ مارس (نهم فروردین بوقت ایران) در سخنانی تند، رژیم ایران را «قدر قديمی خاورمیانه» توصیف کرد و گفت که عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل باعث آنها دیگر قلدری نکنند.

● ترامپ در نشست «ابتکار سرمایه‌گذاری آینده» که یک کنفرانس تجاری مرتبط با عربستان سعودی و در ایالت فلوریدا برگزار شد، اظهار داشت که ایران طی ۴۷ سال گذشته به‌عنوان قدرتی زورگو در منطقه شناخته می‌شد، اما اکنون این جایگاه را از دست داده و در حال عقب‌نشینی است.

● او با اشاره به اینکه آمریکا ۳۵۵۴ هدف دیگر در ایران دارد، وعده داد که این عملیات خیلی سریع به پایان خواهد رسید.

در بیست و نهمین روز جنگ علیه جمهوری اسلامی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده، روز جمعه ۲۸ مارس (نهم فروردین بوقت ایران) در سخنانی تند، رژیم ایران را «قدر قديمی خاورمیانه» توصیف کرد و گفت که عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل باعث آنها دیگر قلدری نکنند.

ترامپ در نشست «ابتکار سرمایه‌گذاری آینده» که یک کنفرانس تجاری مرتبط با عربستان سعودی و در ایالت فلوریدا برگزار شد، اظهار داشت که ایران طی ۴۷ سال گذشته به‌عنوان قدرتی زورگو در منطقه شناخته می‌شد، اما اکنون این جایگاه را از دست داده و در حال عقب‌نشینی است.

وی همچنین گفت، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته بر پایه «تجاوز تروریستی» و «باج‌گیری هسته‌ای» شکل گرفته است. به گفته ترامپ، عملیات نظامی آمریکا با عنوان «خشم حماسی» نقش مهمی در تضعیف توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران داشته است.

ترامپ با اشاره به اینکه آمریکا ۳۵۵۴ هدف دیگر در ایران دارد، وعده داد که این عملیات خیلی سریع به پایان خواهد رسید. ترامپ در ادامه تأکید کرد که ایالات متحده در مقطعی

→ شهروند بازداشت شدند که امیرحسین حاتمى یکی از آنها بوده است. نهادهای حقوق بشری به نقل از وکلای این پرونده نوشتند که ادعای مطرح شده در کیفرخواست متهمان با شواهد موجود در پرونده از جمله ویدئوها از محل حادثه در تناقض است. در این ویدئوها لباس‌های شخصی، مردم را به داخل ساختمان بسیج هل می‌دهند و درها را قفل می‌کنند و محل را به آتش می‌کشند.

در این پرونده امیرحسین حاتمى به «مشارکت در اقدامات عملیاتی برخلاف امنیت کشور» و «ورود به اماکن نظامی دارای طبقه‌بندی به قصد خارج کردن سلاح و مهمات جنگی و تخریب و آتش زدن اموال دولتی به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران» متهم شده است. محمدامین بیگلری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی، علی فهیم، شهاب زهدی و یاسر رجایی‌فر شش متهم دیگر این پرونده هستند. یکی از متهمان شهروند افغانستان است و دو نفر نیز از افراد «کارتن خواب» بوده‌اند.

محمدامین بیگلری، شاهین واحدپرست کلور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی و علی فهیم نیز در این پرونده به «اعدام» محکوم شده و احکام آنها پیشتر به همراه حکم امیرحسین حاتمى به اجرای احکام قوه قضاییه ارجاع شده بود. گفته شده این متهمان از سوی مقامات قضایی تهدید شده بودند که روزی یکی از آنها به دار آویخته خواهند شد. اجرای احکام اعدام فعالان سیاسی و امنیتی و شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی سرعت پیدا کرده است.

در این مدت قوه قضاییه اجرای ۹ حکم اعدام در پرونده‌های مرتبط با زندانی‌های سیاسی اطلاع داده است. هر چند فعالان حقوق بشر هشدار می‌دهند ممکن تعداد اعدام‌های اجرا شده در زندان‌های ایران بیش از آمارى باشد که جمهوری اسلامی اعلام می‌کند. قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز دوشنبه دهم فروردین ۱۴۰۵ محمد تقوی‌سنگ‌دهی و اکبر دانشورکار را در زندان قزلحصار اعدام کرد. سحرگاه سه‌شنبه ۱۱ فروردین نیز دو زندانی سیاسی دیگر به نام‌های بابک علی‌پور و پویا قبادی به اتهام «بغی» اعدام شده‌اند.

بر اساس ادعای قوه قضاییه جمهوری اسلامی هر چهار زندانی سیاسی اعدام شده به عضویت و همکاری و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق متهم شده بودند.

خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضاییه جمهوری اسلامی در گزارشی مدعی شده بابک علی‌پور و پویا قبادی «از عناصر دشمن در داخل کشور» بوده و در «عملیات‌های تروریستی متعددی در تهران مشارکت داشتند». این گزارش در ادامه ادعا کرده این دو شهروند متهم به «ارتباط‌گیری با سرپل» سازمان مجاهدین خلق برای «ضربه زدن به امنیت کشور... با استفاده از سلاح گرم منحنی‌زن (لانچر) به مراکز حساس و اماکن عمومی» بوده‌اند.

محمد تقوی‌سنگ‌دهی و اکبر دانشورکار نیز در پرونده‌ای مشابه به «بغی از طریق عضویت در سازمان مجاهدین خلق» متهم شده بودند. صدواسیمای جمهوری اسلامی نیز ویدئویی از اعترافات اجباری این دو شهروند را منتشر کرده بود.

مای ساتو گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران ساعاتی پیش و پس از اعلام خبر اعدام بابک علیپور و پویا قبادی نوشت «امروز، گزارش‌هایی دریافت کردم مبنی بر اینکه قوه قضاییه، میزان، اعدام بابک علیپور و پویا قبادی را اعلام کرده است. با توجه به قطع مداوم اینترنت، هنوز مشخص نیست چه کسانی اعدام شده‌اند یا در حال اعدام هستند. آنچه واضح است این است که از اعدام‌ها به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی در بحبوحه جنگ استفاده می‌شود.»

مجلس شورای اسلامی روی هوا؛ هراس از حملات نظامی هدفمند اسرائیل و آمریکا



نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ در حال سر دادن شعارهای «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آمریکا»

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به دو فوریتی بودن این طرح گفته «بر اساس این طرح، دولت موظف به ارائه خدمات ناوبری، بازرسی، استانداردهای زیست محیطی و اخذ عوارض رالی از شناورهای عبوری از تنگه هرمز می شود.»

علیرضا سلیمی، دیگر عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز گفته «یک بخش این طرح مربوط به مسائل امنیت کشتیرانی، یک بخش در حوزه محیط زیست برای اخذ حق آلاینده‌گی، بخش دیگر اخذ هزینه بابت حمل و نقل و آخرین بخش آن نیز درباره تشکیل صندوقی برای توسعه و پیشرفت کشور ایران و منطقه است.»

پس از پنج هفته تعطیلی جلسات مجلس شورای اسلامی، برخی نمایندگان از تلاش برای برگزاری نشست‌های مجلس شورای اسلامی به صورت آنلاین خبر می‌دهند. از جمله محمدرضا محسنی‌ثانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته طرح سه‌فوریتی «حمایت از حقوق هسته‌ای» در صورت برگزاری جلسات مجازی در اولویت بررسی قرار دارد.

با اینهمه به نظر می‌رسد برقراری نشست‌های مجلس شورای اسلامی با چالش‌هایی قانونی همراه است. کامبیز نوروزی حقوقدان در مطلبی نوشته بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی جلسات مجلس باید علنی بوده و مذاکرات مستقیماً از رادیو منتشر شود. تشکیل جلسه علنی بدون انتشار از رادیو نقض شصت و نهم قانون اساسی است.

این حقوقدان افزوده «اگر به تشخیص مقامات صالح مشکل امنیتی برای جلسه ی آنلاین وجود نداشته باشد و امکان انتشار مستقیم جلسه آنلاین از رادیو فراهم باشد، مجلس می‌تواند به همین ترتیب جلسه داشته باشد و انجام وظیفه کند. در غیر این صورت مجلس امکان تشکیل نداشته و کشور در طول مدت جنگ فاقد قوه ی مقننه خواهد بود.»

بارگذاری و به معاون قوانین این نهاد ارجاع شده است. محمدرضا محسنی‌ثانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفت که در صورت فراهم شدن شرایط، طرح خروج از ان‌پی‌تی در اولین فرصت به تصویب نهایی خواهد رسید.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «با توجه به فضای موجود در میان نمایندگان، پیش‌بینی می‌شود طرح خروج از ان‌پی‌تی با رای بالایی به تصویب برسد.»

یکی دیگر از طرح‌های مطرح شده در مجلس شورای اسلامی در رابطه با شیوه جدیدی از مدیریت تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی است.

عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی درباره طرح مدیریت هوشمند تنگه هرمز گفته «طرح جدید مجلس برای مدیریت هوشمند تنگه هرمز با بیش از ۲۵۰ امضا در دستور کار مجلس قرار گرفته و فرایند تصویب آن آغاز شده است.»

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی «قریب به اتفاق نمایندگان موافق این طرح هستند و حتی آن دسته از نمایندگانی که به دلیل تعطیلات و حضور در حوزه‌های انتخابیه به سامانه دسترسی نداشتند نیز موافقت خود را با آن اعلام کرده‌اند.»

عباس گودرزی افزوده «این طرح که با هدف تقویت امنیت تنگه هرمز و از جمله اخذ عوارض رالی از شناورها تدوین شده، بیانگر خواست عمومی مجلس و مردم ایران است و مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس و طی فرآیند قانونی، به تصویب خواهد رسید.»

علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی نیز درباره طرح «مدیریت هوشمند تنگه هرمز» گفته «طرحی در سامانه مجلس تحت عنوان قانون اقدام راهبردی صلح و توسعه درون زا و پایدار منطقه ای خلیج فارس ثبت شده است.»

● با وجود آغاز دومین ماه جنگ میان ائتلاف اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی، همچنان جلسات مجلس شورای اسلامی به علت هراس از حملات نظامی هدفمند اسرائیل و آمریکا تعطیل است.

● پس از پنج هفته تعطیلی جلسات مجلس شورای اسلامی، برخی نمایندگان از تلاش برای برگزاری نشست‌های مجلس شورای اسلامی به صورت آنلاین خبر می‌دهند؛ اقدامی که به نظر می‌رسد با چالش‌هایی قانونی همراه است. ● کامبیز نوروزی حقوقدان در مطلبی نوشته «بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی جلسات مجلس باید علنی بوده و مذاکرات مستقیماً از رادیو منتشر شود. تشکیل جلسه علنی بدون انتشار از رادیو نقض شصت و نهم قانون اساسی است.»

● شماری از نمایندگان مجلس طی روزهای گذشته در اظهاراتی از تدوین طرح‌هایی از جمله «مدیریت تنگه هرمز» و «حمایت از حقوق هسته‌ای» خبر داده‌اند که مشخص نیست چه زمانی قرار است بررسی و به رأی نمایندگان گذاشته شود! - عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی: «طرح جدید مجلس برای مدیریت هوشمند تنگه هرمز با بیش از ۲۵۰ امضا در دستور کار مجلس قرار گرفته و فرایند تصویب آن آغاز شده است.»

با وجود آغاز دومین ماه جنگ میان ائتلاف اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی، همچنان جلسات مجلس شورای اسلامی به علت هراس از حملات نظامی هدفمند اسرائیل و آمریکا تعطیل است. در حالیکه مجلس شورای اسلامی در پنج هفته گذشته جلسه‌ای برگزار نکرده، نمایندگان در رسانه‌های حکومتی از تدوین طرح‌هایی از جمله «مدیریت هوشمند تنگه هرمز» و «حمایت از حقوق هسته‌ای» خبر می‌دهند.

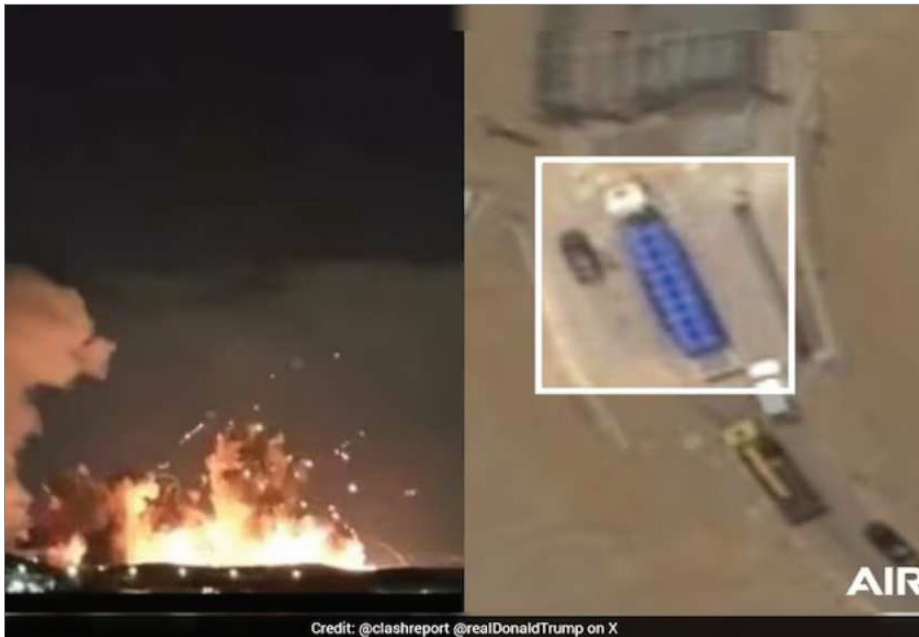
مجلس شورای اسلامی از دومین هفته اسفندماه ۱۴۰۴ و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی تعطیل شد. در حالیکه در این فصل سال و در تعطیلات نوروز جلسات مجلس شورای اسلامی برگزار نمی‌شد اما این تعطیلی از هفته دوم اسفند تا کنون به بیش از یک ماه افزایش یافته است و همزمان با پایان تعطیلات رسمی نوروز نیز نشستی در مجلس شورای اسلامی برگزار نشده است.

تعطیلی مجلس شورای اسلامی به‌علت هراس از حملات هدفمند نظامی اسرائیل و آمریکا برای حذف مقامات حکومتی انجام شده است؛ حملاتی که طی پنج هفته گذشته، پس از علی خامنه‌ای، ده‌ها تن از مقامات نظامی، امنیتی، و اجرایی جمهوری اسلامی را ترور کرده است.

در همین حال شماری از نمایندگان مجلس طی روزهای گذشته در اظهاراتی از تدوین طرح‌هایی از جمله «مدیریت تنگه هرمز» و «حمایت از حقوق هسته‌ای» خبر داده‌اند.

مالک شریعتی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، مدعی شده که طرح سه‌فوریتی «حمایت از حقوق هسته‌ای» در سه محور اعلام خروج از ان‌پی‌تی، لغو قانون اقدام متقابل در اجرای برجام و حمایت از پیمان جدید بین‌المللی با کشورهای همسو در «توسعه فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای» در سامانه مجلس شورای اسلامی

حملات سنگین به اصفهان با مپ‌های سنگر شکن؛ آمریکا به دنبال محموله نیم تن اورانیوم ۶۰ درصدی



Credit: @clashreport @realDonaldTrump on X

مباران تأسیسات اتمی اصفهان

منفجره آن نیست، بلکه توانایی تنظیم زمان انفجار برای رسیدن به اهدافی است که سایر مپ‌ها قادر به هدف‌گیری آن‌ها نیستند.

پیام آمریکا از این حمله

این حمله یک روز پس از آن صورت گرفت که ترامپ تهدید کرده بود در صورت عدم دستیابی به توافق برای پایان جنگ «در آینده نزدیک»، منابع انرژی ایران و سایر زیرساخت‌های حیاتی از جمله تأسیسات هسته‌ای و نیروگاه‌های آب را به‌طور گسترده نابود خواهد کرد. به نظر می‌رسد آمریکا با این حمله این پیام را ارسال کرده که آماده تشدید بیشتر جنگی است که وارد ماه دوم خود شده و بازارهای جهانی را دچار تلاطم کرده است.

در عین حال، این اقدام نگرانی‌ها درباره روابط منطقه‌ای را افزایش داده، حتی در شرایطی که پاکستان، مصر، عربستان سعودی و ترکیه برای یافتن راه‌حل دیپلماتیک دیدار کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر تنگه حیاتی هرمز که حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت از آن عبور می‌کند را مسدود کرده است. در واکنش به آنچه «تجاوز آمریکا» خوانده شده، یک کمیته پارلمانی ایران نیز به اعمال عوارض بر کشتی‌ها در این تنگه و ممنوعیت کامل عبور کشتی‌های آمریکا و اسرائیل رأی داده است.

کارشناسان بازار هشدار داده‌اند که هرگونه عملیات زمینی آمریکا با واکنش گسترده‌تر ایران می‌تواند قیمت نفت را به سطوحی برساند که از زمان رونق بازار کالاها در سال ۲۰۰۸ دیده نشده است.

bus Defence and Space، کامیونی را نشان می‌دهد که ۱۸ کانتینر آبی را به داخل تونلی در مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۲۵ منتقل می‌کند. به گفته فرانسوا دیاز-مورن، تحلیلگر بولتن دانشمندان اتمی، این کامیون احتمالاً حامل ۱۸ کانتینر امن حاوی تا ۵۳۴ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد بوده است؛ سطحی که تنها یک گام فنی کوتاه تا درجه تسلیحاتی ۹۰ درصد دارد. او در تحلیل خود نوشت: «این محاسبه نشان می‌دهد که ایران ممکن است تمام ذخیره اورانیوم با غنای بالای خود را از طریق کامیونی که در تصویر ماهواره‌ای دیده می‌شود به اصفهان منتقل کرده باشد.»

ممکن است آمریکا در این حمله تلاش کرده باشد ذخایر هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد. با این حال، تاکنون هیچ نشستی یا آلودگی پرتوی تأییدشده‌ای در اصفهان گزارش نشده است.

استفاده آمریکا از مپ‌های سنگر شکن

ارتش آمریکا در این حمله از مپ‌های سنگر شکن استفاده کرد. این مپ‌ها سلاح‌هایی تخصصی هستند که برای نفوذ به اهداف سخت طراحی شده‌اند و پیش از انفجار به عمق نفوذ می‌کنند. معمولاً از آن‌ها برای هدف قرار دادن تأسیسات نظامی زیرزمینی، پناهگاه‌های تقویت‌شده و سایت‌های هسته‌ای استفاده می‌شود.

این مپ‌ها دارای پوشش فولادی سخت هستند که امکان نفوذ از میان لایه‌های خاک و بتن را فراهم می‌کند و تنها پس از رسیدن به عمق مشخصی منفجر می‌شوند. آنچه یک «سنگر شکن» را خطرناک می‌کند، تنها حجم مواد

● روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که «حجم بالایی از مپ‌های سنگر شکن یا مهمات نفوذگر» در این حمله به یک انبار بزرگ مهمات برای نابودی موشک‌ها، راکت‌ها و سایر مواد منفجره استفاده شده است.

● یک تصویر ماهواره‌ای که چند روز پیش از جنگ ۱۲ روزه گرفته شده، نشان می‌دهد که تهران محموله‌ای از اورانیوم با غنای بالا را به تأسیسات هسته‌ای اصفهان منتقل کرده است. این تصویر از ماهواره Pleiades Neo شرکت Airbus Defence and Space، کامیونی را نشان می‌دهد که ۱۸ کانتینر آبی را به داخل تونلی در مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۲۵ منتقل می‌کند.

● به گفته فرانسوا دیاز-مورن، تحلیلگر بولتن دانشمندان اتمی، این کامیون احتمالاً حامل ۱۸ کانتینر امن حاوی تا ۵۳۴ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد بوده است؛ سطحی که تنها یک گام فنی کوتاه تا درجه تسلیحاتی ۹۰ درصد فاصله دارد.

ایالات متحده با استفاده از مپ‌های سنگر شکن با وزن حدود ۹۰۷ کیلوگرم یک انبار بزرگ مهمات را در شهر اصفهان هدف قرار داده است. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در پلتفرم «تروث سوشیال» ویدیویی از یک انفجار عظیم منتشر کرد که گزارش‌ها مدعی‌اند مربوط به این حمله به یک انبار مهمات در حومه اصفهان بوده است.

ویدیوها انفجاری مهیب را نشان می‌دهد که با انفجارهای ثانویه همراه است آنهم به شکل قارچ‌گونه؛ پدیده‌ای که معمولاً هنگام آتش گرفتن مهمات رخ می‌دهد. ماهواره‌های ردیاب آتش ناسا نشان می‌دهند که این انفجارها در نزدیکی کوه صفه رخ داده‌اند، منطقه‌ای که گمان می‌رود دارای مواضع نظامی باشد.

روزنامه «وال استریت ژورنال» به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که «حجم بالایی از مپ‌های سنگر شکن یا مهمات نفوذگر» در این حمله به یک انبار بزرگ مهمات برای نابودی موشک‌ها، راکت‌ها و سایر مواد منفجره استفاده شده است.

چرا اصفهان هدف قرار گرفت؟

اصفهان یک مرکز راهبردی است که پایگاه‌های نظامی و صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران را در خود جای داده است. این شهر همچنین میزبان یکی از سه سایت غنی‌سازی اورانیوم است که در جریان جنگ ۱۲ روزه نیز توسط آمریکا بمباران شد. گفته می‌شود بخشی از اورانیوم با غنای بالا در آنجا مدفون شده است. آمریکا تهدید کرده است شاید برای بدست آوردن این محموله عملیات زمینی لازم باشد.

یک تصویر ماهواره‌ای که چند روز پیش از جنگ ۱۲ روزه گرفته شده، نشان می‌دهد که تهران محموله‌ای از اورانیوم با غنای بالا را به تأسیسات هسته‌ای اصفهان منتقل کرده است. این تصویر از ماهواره Pleiades Neo شرکت Air-

رابطه‌ی تضعیف و فروپاشی: دینامیک بقای حکومت‌ها در شرایط بحران



در نهایت تعیین‌کننده شد، فروپاشی درونی بود، نه فشار از آسمان. ضعف ساختاری حکومت ویتنام یکی از عوامل کلیدی در نتیجه‌ی نهای جنگ بود. این حکومت از ابتدا با بحران مشروعیت روبرو بود و نتوانست پیوند عمیق و پایداری با بخش‌های گسترده‌ای از جامعه برقرار کند. فساد گسترده در سطوح مختلف اداری و نظامی، و ناتوانی در ایجاد یک ساختار سیاسی کارآمد، باعث شد دولت از درون شکننده باقی بماند.

در این میان، نوع حملات هوایی هم مهم است. در این ۲۸ روز، حملات هوایی آمریکا و اسرائیل عمدتاً بر اهداف نظامی متمرکز بوده و آسیب به زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی بسیار محدود گزارش شده است؛ رویکردی که در صورت تداوم، می‌تواند به نفع جامعه و دولت آینده‌ی ایران آزاد باشد. در همین چارچوب است که رهبر دوران گذار، شاهزاده رضا پهلوی، بر تمایز میان زیرساخت‌های ملی و ابزارهای بقای حکومت تأکید می‌کند و بر حفاظت از منابع حیاتی مردم، مانند آب و برق، پافشاری دارد.

از کنار هم گذاشتن این شواهد تاریخی، یک الگوی تکرارشونده بدست می‌آید: قدرت هوایی می‌تواند فشار ایجاد کند، توازن نیروهای دولتی را برهم بزند و هزینه بقای حکومت را بطور قابل‌توجهی افزایش دهد. اما تغییر حکومت نیازمند اقداماتی دیگر است. به همین دلیل، در سطح راهبردی، بنظر می‌رسد بخشی از تحلیلگران غربی به‌دنبال ایجاد شکاف در درون حاکمیت هستند. اگرچه ادامه‌ی فشار می‌تواند چنین شکافی را در طولانی مدت محتمل کند، اما ساختار قدرت در جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای شکل گرفته‌است که به‌سادگی دچار فروپاشی همرمی نمی‌شود. توزیع قدرت در شبکه‌ای از نهادهای امنیتی و نظامی، بویژه نقش سپاه و خانواده‌های آخوندی که همچون مافیای اداره می‌شوند، امکان ایجاد یک گسست سریع در رأس را محدود کرده است.

گزینه‌ی دیگر، مداخله زمینی است. گزینه‌ای که ←

یک حکومت را بازتعریف کند. نخست باید به یک اصل مهم در مکانیسم جنگ پرداخت و آن قدرت جنگ هوایی‌ست. رابرت پیپ (Robert A. Pape) در فصل‌های ۲ و ۷ کتاب *Bombing to Win: Air Power and Coercion in War* (۱۹۹۶) اشاره می‌کند که قدرت هوایی به‌تنهایی بندرت به تغییر رژیم می‌انجامد، مگر آنکه با اشغال زمینی، شکاف در میان مسئولان سیاسی یا نظامی، یا فروپاشی داخلی توسط مردم همراه شود. تجربه‌های تاریخی نیز همین را تأیید می‌کنند. حتی دقیق‌ترین و گسترده‌ترین بمباران‌ها معمولاً فقط صحنه را آماده می‌کنند و پایان بازی در جای دیگری رقم می‌خورد.

در جنگ عراق، هفته‌ها حملات هوایی زیرساخت‌های نظامی را در هم شکست، اما رژیم صدام تا زمانی که نیروهای زمینی وارد بغداد نشدند، سقوط نکرد. بمب‌ها مسیر را آماده کردند، تا سربازان با کمترین تلفات و سریع‌ترین زمان سقوط را عملی کردند.

در نمونه‌ی دیگر، مداخله‌ی هوایی ناتو در سال ۲۰۱۱ در لیبی نقش مهمی در تضعیف نیروهای قذافی داشت، اما آنچه مسیر سقوط را هموار کرد، موجی از جدایی مسئولان سیاسی و نظامی بود. افرادی مانند موسی کوسا، وزیر خارجه و رئیس پیشین دستگاه اطلاعاتی که به بریتانیا گریخت و عبدالفتاح سیوس، وزیر کشور و فرماندهی نظامی که به مخالفان پیوست. همچنین چهره‌هایی چون شکری غانم، نخست‌وزیر پیشین، و علی عبدالسلام ترکی، دیپلمات ارشد، با فاصله گرفتن از رژیم، این پیام را به بدنه‌ی حکومت منتقل کردند که وفاداری در حال فروپاشی است. این مجموعه جدایی‌ها، همراه با تغییر موضع برخی نزدیکان امنیتی مانند منصور صو، توازن قدرت را بتدریج برهم زد و ساختاری که تا پیش از آن پایدار بنظر می‌رسید، از درون فروپاشی کرد.

حتی در تجربه‌ای مانند جنگ ویتنام، بمباران‌های طولانی‌مدت نتوانستند دولت را براحتی ساقط کند. آنچه

● با گذشت ۲۸ روز از آغاز بمباران زیرساخت‌های حکومت اسلامی، از پادگان‌ها و مراکز موشکی گرفته تا انبارهای زیرزمینی، این رژیم همچنان فرو نپاشیده است. حتی با حذف خامنه‌ای و از میان رفتن بخش مهمی از سران نظامی و سیاسی، آنچه «شالوده دولت» نامیده می‌شود، هنوز سرپا مانده است.

● رابرت پیپ در فصل‌های ۲ و ۷ کتاب خود اشاره می‌کند که قدرت هوایی به‌تنهایی بندرت به تغییر رژیم می‌انجامد، مگر آنکه با اشغال زمینی، شکاف در میان مسئولان سیاسی یا نظامی، یا فروپاشی داخلی توسط مردم همراه شود. تجربه‌های تاریخی نیز همین را تأیید می‌کنند. حتی دقیق‌ترین و گسترده‌ترین بمباران‌ها معمولاً فقط صحنه را آماده می‌کنند و پایان بازی در جای دیگری رقم می‌خورد.

● در جنگ عراق، هفته‌ها حملات هوایی زیرساخت‌های نظامی را در هم شکست، اما رژیم صدام تا زمانی که نیروهای زمینی وارد بغداد نشدند، سقوط نکرد. بمب‌ها مسیر را آماده کردند، تا سربازان با کمترین تلفات و سریع‌ترین زمان سقوط را عملی کردند.

● مداخله‌ی هوایی ناتو در سال ۲۰۱۱ در لیبی نقش مهمی در تضعیف نیروهای قذافی داشت، اما آنچه مسیر سقوط را هموار کرد، موجی از جدایی مسئولان سیاسی و نظامی بود.

● قدرت هوایی می‌تواند فشار ایجاد کند، توازن نیروهای دولتی را برهم بزند و هزینه بقای حکومت را بطور قابل‌توجهی افزایش دهد. اما تغییر حکومت نیازمند اقداماتی دیگر است. به همین دلیل، در سطح راهبردی، بنظر می‌رسد بخشی از تحلیلگران غربی به‌دنبال ایجاد شکاف در درون حاکمیت هستند.

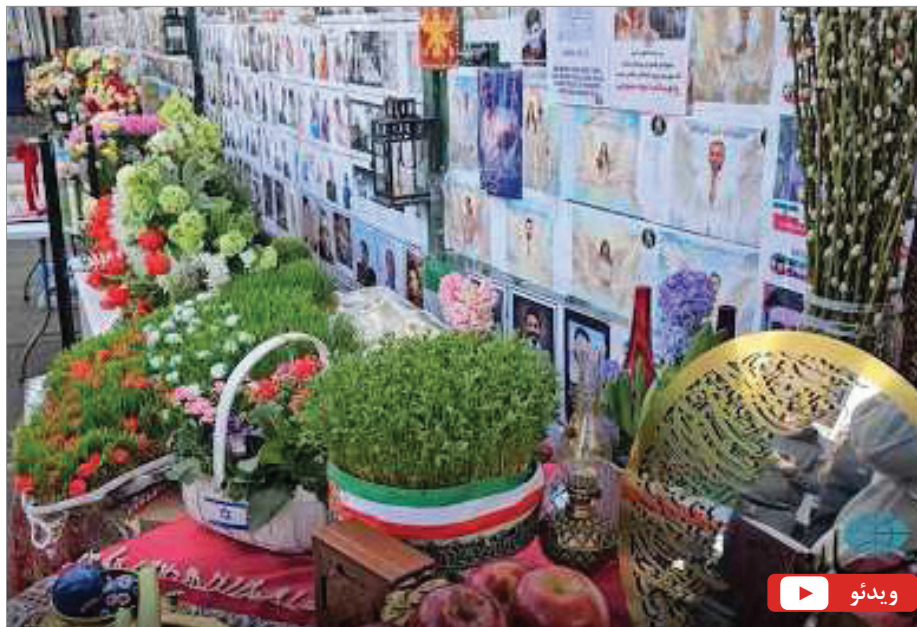
● حضور نیروهای خارجی در خاک ایران ممکن است بخشی از جامعه را ناخواسته در کنار رژیم قرار دهد. در جریان جنگ جهانی دوم، و بویژه در رویداد موسوم به «اشغال ایران توسط نیروهای بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی» در سال ۱۳۲۰، نیروهای این دو قدرت وارد خاک ایران شدند و در مدت کوتاهی رضاشاه را وادار به کناره‌گیری کردند.

● رژیمی که وارد مرحله‌ی «شرایط بقا» می‌شود، منطق حکمرانی خود را از «توسعه و کارآمدی» به «حفظ حداقل تداوم» تغییر می‌دهد. هدف دیگر اداره‌ی بهینه‌ی کشور نیست، بلکه صرفاً باقی ماندن است.

● مهم‌ترین ویژگی این وضعیت، کاهش افق‌هاست. هم برای حکومت و هم برای جامعه، نگاه از آینده‌های بلندمدت به اکنون محدود می‌شود. تصمیم‌ها کوتاه‌مدت، واکنشی و حداقلی می‌شوند.

دکتر مهدی میرسعیدی - با گذشت ۲۸ روز از آغاز بمباران زیرساخت‌های حکومت اسلامی، از پادگان‌ها و مراکز موشکی گرفته تا انبارهای زیرزمینی، این رژیم همچنان فرو نپاشیده است. حتی با حذف خامنه‌ای و از میان رفتن بخش مهمی از سران نظامی و سیاسی، آنچه «شالوده دولت» نامیده می‌شود، هنوز سرپا مانده است. این مقاله تلاش دارد علل این تاب‌آوری را مورد بررسی قرار دهد و دینامیک بقا

تحویل سال ۲۵۸۵ شاهنشاهی در کنار دیوار جاویدنامان محله گلدرز گیرین لندن



ایرانیان ملی‌گرای ساکن لندن آماده شده است، برای مهاجران دور از وطن تبدیل شده به آرامستانی که در اینجا می‌توانند با دیدن تصاویر قهرمانان راه آزادی، دل‌های خود را به دل‌های بازماندگان و خانواده‌های این عزیزان نزدیک کنند.

شماره‌ی ایرانیان ساکن بریتانیا روز جمعه ۲۹ اسفند سال ۱۴۰۴ سال را در کنار دیوار یادبود جاویدنامان میهن در محله گلدرز گیرین لندن تحویل کردند. دیوار جاویدنامان محله گلدرز گیرین لندن با تلاش و عشق

معرض تضعیف قرار گیرد، اثر روانی آن بر جامعه می‌تواند بسیار عمیق‌تر از حذف چند نیروی بسیج باشد. اینجاست که معادله‌ی بقا، بتدریج به نفع مردم وارد مرحله‌ی تازه می‌شود؛ مرحله‌ی سقوط.

سناریوهای سقوط در آینده‌ی نزدیک را می‌توان در سه قالب احتمالی ترسیم کرد. در سناریوی نخست، لحظه‌ای تاریخی فرا می‌رسد که جامعه‌ای که تا دیروز در وضعیت انطباق و تحمل قرار داشت، امکان تغییر را درک می‌کند و اکثریت مردم با شاهزاده همگام می‌شوند. این تغییر ادراک، همان نقطه‌ای است که چرخه‌ی بقا را از درون می‌شکند و معادله‌ی بقا دیگر به نفع حکومت عمل نمی‌کند. در این گذار با فرمان شاهزاده، وضعیت از «تعلیق» به «تحول» حرکت می‌کند و همین لحظه، نقطه‌ی سقوط این نظام را رقم می‌زند. در سناریوی دوم، نیروهای زمینی داخلی، با اتکا به مسلح شدن قوم یا اقوامی از ایرانیان و همراهی بدنه نظامی گارد جاویدان، وارد مرحله‌ای از رویارویی فعال و آزادسازی می‌شوند. با گسترش این حرکت، بخشی از جامعه نیز به این روند می‌پیوندد و هم‌افزایی میان نیروهای میدانی و بدنه‌ی اجتماعی، شرایط سقوط را فراهم می‌کند.

در سناریوی سوم، مداخله نیروهای زمینی خارجی، بویژه ایالات متحده و متحدانش، در قالب یک عملیات نظامی گسترده، مسیر سقوط را تسریع می‌کند. در این حالت، ترکیب فشار نظامی مستقیم و تضعیف ساختار قدرت، می‌تواند به فروپاشی سریع نظام منجر شود. با اینکه بسیاری امید آن دارند که سناریوی نخست مسیر تحقق سقوط رژیم باشد. اکنون باید منتظر ماند و دید که ایرانیان، تاریخ این سرزمین را چگونه خواهند نوشت.

اقدامات اطلاعاتی و رسانه‌ای، نشانه‌هایی از کنترل، ثبات و تداوم را برجسته کند؛ پیامی ساده اما حیاتی: «سیستم هنوز برقرار است». اینجاست که اینترنت را خاموش می‌کند و حتی تلفن را محدود می‌سازد.

گام پنجم، تعلیق زمان سیاسی است. جامعه در وضعیتی نگه داشته می‌شود که در آن تصمیم‌های بزرگ به تعویق می‌افتند. نوعی انتظار شکل می‌گیرد، انتظار برای پایان بحران و بازگشت به وضعیت پیشین، و همین تعلیق به ابزاری برای تداوم بقا تبدیل می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی این وضعیت، کاهش افق‌هاست. هم برای حکومت و هم برای جامعه، نگاه از آینده‌های بلندمدت به اکنون محدود می‌شود. تصمیم‌ها کوتاه‌مدت، واکنشی و حداقلی می‌شوند. در چنین فضایی، بقا نه بعنوان یک استراتژی بلندمدت، بلکه به یک رفتار روزمره تبدیل می‌شود. این وضعیت را می‌توان در چارچوب نظریاتی که ماکس وبر و در نظریه‌پردازان اخیر از جمله جورجو آگامبن مطرح کرده‌اند، فهمید: حفظ حداقل انحصار قدرت در شرایط استثنایی.

نکته‌ی کلیدی در این میان، پیوند دو روند است: عادی‌سازی در سطح جامعه و فزایش کنترل در سطح حکومت. مردم با دیدن نشانه‌هایی از تداوم، بیشتر با شرایط کنار می‌آیند و حکومت با دیدن اینکه جامعه فرو نریخته، توان ادامه پیدا می‌کند. این یک چرخه است، چرخه‌ای که بی‌شک از رضایت نمی‌آید، بلکه از نیاز به بقا تغذیه می‌کند. در چنین فضایی، تداوم فشارهای خارجی، بویژه حملات هدفمند نظامی، می‌تواند نقش مهمی در شکست این چرخه ایفا کند. زمانی که نشانه‌های «قدرت‌نمایی» حکومت در

در عمل تنها از سوی ایالات متحده و با یا بدون همراهی متحدان اروپایی قابل تحقق است. چنین مداخله‌ای می‌تواند در کوتاه‌مدت مؤثر باشد، اما هزینه‌های انسانی، خطر آسیب به غیرنظامیان و پیامدهای عمیق اجتماعی آن، این گزینه را به سناریوی پرهزینه و نامطلوب تبدیل می‌کند. حضور نیروهای خارجی در خاک ایران ممکن است بخشی از جامعه را ناخواسته در کنار رژیم قرار دهد. در جریان جنگ جهانی دوم، بویژه در رویداد موسوم به «اشغال ایران توسط نیروهای بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی» در سال ۱۳۲۰، نیروهای این دو قدرت وارد خاک ایران شدند و در مدت کوتاهی رضاشاه را وادار به کناره‌گیری کردند. حضور نیروهای خارجی در خاک کشور، بویژه در سال‌های پس از آن، به شکل‌گیری احساسی عمیق از بی‌اعتمادی و حساسیت نسبت به نفوذ خارجی در جامعه ایران منجر شد. احساسی که برای دهه‌ها در سیاست و ذهن جمعی ایرانیان باقی مانده است.

آنچه بعنوان مسیر محتمل‌تر برای تغییر رژیم باقی می‌ماند، تغییری است که از درون جامعه شکل می‌گیرد. ظرفیتی که در میان مردم وجود دارد، همچنان تعیین‌کننده‌ترین عامل در هر سناریوی تحول است.

جامعه‌ی ایران امروز، جامعه‌ای خسته از دهه‌ها سرکوب و تهدید است. جامعه‌ای که بارها خروشیده و داغدار هزاران جان‌باخته است. این جامعه، در عین التهاب، به نقطه‌ای از انتظار برای تغییر رسیده است. خصوصاً با قبول رهبری دوران گذار توسط شاهزاده، همصدایی ملت ایران بسیار بیشتر و تقویت شده است. به عبارتی، شاهزاده، امید‌هایی از دست رژیم را در دل‌های ایرانیان روشن کرده است. به باور من، رژیم نیز این واقعیت را درک کرده است و بیش از حمله هوایی، از فروپاشی از درون جامعه هراس دارد. بر همین اساس، وضعیت خود را به «شرایط بقا» تغییر داده است.

رژیمی که وارد مرحله‌ی «شرایط بقا» می‌شود، منطق حکمرانی خود را از «توسعه و کارآمدی» به «حفظ حداقل تداوم» تغییر می‌دهد. هدف دیگر اداره‌ی بهینه‌ی کشور نیست، بلکه صرفاً باقی ماندن است.

در این چارچوب، نخستین اقدام، کوچک‌سازی کارکردهای دولت است. بسیاری از فعالیت‌های دوران صلح، از برنامه‌های توسعه‌ای تا پروژه‌های بلندمدت، متوقف می‌شوند و تمرکز بر خدمات پایه مانند امنیت نظامی، حداقل توزیع منابع و کنترل اداری قرار می‌گیرد. تعطیلی دانشگاه‌ها، ادارات و سازمان‌ها بخشی از همین روند است؛ شکل‌گیری نوعی «دولت حداقلی در شرایط اضطرار».

گام دوم، تمرکز منابع بر ابزارهای بقاست. بودجه، نیروی انسانی و ظرفیت مدیریتی به سمت نهادهای امنیتی و نظامی هدایت می‌شود. در این مرحله، حفظ انسجام نیروهای وفادار اهمیت بیشتری از رضایت عمومی پیدا می‌کند. پرداخت حقوق، تأمین لجستیک و حفظ زنجیره‌ی فرماندهی، به اولویت‌های اصلی بدل می‌شوند. دریافت کمک‌های نظامی و تاکتیکی از دولت‌های حامی از جمله روسیه، چین و شاید کره شمالی از این اقدامات باشد.

گام سوم، افزایش کنترل و نظارت داخلی است. رژیم در وضعیت بقا، حساسیت بالایی نسبت به هرگونه بی‌ثباتی نشان می‌دهد. ایست‌های بازرسی، محدودیت‌های تردد و نظارت بر ارتباطات، با هدف جلوگیری از شکل‌گیری بحران‌های ناگهانی و همچنین تقویت روحیه‌ی نیروهای وابسته به حکومت اعمال می‌شوند.

گام چهارم، مدیریت ادراک و روایت است. در چنین شرایطی، آنچه مردم «فکر می‌کنند» به مراتب مهم‌تر از آن چیزی است که واقعاً رخ می‌دهد. رژیم تلاش می‌کند با

ضرورت تأسیس انجمن دوستی ایران و اسرائیل



با این وجود، چنین رابطه‌ای بدون مقاومت شکل نخواهد گرفت. در هر دو کشور ایران و اسرائیل، جریان‌هایی وجود دارند که—اغلب تحت تأثیر جزم‌اندیشی ایدئولوژیک یا ملاحظیات سیاسی کوتاه‌مدت—در پی ایجاد بی‌اعتمادی و مانع‌تراشی در مسیر همکاری هستند. اگرچه این گروه‌ها ممکن است از حمایت گسترده مردمی برخوردار نباشند، اما تأثیر آن‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی، بویژه از طریق رسانه‌های بین‌المللی، نباید دست‌کم گرفته شود. مقابله با این روایت‌ها مستلزم تعامل فرهنگی مستمر و تلاش فعالانه برای تقویت درک متقابل است.

اهمیت موضوع بسیار بالاست. گسترش مبادلات اقتصادی، همکاری مؤثر در حوزه امنیت، و بهبود سطح زندگی مردم در هر دو کشور، تا حد زیادی به استحکام ارتباطات مردمی وابسته است. نگرش مثبت عمومی یک امر تجملی نیست؛ بلکه یک دارایی راهبردی است.

اگرچه این احساس مثبت ممکن است بطور طبیعی در طول زمان رشد کند، اما زمان خود یک عامل تعیین‌کننده است. هرگونه تأخیر در تقویت این ارتباطات، هزینه‌های ملموسی برای هر دو ملت به همراه خواهد داشت. به همین دلیل، ایجاد انجمن دوستی ایران و اسرائیل تا این اندازه فوری و حیاتی است. چنین نهادی می‌تواند بعنوان کاتالیزوری برای تعامل عمل کند و صدها هزار ایرانی و اسرائیلی را که به ساختن آینده‌ای مشترک متعهد هستند، گرد هم آورد. این انجمن با ترویج گفتگوی فرهنگی، تسهیل همکاری‌های اقتصادی، و تشویق به مشارکت‌های راهبردی، می‌تواند حسن‌نیت‌های نهفته را به پیشرفت‌های ملموس تبدیل کند. مهمتر از آن، می‌تواند نسل جدیدی از سفیران صلح را پرورش دهد—افرادی که این پیام را منتقل خواهند کرد که آینده‌ی خاورمیانه نه در تقابل، بلکه در همکاری رقم خواهد خورد.

در منطقه‌ای که اغلب با شکاف و اختلاف تعریف می‌شود، همکاری میان یک ایران آزاد و اسرائیل می‌تواند نمونه‌ای قدرتمند از آشتی و پیشرفت متقابل باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده است که این بنیان گذاشته شود.

باشد که احتمالاً بجایمانده از ایران را پر خواهد کرد. برخلاف جمهوری اسلامی، ترکیه ترکیبی از قدرت نظامی، عضویت در ناتو، و مشروعیت قابل توجه در جهان اسلام را در اختیار دارد. این پویایی جدید می‌تواند چالشی پیچیده‌تر و گسترده‌تر برای امنیت اسرائیل ایجاد کند.

فراتر از بازیگران منطقه‌ای، هر دو کشور باید با جریان‌های ایدئولوژیک گسترده‌تری نیز مقابله کنند. واکنش برخی کشورهای اروپایی به رویدادهای اخیر—بویژه پیامدهای ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و واکنش کم‌رنگ به کشتارهای در ژانویه ۲۰۲۴—نشان‌دهنده‌ی نوعی تناقض نگران‌کننده است. این امر بازتاب‌دهنده‌ی مسئله‌ای عمیق‌تر است: افزایش نفوذ یک چارچوب ایدئولوژیک جهانی که اغلب خود را در تقابل با منافع امنیتی اسرائیل و آرمان‌های مردم ایران برای دستیابی به آزادی قرار می‌دهد. در این معنا، ایران و اسرائیل نه تنها با دشمنان مشترک، بلکه با روایت‌های مشترکی مواجه هستند که مشروعیت آن‌ها را در عرصه بین‌المللی تضعیف می‌کند.

تهدیدهای مشترک تنها بخشی از پایه‌های طبیعی و قدرتمند برای شکل‌گیری یک رابطه پایدار و عمیق میان دو کشور است. عوامل مهم دیگری به شکل‌گیری این فرایند کمک می‌کنند. مهم‌ترین آن حضور بیش از ۳۰۰ هزار یهودی ایرانی در اسرائیل است؛ جامعه‌ای که بعنوان پلی زنده میان دو ملت عمل می‌کنند. علاوه بر این، دهه‌ها تعامل میان ایرانیان خارج از کشور و جامعه علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای اسرائیل، زمینه‌ساز احترام متقابل و همکاری شده است. همچنین، شماری از فعالان سیاسی غیر یهودی ایرانی نیز در اسرائیل فعالیت داشته‌اند که این پیوندها را تقویت کرده‌اند.

شاید مهمتر از همه، این واقعیت است که در میان مردم عادی هر دو کشور، درک فزاینده‌ای شکل گرفته است که آن‌ها متحدان طبیعی یکدیگر هستند. این احساس، که ریشه در تجربیات تاریخی مشترک و منافع راهبردی همگرا دارد، بستر مناسبی برای توسعه‌ی همکاری‌های عمیق‌تر فرهنگی، اقتصادی و امنیتی فراهم می‌کند.

● ایران پس از جمهوری اسلامی با چالش‌های فوری و سنگین داخلی مواجه خواهد شد: تأمین امنیت ملی، حفظ یکپارچگی سرزمینی، و بازسازی زیرساخت‌های حیاتی.

● سال‌ها سوءمدیریت و سرکوب، سامانه‌های آب، زنجیره‌های تأمین غذا، شبکه‌های بهداشت و درمان، و زیرساخت‌های انرژی کشور را در وضعیتی قرار داده است که نیاز فوری به بازسازی دارند. تثبیت این بخش‌ها نه تنها به انسجام داخلی، بلکه به مشارکت‌های راهبردی بین‌المللی نیز وابسته خواهد بود.

● یکی از مهمترین تحولات منطقه می‌تواند گسترش نفوذ ترکیه در میان گروه‌های فلسطینی باشد که احتمالاً خلأ بجایمانده از ایران را پر خواهد کرد. برخلاف جمهوری اسلامی، ترکیه ترکیبی از قدرت نظامی، عضویت در ناتو، و مشروعیت قابل توجه در جهان اسلام را در اختیار دارد. این پویایی جدید می‌تواند چالشی پیچیده‌تر و گسترده‌تر برای امنیت اسرائیل ایجاد کند.

● فراتر از بازیگران منطقه‌ای، هر دو کشور باید با جریان‌های ایدئولوژیک گسترده‌تری نیز مقابله کنند. واکنش برخی کشورهای اروپایی به رویدادهای اخیر—بویژه پیامدهای ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و واکنش کم‌رنگ به کشتارهای گسترده در ایران در ژانویه ۲۰۲۴—نشان‌دهنده‌ی نوعی تناقض نگران‌کننده است.

● تهدیدهای مشترک تنها بخشی از پایه‌های طبیعی و قدرتمند برای شکل‌گیری یک رابطه پایدار و عمیق میان دو کشور است. عوامل مهم دیگری به شکل‌گیری این فرایند کمک می‌کنند. مهم‌ترین آن حضور بیش از ۳۰۰ هزار یهودی ایرانی در اسرائیل است؛ جامعه‌ای که بعنوان پلی زنده میان دو ملت عمل می‌کنند.

● این انجمن با ترویج گفتگوی فرهنگی، تسهیل همکاری‌های اقتصادی، و تشویق به مشارکت‌های راهبردی، می‌تواند حسن‌نیت‌های نهفته را به پیشرفت‌های ملموس تبدیل کند. مهمتر از آن، می‌تواند نسل جدیدی از سفیران صلح را پرورش دهد—افرادی که این پیام را منتقل خواهند کرد که آینده‌ی خاورمیانه نه در تقابل، بلکه در همکاری رقم خواهد خورد.

اکبر معارفی - سقوط نهایی جمهوری اسلامی به دست مردم ایران، با حمایت ایالات متحده و اسرائیل، پایان تهدیدهایی نخواهد بود که ایران و اسرائیل با آن روبرو هستند. برعکس، این تحول می‌تواند آغازگر مرحله‌ای جدید و پیچیده‌تر از چالش‌های ژئوپلیتیکی برای هر دو کشور باشد. دقیقاً به همین دلیل است که تأسیس یک انجمن دوستی ایران و اسرائیل نه تنها مطلوب، بلکه ضروری است.

ایران پس از جمهوری اسلامی با چالش‌های فوری و سنگین داخلی مواجه خواهد شد: تأمین امنیت ملی، حفظ یکپارچگی سرزمینی، و بازسازی زیرساخت‌های حیاتی. سال‌ها سوءمدیریت و سرکوب، سامانه‌های آب، زنجیره‌های تأمین غذا، شبکه‌های بهداشت و درمان، و زیرساخت‌های انرژی کشور را در وضعیتی قرار داده است که نیاز فوری به بازسازی دارند. تثبیت این بخش‌ها نه تنها به انسجام داخلی، بلکه به مشارکت‌های راهبردی بین‌المللی نیز وابسته خواهد بود.

در همین حال، اسرائیل نیز با چشم‌اندازی در حال تغییر در منطقه روبرو خواهد شد. یکی از مهمترین تحولات می‌تواند گسترش نفوذ ترکیه در میان گروه‌های فلسطینی

ایران نه ویتنام است، نه عراق و نه افغانستان



داخلی بیش از پیش به ابزارهای امنیتی متکی شده است. در همین حال، بخشی از نیروهای سیاسی مخالف حکومت با رهبری شاهزاده رضا پهلوی بر مفاهیمی چون تمامیت ارضی ایران، جدایی دین از حکومت، آزادی‌های مدنی و تعیین شکل نظام سیاسی آینده از طریق انتخابات آزاد تأکید می‌کنند. این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده وجود گفتمان‌های جایگزین در فضای سیاسی ایران و رهبری پسا جمهوری اسلامی است که هر روز قدرتمند تر می‌شود.

بر اساس این تحلیل، برخی ناظران معتقدند هرگونه فشار نظامی که ساختارهای سرکوب را هدف قرار دهد، منجر به پیامدهایی مثبت و متفاوتی از تجربه‌های پیشین آمریکا منجر می‌شود چراکه باعث آزاد سازی نیروی جمع شده مردم می‌شود. نیرویی که جمهوری اسلامی بیشترین ترس را از آن دارد. البته که، حتی در چنین سناریویی نیز احتمال مقاومت نیروهای وفادار به حکومت یا واکنش‌های نامتقارن منطقه‌ای وجود خواهد داشت. اما باید خاطر نشان کرد عدم وجود جمهوری اسلامی این واکنشها را ضعیف خواهد کرد.

تناقض در برخی تحلیل‌های سیاسی غربی نیز مورد توجه منتقدان قرار گرفته است؛ از یک سو سالها سیاست تعامل و مذاکره دنبال شده و از سوی دیگر نسبت به توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی تردیدهایی مطرح کرده بودند. آزمایش‌ها و عملیات موشکی اخیر در حمله به پایگاه دیگو گارسیا نشان داد که توان موشکی ایران فراتر از برخی برآوردهای پیشین بوده و همین مسئله ارزیابی‌های امنیتی را پیچیده‌تر کرده است. دیگر جمهوری اسلامی نمی‌تواند یک شریک قابل اعتماد برای مذاکرات باشد.

در نهایت، استدلال اصلی این دیدگاه آن است که ایران را نمی‌توان با ویتنام، عراق یا افغانستان مقایسه کرد. به باور حامیان این تحلیل، شکاف میان دولت و جامعه عامل تعیین‌کننده‌ای است که می‌تواند مسیر هر حمله نظامی زمینی احتمالی را متفاوت سازد. از این منظر، مردم ایران نه بخشی از مشکل، بلکه بخشی از راه‌حل آینده کشور هستند.

فساد ساختاری، محدودیت‌های اجتماعی و سرکوب اعتراضات، به فرسایش مشروعیت سیاسی انجامیده است. اعتراضات گسترده سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ پس از مرگ مهسا امینی و قیام چند میلیونی ژانویه ۲۰۲۵ نیز نشان داد که میان مردم و حکومت تمایزی جدی وجود دارد.

برای درک این تفاوت، مقایسه با جنگ‌های پیشین آمریکا اهمیت دارد. در ویتنام، ایالات متحده وارد نمانده‌ای شد که نیروهای هوچی‌مین از احساسات عمیق ملی‌گرایانه و ضد استعماری-کمونیستی بهره می‌بردند. ویت‌کنگ و دولت ویتنام شمالی از حمایت گسترده روستایی برخوردار بودند و جنگ چریکی در محیطی شکل گرفت که مرز میان مردم و نیروهای رزمی مبهم بود.

در عراق پس از سال ۲۰۰۳، سقوط رژیم بعثی به خلأ قدرت و شکل‌گیری شورش‌های فرقه‌ای انجامید. گروه‌های مسلح گوناگون از شکاف‌های قومی و مذهبی و نبود رهبری شاخص بهره بردند و ایالات متحده خود را در نقش مدیریت امنیت جامعه‌ای چندپاره یافت؛ وضعیتی که نشان داد حذف یک دیکتاتور الزاماً به ثبات سیاسی فوری منجر نمی‌شود.

افغانستان نیز نمونه‌ای دیگر بود؛ جایی که طالبان از ساختارهای قبیله‌ای، دین‌گرایی و مخالفت با هرگونه حضور خارجی ولی حضور مثبت بهره می‌برد. حتی پس از شکست اولیه طالبان، شبکه‌های محلی قدرت و بی‌اعتمادی عمومی به دولت مرکزی مانع تثبیت نظام سیاسی شد و در نهایت فروپاشی سریع دولت در سال ۲۰۲۱ را رقم زد.

ایران از برخی جهات الگویی متفاوت ارائه می‌دهد. هسته اصلی ساختار امنیتی کشور، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج هستند که ماهیتی ایدئولوژیک دارند و مأموریت اصلی آنان حفظ نظام تعریف شده است. منتقدان حکومت معتقدند اتکای گسترده به این ساختارهای امنیتی نشان‌دهنده فاصله میان حاکمیت و بخش‌هایی از جامعه است. گزارش‌هایی درباره استفاده از نیروهای هم‌پیمان منطقه‌ای مانند حشدالشعبی در دوره‌های ناآرامی نیز به این برداشت دامن زده است که حکومت برای حفظ کنترل

● یک عملیات زمینی در ایران چه در قالب تهاجمی گسترده و چه حمله‌ای محدود با هدف از کار انداختن دستگاه سرکوب حکومتی لزوماً با همان نتایج ویتنام یا عراق منجر نخواهد شد. بلکه برعکس، در چنین سناریویی، نیروهای آمریکا و اسرائیل با جامعه‌ای روبه‌رو می‌شوند که بخش‌های بزرگی از آن از ساختار قدرت سیاسی و نظامی جدا شده‌اند و تحت سلطه نخبگان ایدئولوژیک و محدود قرار ندارند.

● در این چارچوب، تضعیف مؤثر نیروهای سرکوبگر می‌تواند به فروپاشی سریع ساختار قدرت منجر شود و به‌جای مقاومت طولانی‌مدت، زمینه‌ساز تحولی پر شتاب در داخل کشور گردد. مسئله در اینجا ملت‌سازی در برابر دشمنی یکپارچه نیست، بلکه مواجهه با نظامی است که به باور منتقدانش شکافی عمیق میان حاکمیت و جامعه ایجاد کرده است.

● بخشی از نیروهای سیاسی مخالف حکومت با رهبری شاهزاده رضا پهلوی بر مفاهیمی چون تمامیت ارضی ایران، جدایی دین از حکومت، آزادی‌های مدنی و تعیین شکل نظام سیاسی آینده از طریق انتخابات آزاد تأکید می‌کنند. این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده وجود گفتمان‌های جایگزین در فضای سیاسی ایران و رهبری پسا جمهوری اسلامی است که هر روز قدرتمند تر می‌شود.

فرد صابری- جمهوری اسلامی ایران یک چالش راهبردی و سیاسی منحصربه‌فرد برای هرگونه مداخله نظامی احتمالی ایالات متحده بحساب می‌آید؛ چالشی که ماهیت آن اساساً با تجربه‌های پیشین آمریکا در ویتنام، عراق و افغانستان متفاوت است. در آن درگیری‌ها، نیروهای آمریکایی با رژیم‌ها یا جنبش‌هایی روبه‌رو بودند که از پشتوانه قابل‌توجه مردمی یا ملی‌گرایانه برخوردار بودند و در بستر شورش‌های پیچیده‌ای می‌جنگیدند که در آن تمایز میان غیرنظامیان و نیروهای رزمی اغلب دشوار یا ناممکن بود.

یک عملیات زمینی در ایران چه در قالب تهاجمی گسترده و چه حمله‌ای محدود با هدف از کار انداختن دستگاه سرکوب حکومتی لزوماً با همان نتایج ویتنام یا عراق منجر نخواهد شد. بلکه برعکس، در چنین سناریویی، نیروهای آمریکا و اسرائیل با جامعه‌ای روبه‌رو می‌شوند که بخش‌های بزرگی از آن از ساختار قدرت سیاسی و نظامی جدا شده‌اند و تحت سلطه نخبگان ایدئولوژیک و محدود قرار ندارند. در این چارچوب، تضعیف مؤثر نیروهای سرکوبگر می‌تواند به فروپاشی سریع ساختار قدرت منجر شود و به‌جای مقاومت طولانی‌مدت، زمینه‌ساز تحولی پر شتاب در داخل کشور گردد. مسئله در اینجا ملت‌سازی در برابر دشمنی یکپارچه نیست، بلکه مواجهه با نظامی است که به باور منتقدانش شکافی عمیق میان حاکمیت و جامعه ایجاد کرده است.

جمعیت ایران تا سال ۲۰۲۶ حدود ۹۳ میلیون نفر برآورد می‌شود. اگرچه آمارهای رسمی از اکثریت قاطع شیعه سخن می‌گویند، برخی نظرسنجی‌های مستقل از افزایش فاصله اجتماعی و دینی میان جامعه و دین و مذهب رسمی حکایت دارند. بر اساس این برآوردها، بخش قابل‌توجهی از جامعه خود را بی‌دین، ندانم‌گرا یا عملاً سکولار معرفی می‌کند و میزان پایبندی به ایدئولوژی حکومتی به‌مراتب کمتر از روایت رسمی است. دهه‌ها مشکلات اقتصادی،

گزارش ویژه؛ ایرانیان ساکن امارات زیر فشار روانی و نگرانی از سرنوشت اقامت و اموالشان



● اوایل حملات اسرائیل و آمریکا به ایران اعلام کردند که قرار است بیمارستان ایرانی‌ها بسته شود. بعد گفتند مدارس ایرانی‌ها هم قرار است بسته شود، پنج شش مدرسه معتبر داشتیم که متعلق به ایرانی‌های اینجا بود وقتی بسته شدند، ویزاهای کارکنان آنها هم لغو شدند. گفتند مجوز کار همه کسانی که وصل به حکومت جمهوری اسلامی هستند و در مدارس کار می‌کردند لغو است. ویزای معلمان، پزشکان یا پرستاران و کارکنان بانک، همه را لغو کردند. در کنسولگری هم فقط هفت کارمند کنسولگری را نگه داشتند و بقیه را اخراج کردند، به جز آن بیمارستان معتبر، باشگاه ورزشی ایرانی‌ها هم پلمپ شد.

● هر کس که بیرون امارات است دیگر نمی‌تواند وارد شود و برای ورودی‌های فرودگاه‌ها، گیت ایرانی‌ها را جدا کردند، گیت‌های هوشمند فرودگاهی اینجا با استفاده از فناوری تشخیص چهره و اسکن عنبیه چشم است و وقتی کارت اقامت داشته باشید لازم نیست به داخل گیت بروید، رد می‌شوید یعنی با همان اسکن چشمی شما را رد می‌کنند ولی گفتند ایرانی‌ها حتما باید از گیت رد شوند و پاسپورت‌شان هم بررسی شود و بعد به آنها اجازه ورود به امارات نمی‌دادند؛ یعنی هر کسی که می‌آمد به گیت می‌رسید به او می‌گفتند از همین جا برگرد. حتی کسانی که می‌خواستند به صورت عبوری از امارات به یک کشور دیگر سفر کنند مثلا یک نفر ترکیه سوار شده بود می‌خواست به تایلد برود حتی ترانزیت اینجا قبول نمی‌کرد و او اجازه ترانزیت هم نداشت و آن ایرلاین از ترکیه به او اجازه سوار شدن به هواپیما نمی‌داد که به امارات بیاید.

● تا همین دیشب بالای سر ما پنج شش موشک می‌زدند ولی بر اساس قانون جدیدی که اخیرا وضع کرده‌اند نه اجازه عکاسی داریم نه اجازه پخش خبر، برای فونه اخیرا ۱۰ توریست ایتالیایی را بازداشت کردند به خاطر اینکه داشتند از موشک‌باران عکس می‌گرفتند یا سه تن از شهروندان بنگلادشی را ۶۰۰ دلار بر اساس این قانون جدید جریمه کردند به خاطر عکس گرفتن از موشکی که در آسمان بوده و در صفحات مجازی خود منتشر کردند، اینها کامل رصد می‌شود. هر شب جمهوری اسلامی در حال پرتاب موشک و مپ است هر شب ما آلارم می‌گیریم ولی خبرگزاری‌های اینجا هیچ موردی را منعکس نمی‌کنند.

● شمار اموال ایرانی‌های وابسته به سپاه و دولت تعدادشان در امارات بسیار زیاد است و طی عملیاتی که دولت امارات انجام دادند با همکاری ایرانی‌های خارج و ایرانی‌های داخل امارات، اطلاعات افراد وابسته به سپاه و شرکت‌هایی که برای سپاه و جمهوری اسلامی پولشویی کرده‌اند خارج شده است. تعداد زیادی از این افراد، خارج از امارات بودند و چون بیشتر از شش ماه خارج از امارات بودند ویزای آنها لغو شده البته در بین اینها چند مورد اشتباه صورت گرفته، ایرانی‌هایی بودند خارج از امارات سرپرست خانواده بودند یا خانواده‌شان داخل امارات بوده ویزاهای آنها بررسی شده و دوباره تمدید شده و به امارات برگشتند.

فیروزه نوردستروم - دولت امارات متحده عربی به تازگی اقامت همه ایرانیان خارج از این کشور را باطل کرده است؛

از پذیرش و سوار کردن آنها به هواپیما خودداری کردند. همچنین بر اساس اطلاعیه رسمی سازمان فدرال هویت شهروندی گمرک و امنیت بنادر امارات متحده عربی، همه افرادی که ویزای توریستی آنها پس از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ منقضی شده و به دلیل بسته بودن حریم هوایی و تعلیق پروازها در امارات مانده‌اند از پرداخت جریمه اقامت بیش از مدت مجاز معاف هستند و تاکنون هیچ تاریخ یا مهلتی برای خروج این افراد اعلام نشده است.

این مسائل در روزهای اخیر سردرگمی و نگرانی شدید ایرانیان ساکن امارات را به همراه داشته است چرا که آنها نگران لغو شدن ویزای اقامتی خود در این کشور هستند. «کیهان لندن» در گفتگو با چند ایرانی ساکن امارات این مساله را مورد بررسی قرار داده است.

سوگل شهروند ۳۰ ساله ایرانی ساکن امارات با اشاره به اینکه امارات هم اندازه اصفهان ایران خودمان کشور بزرگی نیست و از هفت شهر ساخته شده معتقد است: «در دوی که نزدیکترین شهر به ایران است کلی ایرانی وجود دارد که از ۵۰ سال پیش به اینجا آمدند، تجارت می‌کنند، مغازه و خانه خریده‌اند و تشکیل خانواده داده‌اند، همه همدیگر را می‌شناسند، چون بیشتر آنها از سمت جنوب ایران آمده‌اند، همه یا با هم فامیلند یا به واسطه اینکه اینجا زندگی می‌کنند و با هم کار می‌کنند همدیگر را می‌شناسند و یک خبر وقتی به بیرون درز پیدا کند سریع پخش می‌شود و همه متوجه می‌شوند، ولی این خبر خیلی زودتر از اخبار به گوش ما رسید چون همه در اینجا به هم وصلیم ولی الان دیگر در تمام خبرگزاری‌ها اعلام می‌شود. اول به این شکل علامت سوال بود مثلا فلانی که رفته بود ایران چرا نتوانست برگردد؟ حتما به حکومت وصل بوده یا مشکلی برایش ایجاد شده. ←

حتی مالکان دارای ویزای طلایی. در حالیکه تا روز پنجشنبه گذشته، ششم فروردین ۱۴۰۵، تنها اقامت ایرانیانی که ویزای کارمندی یا خانوادگی اسپانسرشپ داشتند و خارج از امارات بودند لغو شده بود، از روز جمعه هفتم فروردین، اقامت همه ایرانیانی که خارج از این کشور حضور دارند از جمله کسانی که شرکت ثبت کرده‌اند و حتی افرادی که ملک خریده و ویزای طلایی امارات را داشته‌اند هم لغو شده است.

با تشدید جنگ میان ائتلاف اسرائیل و آمریکا و جمهوری اسلامی، رابطه میان تهران و دبی با تنش‌های زیادی روبرو شده است. جمهوری اسلامی بارها به بهانه استفاده آمریکا از پایگاه‌هایش در خاک دبی برای حمله، نه تنها پایگاه‌های آمریکا که زیرساخت‌های امارات را نیز هدف قرار داده است. اکنون نه تنها امارات متحده عربی در حال تبدیل شدن به یکی از طرفین جنگ علیه جمهوری اسلامی است بلکه اقداماتی سختگیرانه را درباره شهروندان ایرانی ساکن دبی در دستور کار قرار داده است؛ اقداماتی که حتی مشمول سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب‌وکاران عمده، و پزشکان و پرستاران ایرانی شاغل در دبی هم می‌شود.

در روزهای گذشته ویزای اقامت بسیاری از ایرانیان ساکن امارات لغو شده است. اقامت ایرانی‌هایی که ویزای کارمندی یا خانوادگی دارند و اکنون خارج از امارات هستند حتی دارندگان ویزای طلایی هم لغو شده است اما اغلب افرادی که داخل امارات حضور دارند با مشکلی روبرو نیستند. این در حالیست که ایرانیان مقیم امارات که در هفته‌های گذشته از امارات به کشورهای نظیر عمان و ترکیه سفر کرده بودند در روزهای اخیر هنگام بازگشت به امارات نتوانسته‌اند وارد این کشور شوند و شرکت‌های هواپیمایی

→ ابتدا یک سری خبرگزاری رسمی عربی و ایرانی اعلام کردند ویزای همه ایرانی‌های که خارج از امارات هستند در حال لغو شدن است بعد گفتند شامل کسانی که طلایی و فامیلی و ملک دارند نمی‌شود و شامل کسانی که شرکتی بودند می‌شود.»

او در ادامه از تعطیلی کامل و پلمپ بیمارستان ایرانیان دبی خبر داد. چندی پیش دولت امارات در واکنش به حملات موشکی و پهپادی گسترده جمهوری اسلامی علیه خاک این کشور به دلیل ارتباط مستقیم این بیمارستان با نهادهای نظامی و حکومتی جمهوری اسلامی، دستور تعطیلی فوری بیمارستان ایرانی دبی را صادر کرد؛ یکی از قدیمی‌ترین مراکز درمانی امارات که توسط هلال احمر جمهوری اسلامی اداره می‌شد.

به گفته سوگل، حتی خارجی‌ها هم به این بیمارستان بسیار معتبر می‌رفتند چون دکترهای متخصص آنجا ایرانی هستند، اما اوایل حملات اسرائیل و آمریکا به ایران اعلام کردند که قرار است بیمارستان ایرانی‌ها بسته شود. بعد گفتند مدارس ایرانی‌ها هم قرار است بسته شود، پنج شش مدرسه معتبر داشتیم که متعلق به ایرانی‌های اینجا بود وقتی بسته شدند، ویزاهای کارکنان آنها هم لغو شدند. گفتند مجوز کار همه کسانی که وصل به حکومت جمهوری اسلامی هستند و در مدارس کار می‌کردند لغو است. ویزای معلمان، پزشکان یا پرستاران و کارکنان بانک، همه را لغو کردند. در کنسولگری هم فقط هفت کارمند کنسولگری را نگه داشتند و بقیه را اخراج کردند، به جز آن بیمارستان معتبر، باشگاه ورزشی ایرانی‌ها هم پلمپ شد.

بعد گفتند همه کسانی که اخراج شده‌اند وصل به جمهوری اسلامی هستند، بعد گفتند هر کس که بیرون امارات است دیگر نمی‌تواند وارد شود و برای ورودی‌های فرودگاه‌ها، گیت ایرانی‌ها را جدا کردند، گیت‌های هوشمند فرودگاهی اینجا با استفاده از فناوری تشخیص چهره و اسکن عنبیه چشم است و وقتی کارت اقامت داشته باشید لازم نیست به داخل گیت بروید، رد می‌شود یعنی با همان اسکن چشمی شما را رد می‌کنند. ولی گفتند ایرانی‌ها حتما باید از گیت رد شوند و پاسپورت‌شان هم بررسی شود و بعد به آنها اجازه ورود به امارات نمی‌دادند، یعنی هر کسی که می‌آمد به گیت می‌رسید به او می‌گفتند از همین جا برگرد. حتی کسانی که می‌خواستند به صورت عبوری از امارات به یک کشور دیگر سفر کنند مثلا یک نفر ترکیه سوار شده بود می‌خواست به تایلند برود حتی ترانزیت اینجا قبول نمی‌کرد و او اجازه ترانزیت هم نداشت و آن ایرلاین از ترکیه به او اجازه سوار شدن به هواپیمای نمی‌داد که به امارات بیاید.»

به گفته این شهروند ایرانی ساکن امارات، در دو سه روز گذشته هم گفتند هر کس بیرون امارات است، مهم نیست چه کسی است، ممکن است پدر یک خانواده ویزا داشته باشد خانواده او اینجا باشند خودش بیرون امارات باشد، ویزای پدر لغو می‌شود و خانواده هنوز ویزا دارد، یا ویزای کسانی که شرکتی بودند و بیرون امارات هم بودند هم لغو شده است. کسانی که به شکل ملکی بیرون امارات بودند ملکی اینجا خریده بود ولی خانواده و خودش اینجا نبودند، ویزای آنها هم باطل شده است. حتی ویزا طلایی‌ها را هم لغو کرده‌اند، کسانی که بیرون از امارات بوده‌اند گفتند اگر به بیرون امارات بروید و مثلا تا عمان بروید و بخواهید برگردید دیگر نمی‌توانید برگردید حتی برای چند ساعت.

او با نگرانی توضیح می‌دهد: «از روز یکشنبه ۲۹ مارس، دولت امارات شروع کرده به ابطال کردن تمام ویزاهای اقامتی اصلا هیچ فرقی هم نمی‌کند که ویزا به چه صورت

باشد، اینجا به دنیا آمده باشی، کشور امارات به هیچ کس شهروندی نمی‌دهد حتی اگر با یک اماراتی هم ازدواج کنی طبق شرایطی مثلا یک زن باید ۷ سال در ازدواج فرد بماند از او بچه‌دار شود بعد اگر آن مرد اماراتی راضی باشد می‌تواند برود برای همسرش درخواست شهروندی کند. بنابراین اینجا هیچ کس پاسپورت ندارد، دوستانی داریم که ۳۵-۳۰ سال است اینجا به دنیا آمده در شناسنامه او قید شده «متولد دبی» ولی شهروندی ندارد، اینجا بزرگ شده مدرسه رفته کار کرده و امکان دارد که ویزای اقامت او هم لغو شود، یا ایرانی دیگری ۴۰ سال است اینجا کاسبی راه انداخته این لغو ویزا هم شامل او می‌شود.

او ادامه می‌دهد: «تا همین دیشب بالای سر ما پنج شش موشک می‌زدند ولی بر اساس قانون جدیدی که اخیرا وضع کرده‌اند نه اجازه عکاسی داریم نه اجازه پخش خبر، برای نمونه اخیرا ۱۰ توریست ایتالیایی را بازداشت کردند به خاطر اینکه داشتند از موشک‌باران عکس می‌گرفتند یا سه تن از شهروندان بنگلادشی را ۶۰۰ دلار بر اساس این قانون جدید جریمه کردند به خاطر عکس گرفتن از موشکی که در آسمان بوده و در صفحات مجازی خود منتشر کردند، اینها کامل رصد می‌شود. هر شب جمهوری اسلامی در حال پرتاب موشک و مپ است هر شب ما آلارم می‌گیریم ولی خبرگزاری‌های اینجا هیچ موردی را منعکس نمی‌کنند.

و این خبرهایی که ما داریم خبرهایی هستند که دهان به دهان از یکدیگر و از دوستان و اطرافیان می‌شنویم. مثلا از شارجه یکی از شهرهای کوچک امارات، خبر موثق دارم که سه نفر از دوستانم به بیرون شارجه رفته بودند خواسته بودند برگردند ویزای آنها باطل شده است. شارجه هم نگفته چرا فقط گفته ویزای شما کنسل شده و شما به صورت موقت اجازه ورود ندارید و تا پایان جنگ هم تکلیف‌تان معلوم نیست، تکلیف خانه و ماشین، پول‌های داخل بانک معلوم نیست، فقط خارج شوید.»

علی دوست پزشک سوگل که دو سال است در امارات کار می‌کند و هر چه درآمد داشته برای خود یک خانه خریده، می‌گوید: «امروز به دوست دخترم زنگ زدم گفتم بیا بریم طلافروشی آشنای تو من پول‌هامو زنجیر و طلا بخرم که اگر ویزای من کنسل شد برم ایران، چون به محض کنسل شدن ویزا، پول‌های ما بلوکه می‌شود و اینجا بلا تکلیف می‌ماند، تا وضعیت ما مشخص شود؛ یعنی به این مرحله رسیدیم که امروز پول داخل بانک را باید خارج کنیم چون معلوم نیست فردا پول در حسامان باشد یا نباشد. بلا تکلیفیم، اینجا هیچ چیزی مشخص نیست هر روز دارند یک قانون جدید تعیین می‌کنند. این همه در حالیه که هنوز هیچ خبری در مورد کسانی که با یک اماراتی یا یک خارجی ازدواج کرده‌اند منتشر نشده است وضعیت آنها هم نامشخص است.»

او ادامه می‌دهد: «تعداد زیادی ایرانی اینجا آمدند پشت گیت اعلام کردند که ویزای شما لغو شده و برگشته بودند، یعنی به فرودگاه هم رسیده بودند. حالا ویزای کسانی که از آن طرف در ایرلاین‌ها لغو می‌شوند یک مشکل است، از یک طرف هم یک سری ایرانی آمده بودند رسیده بودند و ویزایشان لغو شده بود. این درحالیست که به هیچ شکل نمی‌توانید پیگیری کنید، چون تکلیف مشخص نیست و قانون مشخصی وجود ندارد که بگوید شامل این افراد مشخص می‌شود، می‌گویند تا پایان جنگ معلوم نیست. روز اول و دوم جنگ هنوز ایرانی‌ها در رفت و آمد بودند و ویزایی باطل نمی‌شد تا روز چهارم که اعلام کردند امارات از این به بعد برای ایرانی‌ها ویزای توریستی صادر نمی‌کند بعد دیدیم به شرکتی هم ویزا نمی‌دهند.»

علی که پزشک است می‌گوید «من باید به ایران برگردم

جای دیگری ندارم» ولی سوگل که ۱۶ سال است از ایران خارج شده و فعالیت سیاسی دارد می‌گوید «اصلا امکان برگشتن به ایران را ندارم، الان که آیدی کارت دارم می‌توانم به عمان بروم ولی اگر ویزای من لغو شود به عمان هم نمی‌توانم بروم، باید درخواست ویزا بدهم، کشورهای دیگر عربی مثلا عربستان سعودی که نزدیک ماست هم به ما ویزا نمی‌دهد. حتی برای رفتن به ارمنستان هم باید به عمان برویم چون اینجا پروازها بسته هستند. یعنی اگر ویزای ما باطل شد باید یک درخواست ویزا به عمان بدهیم که به عمان برویم، از آنجا به ارمنستان یا ترکیه برویم چون گزینه دیگری نداریم. آذربایجان هم اگر آیدی کارت امارات داشته باشیم به ما ویزای آنلاین می‌دهند.»

به گفته او، حجم سنگینی از فشار روانی بر روی ایرانی‌های ساکن امارات قرار دارد: «در کشوری زندگی می‌کنیم که جمهوری اسلامی به این کشور حمله کرده، هر صدای آژیری که به گوش می‌رسد در ساختمان یا فروشگاه باشیم. واکنشی که دیگران به ایرانی‌ها دارند حس بدی ایجاد می‌کند خجالت می‌کشیم. وقتی آژیر می‌زدند گوشی‌های تلفن هشدار می‌دهند که ایران موشک زده، همه ترسیده‌اند گریه می‌کنند ولی ما ایرانی‌ها گوشه‌ای پنهان می‌شویم تا کسی ما را نبیند و بپرسد شما کجایی هستید. اینجا از همه ملیت‌ها هستند، پاکستانی، مصری، فیلیپینی؛ بارها دیدیم وقتی آژیر زدند این افراد به زبان خودشان با عصبانیت و ناراحتی از ایران بد می‌گفتند، بارها چنین افرادی با ایرانی‌ها در مترو و مغازه‌ها بدرفتاری کرده‌اند، از این نظر هم تحت فشاریم.»

اما از سوی دیگر مینا یکی دیگر از شهروندان ایرانی ساکن امارات می‌گوید شمار اموال ایرانی‌های وابسته به سپاه و دولت تعدادشان در امارات بسیار زیاد است و طی عملیاتی که دولت امارات انجام دادند با همکاری ایرانی‌های خارج و ایرانی‌های داخل امارات، اطلاعات افراد وابسته به سپاه و شرکت‌هایی که برای سپاه و جمهوری اسلامی پولشویی کرده‌اند خارج شده است. به گفته او تعداد زیادی از این افراد، خارج از امارات بودند و چون بیشتر از شش ماه خارج از امارات بودند ویزای آنها لغو شده البته در بین آنها چند مورد اشتباه صورت گرفته، ایرانی‌هایی بودند خارج از امارات سرپرست خانواده بودند یا خانواده‌شان داخل امارات بوده ویزاهای آنها بررسی شده و دوباره تمدید شده و به امارات برگشتند.

ولی به گفته مینا بیشتر شرکت‌های ایرانی داخل امارات وابسته به جمهوری اسلامی هستند، تعداد بسیار زیادی از امکان دولتی وابسته به جمهوری اسلامی یا سپاه پاسداران شناسایی و ضبط شده، همچنین حساب‌های بانکی و حتی ملک و املاک این افراد ضبط شده است. ویزای افرادی که حتی ویزای طلایی داشتند هم لغو شده ولی جریمه ایرانی‌هایی که به صورت ویزای توریستی آمده بودند و بیشتر از تاریخ ویزایشان مانده بودند را بخشیده‌اند.

او توضیح داده که افرادی هستند که در فرایند بررسی دولت امارات، وابسته به سپاه و جمهوری اسلامی بوده و در لیست سیاه رفته‌اند. حالا این فرد می‌تواند همان فرد باشد یا خانواده او، کسی که اقامت می‌گیرد و خانواده خود را هم می‌آورد؛ فرقی نمی‌کند آن خانواده وابسته به جمهوری اسلامی نباشد یا هیچ همکاری نکرده باشد. صرفا مادر همسر یا خواهر فرد است همه در لیست سیاه قرار می‌گیرند؛ از بچه ۵ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله چون خانواده آنها در امارات اقامت دارند. بر اساس تجربه ۱۸ ساله زندگی در امارات می‌گویم که تعداد افراد وابسته به نظام و سپاه پاسداران زیاد است، کم نیستند و به چشم می‌آیند.»

«کودک‌سربازی» حکومتی؛ برنامه‌ی سپاه پاسداران برای جذب کودکان بالای ۱۲ سال



نگهبانی، یا سوءاستفاده جنسی و ازدواج اجباری را نیز در بر می‌گیرد. بکارگیری کودکان در منازعات نظامی نقض فاحش حقوق کودک محسوب می‌شود و در مورد کودکان زیر ۱۵ سال حتی می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد. آموزش نظامی به کودکان و نگاه داشتن آن‌ها در ساختارهای نظامی، همراه با شست‌وشوی مغزی و بهره‌برداری از احساسات آن‌ها برای سوق دادن به تصمیم‌گیری‌هایی برخلاف منافع‌شان، پیامدهای جسمی و روانی جدی به دنبال دارد؛ پیامدهایی که آثار آن‌ها می‌تواند برای سال‌های طولانی باقی بماند. این موارد، از مصادیق نقض حقوق کودک به شمار می‌روند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بنیان‌های انسانی-اجتماعی یک کشور وارد می‌کنند.

هم در «کنوانسیون حقوق کودک» و هم در «پروتکل اختیاری الحاقی درباره‌ی مشارکت کودکان در منازعات نظامی» به ممنوعیت بکارگیری کودکان در منازعات نظامی پرداخته شده است. «کنوانسیون حقوق کودک» در ماده ۱، کودک را هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال تعریف می‌کند. ماده ۱۹ کشورهای عضو را موظف می‌کند که کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار و ... حمایت شود.

مطابق ماده ۳۸ این کنوانسیون دولت‌ها متعهد می‌شوند افرادی را که کمتر از ۱۵ سال دارند، مستقیماً در منازعات مسلحانه شرکت ندهند. همچنین دولت‌ها باید از جذب افراد زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح خودداری کنند. «پروتکل اختیاری الحاقی درباره‌ی مشارکت کودکان در منازعات مسلحانه» نیز در ماده ۱ تأکید دارد: کشورهای عضو می‌بایست اقدامات لازم را بعمل آورند تا مطمئن شوند که در منازعات و جنگ‌ها، افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح شرکت نداشته باشند.

ماده ۲ نیز تصریح می‌کند: کشورهای عضو می‌بایست مراقب باشند که افراد زیر ۱۸ سال به استخدام اجباری نیروهای مسلح درنیاورند.

برای تحریک احساسات کودکان در معابر عمومی نصب کرده و اعلام کرده‌اند علاوه بر مساجد، غرفه‌های ثبت‌نام در میادین اصلی شهر نیز برپا می‌کنند. در شرایطی که دیگر تکیه بر مفاهیم اسلامی برای مردم جذابیت گذشته را ندارد، رژیم این‌بار بصورت فریبکارانه از «دفاع از وطن» سخن می‌گوید.

کودک‌سربازی؛ نقض آشکار حقوق کودکان

جذب کودکان برای حضور در واحدهای نظامی و



بکارگیری آن‌ها در فعالیت‌هایی با ماهیت نظامی، مصداق «کودک‌سربازی» است.

منظور از کودک‌سرباز، دختران و پسران زیر ۱۸ سال هستند که توسط گروه‌های نظامی جذب شده و در درگیری‌های نظامی به کار گرفته می‌شوند. با این حال، این تعریف صرفاً به حضور در عملیات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه استفاده از کودکان در امور پشتیبانی مانند پیام‌رسانی، آشپزخانه،

جذب کودکان برای حضور در واحدهای نظامی و بکارگیری آن‌ها در فعالیت‌هایی با ماهیت نظامی، مصداق «کودک‌سربازی» است.

منظور از کودک‌سرباز، دختران و پسران زیر ۱۸ سال هستند که توسط گروه‌های نظامی جذب شده و در درگیری‌های نظامی به کار گرفته می‌شوند. با این حال، این تعریف صرفاً به حضور در عملیات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه استفاده از کودکان در امور پشتیبانی مانند پیام‌رسانی، آشپزخانه، نگهبانی، یا سوءاستفاده جنسی و ازدواج اجباری را نیز در بر می‌گیرد.

آموزش نظامی به کودکان و نگاه داشتن آن‌ها در ساختارهای نظامی، همراه با شست‌وشوی مغزی و بهره‌برداری از احساسات آن‌ها برای سوق دادن به تصمیم‌گیری‌هایی برخلاف منافع‌شان، پیامدهای جسمی و روانی جدی به دنبال دارد؛ پیامدهایی که آثار آن‌ها می‌تواند برای سال‌های طولانی باقی بماند.

هم در «کنوانسیون حقوق کودک» و هم در «پروتکل اختیاری الحاقی درباره‌ی مشارکت کودکان در منازعات نظامی» به ممنوعیت بکارگیری کودکان در منازعات نظامی پرداخته شده است.

حکومت جمهوری اسلامی آگاهانه و عامدانه تعهدات خود در عرصه‌ی کنوانسیون‌های بین‌المللی - بویژه در ارتباط با کودکان - را نقض می‌کند. باید دید کسانی که با جنگ و حمله‌ی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند، در برابر این اقدام حکومت - که نقض آشکار حقوق کودک است - چه موضعی اتخاذ خواهند کرد.

ثبت‌نام کودکان بدون موافقت والدین، اقدامی تبهکارانه است. پدران و مادران باید مانع شوند تا فرزندان‌شان به ابزار تبلیغات حکومتی و اهداف سپاه پاسداران تبدیل شوند. نباید اجازه داد، همانند دوران جنگ ایران و عراق، کودکان به سوخت ماشین جنگ و سرکوب بدل شده و بار دیگر جان و آینده‌شان به بازی گرفته شود.

آنچه امروز در قالب «ثبت‌نام» کودکان عرضه می‌شود، نه یک اقدام تبلیغی، بلکه عبور از یکی از بنیادی‌ترین خطوط قرمز حقوق کودک است؛ مسیری که اگر عادی‌سازی شود، هزینه‌ی آن را نه حکومت، بلکه یک نسل کامل خواهد پرداخت.

حنیف حیدرئزاد - به گزارش خبرگزاری‌های حکومتی در روز ششم فروردین، رحیم نادعلی، معاون فرهنگی-هنری سپاه تهران بزرگ، از جذب کودکان بالای ۱۲ سال با هدف بکارگیری آن‌ها در واحدهای بسیج خبر داد. او تأکید کرد این کودکان می‌توانند در حوزه‌های عملیاتی و امنیتی، از جمله حضور در گشت‌های اطلاعاتی، تورهای ایست و بازرسی و گشت‌های عملیاتی، به کار گرفته شوند. وی تصریح کرد: «علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به پایگاه‌های بسیج در مساجد سراسر تهران مراجعه کرده و با تکمیل فرم مربوطه، نام خود را در فهرست رزمندگان مدافع وطن ثبت کنند.»

به‌همین منظور، سپاه و بسیج پوسترها و بزه‌های متعددی

صالحه اکبری، تکنسین اتاق عمل و کوهنورد، با شلیک مأموران سرکوب در خانه‌اش جان باخت



صالحه اکبری به همراه همسرش احمد خدایی

مأموران امنیتی ایستاد، تبر کوچک کوهنوردی، تنها وسیله دفاعی دم دستی که داشت را برداشت و با آن، مأموران را تهدید کرد که همسرش را رها کنند و دست و پایش را باز کنند، اما مأموران امنیتی در پاسخ، با اسلحه جنگی به سینه صالحه شلیک کردند و او همان دم جان باخت.

این منبع آگاه در ادامه تاکید کرد: «مأموران امنیتی در مقابل چشمان دختر هشت ساله احمد، همراه با پیکر غرق در خون صالحه، او را دست بسته با خود بردند و دختر



احمد خدایی بر مزار همسرش صالحه اکبری

هشت ساله را تنها و گریان در خانه رها کردند. احمد تا مدتی پیش در زندان بود تا اینکه بعد از مدت‌ها با وثیقه سنگین از زندان آزاد شد. در طول مدتی که احمد خدایی در زندان محبوس بود مأموران امنیتی پیکر صالحه را به خانواده او در اراک تحویل دادند و آنها را وادار کردند که پیکر دخترشان را بدون نام و نشان و با یک شماره قبر در آرامستان اراک به خاک بسپارند.»

● صالحه همسر احمد خدایی برای دفاع از همسرش در مقابل مأموران امنیتی ایستاد، تبر کوچک کوهنوردی، تنها وسیله دفاعی دم دستی که داشت را برداشت و با آن، مأموران را تهدید کرد که همسرش را رها و دست و پایش را باز کنند، اما مأموران امنیتی با اسلحه جنگی به سینه صالحه شلیک کردند و او همان دم جان باخت.

● صالحه اکبری، تکنسین اتاق عمل، ورزشکار و کوهنورد بوده که همراه با همسر خود احمد خدایی پس از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی طی روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه در خیزش سراسری مردم ایران در اعتراضات شهر اردبیل شرکت کرده بودند.

یک منبع آگاه در گفتگو با «کیهان لندن» از کشته شدن صالحه اکبری، تکنسین اتاق عمل و کوهنورد ساکن اردبیل در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ خبر داد؛ زن جوان ۳۷ ساله‌ای که مأموران سرکوب او را در خانه خود با اسلحه جنگی به قتل رساندند. یک منبع آگاه در تماس با «کیهان لندن» خبر داد که صالحه اکبری اهل اراک و همسر احمد خدایی، کوهنورد سابق هیئت کوهنوردی استان تهران بوده که پس از ازدواج با احمد خدایی همراه با دختر هشت ساله او در اردبیل زندگی می‌کردند. صالحه اکبری، تکنسین اتاق عمل، ورزشکار و کوهنورد بوده که همراه با همسر خود احمد خدایی پس از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی طی روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه در خیزش سراسری مردم ایران در اعتراضات شهر اردبیل شرکت کرده بودند.

به گفته این فرد مطلع، از آنجا که این زوج کوهنورد به امدادسانی هم آشنایی داشتند در جریان خیزش سراسری مردم در شهر اردبیل به بسیاری از مجروحان و آسیب‌دیدگان کمک کردند، تا اینکه پس از مدتی مأموران امنیتی آنها را شناسایی کردند و در ۲۲ دی به منزل مسکونی آنها یورش بردند. مأموران امنیتی، پس از حمله به خانه آنها احمد خدایی را مورد ضرب و شتم قرار دادند، دست و پای او را بستند و قصد داشتند تا او را با خود ببرند که در آن هنگام، صالحه همسر احمد خدایی برای دفاع از همسرش در مقابل

→ جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۰ به «کنوانسیون حقوق کودک» ملحق و از سال ۱۳۷۳ لازم الاجرا شده است. اگر چه جمهوری اسلامی شهریور ۱۳۸۹ به «لایحه الحاق به پروتکل اختیاری مخاصمات مسلحانه» پیوست، اما فرآیند تصویب نهایی آن بدلیل مخالفت‌های برخی نهادها و ابهامات حقوقی در مورد تعاریف سن سربازی و بسیج هنوز امضای رسمی نشده است.

سابقه‌ای خونین

رژیم اسلامی حاکم بر ایران در استفاده از کودکان برای اهداف ایدئولوژیک خود، سابقه‌ای طولانی دارد. روح‌الله ترابی، از روحانیون حکومتی و «معاون فرهنگی قرارگاه پیشرفت و آبادانی کشور»، می‌گوید: «بیش از ۵۵۰ هزار دانش‌آموز پسر به عرصه‌ی جنگ در دفاع مقدس وارد شدند و همچنین بیش از این تعداد دانش‌آموز دختر نیز در عرصه‌های دیگر در همان دوران فعالیت داشتند.» او می‌افزاید: «از مجموع دانش‌آموزان رزمنده، ۳۶ هزار نفر کشته شدند و برخی نیز مفقودالثر هستند و بیش از ۸۵۶ نفر جانباز شدند.»

کمبود نیرو

فراتر از کارکردهای تبلیغاتی این اقدامات برای تقویت روحیه‌ی نیروهای حکومتی، به نظر می‌رسد تلاش برای جذب کودکان می‌تواند نشانه‌ای از کمبود نیرو در دستگاه‌های سرکوب باشد. با گذشت حدود یک ماه از حمله‌ی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی، نیروهای سپاه پاسداران و بسیج در شهرها نیز هدف حملات جنگنده‌های آمریکایی-اسرائیلی قرار گرفته‌اند. این وضعیت موجب شده بخشی از نیروها از حضور مستمر در مراکز خود خودداری کرده، دچار خستگی، پراکندگی و فرسودگی شوند. تداوم این وضعیت می‌تواند به تدریج از خدمت یا فرار نیروها بینجامد.

«مخالفان جنگ» چه می‌گویند؟

حکومت جمهوری اسلامی آگاهانه وعامدانه تعهدات خود در عرصه‌ی کنوانسیون‌های بین‌المللی - بویژه در ارتباط با کودکان- را نقض می‌کند. باید دید کسانی که با جنگ و حمله‌ی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند، در برابر این اقدام حکومت - که نقض آشکار حقوق کودک است - چه موضعی اتخاذ خواهند کرد. اعلام رسمی جذب کودکان برای مأموریت‌های نظامی، نشانه‌ای روشن از آن است که این حکومت - همانطور که در سرکوب اعتراضات مردم در سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم - آماده است برای بقای خود، جان کودکان را نیز قربانی کند. این احتمال نیز وجود دارد که در صورت کشته شدن این کودکان، از تصاویر آنان برای مظلوم‌نمایی بهره‌برداری شود.

وظیفه والدین

ثبت‌نام کودکان بدون موافقت والدین، اقدامی تبهکارانه است. پدران و مادران باید مانع شوند تا فرزندانشان به ابزار تبلیغات حکومتی و اهداف سپاه پاسداران تبدیل شوند. نباید اجازه داد، همانند دوران جنگ ایران و عراق، کودکان به سوخت ماشین جنگ و سرکوب بدل شده و بار دیگر جان و آینده‌شان به بازی گرفته شود. آنچه امروز در قالب «ثبت‌نام» کودکان عرضه می‌شود، نه یک اقدام تبلیغی، بلکه عبور از یکی از بنیادی‌ترین خطوط قرمز حقوق کودک است؛ مسیری که اگر عادی‌سازی شود، هزینه‌ی آن را نه حکومت، بلکه یک نسل خواهد پرداخت.

عربستان موفق به انتقال نفت از مسیر جایگزین تنگه هرمز شد؛ نگرانی بابت اقتصاد منطقه و جهان ادامه دارد



سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ساعاتی پس از آغاز حملات نظامی اسرائیل و آمریکا در نهم اسفند تنگه هرمز را مسدود کرد. در روزهای گذشته عبور کشتی‌ها و نفتکش‌ها به شکلی بسیار محدود از این تنگه با اجازه سیاه پاسداران و البته اخذ عوارض در جریان است اما عبور روزی یک یا دو کشتی و نفتکش از این تنگه در حالیکه بیش از ۱۰۰۰ کشتی در خلیج فارس معطل مانده‌اند در عمل به معنای مسدود بودن این تنگه است. از سوی دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌علت اینکه اجازه استفاده آمریکا از پایگاه‌هایش برای حملات نظامی را داده‌اند، با محدودیت قهری جمهوری اسلامی از استفاده از تنگه هرمز روبرو هستند.

در ماه گذشته صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی از کشورهای حوزه خلیج فارس به شدت کاهش یافته و بحرانی جهانی در تأمین سوخت و انرژی ایجاد کرده است. قیمت سوخت در بسیاری کشورها با افزایش روبرو شده و همزمان تولید در کشورهای صنعتی به‌علت محدودیت در تأمین سوخت با چالش روبرو شده است.

در مصر به علت تأمین نشدن سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های حرارتی تولید برق، خاموشی گسترده‌ای در شامگاه شنبه هشتم فروردین ایجاد شد. مصر مانند بسیاری دیگر از کشورها ناچار شده سازوکاری برای عبور از بحران کمبود سوخت و انرژی ایجاد کند.

بر اساس اعلام دولت مصر، فروشگاه‌ها، مراکز خرید، رستوران‌ها و کافه‌ها در روزهای عادی باید ساعت ۹ شب تعطیل شوند و در روزهای پنجشنبه و جمعه اجازه دارند تا ساعت ۱۰ شب فعالیت کنند. همچنین خاموشی یا کاهش روشنایی تابلوهای تبلیغاتی و نورپردازی‌ها نیز در دستور کار قرار گرفته است.

این محدودیت‌ها به مدت یک ماه اجرا خواهد شد و به گفته مقامات این کشور افزایش هزینه سوخت و انرژی، که در پی تنش‌های منطقه‌ای و اختلال در مسیرهای

از طریق یک لوله انتقال نفت که مربوط به چهار دهه پیش و جنگ ایران و عراق است، صادرات نفت خود را هفت میلیون بشکه در روز برساند. امارات نیز در حال ایجاد سازوکاری مشابه برای انتقال نفت بدون استفاده از مسیر تنگه هرمز است.

جنگ میان ائتلاف اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی در حالی وارد دومین ماه شده که بسته بودن تنگه هرمز به اصلی‌ترین مسئله این جنگ تبدیل شده است. اختلال در حمل و نقل دریایی با بستن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی قیمت سوخت و انرژی در جهان را افزایش داده و خسارت سنگین اقتصادی برای کشورهای صادرکننده نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی در حوزه خلیج فارس ایجاد کرده است. با گذشت چهار هفته از جنگ خاورمیانه، خبرگزاری «بلومبرگ» گزارش داده که شرکت آرامکو عربستان، بزرگترین شرکت نفتی این کشور، موفق شده آبراه تنگه هرمز برای انتقال نفت که طی ماه گذشته و در پی جنگ مسدود شده است را دور بزند.

بر اساس این گزارش عربستان سعودی توانسته است ظرفیت انتقال نفت خود از طریق خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری «شرق به غرب» را به هدف استراتژیک ۷ میلیون بشکه در روز برساند.

این خط لوله که مربوط به دوران جنگ ایران و عراق در دهه ۶۰ خورشیدی است و اکنون با تغییر کاربری خطوط گاز مابعد، به جریان حیاتی صادرات نفت از میدان‌های شرقی به بندر «بنیع» در ساحل دریای سرخ تبدیل شده است. «بلومبرگ» افزوده داده‌های ردیابی کشتی‌ها نشان می‌دهد که صادرات از این بندر در روزهای اخیر به شدت افزایش یافته و ناوگان بزرگی از نفتکش‌های گولپیکر در حال بارگیری نفت در این منطقه هستند.

امارات نیز چنین خط لوله‌ای دارد که نفت را از سواحل خلیج فارس از راه خشکی به سواحل دریای عرب می‌رساند و نیازی نیست کشتی‌ها از تنگه هرمز عبور کنند.

عربستان سعودی توانسته است ظرفیت انتقال نفت خود از طریق خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری «شرق به غرب» را به هدف استراتژیک ۷ میلیون بشکه در روز برساند.

اختلال در حمل و نقل دریایی با بستن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی قیمت سوخت و انرژی در جهان را افزایش داده و خسارت سنگین اقتصادی برای کشورهای صادرکننده نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی در حوزه خلیج فارس ایجاد کرده است.

در ماه گذشته صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی از کشورهای حوزه خلیج فارس به شدت کاهش یافته و بحرانی جهانی در تأمین سوخت و انرژی ایجاد کرده است. قیمت سوخت در بسیاری کشورها با افزایش روبرو شده و همزمان تولید در کشورهای صنعتی به‌علت محدودیت در تأمین سوخت با چالش روبرو شده است.

قاهره در حالی شب گذشته به علت تأمین نشدن سوخت نیروگاه‌های برق در خاموشی فرو رفت که بر اساس اعلام دولت مصر، فروشگاه‌ها، مراکز خرید، رستوران‌ها و کافه‌ها در روزهای عادی باید ساعت ۹ شب تعطیل شوند و در روزهای پنجشنبه و جمعه اجازه دارند تا ساعت ۱۰ شب فعالیت کنند. همچنین خاموشی یا کاهش روشنایی تابلوهای تبلیغاتی و نورپردازی‌ها نیز در دستور کار قرار گرفته است.

دونالد توسک نخست‌وزیر لهستان نیز از مجموعه‌ای از اقدامات برای کاهش تأثیر افزایش قیمت سوخت، از جمله کاهش مالیات و تعیین سقف قیمت، در این کشور شرق اروپا خبر داد.

قبرس از دیگر کشورهای شرق اروپاست که ناچار به تدوین یک برنامه حمایتی ۲۰۰ میلیون یورویی برای عبور بحران ناشی از جنگ خاورمیانه شده است.

در آغاز دومین ماه جنگ در خاورمیانه، عربستان سعودی موفق شده مسیر انتقال نفت از تنگه هرمز را دور بزند و

گزارش مراسم بزرگداشت نوروز در وین اتریش



ششم فروردین ماه زادروز زرتشت، آموزگار بزرگ ایرانیان، فرصتی ارزشمند برای پاسداشت یکی از کهن‌ترین ریشه‌های فرهنگی و معنوی این سرزمین به‌شمار می‌رود. به همین مناسبت، روز جمعه ۲۷ مارس ۲۰۲۶، برابر با هفتم فروردین ماه، مراسم بزرگداشت نوروز، روز آدینه ۲۷ مارس ۲۵۸۵، به همت انجمن مشروطه‌خواهان ایرانی و مسیحی و همکاری کلیسای ۲۲۲ و شخصیت‌های مسیحی کاتولیک و در شهر وین برگزار شد. این آیین با حضور جمعی از ایرانیان و علاقه‌مندان، در فضایی فرهنگی و معنوی برگزار گردید. در آغاز برنامه، سرود «ای ایران» اجرا شد و پس از آن، بانو لیلا کریمی، دبیر انجمن مشروطه‌خواهان ایرانی مسیحی، به ایراد سخن پرداخت. وی در سخنان خود بر اهمیت همکاری، اعتماد متقابل و چشم‌انداز آینده ایران تأکید کرد و ابراز امیدواری نمود که در آینده‌ای مبتنی بر قانون اساسی مشروطه، اصول برابری، عدالت و آزادی انتخاب در کشور حاکم شود.

در بخش روحانی مراسم، پس از اجرای سه سرود پرستشی توسط گروه کر، برادر ویگن، به نقش تاریخی ارامنه از ۵۳۰ سال پیش از میلاد تاکنون در عرصه‌های صنعت، هنر، معماری، موسیقی و نوآوری فرهنگی اشاره کرد. وی همچنین به تأسیس نخستین چاپخانه در ایران در سال ۱۶۳۸ میلادی به عنوان نمونه‌ای از این نقش‌آفرینی پرداخت. در ادامه، برادر رضا با مرور خاطرات خود از دوران پهلوی، از فضای احترام متقابل و همدلی میان ایرانیان، فارغ از تفاوت‌های فکری و اعتقادی سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که با

آزادی ایران، کشور بار دیگر به شکوه گذشته خود بازگردد. برادر برمک نیز با اشاره به موعظه سر کوه، از شرایط کنونی ایران به عنوان دوره‌ای از تاریکی ناشی از تخریب کلام خدا و ارزش‌های معنوی و چیره شدن خشونت یاد کرد و از حاضران خواست تا در مسیر حقیقت‌ایستادگی کرده و آن را در زندگی خود جاری سازند.

همچنین برادر امیل، به عنوان یک ایرانی آشوری مسیحی، به پیشینه سه‌هزار ساله پیوند آشوریان با ایران بعنوان یکی از سدهایی ایران پرداخت و نقش آنان را در ترجمه متون یونانی و پزشکی، فعالیت‌های آموزشی در قرن نوزدهم، خدمات پزشکی در شمال غرب ایران و تأسیس مدارس در دهه ۷۰ میلادی در تهران برجسته کرد.

در بخش فرهنگی برنامه، دکتر وثوق، نماینده خانه مشروطه در تبعید، درباره تأثیر آموزه‌های زرتشت بر تمدن ایران و جهان، شیوه حکمرانی هخامنشیان، نقش اندیشه‌های زرتشت بزرگ در شکل‌گیری رنسانس اروپا و همچنین تدوین قانون اساسی آمریکا و قانون اساسی مشروطه ایران سخنرانی کرد. وی در ادامه به تأکید شاهنشاه آریامهر بر حفظ و صیانت از قانون اساسی مشروطه اشاره نمود.

این مراسم با اجرای برنامه‌های فرهنگی از جمله دف‌نوازی، شاهنامه‌خوانی و حافظ‌خوانی ادامه یافت. در پایان، بیانیه‌ای در حمایت از «انقلاب ملی شیر و خورشید» به رهبری رضا شاه دوم توسط آقای منصور صادقی از جنبش همبستگی ملی ایرانیان اتریش خوانده شد. مراسم با اجرای سرود شاهنشاهی به پایان رسید.

واردات نفت خام روسیه را به شدت کاهش داده بود، اکنون تنها دو ماه بعد در حال بازگشت به همکاری‌های گسترده‌تر با مسکو است.

خرپگراری «روپترز» به نقل از دو منبع آگاه اعلام کرد که هند و روسیه «توافق شفاهی» برای آغاز مذاکرات جهت ازسگیری فروش مستقیم LNG روسیه به هند داشته‌اند. در صورت نهایی شدن این توافق، این نخستین بار از زمان آغاز جنگ اوکراین خواهد بود که چنین اقدامی صورت می‌گیرد.

تأمین انرژی رخ داده، فشار سنگینی بر اقتصاد این کشور وارد کرده است.

دونالد توسک نخست وزیر لهستان نیز از مجموعه‌ای از اقدامات برای کاهش تأثیر افزایش قیمت سوخت، از جمله کاهش مالیات و تعیین سقف قیمت، در این کشور شرق اروپا خبر داد.

او با بیان اینکه «وضعیت بازار سوخت در لهستان و جهان به شدت به تحولات خاورمیانه وابسته است» گفت «مالیات بر ارزش افزوده (VAT) بر بنزین و گازوئیل از ۲۳٪ به ۸٪ کاهش می‌یابد و وزارت انرژی سقف قیمت روزانه را تعیین خواهد کرد.»

قبرس از دیگر کشورهای شرق اروپاست که ناچار به تدوین یک برنامه حمایتی ۲۰۰ میلیون یورویی برای عبور بحران ناشی از جنگ خاورمیانه شده است.

این بسته شامل هشت اقدام از جمله کاهش مالیات بر ارزش افزوده بر قبض برق خانوار به مدت یک سال، کاهش مالیات سوخت تا ژوئن و حمایت از کشاورزان در ماه‌های آوریل و مه است.

دولت کره جنوبی روز پنجشنبه ششم فروردین اعلام کرد ماه آینده ۱۷ میلیارد دلار برای بودجه شرایط اضطراری و فوق العاده اختصاص خواهد داد. همچنین کاهش مالیات سوخت را برای مقابله با تأثیر جنگ در خاورمیانه تهدید خواهد کرد.

دولت در بیانیه‌ای اعلام کرد در واکنش به درگیری‌های جاری در خاورمیانه، «بودجه تکمیلی ۲۵ تریلیون وونی» را ماه آینده اعلام خواهد کرد. این بودجه از محل مازاد درآمد مالیاتی تأمین می‌شود.

همزمان دولت ژاپن نیز روز پنجشنبه ششم فروردین اعلام کرد آزادسازی بخش دیگری از ذخایر استراتژیک نفت خود را آغاز کرده است. هدف از این اقدام، کاهش تأثیر افزایش قیمت ناشی از جنگ بر ژاپن است. ژاپن پنجمین واردکننده بزرگ نفت جهان است که بیش از ۹۰ درصد از نیاز خود را از خاورمیانه تأمین می‌کند.

هند نیز در حالیکه اقداماتی چون سهمیه‌بندی گاز خوراک‌پزی را در دستور کار قرار داده، هفته گذشته در اقدامی برای تقویت امنیت انرژی در منطقه، ۳۸ هزار تن سوخت به صورت اضطراری به سریلانکا ارسال کرده است تا به این کشور در عبور از بحران روبه‌تشدید انرژی کمک کند. این محموله که ۲۸ مارس ۲۰۲۶ به بندر کلمبو رسید، شامل ۲۰ هزار تن گازوئیل و ۱۸ هزار تن بنزین است.

دولت ایالات متحده برای کاهش فشار اقتصادی ناشی از جنگ در کشورهای مختلف ناچار شده معافیت فروش برای نفت ایران و روسیه که بر روی آبهای آزاد شناور است ایجاد کند. در شرایطی که کشورهای حوزه خلیج فارس با کاهش درآمد ناشی از صادرات نفت روبرو هستند، گزارش‌ها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی و روسیه با افزایش درآمدهای نفتی روبرو شده‌اند.

مؤسسه آمریکایی کوپیک-لیتر اعلام کرده در روزهای گذشته فروش نفت ایران با افزایش چشمگیری روبرو شده و نفتکش‌های ایرانی نیز به راحتی از تنگه هرمز عبور می‌کنند. این مؤسسه در وبسایت خود نوشته است که ایران روزانه حدود ۱۳۹ میلیون دلار از عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز درآمد دارد و در کمتر از یک ماه، نزدیک به ۳/۹ میلیارد دلار درآمد کسب کرده است.

گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد درآمد روزانه دولت روسیه از فروش نفت به حداقل ۷۶۰ میلیون دلار رسیده است. این افزایش چشمگیر درآمد ناشی از افزایش تقاضا برای نفت روسیه به دلیل جنگ خاورمیانه است.

خرپگراری «روپترز» نیز گزارش داده که افزایش قیمت انرژی پس از حمله آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی و اختلالات ناشی از آن در عرضه، هند را به سمت تعمیق همکاری‌های انرژی با روسیه هدایت کرده است. این همکاری‌ها شامل بررسی ازسگیری واردات گاز طبیعی مایع (LNG) و افزایش خرید نفت خام از روسیه است.

بر اساس این گزارش دهلی‌نو که در ژانویه و همزمان با مذاکرات کاهش تعرفه‌های تنبیهی آمریکا بر صادراتش،

چرا جمهوری اسلامی تسلیم نمی‌شود؟ تبیین نهادی امتناع ساختاری در یک نظام ایدئولوژیک



مبنای مشروعیت، بازآرایی نخبگان و تثبیت ایدئولوژی در ساختار قدرت. انتقال مشروعیت به چارچوبی ایدئولوژیک، حوزه‌ی تصمیمات قابل مذاکره را محدود می‌کند و بخشی از سیاست‌ها را به حوزه‌ی غیرقابل بازبینی می‌برد. بازآرایی نخبگان، با حذف نیروهای مستقل و جایگزینی آن‌ها با عناصر وفادار، ظرفیت نقد درونی و امکان اصلاح را تضعیف می‌کند. تثبیت ایدئولوژی نیز به قواعد تصمیم‌گیری و توزیع منابع تسری می‌یابد و شبکه‌هایی را شکل می‌دهد که منافع آن‌ها با تداوم همین چارچوب گره خورده است. ترکیب این فرایندها به وضعیتی می‌انجامد که در آن، گزینه‌های در دسترس نظام به تدریج محدود شده و خروج از مسیر تثبیت‌شده با هزینه‌هایی غیرقابل پذیرش همراه می‌شود. در این وضعیت، امتناع از تسلیم، نه یک تصمیم لحظه‌ای، بلکه برآمده از مسیری است که در آن پیوندهای نهادی و منافع تثبیت‌شده، مقاومت در برابر تغییر بنیادین را بازتولید می‌کنند.

این دام در مرحله بعد به قفل‌شدگی نهادی می‌انجامد، جایی که ساختار قدرت بصورت درونی تثبیت شده و الگوهای رفتاری خود را بازتولید می‌کند. شبکه‌های وفاداری محور، دسترسی به منابع و موقعیت‌ها را بر اساس همسویی با چارچوب مسلط تنظیم می‌کنند و فاصله‌گیری از این قواعد را پرهزینه می‌سازند. درهم‌تنیدگی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی دامنه‌ی اصلاحات را محدود می‌کند، زیرا هر تغییر نیازمند بازآرایی هم‌زمان چندین لایه از ساختار است. در همین حال، هزینه‌ی خروج برای

در رژیم‌های ایدئولوژیک است. در ادبیات سیاسی، تسلیم اغلب بعنوان عقب‌نشینی از مواضع یا پذیرش فشارهای بیرونی در نظر گرفته می‌شود، امری که در نظام‌های انعطاف‌پذیر می‌تواند بخشی از سازوکار بقا باشد. اما در ساختارهای ایدئولوژیک، سیاست‌ها با بنیان‌های هویتی درهم‌تنیده‌اند و برخی تصمیمات کلیدی به سطحی تعلق دارند که تغییر آن‌ها به بازتعریف هویت نظام می‌انجامد. در نتیجه، تسلیم به منزله‌ی گسست در پیوستگی هویتی عمل می‌کند و پیامدهایی فراتر از تغییر رفتار دولت دارد، زیرا شبکه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی مشروعیت خود را از همین بنیان‌ها اخذ می‌کنند.

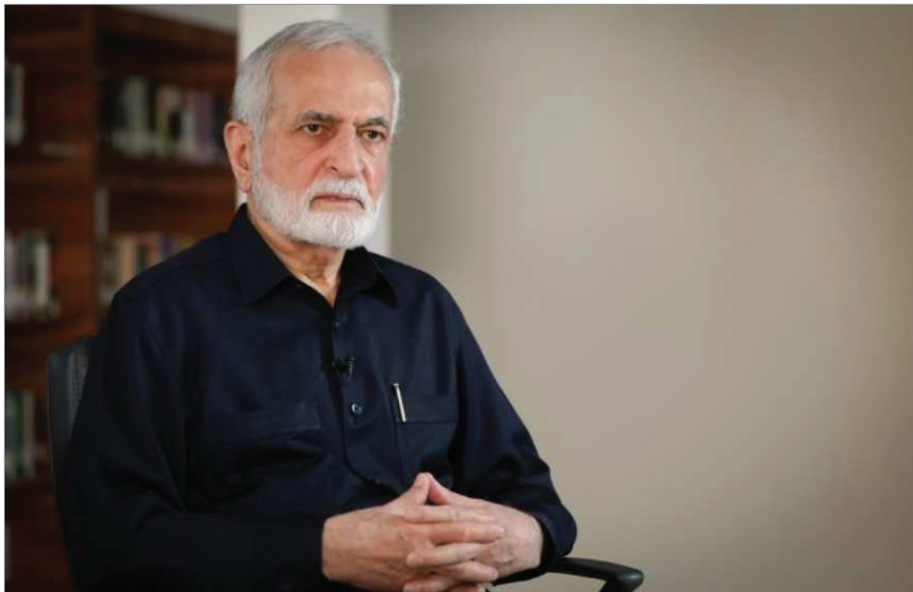
در این چارچوب، می‌توان میان تغییرات قابل جذب در قواعد موجود و تغییراتی که بنیان‌های مشروعیت را هدف قرار می‌دهند تمایز قائل شد. تسلیم در معنای مورد نظر این پژوهش به سطح دوم تعلق دارد، جایی که تغییر به بازتعریف یا فروپاشی چارچوبی می‌انجامد که نظام بر آن استوار است. از این منظر، پاسخ به فشارهای بنیادین صرفاً یک تصمیم سیاسی نیست، بلکه با ثبات کل ساختار گره خورده است و در چنین وضعیتی، تداوم مسیر موجود حتی در شرایط پرهزینه بعنوان گزینه‌ای با قابلیت پیش‌بینی بیشتر در نظر گرفته می‌شود. همین امر مبنای نظری ورود به مفهوم «دام ساختاری» را فراهم می‌سازد.

دام ساختاری حاصل انباشت تدریجی تصمیم‌ها و دگرگونی‌هایی است که دامنه‌ی انتخاب‌های نظام را محدود می‌کنند و می‌توان آن را در سه مرحله بازسازی کرد: تغییر در

آریا چمروش - پرسش از چرایی امتناع جمهوری اسلامی از تسلیم یا تغییر بنیادین، یکی از مسائل محوری در تحلیل تحولات سیاسی معاصر ایران است. در نگاه نخست، این امتناع غالباً به ویژگی‌های ایدئولوژیک نظام، گرایش‌های ضدغربی یا ماهیت اقتدارگرای آن نسبت داده می‌شود. با این حال، چنین تبیین‌هایی، هرچند بخشی از واقعیت را بازتاب می‌دهند، در توضیح پایداری ساختاری این رفتار ناکافی‌اند، زیرا نمی‌توانند بطور قانع‌کننده نشان دهند که چرا حتی در شرایط افزایش هزینه‌های داخلی و خارجی، نظام همچنان از پذیرش تغییرات بنیادین سر باز می‌زند. مسئله‌ی اصلی این پژوهش آن است که آیا امتناع از تسلیم، یک انتخاب استراتژیک آگاهانه از سوی نخبگان حاکم است، یا آنکه باید آن را نتیجه‌ی محدودیت‌های درونی ساختار قدرت دانست. این تمایز پیامدهای تحلیلی مهمی برای درک پویایی‌های بقا، اصلاح و فروپاشی در نظام‌های ایدئولوژیک دارد، زیرا بسیاری از تحلیل‌های رایج، ظرفیت انتخاب را پیش‌فرض می‌گیرند بی‌آنکه به امکان‌ناپذیری ساختاری برخی گزینه‌ها توجه کنند.

این مقاله بر آن است که امتناع جمهوری اسلامی از تسلیم، نه یک تصمیم آگاهانه، بلکه نتیجه‌ی قرار گرفتن در یک «دام ساختاری» است؛ وضعیتی که در آن، هرگونه عقب‌نشینی بنیادین نه به بازتعریف یا اصلاح، بلکه به فروپاشی زنجیره‌ای اجزای ساختار منجر می‌شود. در چنین چارچوبی، «تسلیم» معادل «پایان» است، نه «بقا از مسیر تغییر». این صورت‌بندی مستلزم بازتعریف مفهوم تسلیم

هدفگیری معنادار خانه کمال خرازی در آجودانیه تهران



کمال خرازی

خودش نیز به دلیل شدت جراحات به بیمارستان منتقل شد و حال مساعدی ندارد.

مشخص نیست هدفگیری خانه خرازی عملیاتی مستقیم از سوی آمریکا یا اسرائیل اما اقدامی کاملاً معنادار است.

روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از مقامات جمهوری اسلامی، درباره حمله به خانه خرازی نوشت که او در حال کمک به تسهیل یک دیدار احتمالی میان مقامات جمهوری اسلامی و جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا بود.

خرازی که مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی است، پیش‌تر گفته بود: «ما تصمیمی برای ساخت مپ هسته‌ای نداریم، اما اگر موجودیت کشور تهدید شود، ناچاریم دکتربین هسته‌ای و نظامی خودمان را تغییر دهیم.»

در واکنش به هدفگیری مقامات و فرماندهان جمهوری اسلامی در خانه‌ها، ویلاها و خانه باغ‌ها، اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی به یک رسانه در آفریقای جنوبی گفت: «این یک جنگ عادی نیست. آنها رهبران ما، فرماندهان ما، حتی فرماندهان را در حالت عدم استقرار در محل خدمت هدف قرار دادند. این یک جنگ ناعادلانه است.» او افزود: «این یک جنگ عادی نیست. این یک جنگ متعارف نیست. این ترکیبی از فعالیت‌های تروریستی و جنگ است.»

خرازی از معدود مقامات سیاسی جمهوری اسلامی است که مستقیم هدف حملات هوایی قرار گرفته است. به جز علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و فرمانده کل قوا، اغلب آنهایی که از آغاز عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل حذف شدند در صف فرماندهان و عوامل امنیتی بودند.

● براساس گزارش رسانه‌های داخلی خانه کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵، در یک حمله هوایی هدف قرار گرفت.

● خانه خرازی در شمال تهران، محله آجودانیه واقع است. گفته شد در این حمله همسر و فرزند او کشته شدند، خودش نیز به دلیل شدت جراحات به بیمارستان منتقل شد و حال مساعدی ندارد.

● روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از مقامات جمهوری اسلامی، درباره حمله به خانه خرازی نوشت که او در حال کمک به تسهیل یک دیدار احتمالی میان مقامات جمهوری اسلامی و جی‌دی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا بود.

● در واکنش به هدفگیری مقامات و فرماندهان جمهوری اسلامی در خانه‌ها، ویلاها و خانه باغ‌ها، اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی به یک رسانه در آفریقای جنوبی گفت: «این یک جنگ عادی نیست. آنها رهبران ما، فرماندهان ما، حتی فرماندهان را در حالت عدم استقرار در محل خدمت هدف قرار دادند. این یک جنگ ناعادلانه است.»

براساس گزارش رسانه‌های داخلی خانه کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی و وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵، در یک حمله هوایی هدف قرار گرفت.

خانه خرازی در شمال تهران، محله آجودانیه واقع است. گفته شد در این حمله همسر و فرزند او کشته شدند،

نخبگان افزایش می‌یابد و شامل پیامدهای اقتصادی، حقوقی و امنیتی می‌شود، امری که تداوم وضعیت موجود حتی در شرایط ناکارآمدی را به گزینه‌ای قابل مدیریت‌تر تبدیل می‌کند.

در نتیجه، معیار تصمیم‌گیری از کارآمدی به سازگاری با ساختار تثبیت‌شده تغییر می‌یابد و ظرفیت یادگیری نهادی کاهش پیدا می‌کند. پیامد این روند، شکل‌گیری بازتولید خودکار است، به گونه‌ای که واکنش ساختار به فشارها در قالب الگوهای پیشین تکرار می‌شود و افق تصمیم‌گیری بطور فزاینده‌ای محدود می‌گردد.

در چنین شرایطی، ساختار وارد وضعیتی می‌شود که می‌توان آن را «بن‌بست پایدار» نامید. در این وضعیت، نه بازگشت به وضعیت پیشین ممکن است و نه گذار به الگویی جدید بدون اختلال گسترده در ساختار و آنچه باقی می‌ماند، مدیریت همین وضعیت است. در اینجا نسبت میان بحران و بقا دگرگون می‌شود و بحران می‌تواند به ابزاری برای حفظ انسجام درونی و تعویق تصمیم‌های پرهزینه تبدیل شود. تمرکز بر تهدیدات امکان بسیج منابع و کنترل فضای سیاسی را فراهم می‌کند و ساختار را در وضعیتی نگه می‌دارد که از تغییرات بنیادین اجتناب شود. تصمیم‌گیری‌ها نیز به سمت مدیریت بحران و حفظ وضعیت اضطراری میل می‌کند، زیرا این وضعیت امکان حفظ انسجام شبکه‌های قدرت را افزایش می‌دهد. در سطح نخبگان، ارزیابی ریسک به گونه‌ای بازتعریف می‌شود که تداوم مسیر موجود حتی با هزینه‌های بلندمدت در مقایسه با تغییرات بنیادین، گزینه‌ای با قابلیت پیش‌بینی بیشتر تلقی گردد. در نتیجه، بحران‌ها نه تنها حل نمی‌شوند، بلکه بعنوان بخشی از منطق بقا بازتولید می‌شوند و تعادلی ناپایدار شکل می‌گیرد که در آن، ساختار میان ثبات کامل و فروپاشی فوری معلق باقی می‌ماند.

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که این الگو محدود به یک مورد خاص نیست. تجربه‌ی اتحاد جماهیر شوروی نشان داد که اصلاحات در ساختارهای قفل‌شده می‌تواند به تضعیف پیوندهای نهادی و تسریع فروپاشی بینجامد، در حالی که کره شمالی نمونه‌ای از تداوم یک ساختار قفل‌شده است که با حفظ انسجام نهادی و مدیریت بحران توانسته از ورود به مسیرهای اصلاحی گسترده پرهیز کند. با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی در سطح تعامل با محیط بین‌المللی و میزان تنوع اجتماعی وجود دارد که نحوه‌ی مدیریت بن‌بست را در هر مورد متمایز می‌کند، با این حال در تمامی این موارد، الگوی دام ساختاری و محدود شدن گزینه‌های واقعی تصمیم‌گیری قابل مشاهده است.

بر این اساس، امتناع جمهوری اسلامی از تسلیم را باید در چارچوب محدودیت‌های ساختاری درک کرد. در این ساختار، تسلیم بعنوان یک گزینه‌ی قابل انتخاب مطرح نیست، بلکه بعنوان مسیری با پیامدهای فروپاشی‌گونه در نظر گرفته می‌شود و از این‌رو، تداوم مسیر موجود حتی در شرایط پرهزینه به گزینه‌ای با قابلیت پیش‌بینی بیشتر تبدیل می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که برای فهم پایداری چنین رفتارهایی، باید به منطق درونی ساختارهایی توجه کرد که کنشگران را در مسیرهایی محدود و پرهزینه قرار می‌دهند؛ مسیری که در آن، تغییر بنیادین با فروپاشی هم‌معنا شده است.

برای مطالعه بیشتر:

- 1- Levitsky, Steven, and Lucan A. Way. *Revolution and Dictatorship: The Violent Origins of Durable Authoritarianism*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 2022.
- 2- Lankov, Andrei. *The Real North Korea: Life and Politics in the Failed Stalinist Utopia*. Oxford: Oxford University Press, 2013.
- 3- Dirsus, Marcel. *How Tyrants Fall: And How Nations Survive*. London: John Murray Press, 2024.

یک ماه «تاریکی دیجیتال» در ایران؛ وعده اتصال تدریجی اینترنت کسب و کارها

● «نت بلاکس» نوشته نهاد ناظر بر اینترنت جهانی اعلام کرده شهروندان در ایران از نهم اسفند گذشته و طی ۶۲۷ ساعت گذشته با دستور مقامات حکومتی در «تاریکی دیجیتال» به سر می‌برند.

● بر اساس محاسبات «نت بلاکس» شهروندان ایران از ابتدای سال ۲۰۲۶ میلادی تا کنونی، نیمی از روزها را با قطع اینترنت جهانی روبرو بودند. در ماه ژانویه و با آغاز اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ نیز اینترنت جهانی حدود سه هفته قطع شد.

● فرشید شکرخدایی رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران اکنون وعده اتصال اینترنت کسب و کارها را مطرح کرده است. او با بیان اینکه اکنون تجار در محل اتاق‌های بازرگانی به اینترنت بین‌الملل دسترسی دارند گفت که به تدریج کسب و کارها از اینترنت بهره‌مند خواهند شد.

● بازگشایی اینترنت برای برخی کسب و کارها و اقشار از جمله بازرگانان و روزنامه‌نگاران در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ نیز اتفاق افتاد؛ اقدامی که بیانگر اجرای «اینترنت طبقاتی» در ایران است.

● در آنسو اما هنگام قطع اینترنت جهانی بر روی شهروندان ایران از سوی جمهوری اسلامی، «خودی»ها با دسترسی به سیم‌کارت‌هایی معروف به «سیم‌کارت سفید» به اینترنت جهانی متصل هستند و پروپاگاندای رژیم را در شبکه‌های اجتماعی پیش می‌برند.

یک ماه از قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران گذشت. شهروندان در شرایط جنگی با «تاریکی دیجیتال» روبرو هستند و از سوی دیگر خسارت‌های اقتصادی ناشی از قطع اینترنت پایه‌های خسارت‌های اقتصادی جنگ در حال افزایش است. رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران وعده اتصال اینترنت کسب و کارها «به تدریج» را داده است.

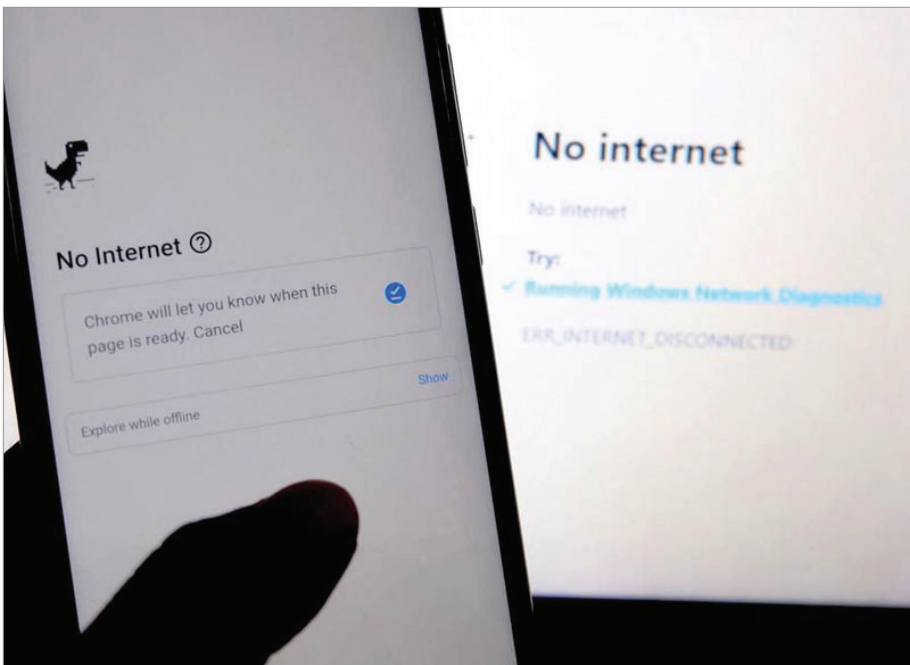
روز نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و دو ساعت پس از آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی اینترنت جهانی در ایران با کاهش سرعت روبرو شد و پس از ساعاتی اینترنت در سراسر کشور قطع شد.

روز شنبه هشتم فروردین ۱۴۰۵ «نت بلاکس» نهاد ناظر بر اینترنت جهانی، با اعلام اینکه یک ماه از قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران گذشت نوشت که شهروندان در ایران از نهم اسفند گذشته و طی ۶۲۷ ساعت گذشته با دستور مقامات حکومتی در «تاریکی دیجیتال» به سر می‌برند.

«نت بلاکس» تأکید کرده است که این محدودیت‌ها ارتباطات روزمره شهروندان و دسترسی آن‌ها به اطلاعات را به شدت مختل کرده و جمهوری اسلامی حق ایرانیان برای ارتباط و اطلاع‌رسانی را نقض کرده است.

بر اساس محاسبات «نت بلاکس» شهروندان ایران از ابتدای سال ۲۰۲۶ میلادی تا کنونی، نیمی از روزها را با قطع اینترنت جهانی روبرو بودند. در ماه ژانویه و با آغاز اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ نیز اینترنت جهانی حدود سه هفته قطع شد.

اکنون قطع اینترنت در شرایط جنگ و بمباران شهروندان را با اضطراب مضاعفی به علت عدم دسترسی به اخبار و محدودیت در ارتباطات روبرو کرده است. از سوی دیگر عدم ارتباط شهروندان ساکن خارج از کشور با خانواده‌هایشان در ایران به دلیل قطع اینترنت جنبه دیگری از سرکوب



در مورد باز کردن اینترنت مسائل امنیتی برای کشور اولویت دارد و به نظر می‌رسد که هنوز وقت آن نرسیده است.» بازگشایی اینترنت برای برخی کسب و کارها و اقشار از جمله بازرگانان و روزنامه‌نگاران در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ نیز اتفاق افتاد؛ اقدامی که بیانگر اجرای «اینترنت طبقاتی» در ایران است.

مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین روز یکشنبه پنجم بهمن‌ماه اعلام کرده بود «در تهران و چند شهر مرکز استان اینترنت چند سیستم را در اتاق‌های بازرگانی آزاد گذاشته‌اند. تجار باید برای استفاده از اینترنت ثبت نام کنند و بعد با حضور یک ناظر در حد ۲۰ دقیقه از اینترنت استفاده کنند.»

همزمان «کیهان لندن» نیز در گزارشی اختصاصی اعلام کرده بود که محلی معروف به «اتاق اینترنت» در وزارت ارشاد و فرهنگ ارشاد اسلامی راه‌اندازی شده بود که شماری از خبرنگاران معتمد حکومت با هدایت نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در آن روایت‌سازی درباره اعتراضات خیزش ملی دی ۴۰۴ را پیش می‌بردند.

بر اساس این اطلاعات، با وجود قطع سراسری اینترنت و در حالیکه حتی دفاتر روزنامه‌ها و وبسایت‌های خبری در ایران و همچنین روزنامه‌نگاران به اینترنت سراسری دسترسی ندارند اما تعدادی خبرنگار معتمد حکومت به این اتاق دعوت شده بودند.

اگر چه ظاهراً این اتاق همانند مکانی که در اتاق بازرگانی برای انجام امور اینترنتی تجار عضو این اتاق راه‌اندازی شده بود، برای دسترسی خبرنگاران به اینترنت اعلام شده بود اما هدف اصلی این رسانه روایت‌سازی و پنهان‌سازی حقیقت درباره سرکوب بی‌سابقه و کشتار معترضان بوده است.

در آنسو اما هنگام قطع اینترنت جهانی بر روی شهروندان ایران از سوی جمهوری اسلامی، «خودی»ها با دسترسی به سیم‌کارت‌هایی معروف به «سیم‌کارت سفید» به اینترنت جهانی متصل هستند و پروپاگاندای رژیم را در شبکه‌های اجتماعی پیش می‌برند.

شهروندان از سوی جمهوری اسلامی است. در همین حال خسارت گسترده‌ای با قطع اینترنت به کسب و کارهای مختلف وارد شده است بطوریکه خسارت قطع اینترنت در روز چند هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی روز دوشنبه سوم فروردین‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به ابعاد سنگین خسارت قطع اینترنت در ایران گفت که ادامه قطع اینترنت روزانه حدود ۵ هزار میلیارد تومان به اقتصاد کشور و حدود ۵۰۰ میلیارد تومان به هسته اقتصاد دیجیتال خسارت وارد می‌کند.

فرشید شکرخدایی رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران اکنون وعده اتصال اینترنت کسب و کارها را مطرح کرده است. او با بیان اینکه اکنون تجار در محل اتاق‌های بازرگانی به اینترنت بین‌الملل دسترسی دارند گفت که به تدریج کسب و کارها از اینترنت بهره‌مند خواهند شد.

فرشید شکرخدایی روز شنبه هشتم فروردین در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایسنا» گفت: «در داخل اتاق بازرگانی تهران و استان‌ها شرایط مهیا شده است که اتصال به اینترنت بین‌الملل اتفاق بیفتد. در حال حاضر حدود سه روز است که این امکان فراهم شده است.»

رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران گفته «ظاهراً «کیو آر کدی» داده شده و تجار با استفاده از آن وقت می‌گیرند و رجیستر می‌کنند. در حال حاضر گوشی تجار به اینترنت بین‌الملل متصل نیست ولی مرکز ملی فضای مجازی هفته پیش فرم‌هایی را منتشر کرد که شرکت‌ها اسامی را با شماره همراه یا نامه رسمی منتشر کنند تا نسبت به باز کردن اینترنت کسب و کارها اقدام شود، اما هنوز این اتفاق رخ نداده است.»

فرشید شکرخدایی افزوده «تا جایی که اطلاع دارم با توجه به چانه زنی و مذاکرتهای علمی ریاست جمهوری و اتاق ایران و نظام صنفی یارانه‌ای انجام داده، قرار است حوزه اینترنت برای کسب و کارها باز شود که منظور کارکنان و پرسنل آن‌ها هم است و تنها برای هیات مدیره نیست. اما

بحران کم‌آبی؛ ذخائر آب چند سد مهم مشهد تمام شد



خوبی را داشت.»

این فعال محیط زیست گفته «خشک‌ترین استان کشور همچنان استان تهران است ولی نرخ و شدت خشکسالی به زیر ۲۰ درصد رفته است؛ در صورتی که این رقم در ۱۵ آذرماه سال گذشته ۹۷ درصد بود و میانگین کل ریزش‌های کشور تا ۲۰ اسفندماه به نسبت ۶۰ سال بارندگی که ما در شرکت مدیریت منابع آب ایران آمار داریم، با تراز مثبت روبرو بوده و بیش از حد نرمال است.»

او افزوده «در واقع کل کشور الان در تسالی قرار گرفته است و شدت خشکسالی در استان‌های بحرانی ما هم به زیر ۲۰ درصد رسیده است.»

کاهش ذخائر آب پشت سدها در شرایطی که تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی را در استان‌های مختلف با بحران روبرو می‌کند، همانطور که مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد اعلام کرده سبب از مدار خارج شدن نیروگاه‌های برق-آبی می‌شود و تولید برق را نیز با چالش روبرو می‌کند.

در سالهای گذشته نیز تولید برق نسبت به میزان نیاز داخلی کمتر بوده و کسری با به‌اصطلاح ناترازی در توزیع برق وجود داشت. نیروگاه‌های برق-آبی به علت تشدید خشکسالی با کاهش تولید روبرو هستند و نیروگاه‌های حرارتی نیز به علت بحران در تأمین گاز و همچنین فرسودگی با راندمان پایینی فعال هستند.

امسال به علت بروز اختلال در تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های برق-آبی در شرایط جنگی و تداوم بحران کم‌آبی در سدهای کشور پیش‌بینی می‌شود تولید برق با چالش بیشتری نسبت به سالهای گذشته روبرو شود؛ موضوعی که با گرم شدن هوا در هفته‌های آینده و افزایش مصرف برق پیامدهای آن نمایان خواهد شد.

اسماعیل حسینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته با اشاره به شرایط جنگی در کشور گفت که «لازم است» مردم در حوزه مصرف انرژی «با رعایت الگوی مصرف و صرفه‌جویی در برق، گاز و آب، به مدیریت شرایط کمک کنند.»

سدهای کشور خالی است.

وب‌سایت «خبرآنلاین» روز یکشنبه نهم فروردین به نقل از مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد گزارش داد که ذخیره آب چند سد مهم و اصلی مشهد از جمله سدهای «دوستی»، «ارداک»، «طُرُق» و «کارده» به اتمام رسیده است. او با بیان اینکه نیروگاه‌های این سدها نیز به علت پایان ذخائر «از مدار بهره‌برداری» خارج شده‌اند، گفته «در حال حاضر آب مورد نیاز شهر مشهد از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود و به همین دلیل مدیریت جدی مصرف از سوی شهروندان الزامی است.»

با اینهمه بارش‌های قابل توجه در زمستان سال گذشته توانست ذخائر سدها در برخی استان‌ها را افزایش دهد. روز شنبه هشتم فروردین‌ماه صداوسیما به نقل از مدیر کل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور از افزایش هرچند مختصر در پرشدگی سدها خبر داده بود.

مدیر کل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور گفته بود: «به دنبال بارش‌های اخیر، میزان پرشدگی مخازن سدها به طور متوسط به حدود ۵۰ درصد رسیده که نسبت به سال قبل حدود ۵ درصد افزایش یافته.»

آمارهایی که در نیمه بهمن‌ماه سال گذشته ارائه شده بود نشان می‌داد که میزان ورودی آب به مخازن سدها در سال آبی جاری با کاهش همراه بوده و بخش قابل توجهی از ظرفیت سدهای کشور همچنان خالی است.

محمد درویش، فعال محیط زیست به تازگی اعلام کرده که «سال گذشته ما خیلی نگران ریزش‌های آسمانی کشور بودیم و تا آذرماه ۱۴۰۴ نیز کشور یکی از بدترین شرایط خشکسالی را سپری می‌کرد.»

به گفته محمد درویش «در نیمه جنوبی کشور تحت تأثیر جریان مونسن، بارندگی‌ها آن چنان خوب شد که میانگین بارندگی به حد نرمال رسید ولی همچنان مراکز پرجمعیت کشور مثل استان‌های تهران، البرز، قزوین، مرکزی و زنجان عمدتاً بارندگی خوبی نداشتند. خوشبختانه در دو ماهه پایانی سال گذشته بارندگی‌ها در این استان‌ها هم روند

● مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد اعلام کرده که ذخیره آب چند سد مهم و اصلی مشهد از جمله سدهای «دوستی»، «ارداک»، «طُرُق» و «کارده» به اتمام رسیده است.

● مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد با بیان اینکه نیروگاه‌های این سدها نیز به علت پایان ذخائر «از مدار بهره‌برداری» خارج شده‌اند، گفته «در حال حاضر آب مورد نیاز شهر مشهد از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود و به همین دلیل مدیریت جدی مصرف از سوی شهروندان الزامی است.»

● کاهش ذخائر آب پشت سدها در شرایطی که تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی را در استان‌های مختلف با بحران روبرو می‌کند، همانطور که مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد اعلام کرده سبب از مدار خارج شدن نیروگاه‌های برق-آبی می‌شود و تولید برق را نیز با چالش روبرو می‌کند.

● در سالهای گذشته نیز تولید برق نسبت به میزان نیاز داخلی کمتر بوده و کسری با به‌اصطلاح ناترازی در توزیع برق وجود داشت. نیروگاه‌های برق-آبی به علت تشدید خشکسالی با کاهش تولید روبرو هستند و نیروگاه‌های حرارتی نیز به علت بحران در تأمین گاز و همچنین فرسودگی با راندمان پایینی فعال هستند.

● امسال به علت بروز اختلال در تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های برق-آبی در شرایط جنگی و تداوم بحران کم‌آبی در سدهای کشور پیش‌بینی می‌شود تولید برق با چالش بیشتری نسبت به سالهای گذشته روبرو شود؛ موضوعی که با گرم شدن هوا در هفته‌های آینده و افزایش مصرف برق پیامدهای آن نمایان خواهد شد.

مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد از پایان ذخایر آب سدهای این شهر خبر داد و گفت سدهای دوستی، ارداک، طرق و کارده به دلیل اتمام ذخایر، از مدار بهره‌برداری خارج شده‌اند. آمارها نشان می‌دهد با وجود بارش‌های قابل قبول در زمستان امسال اما همچنان ۵۳ درصد از ظرفیت مخازن

گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران از تشدید فشار بر فعالان صنفی آموزگاران



ادامه افزایش قیمت جهانی نفت؛ ابهام درباره سرنوشت حمل و نقل دریایی در تنگه هرمز

● قیمت هر بشکه نفت برنت روز جمعه هفتم فروردین با طی کردن روندی افزایشی به ۱۱۱ دلار در هر بشکه رسید.

● ایوت کوپر، وزیر امور خارجه بریتانیا، روز جمعه ۲۷ مارس برابر با هفتم فروردین با تأکید بر لزوم حل سریع بحران خاورمیانه گفته جمهوری اسلامی با محدود کردن حمل و نقل دریایی در تنگه هرمز اقتصاد جهان را به «گروگان» گرفته است.

● جمهوری اسلامی از نخستین روز جنگ در نهم اسفندماه ۱۴۰۴، کنترل خود را بر تنگه هرمز آغاز و در عمل جریان عبور نفت از خلیج فارس را مسدود کرد و بازارهای جهانی انرژی را با بحرانی روبرو کرده است که روز به روز دامنه آن گسترش پیدا می‌کند.

● محدودیت حمل و نقل دریایی از تنگه هرمز، عرضه جهانی نفت را به شدت کاهش و در مقابل قیمت نفت در بازارهای جهانی را افزایش داده است. افزایش قیمت نفت در حالی هزینه تولید در بسیاری از کشورها را افزایش و اقتصاد را به سمت رکود تورمی پیش می‌برد، بحران تأمین انرژی و سوخت را نیز در پی داشته است.

● برخی کشورها در شرق آسیا و شرق اروپا سهمیه‌بندی سوخت از جمله بنزین و گاز را در دستور کار قرار داده‌اند. اقدامات اقتصادی دیگری از جمله کاهش مالیات و افزایش نرخ بهره را برای جلوگیری از ایجاد رکود تورم نیز در برخی کشورها آغاز شده است.

● خبرگزاری «بولومبرگ» در حالی سه روز پیش گزارش داد که جمهوری اسلامی به ازای دریافت ۲ میلیون دلار به کشتی‌ها اجازه عبور از تنگه هرمز می‌دهد، که مجلس شورای اسلامی نیز به دنبال تصویب طرحی برای اخذ عوارض عبور و مرور دریایی از تنگه هرمز است. ←

دادن به فشار بر فعالان صنفی است. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی از هفته دوم اسفندماه گذشته و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا، موجی از فشارهای امنیتی بر شهروندان را آغاز کرده‌اند. در این مدت احضار، تهدید تلفنی، ارسال پیامک تهدیدآمیز، و بازداشت شهروندان با افزایش روبرو شده است. جدا از فعالان صنفی که با تشدید فشارهای امنیتی روبرو هستند، شماری از شهروندان نیز قربانی بازداشت‌های فله‌ای نهادهای امنیتی به بهانه حمایت از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی شده‌اند.

دامنه سرکوب شهروندانی که در شرایط جنگی به سر می‌برند گسترده و همه‌جانبه است و تا قطع سراسری اینترنت جهانی و محدود کردن دسترسی عمومی به اخبار و حتی هشدارهای حملات نظامی کشیده شده است.

با یورش مأموران امنیتی جمهوری اسلامی به خانه‌هایشان روبرو شدند.

در این گزارش آمده مأموران امنیتی ۲۵ اسفندماه به منزل مجتبی گودرزی، عضو کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز و از اعضای شورای هماهنگی، یورش برده و بدون ارائه حکم قانونی، وسایل ارتباطی او را ضبط کردند. در همین روز، منوچهر آقابویی، از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه و عضو شورای هماهنگی، نیز پس از یورش مأموران به منزلش بازداشت شد و تاکنون هیچ اطلاعی از محل نگهداری او در دست نیست.

از سوی دیگر مأموران سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) در تاریخ ۲۸ اسفندماه، با یورش به منازل محمد حبیبی، سخنگوی شورای هماهنگی، پروین سلیمی، عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان تهران، و مسعود زینالزاده، دیگر عضو این کانون، ضمن تفتیش منازل، اقدام به ضبط وسایل ارتباطی این فعالان و اعضای خانواده‌هایشان کردند. این اقدامات نیز بدون ارائه هرگونه حکم قانونی و توضیح صورت گرفته است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تأکید کرده این یورش‌ها و ضبط وسایل شخصی، در حالی انجام شده که هیچ‌گونه شفافیتی درباره دلایل این آزار و اذیت ارائه نشده و خانواده‌ها با فشار و بی‌خبری مواجه شده‌اند. این تشکل صنفی آموزگاران همچنین نوشته در حالیکه کشور ایران و مردمان ساکن در این سرزمین آماج حملات هر روزه آمریکا و اسرائیل هستند، به نظر می‌آید مأموران امنیتی بر ناتوانی خود در جلوگیری از نفوذ عوامل خارجی، از طریق تداوم سرکوب فعالان صنفی معلم سرپوش می‌گذارند

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با محکوم کردن تداوم آزار و سرکوب فعالان صنفی معلمان، تأکید کرده که این اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی در تضاد با حقوق بنیادین معلمان و حق تشکلهایی است و خواستار توقف فوری این روند، آزادی افراد بازداشت‌شده و پایان

● شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در گزارشی اعلام کرده فشار بر فعالان صنفی آموزگاران در شرایط جنگ افزایش یافته است.

● در آستانه نوروز مأموران امنیتی با یورش به منازل دست‌کم پنج نفر از فعالان صنفی آموزگاران اقدام به تفتیش منازل و ضبط وسایل ارتباطی این افراد و خانواده‌هایشان کرده‌اند. همچنین دست‌کم یک آموزگار طی روزهای گذشته بازداشت شده است.

● نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی از هفته دوم اسفندماه گذشته و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا، موجی از فشارهای امنیتی بر شهروندان را آغاز کرده‌اند. در این مدت احضار، تهدید تلفنی، ارسال پیامک تهدیدآمیز، و بازداشت شهروندان با افزایش روبرو شده است.

● جدا از فعالان صنفی که با تشدید فشارهای امنیتی روبرو هستند، شماری از شهروندان نیز قربانی بازداشت‌های فله‌ای نهادهای امنیتی به بهانه حمایت از جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی شده‌اند.

● دامنه سرکوب شهروندانی که در شرایط جنگی به سر می‌برند گسترده و همه‌جانبه است و تا قطع سراسری اینترنت جهانی و محدود کردن دسترسی عمومی به اخبار و حتی هشدارهای حملات نظامی کشیده شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در گزارشی اعلام کرده فشار بر فعالان صنفی آموزگاران افزایش یافته است بطوریکه در آستانه نوروز مأموران امنیتی با یورش به منازل دست‌کم پنج نفر از اعضای این تشکل صنفی اقدام به تفتیش منازل و ضبط وسایل ارتباطی این افراد و خانواده‌هایشان کرده‌اند. همچنین دست‌کم یک آموزگار طی روزهای گذشته بازداشت شده است.

بر اساس گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پروین سلیمی، منوچهر آقابویی، مجتبی گودرزی، محمد حبیبی و مسعود زینالزاده پنج تن از آموزگاران عضو این تشکل صنفی هستند که اواخر اسفندماه

اقتصادی جنگ خواهد شد و از سوی دیگر به رژیم تهران فرصت برای بازسازی ساختار در هم شکسته با ترور دهها مقام ارشد حکومتی و ترمیم قوای سرکوب را پیدا خواهد کرد تا در صورت شکل‌گیری احتمالی اعتراضات بتواند همچنان خیابان را در اختیار داشته باشد.

بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته و به ۹۱ دلار در هر بشکه رسیده است. نفت خام برنت نیز در همین مدت بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته و در شرایطی که در دومین هفته جنگ به مرز ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسیده بود امروز در محدوده ۱۱۱ دلار در هر بشکه معامله می‌شود.

با وجود دستور دونالد ترامپ برای تمدید ۱۰ روزه توقف حمله به زیرساخت‌های انرژی در ایران، قیمت نفت برنت با افزایش روبرو شد و به مرز ۱۱۱ دلار در هر بشکه رسید. با پایان چهارمین هفته جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی اثرات اقتصادی جنگ نمایان‌تر شده



خبرگزاری «بلومبرگ» در حالی سه روز پیش گزارش داد که جمهوری اسلامی به ازای دریافت ۲ میلیون دلار به کشتی‌ها اجازه عبور از تنگه هرمز می‌دهد، که مجلس شورای اسلامی نیز به دنبال تصویب طرحی برای اخذ عوارض عبور و مرور دریایی از تنگه هرمز است.

محمدرضا رضایی کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته که «به دنبال طرحی هستیم که در آن حاکمیت، تسلط و نظارت جمهوری اسلامی در تنگه هرمز به صورت قانونی دیده شود و با دریافت عوارض، منبع درآمدی نیز برای کشور ایجاد شود. بیش‌تر نیز برخی نمایندگان از پیگیری چنین طرحی خبر داده بودند.»

در آنسو تحلیلگران و سیاستمداران درباره پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ فرسایشی در خاورمیانه هشدار می‌دهند.

در همین رابطه ایوت کوپر، وزیر امور خارجه بریتانیا، در دیدار وزیران امور خارجه گروه هفت (جی هفت) که روز جمعه ۲۷ مارس برابر با هفتم فروردین در فرانسه برگزار شد با تأکید بر لزوم حل سریع بحران خاورمیانه گفته جمهوری اسلامی با محدود کردن حمل‌ونقل دریایی در تنگه هرمز اقتصاد جهان را به «گروگان» گرفته است.

وزیر امور خارجه بریتانیا با بیان اینکه «کاملاً روشن است که باید شاهد حل سریع این بحران باشیم تا ثبات به منطقه بازگردد» گفت «جمهوری اسلامی نمی‌تواند صرفاً با کنترل تنگه‌ای که مربوط به مسیرهای دریایی بین‌المللی و آزادی ناوبری است، اقتصاد جهانی را گروگان بگیرد.»

محدودیت حمل و نقل دریایی از تنگه هرمز، عرضه جهانی نفت را به شدت کاهش و در مقابل قیمت نفت در بازارهای جهانی را افزایش داده است. افزایش قیمت نفت در حالی هزینه تولید در بسیاری از کشورها را افزایش داده و اقتصاد را به سمت رکود تورمی پیش می‌برد، بحران تأمین انرژی و سوخت را نیز در پی داشته است.

برخی کشورها در شرق آسیا و شرق اروپا سهمیه‌بندی سوخت از جمله بنزین و گاز را در دستور کار قرار داده‌اند. اقدامات اقتصادی دیگری از جمله کاهش مالیات و افزایش نرخ بهره را برای جلوگیری از ایجاد رکود تورم نیز در برخی کشورها آغاز شده است.

در همین رابطه نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، روز گذشته خواهان در پیش گرفتن رویکردی هماهنگ در سطح همه نهادهای دولتی برای حفاظت از شهروندان و صنایع این کشور در برابر پیامدهای احتمالی جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی و افزایش تنش‌ها در خاورمیانه شد.

این اقدامات اما در صورت طولانی‌تر شدن جنگ می‌تواند کم‌اثر باشد و پیامدهای اقتصادی بحران انرژی را در کشورهای مختلف عمیق‌تر کند. پیش‌تر اعلام شده بود که دونالد ترامپ برنامه چهار تا شش هفته‌ای برای جنگ با جمهوری اسلامی در نظر گرفته اما اکنون مشخص نیست تا دو هفته دیگر جنگ در خاورمیانه به روزهای پایانی خود می‌رسد یا خیر.

جمهوری اسلامی علاقمند به فرسایشی شدن جنگ است؛ ادامه جنگ از یکسو سبب افزایش پیامدهای جهانی

است. برخی کشورهای اقداماتی برای پیشگیری از بحران اقتصادی، به‌ویژه در حوزه انرژی، را آغاز کرده‌اند و شماری از سیاستمداران و تحلیلگران نیز نسبت به تبعات اقتصادی طولانی شدن جنگ هشدار داده‌اند.

قیمت هر بشکه نفت برنت روز جمعه هفتم فروردین با طی کردن روندی افزایشی به ۱۱۱ دلار در هر بشکه رسید. این افزایش در شرایطی رخ داد که طی روزهای گذشته و با توجه به اظهارات دونالد ترامپ درباره مذاکرات با مقامات باقیمانده از جمهوری اسلامی قیمت نفت تا ۹۷ دلار در هر بشکه نیز کاهش یافته بود.

افزایش قیمت نفت، ساعاتی پس از آن آغاز شد که دونالد ترامپ توقف حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران را برای ۱۰ روز دیگر تمدید کرد تا به جمهوری اسلامی مهلت دیگری بدهد که تنگه هرمز را باز کند. با این وجود خبرهای دیگر از جمله تداوم حملات سنگین طرفین جنگ به اهداف یکدیگر در منطقه طی ساعات گذشته، اعزام ۱۰ هزار نیروی تفنگدار آمریکایی به منطقه و آرایش ایالات متحده برای حمله‌ای گسترده و فلج‌کننده به جمهوری اسلامی با هدف بازگشایی تنگه هرمز سبب تحریک افزایش قیمت‌ها در بازار جهانی نفت شده است.

جمهوری اسلامی از نخستین روز جنگ در نهم اسفندماه ۱۴۰۴، کنترل خود را بر تنگه هرمز آغاز و در عمل جریان عبور نفت از خلیج فارس را مسدود کرد و بازارهای جهانی انرژی را با بحرانی روبرو کرده است که روز به روز دامنه آن گسترش پیدا می‌کند.

نفت وست تگزاس اینترمدیت طی چهار هفته گذشته با

تورم اقتصاد ایران در نخستین هفته‌های جنگ به مرز ۷۲ درصد رسید



● در اسفند ماه ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور ۷۱/۸ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین، ۷۱/۸ درصد بیشتر از اسفند ماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● تورم نقطه به نقطه اسفند ماه ۱۴۰۴ در مقایسه با ماه قبل، ۳/۷ واحد درصد افزایش داشته است که نشان می‌دهد روند افزایش تورم در اقتصاد ایران نیز سرعت یافته است.

● نرخ تورم ماهانه که به معنای افزایش تورم طی یک ماه است نیز نشان از پسرعت شدن افزایش تورم در اقتصاد ایران دارد. به گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم ماهانه در اسفندماه گذشته ۵/۶ درصد بوده است.

● گزارش مرکز آمار ایران افزوده تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۸/۶ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۵ درصد بوده است.

● نرخ تورم سالانه که میانگین تورم طی یک سال است نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده و در اسفند ۱۴۰۴ به ۵۰/۶ درصد رسیده که نسبت به نرخ تورم سالانه در بهمن‌ماه ۳/۱ واحد درصد افزایش یافته است.

● در شرایط جنگی دولت ناچار است برای جبران کسری بودجه اقداماتی مانند چاپ پول و برداشت از صندوق توسعه ملی را در دستور کار قرار دهد که این اقدامات باعث رشد نقدینگی و پیرو آن، افزایش بیش از پیش تورم در اقتصاد کشور خواهد شد.

● موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان هشدار داده «ادامه جنگ قطعاً زبان‌های بیشتری را به منابع اقتصادی کشورمان وارد خواهد ساخت، لذا مسئولان رده بالای کشور باید هر چه سریع‌تر استراتژی خروج از جنگ را تدوین و اجرایی کنند.»

گزارش مرکز آمار ایران درباره تورم اسفندماه ۱۴۰۴ نشان از ثبت رکوردهای جدید و تکانه‌دهنده تورمی در اقتصاد کشور دارد. بر اساس این گزارش تورم از ابتدا تا پایان ماه اسفند ۵/۶ درصد افزایش یافته و در این ماه نقطه به نقطه به ۷۱/۸ درصد رسیده است.

مرکز آمار ایران روز یکشنبه نهم فروردین‌ماه گزارش تورم اقتصاد ایران در اسفند ۱۴۰۴ را منتشر کرده که نشان از وخیم شدن شرایط اقتصاد ایران در این ماه دارد.

تورم نقطه به نقطه که به معنای درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است در اسفند ۱۴۰۴ رکوردی بی‌سابقه را ثبت کرده است. در اسفند ماه ۱۴۰۴ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور ۷۱/۸ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین، ۷۱/۸ درصد بیشتر از اسفند ماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه اسفند ماه ۱۴۰۴ در مقایسه با ماه قبل، ۳/۷ واحد درصد افزایش داشته است که نشان می‌دهد روند افزایش تورم در اقتصاد ایران نیز سرعت یافته است.

نرخ تورم ماهانه که به معنای افزایش تورم طی یک ماه است نیز نشان از پسرعت شدن افزایش تورم در اقتصاد ایران دارد. به گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم ماهانه در

اسفندماه گذشته ۵/۶ درصد بوده است.

این گزارش افزوده تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۸/۶ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۵ درصد بوده است. بالا بودن تورم گروه خوراکی‌ها نشان می‌دهد اقشار فقیر و کم‌درآمدی که سبد مصرفی یک ماهه آنها متنوع نیست و محدود به اقلام خیلی ضروری مثل خوراک، مسکن و درمان است، فشار تورمی بیشتری را نسبت به اقشار ثروتمند متحمل شده‌اند.

نرخ تورم سالانه که میانگین تورم طی یک سال است نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده و در اسفند ۱۴۰۴ به ۵۰/۶ درصد رسیده که نسبت به نرخ تورم سالانه در بهمن‌ماه ۳/۱ واحد درصد افزایش یافته است.

ثبت رکوردهای جدیدی تورمی در اسفند ۱۴۰۴ در حالیهست که از هفته این ماه جمهوری اسلامی درگیر جنگ با اسرائیل و آمریکا بوده است. تداوم جنگ می‌تواند به عنوان محرک مهم بر افزایش تورم اقتصاد ایران عمل کند و در سال جدید خورشیدی بر سرعت تورم بیافزاید.

این در حالیهست که همچنان مشکلات ساختاری اقتصاد ایران پابرجاست. ساختار فاسد و مافیایی شاه‌رگ‌های اقتصاد را در اختیار دارد، دولت با کسری انباشته بودجه روبروست و جنگ نظامی هم فشار بر بودجه دولت را افزوده است. اوایل زمستان سال گذشته در جریان بررسی لایحه بودجه کارشناسان اقتصادی هشدار داده بودند رقم کسری بودجه دولت در سال ۱۴۰۵ به بیش از ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید؛ این برآورد پیش از آغاز جنگ و افزایش نجومی هزینه‌های حکومت در شرایط جنگ بوده است!

اکنون در شرایط جنگی دولت ناچار است برای جبران کسری بودجه اقداماتی مانند چاپ پول و برداشت از صندوق توسعه ملی را در دستور کار قرار دهد که این اقدامات باعث رشد نقدینگی و پیرو آن، افزایش بیش از

پیش تورم در اقتصاد کشور خواهد شد.

از سوی دیگر به علت شرایط ویژه جنگی میزان تولید در اقتصاد ایران با کاهش روبرو خواهد شد و در نتیجه درآمدهای کشور با کاهش روبرو می‌شود که این موضوع نیز سبب کوچک شدن کیک اقتصاد ایران و فشار مضاعفی بر تورم خواهد شد.

یکی دیگر از دلالتی که رکود تورمی در اقتصاد ایران را تشدید کرده قطع سراسری اینترنت جهانی در کشور توسط جمهوری اسلامی با آغاز جنگ بوده است.

اگر چه طی یک معافیت یک ماهه از سوی ایالات متحده برای فروش نفت تحریمی روی آب ایران توانسته منابع درآمدی برای دولت ایجاد کند اما افزایش ناگهانی هزینه‌های دولت به علت شرایط جنگی نخواهد گذاشت درآمدهای نفتی ناشی از معافیت نفتی تأثیر چندانی بر اقتصاد کشور بگذارد.

کارشناسان اقتصادی نیز درباره وضعیت شرایط اقتصاد ایران در صورت تداوم جنگ هشدار می‌دهند. در همین رابطه موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان روز یکشنبه نهم فروردین در گفتگو با «اقتصادنیوز» گفته «سال‌های طولانی است که اقتصاد ایران به شدت بیمار است اما پس از جنگ ۱۲ روزه و افزایش تنش در روابط بین‌المللی ایران، این بیماری حادثر شد. مسدود کردن کامل اینترنت به طور موقت و سپس اعمال محدودیت بیشتر و مستمر بر شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده کسب و کارهای جدید (استارت‌آپ‌ها) تأثیر زیانباری روی عملکرد اقتصادی داشت.»

موسی غنی‌نژاد با بیان اینکه «بدترین خصلت تورم کنونی همراه بودن آن با رکود است که به بیماری بیشتر و کاهش قدرت خرید مردم می‌انجامد.»

این اقتصاددان هشدار داده که «ادامه جنگ قطعاً زیان‌های بیشتری را به منابع اقتصادی کشورمان وارد خواهد ساخت، لذا مسئولان رده بالای کشور باید هر چه سریع‌تر استراتژی خروج از جنگ را تدوین و اجرایی کنند.»

جهش قیمت نفت به بیش از ۱۱۶ دلار در پنجمین هفته جنگ خاورمیانه



حملات نظامی میان دو طرفین جنگ و همچنین انتشار اخباری درباره برنامه ایالات متحده برای تصرف بخشی از خاک ایران از جمله جزایر جنوب کشور با هدف بازگشایی تنگه هرمز بر افزایش نرخ نفت در نخستین روز هفته جاری موثر بوده است.

افزایش قیمت‌ها در بازار انرژی و سوخت اما سبب نگرانی برخی کشورها شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد از زمان آغاز این جنگ، بهای گازوئیل در برخی کشورها به شکل چشمگیری افزایش یافته است.

بر اساس داده‌های منتشر شده، قیمت گازوئیل در فیلیپین حدود ۸۱/۶ درصد، در نیجریه ۷۸/۳ درصد و در مالزی ۵۷/۹ درصد افزایش داشته است. همچنین در ایالات متحده این افزایش به ۴۱/۲ درصد و در آلمان به ۳۰/۹ درصد رسیده است.

در مقابل، برخی کشورها تغییرات بسیار محدودی را تجربه کرده‌اند. به عنوان مثال، در روسیه قیمت گازوئیل تنها ۰/۵ درصد افزایش یافته است. همچنین در هند و عربستان سعودی قیمت‌ها تقریباً بدون تغییر باقی مانده‌اند. اقدامات اخیر دونالد ترامپ برای آزادسازی ذخائر نفت و معافیت به ایران و روسیه برای فروش نفت روی آب نتوانسته اثر پایداری بر کاهش قیمت‌ها در بازار جهانی نفت بگذارد.

آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) نیز طی دو هفته گذشته آزادسازی حدود ۴۰۰ میلیون بشکه ذخائر نفت توسط کشورهای عضو برای کنترل بازار را در دستور کار قرار داده است.

کارشناسان و تحلیلگران پیشتر هشدار داده بودند که با تداوم جنگ در خاورمیانه قیمت جهانی نفت ممکن است به ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در هر بشکه برسد. در همین رابطه خبرگزاری «بلومبرگ» گزارش داده که سیاستمداران آمریکا و تحلیلگران وال استریت پیش‌بینی کرده‌اند که قیمت نفت ممکن است به رقم بی‌سابقه ۲۰۰ دلار در هر بشکه برسد.

افزایش قابل توجه قیمت نفت طی تنها چند ساعت در حالیست که همچنان حملات نظامی میان ائتلاف اسرائیل و آمریکا و جمهوری اسلامی به شکل دو طرفه ادامه دارد؛ در حالیکه برخی زیرساخت‌ها در ایران طی سه روز گذشته هدف حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفته که در مقابل جمهوری اسلامی نیز زیرساخت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله امارات و کویت، و اسرائیل را هدف قرار داده است.

حملات نظامی ادامه دارد اما دونالد ترامپ همچنان بر مذاکره با جمهوری اسلامی تأکید دارد. او ساعاتی پیش در پاسخ به خبرنگاران اعلام کرد که جمهوری اسلامی با پذیرش بند ۱۵ طرح آمریکا و اجازه عبور ده محموله نفتی و سپس بیست محموله دیگر از تنگه هرمز، جدیت خود در مذاکرات با واشینگتن را نشان داده است.

مقامات باقیمانده از جمهوری اسلامی اما پذیرش شروط دونالد ترامپ در روند جاری مذاکرات را رد می‌کنند.

دونالد ترامپ هفته گذشته گفته بود که جمهوری اسلامی اجازه عبور ۱۰ نفتکش با پرچم پاکستان را از تنگه هرمز به عنوان «هدیه‌ای» به کاخ سفید داده است. او اکنون در در گفت‌وگو با «فایننشال تایمز» گفته که شمار این نفتکش‌ها اکنون به ۲۰ فروند افزایش یافته است.

دونالد ترامپ همچنین تأکید کرده برنامه «تصرف جزیره خارک» همچنان روی میز است و گفته «آمریکا می‌تواند نفت ایران را بگیرد»: «شاید جزیره خارک را بگیریم، شاید هم نه. گزینه‌های زیادی داریم. این کار همچنین به این معنی است که باید برای مدتی در آنجا [خارک] بمانیم.»

او افزوده «راستش را بخواهید، کار مورد علاقه‌ام این است که نفت ایران را بگیرم، اما بعضی آدم‌های احمق در آمریکا می‌گویند: «چرا این کار را می‌کنی؟» اما آنها آدم‌های احمقی هستند.»

به نظر می‌رسد ابهام درباره پیشرفت مذاکرات میان جمهوری اسلامی و دونالد ترامپ، و از سوی دیگر تداوم

● قیمت هر بشکه نفت برنت در ساعت نخست بازگشایی بازارها در شرق آسیا در روز دوشنبه دهم فروردین ۱۱۵ دلار و ۵۵ سنت معامله شد و با تا ظهر دوشنبه به وقت محلی به ۱۱۶ دلار و ۵۰ سنت افزایش یافت.

● قیمت گازوئیل در فیلیپین حدود ۸۱/۶ درصد، در نیجریه ۷۸/۳ درصد و در مالزی ۵۷/۹ درصد افزایش داشته است. همچنین در ایالات متحده این افزایش به ۴۱/۲ درصد و در آلمان به ۳۰/۹ درصد رسیده است.

● افزایش قابل توجه قیمت نفت طی تنها چند ساعت در حالیست که با وجود مهلت ۱۰ روزه دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی برای پیشبرد مذاکرات همچنان حملات نظامی میان ائتلاف اسرائیل و آمریکا و جمهوری اسلامی به شکل دو طرفه ادامه دارد.

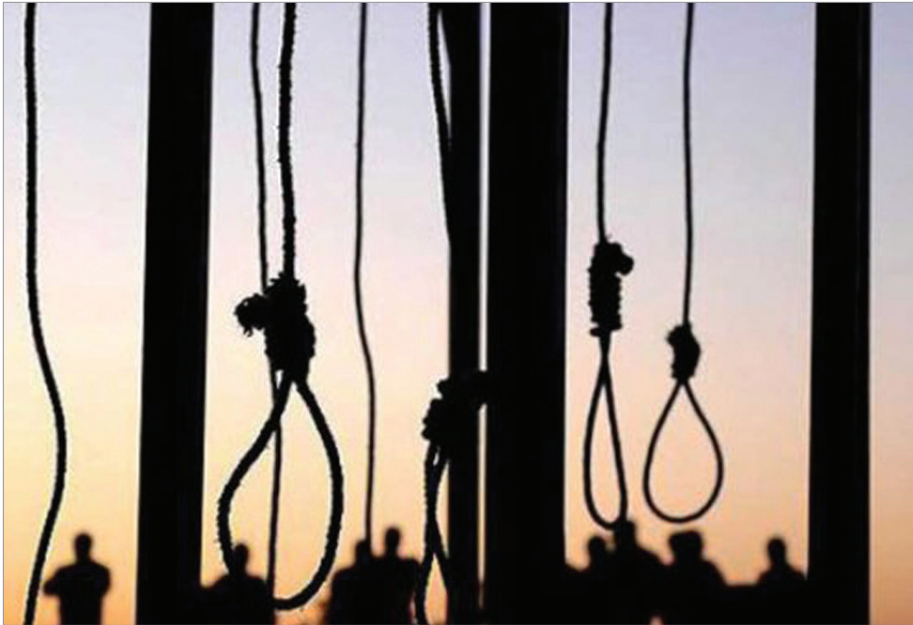
● خبرگزاری «بلومبرگ» گزارش داده که برخی سیاستمداران آمریکا و تحلیلگران وال استریت پیش‌بینی کرده‌اند که قیمت نفت ممکن است به رقم بی‌سابقه ۲۰۰ دلار در هر بشکه برسد.

هر بشکه نفت برنت روز دوشنبه دهم فروردین به بیش از ۱۱۶ دلار در هر بشکه معامله شد. همچنین قیمت گازوئیل در فیلیپین حدود ۸۱/۶ درصد، در نیجریه ۷۸/۳ درصد و در مالزی ۵۷/۹ درصد افزایش داشته است.

قیمت نفت برنت که جمعه هفتم فروردین در کانال ۱۱۲ دلاری قرار گرفته بود، روز دوشنبه ۳۰ مارس (دهم فروردین) در نخستین ساعات آغاز به کار بازار در ابتدای هفته پنجم جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی با جهش روبرو شد.

قیمت هر بشکه نفت برنت در ساعت نخست بازگشایی بازارها در شرق آسیا در روز دوشنبه دهم فروردین ۱۱۵ دلار و ۵۵ سنت معامله شد و با تا ظهر دوشنبه به وقت شرق آسیا به ۱۱۶ دلار و ۵۰ سنت افزایش یافت.

اعدام چهار زندانی سیاسی طی دو روز؛ خطر اجرای حکم اعدام پنج متهم بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴



ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی رسیدگی و حکم اعدام برای آنها ۱۸ بهمن ماه صادر شد. این پرونده مربوط به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ماه و آتش سوزی در پایگاه بسیج «۱۸۵ شهید محمود کاوه» در شرق تهران است. بر اساس گزارش‌ها و ویدئوهای اعترافات اجباری منتشر شده در صدا و سیما جمهوری اسلامی، این افراد نه اقدام به آتش زدن پایگاه کرده‌اند و نه در تخریب وسایل دخیل بوده‌اند، بلکه وارد ساختمانی شده بودند که از سوی افرادی دیگر به آتش کشیده شده بود. نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی طی پنج هفته گذشته و از آغاز حملات اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی بارها شهروندان را تهدید کرده‌اند و ده‌ها نفر را در این مدت با اتهامات امنیتی از جمله ارتباط یا همکاری با اسرائیل و آمریکا بازداشت کرده‌اند.

قوه قضائیه روز سه‌شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ بار دیگر مردم را تهدید کرد که کسانی که «با عکس برداری یا فیلم برداری به دشمن گرامی می‌دهند» بر اساس قانون مجازات جاسوسی برایشان «اعدام» و «مصادره اموال» در نظر گرفته شده است. اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، گفته که برای افراد ساکن خارج از ایران هم تاکنون بیش از ۲۰۰ کیفرخواست صادر شده یا در حال صدور است: «دادستانی کل بلافاصله اقدامات مفصلی را با همکاری نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در سراسر کشور شروع کرد نسبت به شناسایی اموال کسانی که در خارج از کشور هستند و از طریق مزدوری اطلاعات کشور را جمع‌آوری می‌کنند و به منابع بیگانه می‌رسانند.»

گفت: «کسانی که با اخبار کذب دل مردم را خالی کنند و در جهت تقویت دشمن قدم بردارند چنانچه مشمول مجازات‌های سنگین تر توسط قوانین دیگر نباشند در شرایط عادی به مجازات‌های درجه ۵ به بیش از ۲ تا ۵ سال حبس محکوم خواهند شد.»

سخنگوی قوه قضائیه همچنین تاکید کرد که «این مجازات‌ها در زمان جنگ مثل شرایط فعلی تا سه درجه تشدید می‌شود.»

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی منابع حقوق بشری اکبر دانشورکار متولد شهریور ۱۳۴۵، مهندس عمران و اهل تهران بود. او در دوران فعالیت کاری خود، به‌ویژه هنگام حضور در بندر کنارک در بلوچستان، برای کمک به مردم محروم منطقه تلاش می‌کرد. اهالی آن منطقه در اعتراض به حکم اعدامش، با نوشتن نامه‌هایی بر شخصیت انسانی و رفتارهای خیرخواهانه او تاکید کرده بودند.

مای ساتو گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران ساعاتی پیش و پس از اعلام خبر اعدام بابک علیپور و پویا قبادی نوشت «امروز، گزارش‌هایی دریافت کردم مبنی بر اینکه قوه قضائیه، میزان، اعدام بابک علیپور و پویا قبادی را اعلام کرده است. با توجه به قطع مداوم اینترنت، هنوز مشخص نیست چه کسانی اعدام شده‌اند یا در حال اعدام هستند. آنچه واضح است این است که از اعدام‌ها به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی در بحبوحه جنگ استفاده می‌شود.»

فشارهای قضایی و امنیتی بر شهروندان، از جمله فعالان صنفی، مدنی و سیاسی و همچنین زندانیان سیاسی در ایران پس از آغاز جنگ افزایش یافته است. فعالان حقوق بشر درباره افزایش اجرای احکام اعدام و دیگر سرکوب‌ها هشدار می‌دهند.

در همین رابطه تلوزیون ایران اینترنشنال گزارش داده که پنج نفر از هفت متهم محکوم به اعدام در پرونده آتش‌سوزی در پایگاه بسیج خیابان دماوند تهران، مربوط به اعتراضات دی ۴۰۴، از بند عمومی زندان قزلحصار خارج شده و جهت اجرای حکم اعدام به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند.

بنا بر اطلاعاتی که خانواده دو تن از این زندانیان محکوم به عدم در اختیار ایران اینترنشنال قرار داده‌اند محمدامین بیگلری، شاهین واحدپرست کور، ابوالفضل صالحی سیاوشانی، امیرحسین حاقی و علی فهیم، پنج زندانی سیاسی هستند که پرونده آنها به اجرای احکام ارجاع شده است. پرونده این زندانیان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز دوشنبه دهم فروردین ۱۴۰۵ محمد تقوی سنگ‌دهی و اکبر دانشورکار را در زندان قزلحصار اعدام کرد. سحرگاه سه‌شنبه ۱۱ فروردین نیز دو زندانی سیاسی دیگر به نام‌های بابک علی‌پور و پویا قبادی به اتهام «بغی» اعدام شده‌اند.

● خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضائیه جمهوری اسلامی در گزارشی مدعی شده بابک علی‌پور و پویا قبادی «از عناصر دشمن در داخل کشور» بوده و در «عملیات‌های تروریستی متعددی در تهران مشارکت داشتند».

● محمد تقوی سنگ‌دهی و اکبر دانشورکار نیز در پرونده‌ای مشابه به «بغی از طریق عضویت در سازمان مجاهدین خلق» متهم شده بودند. صداوسیما جمهوری اسلامی نیز ویدئویی از اعترافات اجباری این دو شهروند را منتشر کرده بود.

● همچنین پنج نفر از هفت متهم محکوم به اعدام در پرونده آتش‌سوزی در پایگاه بسیج خیابان دماوند تهران، مربوط به اعتراضات دی ۴۰۴، از بند عمومی زندان قزلحصار خارج شده و جهت اجرای حکم اعدام به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند.

● فشارهای قضایی و امنیتی بر شهروندان، از جمله فعالان صنفی، مدنی و سیاسی و همچنین زندانیان سیاسی در ایران پس از آغاز جنگ افزایش یافته است. فعالان حقوق بشر درباره افزایش اجرای احکام اعدام و دیگر سرکوب‌ها هشدار می‌دهند.

قوه قضائیه دیروز و امروز چهار زندانی سیاسی را در زندان‌های ایران اعدام کرد. این چهار زندانی در پرونده‌ای مشترک به علت آنچه «انجام عملیات و عضویت در سازمان مجاهدین خلق» اعلام شده بود به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شده بودند. همچنین گزارش‌ها از خطر اعدام شماری دیگر از شهروندانی که در اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شده‌اند حکایت دارد.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز دوشنبه دهم فروردین ۱۴۰۵ محمد تقوی سنگ‌دهی و اکبر دانشورکار را در زندان قزلحصار اعدام کرد. سحرگاه سه‌شنبه ۱۱ فروردین نیز دو زندانی سیاسی دیگر به نام‌های بابک علی‌پور و پویا قبادی به اتهام «بغی» اعدام شده‌اند.

بر اساس ادعای قوه قضائیه جمهوری اسلامی هر چهار زندانی سیاسی اعدام شده به عضویت و همکاری و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق متهم شده بودند.

خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضائیه جمهوری اسلامی در گزارشی مدعی شده بابک علی‌پور و پویا قبادی «از عناصر دشمن در داخل کشور» بوده و در «عملیات‌های تروریستی متعددی در تهران مشارکت داشتند». این گزارش در ادامه ادعا کرده این دو شهروند متهم به «ارتباط‌گیری با سرپل» سازمان مجاهدین خلق برای «ضربه زدن به امنیت کشور... با استفاده از سلاح گرم منحنی‌زن (لانچر) به مراکز حساس و اماکن عمومی» بوده‌اند.

محمد تقوی سنگ‌دهی و اکبر دانشورکار نیز در پرونده‌ای مشابه به «بغی از طریق عضویت در سازمان مجاهدین خلق» متهم شده بودند. صداوسیما جمهوری اسلامی نیز ویدئویی از اعترافات اجباری این دو شهروند را منتشر کرده

افزایش قیمت جهانی نفت پس از سخنرانی ترامپ؛ ادامه انتظارات تورمی در بازار انرژی حتی با آتش‌بس و پایان جنگ



کاهش یافته است. در همین رابطه روز گذشته گزارش شد شرکت «صداره کمیکال» فعالیت تأسیسات پتروشیمی خود در شهر بندری جُبیل در استان الشریقه عربستان را به صورت موقت تعطیل کرد. این شرکت سعودی زمانی را برای ازسرگیری تولید اعلام نکرده است. این مجتمع پتروشیمی، پروژه مشترک شرکت های آرامکو و شرکت داو کمیکال است که ارزش آن حدود ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند اگر تنگه هرمز تا پایان آوریل بسته بماند، حدود ۹۳۰ میلیون بشکه نفت خام و میعانات گازی از دست خواهد رفت و همچنین ۳۵۰ میلیون بشکه دیگر از فرآورده‌های نفتی نیز از بازار حذف می‌شود. در چنین شرایطی در مجموع، کل عرضه از دست‌رفته به ۱/۲۸ میلیارد بشکه می‌رسد.

گفتنی است کل ذخایر قابل مشاهده نفت جهان حدود ۸/۲ میلیارد بشکه است. از این مقدار، سهم کشورهای عضو OECD حدود ۲/۸ میلیارد بشکه است.

اکنون شرکت‌های بزرگ دنیا از جمله در بخش حمل و نقل ناچار به تغییراتی در تعرفه و شیوه ارائه خدمات خود شده‌اند تا با بحران انرژی ناشی از جنگ خاورمیانه هماهنگ شوند. کارستک اشپور مدیر عامل شرکت هواپیمایی لوفت‌هانزا روز چهارشنبه ۱۲ فروردین اعلام کرد که این شرکت به دلیل جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی و اختلالات ناشی از این جنگ برای تأمین سوخت، در حال آماده شدن برای کمبود احتمالی سوخت جت در خارج از اروپا است.

کارستک اشپور با بیان اینکه «اگر کمبودی در تأمین سوخت جت رخ دهد، احتمالاً ابتدا در خارج از اروپا احساس خواهد شد» گفت «برخی از فرودگاه‌های آسیایی به دلیل محدودیت در دسترسی به سوخت، دیگر پروازهای اضافی را نمی‌پذیرند.»

مدیر عامل شرکت هواپیمایی لوفت‌هانزا افزود که این گروه هواپیمایی آلمانی بیش از ۸۰ درصد از نیازهای سوخت خود را برای سال ۲۰۲۶ پوشش داده است.

معنای حمله متقابل جمهوری اسلامی به زیرساخت‌های کشورهای منطقه است بازار جهانی نفت را متأثر کرد.

قیمت نفت در بازارهای جهانی با افزایش بیش از ۶ درصدی روبرو شد. قیمت هر بشکه نفت برنت که طی دو روز گذشته به کانال ۹۰ دلاری در هر بشکه رسیده بود با ۶/۷۰ درصد افزایش به ۱۰۸ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت (WTI) نیز با ۶/۲۹ درصد افزایش به ۱۰۶/۴ دلار در هر بشکه رسیده است.

قیمت هر بشکه نفت ایران که فعلاً در معافیت تحریمی از سوی ایالات متحده قرار دارد با جهش ۱/۳۱ درصدی به ۱۱۴ دلار و ۹۵ سنت در هر بشکه رسید.

همچنان در نیمروز پنجشنبه به وقت آسیای مرکزی قیمت نفت روندی افزایشی را طی می‌کند. بسته بودن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی و کاهش صادرات نفت از سوی کشورهای خاورمیانه از یکسو، و از سوی دیگر انتظارات تورمی بازار جهانی انرژی به وضعیت خاورمیانه حتی در صورت پایان جنگ، از جمله سرنوشت تنگه هرمز، سبب افزایش قیمت انرژی و سوخت شده است.

اگر چه کارشناسان تأکید دارند بر اساس قوانین ایالات متحده، دونالد ترامپ تنها می‌تواند ۶۰ روز جنگ را بدون دریافت مجوز از کنگره ادامه دهد و در نتیجه تا نهایتاً سه هفته دیگر باید تکلیف جنگ را روشن کند اما نگرانی از افزایش و تداوم تنش‌ها، حتی در صورت اعلام پایان جنگ و آتش‌بس بازار انرژی را متأثر خواهد کرد.

نگرانی‌ها درباره بازار جهانی سوخت و انرژی در شرایطی پابرجاست که در آنسو اثرات پنج هفته جنگ در خاورمیانه بر قیمت سوخت و انرژی پدیدار شده است. برای نمونه آخرین آمارها نشان می‌دهد صادرات نفت عراق از حدود ۳/۵ میلیون بشکه به حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

از سوی دیگر سطح فعالیت شرکت‌های نفت، پتروشیمی و گاز و صنایع وابسته در کشورهای خلیج فارس به شدت

● اظهارات ترامپ که نشان می‌داد از دید او همچنان توافق با جمهوری اسلامی و بازگشایی تنگه هرمز، به‌عنوان شرط پایان جنگ، دور از دسترس است و همچنین تهدید وی به حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران که به معنای حمله متقابل جمهوری اسلامی به زیرساخت‌های کشورهای منطقه است بازار جهانی نفت را متأثر کرد.

● قیمت هر بشکه نفت برنت که طی دو روز گذشته به کانال ۹۰ دلاری در هر بشکه رسیده بود با ۶/۷۰ درصد افزایش به ۱۰۸ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت (WTI) نیز با ۶/۲۹ درصد افزایش به ۱۰۶/۴ دلار در هر بشکه رسیده است.

● قیمت هر بشکه نفت ایران که فعلاً در معافیت تحریمی از سوی ایالات متحده قرار دارد با جهش ۱/۳۱ درصدی به ۱۱۴ دلار و ۹۵ سنت در هر بشکه رسید.

قیمت جهانی نفت طی ساعات گذشته و بلافاصله پس از سخنرانی دونالد ترامپ درباره جنگ خاورمیانه با شش درصد افزایش روبرو شد. در دو روز گذشته و در پی اظهارات ترامپ درباره مذاکره و احتمال پایان جنگ قیمت نفت با کاهش قابل توجهی روبرو شده بود.

قیمت جهانی نفت در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۱۳ فروردین و بلافاصله پس از سخنرانی دونالد ترامپ درباره جنگ خاورمیانه روندی صعودی پیدا کرده است.

دونالد ترامپ با اشاره به تداوم جنگ بر حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران و «بازگرداندن ایران به عصر حجر» در صورت عدم توافق مقامات جمهوری اسلامی با آمریکا تأکید کرد.

اظهارات ترامپ در شرایطی که نشان می‌داد از دید او همچنان توافق با جمهوری اسلامی و بازگشایی تنگه هرمز، به‌عنوان شرط پایان جنگ، دور از دسترس است و همچنین تهدید وی به حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران که به

کانال فرضی اتصال خلیج فارس به دریای عرب؛ دلالت‌های امنیتی- راهبردی برای موازنه قدرت منطقه



کانال فرضی عربستان

تعدیل کند. در چنین شرایطی، راهبرد مؤثر می‌تواند بر تنوع بخشی به منابع قدرت ملی استوار باشد: توسعه کریدورهای ترانزیتی، تقویت ظرفیت‌های فناوریانه دریایی، سرمایه‌گذاری در دیپلماسی انرژی و مشارکت فعال در شبکه‌های اقتصادی منطقه. در دنیای در حال گذار، مزیت جغرافیا زمانی پایدار می‌ماند که با زیرساخت و فناوری همراه شود.

چالش‌های ساختاری و ملاحظات بلندمدت

اجرای یک کانال دریایی در مقیاس وسیع، با چالش‌های پیچیده فنی، مالی و زیست‌محیطی همراه است. تأمین منابع آب، مدیریت اثرات اکولوژیک، تضمین امنیت زیرساخت و بازگشت سرمایه، عواملی هستند که می‌توانند سرنوشت چنین پروژه‌ای را تعیین کنند. با این حال، حتی طرح و بررسی این ایده نشان‌دهنده جهت‌گیری جدید سیاست منطقه‌ای به سوی رقابت ژئواکونومیک و زیرساختی است؛ روندی که احتمالاً در دهه‌های آینده شدت خواهد گرفت.

جمع‌بندی راهبردی

طرح اتصال خلیج فارس به دریای عرب، بیش از آنکه صرفاً یک پروژه مهندسی باشد، نمادی از بازتعریف قدرت در خاورمیانه است. در نظم نوین منطقه‌ای، کشورهایی که بتوانند مسیرهای حیاتی تجارت و انرژی را شکل دهند یا کنترل کنند، نقش تعیین‌کننده‌تری در موازنه قوا خواهند داشت. از این منظر، تحلیل و رصد چنین طرح‌هایی برای سیاست‌گذاران و نخبگان امنیتی ایران و منطقه ضروری است. آینده امنیت خاورمیانه نه تنها در میدان‌های نظامی، بلکه در نقشه‌های زیرساختی و راهبردهای بلندمدت توسعه رقم خواهد خورد.

جدیدی برای عملیات دریایی ایجاد کند. دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد بدون عبور از مسیرهای پرتنش، سرعت واکنش عملیاتی و قابلیت جابه‌جایی نیروها را افزایش می‌دهد. همچنین، ایجاد پایگاه‌های لجستیکی در امتداد این کانال می‌تواند به گسترش شبکه پشتیبانی دریایی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات موضعی منجر شود. در مقابل، حفاظت از چنین زیرساختی نیز چالش‌های خاص خود را دارد. خطوط طولانی کشتیرانی داخلی، به‌ویژه در مناطق کم‌عمق، نیازمند سامانه‌های چندلایه امنیتی شامل پدافند هوایی، مراقبت الکترونیکی و حضور دائمی نیروهای واکنش سریع خواهد بود.

رقابت زیرساختی؛ تحول در مفهوم قدرت منطقه‌ای

تحولات چند دهه اخیر نشان داده است که قدرت در خاورمیانه دیگر صرفاً با شاخص‌های نظامی تعریف نمی‌شود. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های راهبردی، از بنادر و خطوط لوله گرفته تا کریدورهای زمینی و دریایی، به ابزار جدید نفوذ تبدیل شده است.

پروژه‌ای از این دست می‌تواند عربستان را به یک گره لجستیکی فرماندهی‌ای بدل کند؛ جایگاهی که علاوه بر درآمد اقتصادی، امکان تأثیرگذاری سیاسی و امنیتی در سطح گسترده را فراهم می‌آورد. این امر احتمالاً رقابت‌های تازه‌ای میان بازیگران منطقه‌ای برای حفظ یا ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی خود ایجاد خواهد کرد.

دلالت‌های راهبردی برای ایران

برای ایران، ظهور مسیرهای جایگزین انتقال انرژی می‌تواند نشانه‌ای از تغییر تدریجی در ساختار محیط امنیتی پیرامونی باشد. کاهش تمرکز تجارت انرژی بر مسیرهای سنتی، ممکن است نقش برخی مزیت‌های جغرافیایی را

● در محیط ژئوپلیتیکی خاورمیانه، هر پروژه زیرساختی بزرگ، به‌ویژه در حوزه انرژی و حمل‌ونقل دریایی، فراتر از یک طرح اقتصادی صرف تلقی می‌شود. تصویری که این روزها در محافل رسانه‌ای و تحلیلی بازنشر می‌شود، ایده ایجاد یک آبراه مصنوعی در خاک عربستان را نشان می‌دهد که خلیج فارس را به دریای عرب و خلیج عدن متصل می‌کند.

● صرف‌نظر از میزان واقع‌گرایی یا زمان‌بندی تحقق چنین طرحی، بررسی آن از منظر امنیت ملی، موازنه قوا و آینده دکترین‌های دریایی منطقه اهمیت اساسی دارد. زیرا حتی طرح‌های مفهومی نیز می‌توانند جهت‌گیری‌های راهبردی بازیگران منطقه‌ای را آشکار سازند.

● طرح اتصال خلیج فارس به دریای عرب، بیش از آنکه صرفاً یک پروژه مهندسی باشد، نمادی از بازتعریف قدرت در خاورمیانه است. در نظم نوین منطقه‌ای، کشورهایی که بتوانند مسیرهای حیاتی تجارت و انرژی را شکل دهند یا کنترل کنند، نقش تعیین‌کننده‌تری در موازنه قوا خواهند داشت.

● از این منظر، تحلیل و رصد چنین طرح‌هایی برای سیاست‌گذاران و نخبگان امنیتی ایران و منطقه ضروری است. آینده امنیت خاورمیانه نه تنها در میدان‌های نظامی، بلکه در نقشه‌های زیرساختی و راهبردهای بلندمدت توسعه رقم خواهد خورد.

شهرام سبزواری- در محیط ژئوپلیتیکی خاورمیانه، هر پروژه زیرساختی بزرگ، به‌ویژه در حوزه انرژی و حمل‌ونقل دریایی، فراتر از یک طرح اقتصادی صرف تلقی می‌شود. تصویری که این روزها در محافل رسانه‌ای و تحلیلی بازنشر می‌شود، ایده ایجاد یک آبراه مصنوعی در خاک عربستان را نشان می‌دهد که خلیج فارس را به دریای عرب و خلیج عدن متصل می‌کند.

صرف‌نظر از میزان واقع‌گرایی یا زمان‌بندی تحقق چنین طرحی، بررسی آن از منظر امنیت ملی، موازنه قوا و آینده دکترین‌های دریایی منطقه اهمیت اساسی دارد. زیرا حتی طرح‌های مفهومی نیز می‌توانند جهت‌گیری‌های راهبردی بازیگران منطقه‌ای را آشکار سازند.

ژئوپلیتیک گلوگاه‌ها؛ از انحصار جغرافیا تا تکثر مسیرها در نظریه‌های کلاسیک ژئوپلیتیک دریایی، گلوگاه‌ها و تنگه‌ها همواره به‌عنوان نقاط تمرکز قدرت تعریف شده‌اند. کنترل یا تأثیرگذاری بر مسیرهای حیاتی انرژی، به دولت‌ها امکان داده تا از ابزار جغرافیا برای بازدارندگی یا فشار استفاده کنند.

ایجاد یک مسیر جایگزین زمینی- دریایی در خاک عربستان، در صورت تحقق، می‌تواند انحصار راهبردی برخی گلوگاه‌ها را تضعیف و شبکه‌ای متکثر از مسیرهای انتقال انرژی ایجاد کند. این تحول نه تنها انعطاف‌پذیری بازار جهانی انرژی را افزایش می‌دهد، بلکه باعث تغییر در محاسبات امنیتی و نظامی منطقه نیز خواهد شد.

پیامدهای عملیاتی برای نیروهای دریایی از منظر نظامی، چنین آبراه می‌تواند عمق استراتژیک

مشروطه، پادشاهی و مرزهای تحریف: تحلیلی بر کنگره‌ی اخیر و بحران هویت در گفتمان‌های سیاسی

بهزاد پرنیان - در روزها و هفته‌های اخیر، برگزاری گردهمایی‌هایی تحت عنوانی چون «کنگره آزادی» یا نشست‌های مشابه، بار دیگر مسئله‌ای قدیمی اما تعیین‌کننده را به صحنه آورده است:

چه کسی از جانب ملت ایران سخن می‌گوید و بر چه مبنایی؟ این پرسش، صرفاً یک پرسش سیاسی نیست، بلکه پرسشی است در باب منشأ مشروعیت و نسبت آن با تاریخ، هویت و اراده‌ی جمعی.

زمانی اهمیت این پرسش دوچندان می‌شود که در چنین نشست‌هایی، طیفی ناهمگون از نیروها (از تجزیه‌طلبان و فدرالیست‌ها گرفته تا برخی افراد منتسب به پادشاهی‌خواهی) در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و در عین حال، مدعی نمایندگی «آینده‌ی ایران» نیز می‌شوند. اما تجربه‌ی تاریخی و مهم‌تر از آن، تجربه‌ی زیسته‌ی ملت ایران در سال‌های اخیر، معیارهایی به مراتب روشن‌تر از ادعاهای نظری برای سنجش این مدعیات بدست می‌دهد؛ معیارهایی که نه در اتاق‌های فکر، بلکه در خیابان‌ها، زندان‌ها و میدان‌های اعتراض شکل گرفته‌اند.

۱- معیار مشروعیت: از نظریه تا میدان

تحلیل هر جریان سیاسی، اگر از واقعیت میدانی جدا شود، ناگزیر به انتزاعی بی‌اثر فروکاسته خواهد شد. در ایران معاصر، این «واقعیت میدانی» در خیزش سراسری ملت و آنچه «انقلاب شیروخورشید» نامیده شده، تبلور یافته است.

در این خیزش، از کردستان تا بلوچستان، از تهران تا آذربایجان و از مازندران تا خلیج فارس، یک الگوی مشترک قابل تشخیص است:

نه تکثر تجزیه‌طلبانه، بلکه وحدت ملی حول مفهوم ایران یکپارچه؛ و همزمان، همگرایی پیرامون یک نقطه کانونی نمادین: سهریار ایران رضا شاه دوم پهلوی. این همگرایی، نه محصول تبلیغات، بلکه حاصل نوعی «تشخیص تاریخی» است؛ تشخیصی که از دل تجربه‌ی شکست‌ها، خیانت‌ها و آزمون‌های پرهزینه برآمده است. بر همین اساس، چهار اصل بنیادین بعنوان شاقول مشروعیت تثبیت شده‌اند:

حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، سکولاریسم، و رجوع به رأی ملت.

و این حقیقتی است که هر گفتمانی از این چارچوب فاصله بگیرد، حتی اگر در لفظ مدعی دموکراسی باشد، در عمل از مدار اراده‌ی ملی خارج خواهد بود.

زیرا در ایران، دموکراسی بدون وحدت ملی، بسرعت به بی‌ثباتی و گسست منتهی خواهد شد.

۲- کنگره‌ها و مسئله‌ی «نماینده‌ی جعلی»

در گردهمایی اخیر، مفاهیمی چون «ملت ایران!» یا الگوهای خاصی از فدرالیسم مطرح شد؛ مفاهیمی که در ظاهر، با ادبیات حقوق اقوام یا دموکراسی توجیه می‌شوند، اما در بستر ایران، واجد پیامدهایی کاملاً متفاوت‌اند.

ایران، نه مجموعه‌ای از «ملت» پراکنده، بلکه یک ملت تاریخی با تنوع فرهنگی است.

این تمایز، صرفاً واژگانی نیست، بلکه بنیادین است: در ایران، تنوع درون یک کلیت تاریخی شکل گرفته است، نه در قالب چند هویت جداگانه‌ی سیاسی.

از این‌رو، طرح مفاهیمی که این وحدت را مخدوش می‌کنند، عملاً در تقابل با همان تجربه‌ای قرار می‌گیرد که در خیابان‌های ایران، با هزینه‌ی خون جوانان شکل گرفته است. در اینجا، مسئله دیگر صرفاً اختلاف نظر نیست، بلکه شکاف میان دو سطح است:

گفتمان ملی برآمده از واقعیت، و گفتمان‌های برساخته‌ی مبتنی بر ترجمه و اقتباس.

۳- سوءاستفاده از نام مشروطه: از تحریف مفهومی تا پروژه‌ی سیاسی

یکی از مهم‌ترین محورهای این بحران، تلاش برخی جریان‌ها برای بازتعریف مشروطه است.

این جریان‌ها، با بهره‌گیری از ترجمه‌های سطحی و گاه عامدانه، می‌کوشند «مشروطه» را به «کنستیتوشنالیسم» به معنای عام آن تقلیل دهند و از دل آن، امکان گذار به جمهوری یا پادشاهی غیرمروثی را استخراج کنند.

اما این قرائت، از چند جهت مخدوش است: نخست، از نظر تاریخی: نهضت مشروطه در ایران، نه برای نفی پادشاهی، بلکه برای محدودسازی قدرت در چارچوب نهاد پادشاهی شکل گرفت.

دوم، از نظر حقوقی: قانون اساسی مشروطه، پادشاهی را نه یک عنصر تزئینی، بلکه یک رکن ساختاری در تحقق حاکمیت ملی تعریف می‌کند.

سوم، از نظر فلسفه‌ی سیاسی: مشروطه در ایران، صورت‌بندی خاصی از نسبت میان «جمهور» و «نظم تاریخی» است (نسبتی که در آن، اراده‌ی ملت در قالب نهادی پایدار استمرار می‌یابد).

و چهارم، از نظر هویتی: گسست مشروطه از پادشاهی، به معنای بریدن یک سنت از بستر تاریخی آن است. (امری که نتیجه‌ای جز بی‌ریشگی سیاسی نخواهد داشت.)

از این‌رو، آنچه امروز بعنوان «بازخوانی مشروطه» مطرح می‌شود، در بسیاری موارد، نه بازخوانی، بلکه بازسازی ایدئولوژیک با اهداف سیاسی مشخص است.

۴- پادشاهی‌خواهی یا برجسب پادشاهی‌خواهی؟

یکی از پدیده‌های قابل توجه، ظهور افرادی است که خود را «پادشاهی‌خواه» معرفی می‌کنند، اما در عمل، در کنار گفتمان‌هایی قرار می‌گیرند که با اصول بنیادین این جریان در تضاد است.

این وضعیت، نشانه‌ی یک بحران عمیق‌تر است: بحران تعریف هویت در پادشاهی‌خواهی.

پادشاهی‌خواهی، صرفاً یک موضع سلبی نیست؛ بلکه یک چارچوب ایجابی است با مؤلفه‌های روشن:

- پیوند با پروژه دولت‌سازی مدرن در دوران پهلوی

- تأکید بر ایران‌گرایی و ملت‌محوری

- پذیرش نهاد پادشاهی مشروطه بعنوان ضامن تداوم ملی بدون این مؤلفه‌ها، «پادشاهی‌خواهی» به یک برجسب تهی فروکاسته می‌شود.

۵- نفوذ، تحریف و تکرار یک الگو

وقایع سال ۱۳۵۷ را نمی‌توان در چارچوب یک «جنبش ملی» تحلیل کرد؛ بلکه آنچه رخ داد، برآیندی از یک پروژه پیچیده قدرت، متشکل از فشارهای خارجی، خطاهای محاسباتی در سطح بین‌المللی، و بهره‌برداری جریان‌های ایدئولوژیک از شرایط داخلی بود.

در این میان، نقش دولت‌هایی چون جیمی کارتر و والرئیسکارداستن، همراه با هماهنگی‌هایی که در قالب نشست گوادالوپ میان قدرت‌های غربی شکل گرفت، نشان‌دهنده‌ی آن است که این روند، صرفاً یک تحول خودجوش داخلی نبود، بلکه در بستر یک آرایش ژئوپولیتیک گسترده‌تر معنا می‌یافت. در سطح داخلی نیز، گفتمان‌های چندپهلوی و مفاهیم تعریف‌نشده (از «آزادی» گرفته تا «جمهوریت») به ابزارهایی برای بسیج هیجانی بدل شدند؛ ابزارهایی که فاقد چارچوب نظری و نهادی روشن بودند و در نهایت، به استقرار یک نظم ایدئولوژیک انجامیدند.

امروز نیز نشانه‌هایی از بازتولید همان الگو دیده می‌شود: بزرگ‌نمایی چهره‌های حاشیه‌ای، برجسته‌سازی «پادشاهی‌خواهان بدلی»، و تولید عامدانه ابهام در فضای عمومی.

در این میان، هم‌پوشانی منافع میان برخی جریان‌های تجزیه‌طلب و بازیگران سیاسی، بیش از آنکه تصادفی باشد، نشان‌دهنده نوعی هم‌راستایی در تضعیف گفتمان ملی و ایجاد انحراف در مسیر آینده ایران است.

۶- بازآفرینی مشروطه: پویایی در درون تداوم

با این حال، دفاع از مشروطه هرگز به معنای ایستایی نیست، بلکه خود تجلی پویایی در بستر تداوم تاریخی است. مشروطه، در ذات خود، یک نظم ایستا نیست، بلکه چارچوبی است که امکان انطباق با تحولات زمانه را فراهم می‌کند، بدون آنکه پیوند خود را با ریشه‌های تاریخی از دست بدهد. از این منظر، بازآفرینی مشروطه، نه یک گسست، بلکه یک تکامل درونی است.

پس از گذار از نظام کنونی، مجلس مؤسسانی برآمده از رأی ملت می‌تواند با اتکا به اصولی چون سکولاریسم، لائسیته و لیبرالیسم، به بازتنظیم ساختارهای حقوقی بپردازد.

اما این بازتنظیم، در چارچوب همان اصل بنیادین صورت می‌گیرد:

تداوم نهاد پادشاهی مشروطه بعنوان ستون ثابت ملی.

۷- وظیفه نیروهای ملی: از مرزبندی تا روشنگری

در چنین شرایطی، مسئولیت نیروهای ایران‌گرا و پادشاهی‌خواه، صرفاً نقد نیست، بلکه روشنگری تاریخی، شفاف‌سازی مفاهیم، مرزبندی دقیق با گفتمان‌های تحریف‌گر و گفت‌وگو با بدنه اجتماعی است؛ زیرا نبرد اصلی، پیش از آنکه سیاسی باشد، مفهومی است. هر جا که تعریف‌ها مخدوش شود، تصمیم‌ها نیز منحرف خواهد شد.

نتیجه‌گیری: مشروطه، نه ابزار؛ بلکه بنیان

مشروطه، میراثی است که با فداکاری چهره‌هایی چون ستارخان، باقرخان و حتی هاوارد باسکرویل بدست آمد و در دوران پهلوی به اوج کارآمدی خود رسید.

این میراث، نه پلی برای عبور، بلکه بنیانی برای استمرار است. بنیانی که در آن، ایران نه صرفاً یک جغرافیا، بلکه یک ملت تاریخی با حافظه، هویت و اراده‌ی مشترک است.

امروز، در برابر پروژه‌های تحریف و ابهام، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، بازگشت به یک اصل ساده اما بنیادین است:

ایران، بعنوان یک ملت واحد، و اراده‌ی آن، بعنوان تنها منبع مشروعیت.

و هر گفتمانی که در پی تضعیف این دو باشد (چه در پوشش دموکراسی، چه در لباس مشروطه) در نهایت، در تقابل با منافع ملی قرار خواهد گرفت.



کیهان
ضرورت تأسیس انجمن دوستی ایران و اسرائیل



کیهان
گارد جاویدان ایران؛ راهنمای آغاز
ساخت گروه‌های کوچک، برای ضیافت بزرگ ملی
گارد جاویدان و مسئولیت بزرگ آن
ایران را پس می‌گیریم



کیهان
شرایط جنگی یا هراس از اعتراضات گسترده دانشجویی؟
کلاس‌های دانشگاه‌های ایران تا پایان ترم آنلاین شد؛
در نشست «سی‌یگ»:
ضربه نهایی به رژیم را مردم ایران خواهند زد



کیهان
متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی
در نشست «سی‌یگ»:
ضربه نهایی به رژیم را مردم ایران خواهند زد



کیهان
شاهزاده رضا پهلوی:
کمیته تدوین مقررات عدالت انتقالی و اعضایش از حمایت و اعتماد من برخوردارند



کیهان
ایران نه ویتنام است، نه عراق و نه افغانستان



کیهان
گزارش ویژه:
ایرانیان ساکن امارات زیر فشار روانی و نگرانی از سرنوشت اقامت و اموالشان
فروردین ۱۴۰۵



کیهان
ادامه افزایش قیمت جهانی نفت؛
ایهام درباره سرنوشت حمل‌ونقل دریایی در تنگه هرمز



کیهان
صالحه اکبری، تکنسین اتاق عمل و کوهنورد، با شلیک مأموران سروکوب در خانه‌اش جان باخت



کیهان
۱۰ میلیون دلار پاداش برای شناسایی عوامل سایبری جمهوری اسلامی



کیهان
جهش قیمت نفت به بیش از ۱۱۶ دلار در پنجمین هفته جنگ خاورمیانه



کیهان
حملات سنگین به اصفهان با بمب‌های سنگرشکن؛ آمریکا به دنبال محموله نیم تن اورانیوم ۶۰ درصدی



کیهان
کلاس درس مدارس در همه مقاطع تا پایان فروردین آنلاین برگزار می‌شود



کیهان
رابطه‌ی تضعیف و فروپاشی؛ دینامیک بقای حکومت‌ها در شرایط بحران



کیهان
بمباران سفارت سابق آمریکا در تهران



کیهان
کارخانه‌های فولاد خوزستان و فولاد مبارکه اصفهان هدف حملات نظامی قرار گرفت



کیهان
نیویورک‌تایمز: رایش خبرنگار آمریکایی در بغداد و طن دخالت شبه‌نظامیان نزدیک به جمهوری اسلامی



کیهان
عباس جدیدی اسلحه بدست در ایست بازرسی



کیهان
«کودک‌سربازی» حکومتی؛ برنامه‌ی سپاه پاسداران برای جذب کودکان بالای ۱۲ سال



کیهان
انهدام مجتمع آب سنگین خنداب اراک



کیهان
توقف تولید در مجتمع فولاد خوزستان به علت خسارت ناشی از حملات نظامی



کیهان
عربستان موفق به انتقال نفت از مسیر جایگزین تنگه هرمز شد؛ نگرانی بابت اقتصاد منطقه و جهان ادامه دارد



کیهان
ادعای یک نماینده مجلس شورای اسلامی: تدوین طرح سه‌فوریتی «حمایت از حقوق هسته‌ای»



کیهان
بحران کم‌آبی؛ ذخائر آب چند سد مهم مشهود تمام شد



کیهان
صدور اتهام «فساد فی الارض» علیه شهروندان به بهانه همکاری با شبکه‌های ماهواره‌ای



ادعای ترامپ:
«رئیس جمهور جدید ایران»
درخواست آتش بس کرده است



دونالد ترامپ:
آمریکا ۳۵۵۴ هدف دیگر در ایران دارد



دیدار شاهزاده رضا پهلوی با
متخصصان و فعالان حوزه فناوری
در سیلیکون ولی



دونالد ترامپ: یک هفته دیگر
خواهیم فهمید قالیباف واقعاً با آمریکا
همکاری می‌کند یا نه



وال استریت ژورنال:
ترامپ در حال بررسی عملیات نظامی برای
خارج کردن اورانیوم ایران است



مارکو روبیو:
فعلتاً مشخص نیست چه کسی در
تهران واقعاً تصمیم‌گیرنده است



ترامپ مهلت بازکردن تنگه هرمز
را باز هم تمدید کرد:
سپاه پاسداران: تنگه باز نخواهد شد



آمریکا در حال تدارک عملیات
زمینی در ایران است



اعدام چهار زندانی سیاسی طی دو روز:
خطر اجرای حکم اعدام پنج متهم
بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴



دولت آرژانتین، سپاه پاسداران را
در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد



تورم اقتصاد ایران در نخستین
هفته‌های جنگ به مرز ۷۲ درصد رسید



ادامه موج بازداشت شهروندان
توسط جمهوری اسلامی



حذف هدفمند فرماندهان لجستیک نیروهای مسلح:
بازداشت صراف‌های مرتبط با سپاه
در امارات



گردستان:
ماموران ایست بازرسی یک
جوان را به قتل رساندند



سیامک صادقی چهارزی،
فعال صنفی آموزگاران، بازداشت شد



نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره
به شرایط جنگی:
مردم در مصرف برق، گاز و آب صرفه‌جویی کنند



ابطال اقامت ۱۲۰۰ شهروند
امارات متحده عربی مقیم ایران



فرمانده یگان حفاظت
سازمان منابع طبیعی کشته شد



مجلس شورای اسلامی روی هوا:
هراس از حملات نظامی هدفمند
اسرائیل و آمریکا



سپاه کشته شدن تنگسیری را
تایید کرد



رکود شدید در بازار طلا؛
تهجد بدون ثبت حتی یک معاه
هشتم فروردین



جمهوری اسلامی حضور تیم‌های
ورزشی ایران در کشورهای درگیر جنگ
خاورمیانه را ممنوع کرد



گزینه آمریکا برای امثال قالیباف:
«تسلیم» یا «مرگ»
مارکو روبیو: جمهوری اسلامی نمی‌تواند
ترامپ را سربرواند



نیویورک تایمز: شکاف در رأس
قدرت ایران، هماهنگی نظامی را مختل
کرده است



سخنگوی قوه قضاییه:
هرگونه همکاری اطلاعاتی با اسرائیل
مجازات توقیف اموال و اعدام دارد



عکس هفته | سال زایش دوباره تمدن ۲۵۰۰ ساله ایران

شاهزاده رضا پهلوی هفته گذشته در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه اقدام سیاسی محافظه‌کاران آمریکا (CPAC) تأکید کرد: «امید و باور من اینست که تاریخ، ۲۰۲۶ را همچنين به عنوان سال زایش دوباره ایران به یاد خواهد آورد. آنچه مردم من برایش می‌جنگند، زایش دوباره تمدن ۲۵۰۰ ساله ماست. هنگامی که صفحه سیاه رژیم نامشروع اسلامی ورق بخورد، ایران به همان سنت و میراثی بازخواهد گشت که به آن تعلق دارد.»